

- ۱ • بر ساخت تجربه عشق در بستر خانواده ایرانی
عاطفه باقریان زیارت؛ علی اکبر مجدی؛ غلامرضا صدیق اورعی
- ۳۳ • تأملی بر نشانه‌های کالایی شدن امر مقدس با تأکید بر زیارت
زهره بستان؛ علی یوسفی؛ سپیده پارسا پزوه
- ۶۷ • ترس از طلاق و نگرش به ازدواج: مطالعه‌ای در میان دختران مجرد شهر تهران
مرجان رشوند سرخکوله؛ فاطمه وجدانی
- ۹۹ • تحلیلی بر شاخص‌های شهر دوستدار کودک با تأکید بر فضاهای آموزشی (مطالعه موردی: دبیرستان
های متوسطه دوم شهر اسلام آباد غرب)
جمال نجفی؛ صفیه دامن‌باغ؛ مهناز حسینی سیاه‌گلی
- ۱۳۳ • مطالعه عوامل خانوادگی مؤثر بر گرایش به کج‌روی اجتماعی: مروری بر داده‌های ثانویه ۱۳۸۰ الی
۱۴۰۴
طاها عشایری؛ سولماز آوریده
- ۱۶۵ • تبیین جامعه‌شناختی رابطه بین تکررگرایی با عرفی شدن دبیران آموزش و پرورش شهر اصفهان
ناصر نظریان؛ علی قنبری برزین؛ سیدعلی هاشمیان‌فر؛ فاطمه طبیبی
- ۲۰۹ • مطالعه جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر امید اجتماعی شهروندان شهر ایلام با استفاده از رویکرد
مدل‌سازی معادلات ساختاری
مهین حسینی تبار؛ محسن نیازی
- ۲۴۳ • واکاوی مطالعات بوروکراسی در ایران: یک مرور نظام‌مند
محمد شمسی؛ رضا همتی؛ مهدی مالمیر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه فردوسی مشهد
علوم اجتماعی
(نشریه علمی)

سال بیست و دوم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴، شماره پیاپی ۵۳

بر اساس مصوبه وزارت عتف از سال ۱۳۹۸، کلیه نشریات دارای درجه "علمی - پژوهشی" به نشریه "علمی" تغییر نام یافتند.

صاحب امتیاز: دانشگاه فردوسی مشهد

مدیر مسئول: دکتر حسین بهروان (استاد دانشگاه فردوسی مشهد)

سردبیر: دکتر حسین بهروان (استاد دانشگاه فردوسی مشهد)

هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

دکتر فاطمه گلایی، استاد دانشگاه تبریز (دکترای جامعه‌شناسی)	دکتر عبدالعلی لهسایی‌زاده، استاد دانشگاه شیراز (دکترای جامعه‌شناسی)
دکتر حسین بهروان، استاد دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای جامعه‌شناسی)	دکتر محسن نوغانی دخت بهمنی، دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای جامعه‌شناسی)
دکتر غلامرضا جمشیدیها، استاد دانشگاه تهران (دکترای جامعه‌شناسی)	دکتر منصور وثوقی، استاد دانشگاه تهران (دکترای جامعه‌شناسی)
دکتر سیدمحمد سیدمیرزائی، استاد دانشگاه شهید بهشتی (دکترای جمعیت‌شناسی)	دکتر علی یوسفی، دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای جامعه‌شناسی)
دکتر یعقوب فروتن، دانشیار دانشگاه مازندران (دکترای جمعیت‌شناسی)	دکتر محمود صدری، استاد دانشگاه زنان تگزاس (دکترای جامعه‌شناسی)
دکتر محمدتقی شیخی، استاد دانشگاه الزهرا (دکترای جامعه‌شناسی)	رافائل اسمورژینسکی، دانشیار جامعه‌شناسی، موسسه فلسفه و جامعه‌شناسی آکادمی علوم لهستان
دکتر رامپور صدر نوی، استاد دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای علوم اجتماعی)	

مقالات نمودار آرای نویسندگان است و به ترتیب حروف الفبای نام خانوادگی نویسنده اصلی به چاپ رسیده است.

مدیر داخلی: دکتر حسین میرزایی

ویراستار ادبی: راهله کمالی

ویراستار انگلیسی: مرکز ویراستاری انگلیسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی

حروفچین و صفحه‌آرا: محبوبه ایران‌پاک

کارشناس اجرایی دفتر مجله: زهرا بنی‌اسد

شمارگان: ۳۰ نسخه

نشانی: مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، کد پستی ۹۱۷۹۴۸۸۳، نمابر: ۳۸۸۰۷۰۶۰ (۰۵۱)

۳۸۸۰۵۱۹۴ (۰۵۱)، سردبیر: ۳۸۸۰۵۱۹۲ (۰۵۱).

خارج کشور: ۲۵ دلار (آمریکا- سالانه)، ۲۰ دلار (سایر کشورها- سالانه)

نشانی اینترنتی مجله، ارسال مقاله و حاوی متن کامل تمام مقالات:

http://social.um.ac.ir

Email: Jss@ferdowsi.um.ac.ir

شماره پرونده: ۳/۱۱/۵۴۳ - این مجله در نشست کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور مورخ ۸/۳/۲۳، رتبه علمی - پژوهشی دریافت نموده است.

این مجله در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

- پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)
- پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)
- پایگاه بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran)

شماره پروانه انتشار از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۴/۶۰۷ مورخ ۱۳۸۵/۲/۱۷

داوران این شماره به ترتیب حروف الفبا

دکتر وکیل احمدی (دانشیار گروه جامعه شناسی، دانشگاه رازی کرمانشاه)
دکتر یعقوب احمدی (دانشیار جامعه شناسی، دانشگاه پیام نور سنج) (سنندج)
دکتر عهدیه اسدپور (استادیار گروه آموزش علوم اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان تهران)
دکتر مریم اسکافی نوغانی (استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد)
دکتر احمد رضا اصغرپور ماسوله (دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر ابوالفضل اکبری (استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور تهران)
دکتر محمود تیموری (استادیار گروه آموزش علوم اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان تهران)
دکتر غلامرضا حسنی درمیان (دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر بهبود خادمی (استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نی ریز)
دکتر مریم رحمانی (استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه بجنورد)
دکتر مرضیه شهریاری (استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز)
دکتر صادق صالحی (استاد جامعه شناسی محیط زیست، گروه جامعه شناسی توسعه، دانشگاه مازندران)
دکتر سعیده گروسی (استاد گروه علوم اجتماعی، دانشگاه شهید باهنر کرمان)
دکتر رضا معصومی راد (استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه گیلان)
دکتر حسین میرزائی (دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر فرامرز نودهی (مدرس جامعه شناسی، دانشگاه فرهنگیان مشهد)
دکتر نوروز نیمروزی (استادیار جامعه شناسی، دانشگاه گلستان)

۱. مقاله‌ها حداکثر در ۸۵۰۰ کلمه (با احتساب چکیده و منابع) از طریق پرتال مجله به آدرس <http://social.um.ac.ir> ارسال شوند. ذکر مشخصات نویسنده اصلی و ترتیب اسامی نویسندگان (رتبه علمی، گرایش تخصصی، محل خدمت، تلفن تماس و نشانی پست الکترونیکی) ضروری است.

۲. فاصله خطوط ۱، حاشیه از طرفین ۳ و از بالا ۵ سانتی متر و پایین ۴ سانتی متر، متن مقاله با قلم بی لوتوس ۱۳ و چکیده با قلم بی لوتوس ۱۲ باشد.

۳. ساختار مقاله: صفحه عنوان، چکیده فارسی به همراه لاتین آن (حداکثر ۳۰۰ کلمه)، کلیدواژه‌ها (حداکثر ۵ واژه)، متن مقاله، یادداشت‌ها، منابع.

– صفحه عنوان: نام مقاله به صورت کامل

نام نویسنده (رتبه علمی، رشته و محل خدمت)

ایمیل نویسندگان (در زیر نام هر نویسنده، ایمیل مربوط به آن نویسنده ذکر شود).

نویسنده مسئول و عهده‌دار مکاتبات مشخص شود.

– متن مقاله: در متن مقاله، رعایت و ذکر همه بخش‌های مقاله، شامل: مقدمه، مبانی نظری، روش تحقیق، یافته‌های پژوهش، بحث و نتیجه‌گیری الزامی است.

– ارجاعات مقاله، درون‌متنی و براساس APA نسخه عبادی (به راهنمای آن در سامانه نشریه مراجعه شود).

– در نقل قول‌ها (خواه مستقیم، خواه غیرمستقیم)، استناد به آرا و اقتباس از آثار دیگران، حتماً نام نویسنده/ نویسندگان و سال انتشار و در صورت لزوم شماره صفحه اثر داخل پرانتز در متن آورده شود. هرگاه نقل قول مستقیم باشد، شماره صفحه مطلب در اثر اصلی نیز همان‌جا در متن آورده شود.

نقل قول‌های مستقیم مفصل، به صورت جدا از متن، با تورفتگی از دو طرف و فونت ریزتر آورده شود. اسامی و واژه‌های غیرفارسی فارسی نیز به صورت فارسی نوشته شود و معادل لاتین آن‌ها در پاورقی بیاید.

– در نقل قول‌هایی که دو نویسنده دارد، در هر بار ارجاع، نام هر دو نفر ذکر شود و در نقل قول‌هایی که بیش از دو نویسنده دارد، اگر تعداد نویسندگان پنج نفر یا کم‌تر باشد، فقط در اولین بار ارجاع نام همه نویسندگان ذکر شود و در دفعات بعد، نام نویسنده اول و «دیگران» بیاید. همچنین در صورتی که تعداد نویسندگان شش نفر یا بیش‌تر باشد، تنها نام نفر اول و عبارت «و دیگران» ذکر شود.

– در پایان مقاله، تنها منابعی که در متن مقاله نام برده و ارجاع داده شده است، بیاید. منابع پایان مقاله براساس ترتیب الفبایی نام خانوادگی نویسنده/ نویسندگان به شرح زیر آورده شود:

– کتاب: نام خانوادگی، حرف اول نام نویسنده/ نویسندگان. (تاریخ انتشار داخل پرانتز). نام کتاب (ایتالیک). نام مترجم/ مصحح. محل نشر: نام ناشر.

- **مقاله:** نام خانوادگی، حرف اول نام نویسنده/ نویسندگان. (تاریخ انتشار داخل پرانتز). عنوان مقاله. نام مترجم. نام نشریه (ایتالیک)، دوره/ سال (شماره)، شماره صفحات اول و آخر مقاله.
- **مجموعه مقالات:** نام خانوادگی، حرف اول نام نویسنده/ نویسندگان. (تاریخ انتشار داخل پرانتز). عنوان مقاله. نام ویراستار یا گردآورنده. نام مجموعه مقالات (ایتالیک). محل نشر: ناشر.
- **همایش‌ها:** نام خانوادگی، حرف اول نام نویسنده/ نویسندگان. (تاریخ انتشار داخل پرانتز). عنوان مقاله. زمان دقیق همایش (روز و سال و ماه). مکان همایش. شماره صفحات اول و آخر مقاله.
- **سایت‌های اینترنتی:** نام خانوادگی، حرف اول نام نویسنده/ نویسندگان. عنوان موضوع (ایتالیک)، نام و آدرس سایت/ اینترنتی (آخرین تاریخ و زمان تجدید نظر در سایت اینترنتی، شامل روز و ماه و سال).
- **رساله‌های تحصیلی:** نام خانوادگی، حرف اول نام نویسنده. (تاریخ نگارش داخل پرانتز). نام پایان‌نامه (ایتالیک). مقطع تحصیلی. نام دانشکده. نام دانشگاه، کشور.
- در موارد دیگر نیز انواع منابع به شیوه APA عمل شود.
۴. متن کامل مقاله نباید در هیچ‌یک از مجلات داخل یا خارج از کشور و یا در مجموعه‌مقاله‌های همایش‌ها چاپ شده باشد. نویسندگان/ نویسندگان موظفند در صورتی که مقاله آن‌ها در جای دیگر چاپ شده یا پذیرش چاپ آن اعلام شده باشد، موضوع را به آگاهی دفتر مجله برسانند.
۵. مدیریت مجله در ویراستاری ادبی مقاله، بدون تغییر محتوای آن، آزاد است.
۶. فایل الگوی نگارش مقاله مطابق قواعد پیش گفته در سامانه مجله موجود است.

فهرست مندرجات

۱-۳۲	▪ بر ساخت تجربه عشق در بستر خانواده ایرانی عاطفه باقریان زیارت، علی اکبر مجدی، غلامرضا صدیق اورعی
۳۳-۶۶	▪ تأملی بر نشانه‌های کالایی شدن امر مقدس با تأکید بر زیارت زهره بستان، علی یوسفی، سپیده پارسا پزوه
۶۷-۹۷	▪ ترس از طلاق و نگرش به ازدواج: مطالعه‌ای در میان دختران مجرد شهر تهران مرجان رشوند سرخکوله، فاطمه وجدانی
۹۹-۱۳۲	▪ تحلیلی بر شاخص‌های شهر دوستدار کودک با تأکید بر فضاهای آموزشی (مطالعه موردی: دبیرستان‌های متوسطه دوم شهر اسلام آباد غرب) جمال نجفی، صفیه دامن‌باغ، مهناز حسینی سیاه‌گلی
۱۳۳-۱۶۴	▪ مطالعه عوامل خانوادگی مؤثر بر گرایش به کج‌روی اجتماعی: مروری بر داده‌های ثانویه ۱۳۸۰ الی ۱۴۰۴ طاها عشایری، سولماز آوریده
۱۶۵-۲۰۸	▪ تبیین جامعه‌شناختی رابطه بین تکثرگرایی با عرفی شدن دبیران آموزش و پرورش شهر اصفهان ناصر نظریان، علی قنبری برزین، سیدعلی هاشمیان‌فر، فاطمه طیبی
۲۰۹-۲۴۱	▪ مطالعه جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر امید اجتماعی شهروندان شهر ایلام با استفاده از رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری مهین حسینی تبار، محسن نیازی
۲۴۳-۲۸۰	▪ واکاوی مطالعات بوروکراسی در ایران: یک مرور نظام‌مند محمد شمسی، رضا همتی، مهدی مالمیر

علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد (نشریه علمی)

سال بیست و دوم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴، شماره پیاپی ۵۳

Love Experience Construct Within the Context of the Iranian Family¹

Atefeh Bagheriyan Ziarat

MA student in Social Science Research, Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Ali Akbar Majdi²

Associate Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Gholamreza Sedigh Ouraee

Associate Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Received: 7 September 2016 Revised: 6 January 2017 Accepted: 17 January 2017

Abstract

The experience of love, uniquely constructed for each person, is shaped by a combination of personal and social factors that collectively build the individual's social world. The family is among the most pivotal environments influencing the quality of this experience. Parenting constructs within the family can significantly impact an individual's romantic experiences. Specifically, parenting styles that meet a person's need for respect, validation, and acceptance tend to predispose them toward love experiences rooted in consumerist tendencies. Conversely, parenting styles that allow children to transcend the lower levels of Maslow's hierarchy of needs—ultimately enabling them to pursue self-actualization—foster willingness for a generative, profound romantic experience. The present study aims to understand how the quality of a person's relationships within the family manifest in the quality of their romantic connections. To

1. This article is extracted from the Master's thesis of the first author submitted to Ferdowsi University of Mashhad.

2. Corresponding Author. Email: majdi@um.ac.ir



©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license: <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

How to cite this article: Bagheriyan Ziarat, A., Majdi, A. A. and Sedigh Ouraee, G. (2025). Love Experience Construct Within the Context of the Iranian Family. Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences, 22(3), 01-32. Doi: 10.22067/social.2025.55402.0

address this, we used narrative inquiry method to reconstruct the romantic stories of 5 women and 6 men and collected data on relationship quality with their parent's families. Overall, two attachment patterns emerged: secure and insecure. Participants who experienced a safe, attentive family environment captured love experience with an efficient self-perception associating love experience with a sense of fulfilment, growth and satisfaction. In contrast, those who were raised in a cold, insecure, and neglectful familial environments, interacting with inattentive and dismissive parents, exhibited a deficient self-perception, felt insecure, and as a coping mechanism, used their romantic relationships to compensate for their vulnerabilities. Results suggest that participants experienced their romantic relationships within two distinct patterns. Those who were satisfied with their romantic experiences and viewed love as a means of personal growth experienced secure parenting styles and entered their relationships with a sense of sufficiency. On the contrary, those who found their romantic experiences detrimental experienced insecure parenting styles, and their romantic relationships were primarily reactive responses to their initial insecurities.

Keywords: Love Experience, Family, Narrative Research

برساخت تجربه عشق در بستر خانواده ایرانی^۱

عاطفه باقریان زیارت (دانشجوی کارشناسی ارشد رشته پژوهش علوم اجتماعی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات

و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

bagheriyan.atefeh@yahoo.com

علی اکبر مجدی (دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران،

نویسنده مسئول)

majdi@um.ac.ir

غلامرضا صدیق اورعی (دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد،

مشهد، ایران)

sedighourae@um.ac.ir

چکیده

تجربه عشق، تجربه‌ای است که برای هر فردی ساخته می‌شود و در این برساخت مجموعه‌ای از عوامل فردی و اجتماعی دخیل هستند که درواقع جهان اجتماعی فرد را شکل می‌دهند. بستر خانواده از مهمترین زمینه‌هایی است که کیفیت این تجربه را برای افراد رقم می‌زند. ساختارهای فرزندپروری در خانواده می‌تواند بر تجربه عاشقانه فرد اثرگذار باشد. ساختار فرزندپروری که فرد را در سطوح نیازهای احترام، تأیید و پذیرش نگاه می‌دارد، او را مهيای تجربه عشق مبتنی بر مصرف‌کنندگی می‌کند. در مقابل شیوه فرزندپروری که کودک را از سطح نیازهای سوم و چهارم هرم مزلو گذرانیده و به فرد اجازه می‌دهد که تبدیل به انسانی خوش‌ستار تحقیق خود گردد، آمادگی تجربه عشقی زایشگر را در او به وجود می‌آورد. هدف تحقیق حاضر، پاسخ به این پرسش است که: کیفیت روابط فرد در خانواده والدی، چگونه در کیفیت روابط عاشقانه وی نمود پیدا می‌کند؟ برای پاسخ به این سؤال با راهبرد روایت‌پژوهی به سراغ ۵ زن و ۶ مرد رفته و داستان رابطه عاشقانه آنها را

۱. این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول در دانشگاه فردوسی مشهد است.

بازسازی نمودیم و همچنین داده‌هایی درباره کیفیت روابط آنها با خانواده والدیشان کسب نمودیم. به طور کلی دو سبک زیست/ایمن و نا/ایمن از پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان استخراج گردید. توضیح اینکه آن دسته از مشارکت‌کنندگانی که در فضای خانواده، محیطی امن و والدینی متوجه را تجربه کرده‌اند، تجربه عشق را با ادراک بسندگی از خود آغاز نموده و تجربه‌ای تکامل‌بخش و رضایتمندانه از عشق داشته‌اند. در مقابل مشارکت‌کنندگانی که در کودکی و نوجوانی فضای خانوادگی سرد، غیرصمیمی، نا/ایمن و طردکننده را تجربه نموده‌اند و با والدینی غیرمتوجه تعامل داشته‌اند، ادراکی نابسند از خود داشتند، احساس ناامنی می‌کردند و در نتیجه در تدافع علیه این ادراک از خود، دست به ساماندهی رابطه عاشقانه خود زده‌اند تا ضعف خود را پوشش دهند. نتایج نشان می‌دهد مشارکت‌کنندگان در دو الگوی متفاوت، رابطه عاشقانه خود را تجربه نموده‌اند. افرادی که از تجربه عاشقانه خود رضایت داشته و آن را موجب رشد و تعالی خود دانسته‌اند، در خانواده والدی خود سبک فرزندپروری ایمن را تجربه نموده و در حالت بسندگی وارد رابطه شده‌اند و برعکس مشارکت‌کنندگانی که تجربه عاشقانه خود را موجب خسران خود دانسته‌اند، سبک فرزندپروری ناایمن را تجربه کرده بودند و کل تجربه عاشقانه آنها درواقع واکنشی در مقابل حالت نابسندگی‌شان در شروع رابطه بوده است.

واژگان کلیدی: تجربه عشق، خانواده، روایت‌پژوهی.

۱. مقدمه

مفهوم عشق^۱ و تجربه عاشقانه، میراث‌دار مباحث مفصل و پیچیده‌ای در ادبیات، هنر، فلسفه و عرفان ایران و جهان است. در پارادایم علمی نیز صاحب‌نظران متعددی از دیدگاه‌های نظری رشته‌هایی همچون روان‌شناسی، زیست‌شناسی، جامعه‌شناسی و ... به این مفهوم پرداخته‌اند. نوشتار حاضر برآن است که به مقوله عشق با دیدگاهی جامعه‌شناسانه نگریسته و به‌ویژه شکل‌گیری و بازنمود آن را در یکی از اساسی‌ترین نهادهای جامعه، یعنی خانواده، مورد بررسی قرار دهد. در ادامه، اثرات تحولات

۱. منظور محققین از عشق در این نوشتار مشخصاً حالت خاصی است که بین دو جنس مخالف رخ می‌دهد و امروزه عموماً به نام عشق رمانتیک شناخته می‌شود.

اخیر نظام خانواده بر تجربه عشق پیگیری شده و مشاهدات میدانی که محصول مصاحبه‌های نیمه‌عمیق با مشارکت‌کنندگان در پژوهش بوده‌اند، ارائه می‌گردد.

پیش از هر چیز لازم است استدلال‌ات خود را درباره "عشق، به‌عنوان تجربه‌ای که بر ساخته می‌شود" مطرح سازیم. به عبارت دیگر هم‌نوا با بسیاری از صاحب‌نظران باور داریم که تجربه عاشقانه افراد به همان میزان که از سائقه‌های روانی آنها نشئت می‌گیرد، ریشه در تجربه‌های زیسته در محیط اجتماعی شدن و تشخیص یافتن آنها دارد (مازلو، ۱۳۶۷؛ یالوم، ۱۳۹۱؛ فروم، ۱۳۷۴؛ چوپرا، ۱۳۷۸). البته این فرض که شخصیت روانی و اجتماعی فرد تا حدود زیادی متأثر از محیط پرورشی او - به‌ویژه در دوران کودکی - است، تقریباً از مقبولیت عام برخوردار است؛ لیکن وقتی دامنه این فرض به تجربه عاشقانه افراد می‌رسد، تصویر روشنی در دست نیست. به عبارت دیگر مطالعات نسبتاً اندکی درباره تأثیرات محیط پرورشی افراد بر تجربه‌های عاشقانه آنها انجام شده است. درواقع مطالعات انجام شده در این حوزه، اغلب بر تغییرات شیوه‌های عشق‌ورزی در طول زمان (ساکالی و گلیک^۱ ۲۰۰۳؛ گومن^۲ ۲۰۰۶؛ هاردینک و جنکس^۳، ۲۰۰۳؛ پردیس‌مهدوی، ۲۰۰۸)، ابعاد و مؤلفه‌های تجربه عشق (فرح‌بخش و شفیع‌آبادی، ۱۳۸۵؛ هاسبراوک و فر^۴، ۲۰۰۲؛ رجیستر و هنلی^۵ ۱۹۹۲) و نهایتاً بر مطالعات بین فرهنگی درباره عشق (تینگ‌تومی، ۱۹۹۱؛ البدور، شولمن و کدم، ۱۹۹۷؛ دورتی و همکاران^۶، ۱۹۹۴) متمرکز بوده‌اند.

البته مباحث غنی و سودمندی درباره روابط بین الگوهای روانی - شخصیتی و طرحواره‌های دلبستگی و صمیمت موجود است؛ لیکن مشخصاً درباره اثرات محیط پرورشی فرد بر تجربه‌های عاشقانه اشخاص و به‌ویژه چگونگی این تأثیرگذاری، مباحث چندانی در دسترس نیست. به نظر

1. Sakalli & Glick

2. Ghuman

3. Harding & Jencks

4. Hassebrauck & Fehr

5. Register & Henley

6. Doherty, Hatfield, Thompson, & Choo

می‌رسد عمده‌ترین عاملی که منجر به این فقر مطالعاتی - به‌ویژه در جامعه ما - شده است، این پیش‌فرض اساسی است که: تجربه عشق عموماً یک امر ذاتی و ماورائی بوده و مربوط به طبیعت فوق‌بشری است؛ چنانکه تن به مطالعه علمی نخواهد داد. شاهد این مدعا هم این است که عموماً اشخاص در مواجهه با چنین تجربه‌ای - وقتی که عاشق می‌شوند - نمودهای عاطفی و رفتاری مشابهی دارند. اگر نخواهیم فرض فوق‌بشری و ماورائی بودن تجربه عاشقانه - به شکلی که امروز به‌عنوان عشق افلاطونی شناخته می‌شود - را یکسره رد کنیم، حداقل هم‌نوا با گیدنز (۱۳۹۰) بر این باوریم که بخش مهمی از آن برساخته جامعه است؛ چنانکه در مقایسه با زمان نه‌چندان دوری در گذشته، به تجربه‌های کاملاً متفاوتی از رابطه بین زن و مرد برمی‌خوریم که از بسیاری جهات با روابط عاشقانه امروزی متفاوت بوده‌اند.

براین اساس می‌توان ادعا کرد که تجربه‌های عاشقانه افراد برساخته‌ای از محیط پیرامونی آنها، به‌ویژه محیط اولیه‌ای که در آن تشخیص یافته‌اند - خانواده - است. به عبارت دیگر تجربه عشق، برخلاف آنچه عموماً پذیرفته شده است، تجربه یکسان و لایتغیری نیست که تجربه آن مستلزم حالات و رفتارهای یکسانی باشد. در این خصوص بالبی^۱ (۱۹۷۷)، معتقد است که تجارب عاطفی افراد در بزرگسالی - اعم از سبک دلبستگی، صمیمیت، عشق‌ورزی و... در ارتباط مستقیمی با تجارب اولیه کودک در بستر خانواده و نحوه ارتباط وی با مراقبان، قرار دارد. محققان دیگری از جمله هازن و شاور^۲ (۱۹۸۷) و بارتولومئو^۳ (۱۹۹۰) نیز در تحقیقات خود نظریه بالبی را مورد تأیید قرار داده و گریفین و بارتولومئو (۱۹۹۴)، نحوه ارتباط بین سبک دلبستگی بین فردی در بزرگسالان را با نحوه تجارب آنها در محیط پرورشیشان، نشان داده‌اند (به نقل از عطاری، ۱۳۹۰). البته لازم به توضیح است که این مدعای برساختی بودن تجربه عشق، در ابتدای تحقیق به‌صورت سؤال مطرح شد؛ آن چنان‌که

1. Bowlby

2. Hazen & Shaver

3. Bartholomew

مقتضای یک تحقیق کیفی است. در تحقیق حاضر، براساس مستندات تجربی و نظری ارائه‌شده، دال بر وجود ارتباط بین محیط پرورشی فرد در خانواده و تجارب آتی وی در روابط بین فردی، سؤالات اصلی عبارتند از:

- ✓ آیا افراد عشق را با نمودهای یکسانی تجربه می‌کنند یا خیر؟
- ✓ تأثیر بستر خانواده و شیوه‌های فرزندپروری بر کیفیت تجربه عشق توسط افراد چگونه است؟

۲. مبانی نظری پژوهش

چنانکه در مقدمه بیان شد، صاحب‌نظران از منظرهای متفاوتی به مقوله عشق پرداخته و تعاریفی از آن ارائه داده‌اند. بااین‌حال به نظر می‌رسد روان‌شناسی بیش از همه به مفهوم عشق پرداخته باشد؛ چراکه عشق یکی از بحث‌انگیزترین احساسات انسان است و از طرفی روان‌شناسی نیز علم شناخت احساسات و ادراکات افراد است. مهم‌تر اینکه روان‌شناسی به توصیف عشق از منظر احساسات و ادراکات کنشگر پرداخته و در پژوهش حاضر نیز تأکید اصلی بر چنین توصیفی است. روان‌شناسان عموماً عشق را یک هیجان اساسی و مثبت تعریف می‌کنند، اما در مورد مفهوم عشق و انواع آن اتفاق نظر ندارند. به‌علاوه تفاوت‌های فرهنگی نیز در مورد مفهوم عشق وجود دارد و حتی معنای عشق از یک دوره تاریخی نسبت به دوره دیگر متفاوت است. بااین‌حال برخی صاحب‌نظران عشق را به شیوه‌های گوناگونی تعریف کرده‌اند: سالومون^۱ (۲۰۰۴)، عشق رمانتیک را نوعی عاطفه می‌داند - عاطفه‌ای معمول و بسیار شایع - که به فرهنگ‌هایی خاص با فلسفه‌ای ویژه منحصر است. احمدی (۱۳۹۰)، عشق را لذتی اغلب مثبت می‌داند که موضوع آن زیبایی است. مزلو^۲ آن را تجربه‌ای می‌داند که با اشتیاق، محبت توأم با لذت، شادی، رضایت، احساس غرور و حتی وجد و شغف همراه است

1. Solomon

2. Maslow

(مزلو، ۱۳۶۷). پک^۱، عشق را چنین تعریف می‌کند: «اراده به توسعه خود یا دیگری در جهت ارتقای رشد روحی» (پک، ۱۳۸۵: ۱۰۸).

از آنجایی که تحقیق حاضر از نوع استفهامی و دارای رویکردی پدیداری است، بازشناسی تعریف مشارکت‌کنندگان از عشق را هدف قرار داده و از ارائه و تحمیل تعاریف موجود در ادبیات نظری بر تجربه‌های مشارکت‌کنندگان خودداری کرده است.

۲. ۱. چشم‌اندازهای جامعه‌شناختی نسبت به عشق

در گذشته نظریه‌های جامعه‌شناسی توجهی به مفهوم عشق نشان نمی‌دادند و این مفهوم بیشتر در قلمرو روان‌شناسی بود و یک امر فردی یا فلسفی قلمداد می‌گردید. اما در چند دهه گذشته توجه بیشتری به مفهوم عشق از سوی جامعه‌شناسان شده است. جامعه‌شناسان اکنون این مفهوم را در بستر فرهنگی و اجتماعی مورد توجه قرار می‌دهند.

اگر از یک چشم‌انداز ساختاری به مفهوم عشق بنگریم، دو دسته از الگوهای خرد و کلان را می‌توان مشاهده کرد که بر رفتار عشق‌ورزی افراد تأثیر می‌گذارند: در سطح کلان شیوه‌های مختلفی برای کنترل و نظارت بر رفتار عاشقی افراد اتخاذ می‌شود تا زنان و مردان طبقات یکسان در کنار هم قرار گرفته و ساختار نظام طبقاتی جامعه حفظ گردد (گود، ۱۹۵۹). نهاد ازدواج نیز به عنوان یکی از ساختارهایی که در فرآیند عشق‌ورزی مداخله نموده و آن را تقویت و حفظ می‌نماید؛ مورد توجه و مطالعه سویدلر (۲۰۰۱) قرار گرفته است. به علاوه جامعه‌شناسان به بررسی تحول شیوه‌های عشق‌ورزی در طول تاریخ پرداخته‌اند. از جمله گیدنز (۱۹۹۲) که به جدایی رابطه جنسی از ازدواج و تولید مثل و همچنین تغییر ساختار مردسالارانه عشق، تحقق برابری دو جنس در رابطه عاشقانه و دموکراتیزه شدن صمیمیت، پرداخته است. در همین راستا، کانن (۱۹۸۷) نیز به زنانه شدن عشق در گذر تاریخ توجه نموده که موجب شده تا در ساختار و ماهیت روابط عاشقانه نیز تغییراتی حاصل

شود. از جمله اینکه ابعاد اقتصادی، سکسی و عملی عشق، به نفع ابعاد ذهنی تر و احساسی تر، کمرنگ تر از گذشته شده است. سومین رویکرد جامعه‌شناختی به عشق، مربوط به ساخت فرهنگی عشق می‌شود: براساس این رویکرد، ایدئولوژی‌ها، ارزش‌ها، هنجارها و کالاهای مادی که یک جامعه تولید می‌کند و آن را متمایز از جوامع دیگر می‌نماید، کیفیتی از عشق که خاص همان فرهنگ و جامعه است را موجب می‌شود. مثلاً در جوامعی که فردگرایی ارزش تلقی می‌گردد، تضادی در فرآیند عشق‌ورزی افراد ایجاد می‌گردد: در این جوامع افراد بایستی به دنبال موفقیت و شادکامی خویش باشند، درحالی‌که ماهیت اصیل عشق‌ورزی، توجه به دیگری ست. جامعه‌شناسان به مفهوم نابرابری‌هایی که در تجربه عشق‌ورزیدن میان افراد در جامعه ما وجود دارد نیز توجه نشان داده‌اند. جکمن (۱۹۹۴) اشاره می‌کند که در گذشته عشق ابزار مهمی بوده است برای سامان بخشیدن اجتماع و شکل‌گیری نظم اجتماعی، به شکلی مطابق طبع مردان، سفیدها و طبقات بالا. همچنین هاکشیلد (۲۰۰۳)، به تضادهای روزمره‌ای که میان عشق و کار کردن در جوامع سرمایه‌داری مدرن وجود دارد پرداخته است. او استدلال می‌کند که از سویی در جوامع مدرن با انتقال وظایف مراقبتی زنان به نهادهای بیرونی، زمینه برای گرایش افراد به سمت روابط عاشقانه مساعد شده و از سوی دیگر، جامعه به افراد می‌آموزد که این رابطه را کاملاً حساب شده انجام داده و کالایی به آن نگاه کنند تا کمتر آسیب ببینند. در نهایت، فمینیسم، رویکرد جامعه‌شناختی متفاوتی را نسبت به عشق و روابط عاشقانه پیشنهاد کرده و تأکید می‌کند که تجربه و معنای عشق برای مردان و زنان متفاوت است و نباید به شکلی یکسان به آن نگریسته شود. آنان به‌ویژه با پیروی از سیمون دوبوار، بر تأثیر ویژگی‌های موقعیت اجتماعی خاص زنان بر تجارب عاشقانه آنان تأکید می‌کنند. لازم به توضیح است که بخش مهمی از تغییراتی که در ساختار کلان و خرد جامعه اتفاق می‌افتد، به واسطه یکی از مهمترین نهادهای اجتماعی، یعنی خانواده، به اشخاص منتقل می‌شود. لذا بررسی نحوه مداخله‌گری نهاد خانواده، می‌تواند تأثیر تغییرات اجتماعی بر تعاملات اشخاص را توضیح دهد.

۲.۲. تأثیر بستر خانواده در دوران کودکی بر کیفیت تجربه عاشقانه افراد

پک، معتقد است که عشق واقعی متفاوت از احساس عشق است و تنها کسانی قادر به تجربه عشقی واقعی هستند که شخصیت آنها از دوران کودکی گذر کرده و بزرگسال شده باشند. توضیح اینکه وی استدلال می‌کند که احساس عاشقانه تنها براساس هیجانات عارض شده بر فرد تحقق می‌یابد و هیچ‌گونه ضمانتی برای بقا ندارد؛ درحالی‌که در عشق واقعی، عاشق فعال است و مختار. او تصمیم می‌گیرد که متعهد بماند و تعهد عملی مخاطره‌آمیز است که تنها از کسانی ساخته است که بزرگسال شده و توان تحمل ترس و مخاطره را داشته باشند. البته او معتقد است عشاقی که براساس هیجانات خود تصمیم به تعهد می‌گیرند به این دلیل است که آگاهی نسبت به مخاطره‌آمیز بودن عملشان ندارند، نه اینکه بزرگسال شده و شجاعت داشته باشند. پک همچنین معتقد است افرادی که در کودکی از سوی والدین خود بدون قید و شرط پذیرفته نشده و در نتیجه احساس امنیت نکرده‌اند، در بزرگسالی دارای شخصیتی می‌گردند که احساس می‌کنند برای داشتن و حفظ یک رابطه باید خدماتی را ارائه کنند وگرنه هر لحظه ممکن است ترک شوند. به‌علاوه چنین افرادی در روابط خود سرد بوده و متعهد هم نمی‌شوند؛ چراکه تصور می‌کنند اگر نتوانند به اندازه کافی خوب و مفید باشند، ترک خواهند شد. بنابراین برای اجتناب از ترک شدن، خود زودتر رابطه را ترک می‌کنند و یا اینکه اصلاً متعهد به حفظ رابطه نمی‌شوند. در ضمن آنها همیشه تصویری ساختگی و مقبول را از خود به نمایش می‌گذارند که مبدا منفی ارزیابی شده و ترک شوند (پک، ۱۳۸۵). آلدی^۱، برای عشق خاصیتی تکاملی قائل است که همزمان هم شخصیت فرد را تکامل می‌بخشد و هم خودش کامل‌تر می‌شود. به این صورت که فرد هر چه شخصیتش از لحاظ عاطفی متکامل‌تر گردد، نوع عشقی که می‌ورزد به‌ترتیب از بلعنده به همسان‌سازی و از همسان‌سازی به عشق ایثارگرانه متمایل می‌گردد (آلدی، ۱۳۷۳: ۳۲). چوپرا^۲، معتقد است: «وقتی که گرفتار عشق می‌شوی، گویی گرفتار بازتابی از

1. Allendy

2. Chopra

حادثترین نیازهای کنونی‌ات می‌شوی». او معتقد است که این نیازهای کنونی ریشه در باورهای عمیق کودکی دارد که اینک تبدیل به آرزو شده‌اند و باعث می‌شوند تا توقعات فرد از رابطه عاشقانه و از معشوق به قدری زیاد و آرمان‌گرایانه شود که عملاً آن رابطه را محدود می‌نماید (چوپرا، ۱۳۷۸). هازان و شاور (۱۹۸۷)، نیز معتقدند که روابط عاشقانه فرد در بزرگسالی شدیداً تحت تأثیر تعامل‌های دوران کودکی‌شان با والدین است.

۳.۲. پیشینه تجربی

- پژوهشی توسط نیلسون و سیر^۱ در سال ۲۰۰۹، با عنوان «اضطراب اجتماعی و روابط صمیمانه» انجام شده است که در آن با رویکردی پدیدارشناسانه برای کشف معنای بودن در یک رابطه نزدیک در افرادی که دارای اضطراب اجتماعی هستند، مطالعه شده است. از شرکت‌کنندگان با سؤالات باز درباره تجاربشان در نزدیکترین روابطی که داشته‌اند سوال شده است. تم‌ها نشان می‌دهند که آنها قادر به برقراری روابط نزدیک و صمیمانه هستند ولی به اتخاذ یک سبک دلبستگی ناامن در روابطشان گرایش دارند. تم‌های استخراج شده، جنبه‌های مثبت و منفی را در روابط مشارکت‌کنندگان نشان می‌داد: از طرفی آنها درجات بالایی از صمیمیت، اعتماد، راحتی و امنیت را در روابط خود گزارش دادند و از سوی دیگر آنها مشکلاتی را نیز در روابط خود گزارش دادند مثل احساس اینکه انتظارات دیگری نزدیک همچون باری بر دوششان سنگینی می‌کند، مشکل داشتن در تقاضای کمک، رنجش از انتظارات دیگران و همچنین مشارکت‌کنندگان گزارش دادند که آنها احساس منفی از خودشان و توانایی‌شان در برقراری ارتباطات نزدیک دارند. این ادراکات و باورها به احتمال زیاد متأثر از برهم کنشی آنان و دیگران نزدیکشان است (نیلسون و سیر، ۲۰۰۹).

- میر و آلن^۱ (۲۰۰۸) اظهار می‌کنند زمینه خانوادگی، طبقه اجتماعی و درآمد نیز بر شکل روابط صمیمانه در بزرگسالی تأثیر می‌گذارد. طبق یافته‌این دو محقق، افرادی که از طبقه اجتماعی و اقتصادی پایین‌تر هستند، بیشتر احتمال دارد زودتر در روابط صمیمانه با جنس مخالف و رابطه جنسی درگیر شده، ازدواج کنند و هم‌زیستی خود را در سن پایین‌تری آغاز کنند (میر و آلن، ۲۰۰۸).
- باتولوميو^۲ (۱۹۹۰) در تحقیق خود دو سبک اجتنابی متمایز را مطرح می‌کند: یکی سبک اجتنابی هراسناک که در آن دلبستگی نزدیک با دیگری مطلوب است، اما به‌خاطر ترس از صمیمیت، از آن اجتناب می‌شود. دیگری سبک اجتنابی طردکننده که به‌عنوان دفاعی برای حفظ اعتماد به نفس و استقلال اتخاذ می‌شود. باتولوميو این سبک‌های دلبستگی آسیب‌دیده را به سبک‌های تجربه والدی در دوران کودکی نسبت داده است.
- کاسیدی^۳ (۲۰۰۱) در تحقیق خود چهار توانایی کلیدی را برای ایجاد روابط صمیمانه چنین معرفی کرده است: توانایی مراقبت‌جویی، مراقبت کردن، احساس راحتی کردن با "خود" مختار و توانایی مذاکره با دیگران. او نشان داده است که تنها افرادی که در کودکی سبک دلبستگی ایمن را دریافت کرده‌اند، به واسطه بهره‌مندی از ویژگی‌های فوق، قادر به برقراری و حفظ رابطه صمیمانه و نزدیک با دیگران خواهند بود (نقل از فرمن و دیگران، ۲۰۰۲).
- گرابیل و کرنز^۴ (۲۰۰۰)، نشان می‌دهند که سبک ایمنی بیشتر افراد که از تجارب اولیه آنها نشأت می‌گیرد، با خودافشاگری بیشتر، پاسخ‌دهی و توجه به خودافشاگری شریک رابطه و احساس فهمیده شدن و ارج نهاده شدن توسط دوست همراه است.

1. Meier & Allen, 2008

2. Bartholomew

3. Cassidy

4. Grabill & Kerns

- شاور^۱ (۲۰۰۰)، نیز در مطالعات خود نشان داده است که افرادی که از سبک پرورشی ایمنی برخوردار بوده‌اند، در روابط رمانتیک خود اعتماد، رضایت و صمیمیت بیشتری را تجربه می‌کنند.
- مارشال (۲۰۰۸) در پژوهش خود در دو مطالعه جداگانه در بین چینی-کانادایی‌ها و اروپایی‌های کانادایی، احساس صمیمیت در ملاقات‌های عاشقانه را بررسی کرده است. روش پژوهش مصاحبه عمیق و تحلیل کیفی داده‌ها بوده است. براساس نتایج وی تفاوت‌های فرهنگی در نگرش به نقش جنسی و فردگرایی-جمع‌گرایی که از طریق نوع تعاملات خانوداگی به افراد منتقل می‌شود، در خود افشاگری و پاسخگو بودن فرد خود را نشان می‌دهد. براساس نتایج آنها چینی کانادایی‌ها صمیمیت کمتری در مقایسه با اروپایی‌های کانادایی تجربه می‌کنند؛ زیرا نقش‌های جنسیتی سنتی در نگرش آنها پررنگ‌تر است، اما نوع فردگرایی-جمع‌گرایی آنان نقشی در میزان صمیمیت تجربه شده ندارد. براساس دومین مطالعه، نگرش سنتی به نقش جنسیتی میزان خودافشاگری را کم کرده و به این وسیله باعث کمتر شدن میزان صمیمیت می‌شود (مارشال، ۲۰۰۸).

۳. روش پژوهش

روش‌شناسی: هدف تحقیق حاضر پاسخ به این سؤال بود که افرادی که در خانواده‌هایی با سبک‌های فرزندپروری متفاوتی پرورش یافته‌اند، در بزرگسالی روابط عاشقانه خود را با چه کیفیت و تفاوت‌هایی تجربه می‌کنند. برای پاسخ به این سؤال ناگزیر از مطالعه همزمان تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان در خانواده والدی آنها و همچنین مطالعه تجارب عاشقانه آنها بودیم. از آنجایی که هر دو جنبه موضوع دارای ابعاد ناشناخته بوده و با تجارب ادراکی و حسی عمیقی همراه هستند، از

روش کیفی استفاده کرده و راهبرد تحقیق خود را روایت پژوهی انتخاب نمودیم؛ به این دلیل که مشارکت‌کنندگان تنها در حین روایت تجارب عاشقانه خود اشاراتی به تجربه‌های ادراکی، عاطفی و رفتاری خود می‌کنند که می‌تواند سرنخ‌هایی برای تجربه‌های عمیق درونی آنها باشد. برای "روایت" تعاریف متعددی ارائه شده است اما مروری بر تعاریف متنوع ارائه شده از روایت‌ها، تأثیرپذیری آن‌ها را از تعریف کلاسیک لابوف^۱ زبان‌شناس مشهور روسی نشان می‌دهد. لابوف روایت را روشی برای گفتگوی مجدد در خصوص تجارب گذشته از طریق منطبق ساختن توالی شفاهی از قضایا با ترتیب وقایع آنچنان که استنباط می‌شود عملاً اتفاق افتاده است، می‌داند (لابوف، به نقل از ذکایی، ۱۳۸۷: ۷۱). در تحقیق حاضر با ۵ زن و ۶ مرد مصاحبه شد. لازم به ذکر است که هر کدام از این ۱۱ نفر روابط جداگانه‌ای را تجربه کرده بودند و درواقع ارتباطی بین مشارکت‌کنندگان این تحقیق وجود نداشت. از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. معیارهای گزینش عبارت بودند از: قرار داشتن بین ۲۰ تا ۳۵ سال، داشتن تجربه عاشقانه در زمان تحقیق و یا با فاصله حداکثر یک سال در گذشته. در این تحقیق از قاعده حداکثر تمایز بین مشارکت‌کنندگان پیروی شد. به عنوان مثال اگر یکی از مشارکت‌کنندگان دارای زمینه خانوادگی مذهبی بود، مشارکت‌کننده بعدی به گونه‌ای انتخاب می‌شد که زمینه خانوادگی متفاوتی داشته باشد. دیگر معیارهای تمایز عبارت بودند از: نوع زمینه خانوادگی از حیث سبک ارتباطی ایمن یا نایمن، نوع نگرش به رابطه عاشقانه تجربه شده، اعم از موفق یا ناموفق دانستن آن توسط مشارکت‌کننده. تعداد مشارکت‌کنندگان نیز از طریق قاعده اشباع نظری تعیین گردید. برای تحلیل داده‌ها از کدگذاری سه مرحله‌ای استراوس و کربین (۱۳۹۰) استفاده شد. محل انجام تحقیق شهر مشهد بوده و داده‌ها در سال ۱۳۹۱ با استفاده از تکنیک مصاحبه نیمه‌عمیق با مشارکت‌کنندگان، گردآوری شدند. این مراحل شامل: کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی می‌شود. فرآیند اجرای تحقیق به این صورت بود که بعد از انتخاب اولین مشارکت‌کننده

1. Labov

براساس معیارهای ذکر شده در بالا - که حاصل مطالعات نظری و تجربی محققین بوده است - در چند نوبت مصاحبه نیمه عمیق با محوریت بازسازی داستان تجربه عاشقانه وی انجام شد. پس از پیاده سازی و انجام تحلیل بر روی متن پیاده شده با استفاده از روش کدگذاری سه مرحله ای استراوس و کرین (۱۳۹۰)، توسط محققین و دو متخصص دیگر در حوزه روانشناسی و فلسفه و همچنین مقایسه نتایج تحلیل ها، تم های اصلی و الگوی توصیفی از تجربه فرد طراحی شد. سپس براساس تم های استخراج شده، مشارکت کننده بعدی به گونه ای انتخاب می شد که حداکثر تمایز را از حیث مؤلفه های اصلی تحقیق - مثل سبک فرزندپروری خانوادگی وی - با مشارکت کننده قبلی داشته باشد. این فرآیند تا رسیدن به حد اشباع نظری و تکرار ادامه یافت و نهایتاً الگوی مشترک تجربه شده توسط مشارکت کنندگان براساس تم های استخراج شده، طراحی شد. در پایان جهت ارزیابی اعتبار تحلیل های انجام شده از دو روش استفاده شد: ۱. بازگرداندن تحلیل های انجام شده به تعدادی از مشارکت کنندگان و بررسی صحت برداشت ها و تحلیل های محقق. ۲. انجام تحلیل بخشی از داده ها، به صورت همزمان توسط دو متخصص و بررسی تفاوت ها و تشابهات موجود در نتایج تحلیل.

۴. یافته های پژوهش

پس از تحلیل مصاحبه ها به طور کلی حدود ۳۵ مضمون - واحد معنایی - استخراج گردید که ذیل ۸ مقوله طبقه بندی شدند. از ۳۵ مضمون استخراج شده، ۷ مضمون که ذیل ۲ مقوله اصلی قرار می گیرند مربوط به تجربه فرد در خانواده بوده است و ۲۸ مضمون که ذیل ۶ مقوله جای گرفته اند، مربوط به نوع تجربه عاشقانه فرد است. لازم به یادآوری است که در مصاحبه های انجام شده با مشارکت کنندگان، هم درباره تجربه عاشقانه آنها سؤال شده بود و هم درباره نوع روابط آنها در خانواده والدی. در جدول زیر ۸ مقوله اصلی به همراه ۳۵ مضمون برساننده آنها گزارش شده است:

جدول ۱. مضامین و مقولات استخراج شده پیرامون تجربه عاشقانه مشارکت کنندگان

منبع: (داده‌های تحقیق حاضر)

نگاه کارکردی به خود	نابستگی
ناامنی و ترس از طرد	
احساس اضافه و مزاحم بودن	
احساس ضعف	
نیاز به پیشرفت	
خودکم بینی	
احساس شرم و حقارت	
بی نیاز از دیده شدن	بستگی
خودباوری	
استقلال	
امنیت	
پروای پذیرش	امنیت
کنترل اوضاع	
چسبندگی	
اعتماد	ناامنی
پذیرش از سوی دیگری	
صراحت	
مالکیت	
تاییدجویی، اغواگری	خودمحوری
مهرورزی از سر ضعف	
فرار از مسئولیت	
تصویرسازی وهمی	
مواجهه بهره بردارانه با معشوق	
تکریم و توجه	
احترام به عقاید	دیگرخواهی

دل‌بستگی	
خاص بودگی	
تلاش برای شناخت معشوق	
تحقیر و عدم پذیرش از سوی خانواده	دل‌بستگی ناایمن
دیده نشدن توسط خانواده	
رابطه سرد و غیر صمیمی با خانواده	
رابطه حمایتی صرف از سوی خانواده	دل‌بستگی ایمن
دیده شدن توسط والدین و دیگر اعضای خانواده	
واگذاری مسئولیت	
تجربه فضای صمیمانه و شاد در خانواده	

چنان‌که ملاحظه می‌گردد مقولات استخراج شده، دویه‌دو با هم تقابل دارند. لازم به توضیح است که این تقابل دوتایی از قبل تعیین نشده و از سوی محقق بر داده‌ها تحمیل نشده است؛ بلکه داده‌های استخراج شده حاکی از دو تیپ متفاوت از تجربه عاشقانه و دو تیپ متفاوت از تجربه پاسخگو در خانواده والدی بودند. در ادامه هر یک از مقوله‌های استخراج شده، به همراه مضامین برساننده آنها، گزارش می‌گردد.

۱.۴. نابسندگی و بسندگی

نابسندگی و بسندگی، دو مؤلفه اصلی تجربه عشق هستند که در تجربه تمامی مشارکت‌کنندگان تکرار شده‌اند. این دو مقوله مربوط به تجربه پدیداری است که فرد در طول رابطه از خودش داشته است. احساس بسندگی و نابسندگی به میزان کفایت، ارزشمندی و مقبولیت فرد از منظر خودش اشاره دارد. به عبارت دیگر به آن میزان که فرد خود را برای انجام کاری و پذیرفته شدن نزد دیگری کافی می‌داند، احساس بسندگی می‌کند. فرد نابسندۀ خود را توانمند نمی‌داند و پروای پذیرش نزد

دیگری دارد؛ چراکه خود را به اندازه‌ای ارزشمند نمی‌داند که مورد پذیرش قرار گیرد. او خود را چنانکه هست، نمی‌پذیرد. مفاهیم برساننده مضمون نابسندگی عبارتند از: احساس شرم و حقارت، خودکم‌بینی، نیاز به پیشرفت مداوم، احساس ضعف، ناامنی و ترس از طرد، احساس اضافه و مزاحم بودن و نگاه کارکردی به خود:

- من همیشه این مشکلو داشتم که جلو ز نمی‌تونستم خودم باشم. همیشه حس می‌کردم عقب افتاده‌تر بودم از اون چیزی که واقعاً بودم. باید نقش بازی می‌کردم جلوش (۶).
 - من همیشه فکر می‌کردم زیبا نیستم و برای زیباتر شدن باید تو صورتم تغییراتی ایجاد بکنم. خلاصه اخلاقم، کارام، ظاهرم احساسم هیچیم رو دوست نداشتم (۷).
 - با اینکه می‌دیدم اون رفتارش حتی نسبت به بقیه با من بهتره ولی من ته دلم این حس بود که مزاحمم و همیشه سعی می‌کردم بودنم رو به جوری موجه کنم (۸).
- مضمون بسندگی تنها در ۳ نفر از ۱۱ نفر مشارکت‌کننده وجود داشت. مفاهیم برساننده این مقوله عبارتند از: خودباوری، احساس امنیت، استقلال و بی‌نیازی از دیده شدن. برخی از شاهد مثال‌های این مفاهیم عبارتند از:
- من خب اون زمان خودمو سرتر از ن می‌دونستم. بعد از عقد فهمیدم که ن هم شخصیت محکم و والایی داره. ولی اون زمان من حس می‌کردم اونی که باید قبول بکنه منم (۱۰).
 - ببین من اگه ن نباشه دلم خیلی براش تنگ میشه. انگار یه چیزی تو وجود من جاش خالیه. اما خب می‌دونم که می‌تونم از پس زندگیم بریام. می‌تونم بچه‌هامو خودمو مدیریت کنم. یا اصلاً می‌تونم گاهی که برخلاف نظرش موضع خودمو بگم (۱۱)
 - روابطمون خیلی نرم و آهسته پیش رفت و در عین حال من عاشقش شده بودم. دلم براش تنگ می‌شد ولی نه اینکه نباشه زندگیم مختل بشه. می‌فهمی؟ الانم همینطوری‌ام (۹).

- مسئله بی‌اعتمادی برای من اصلاً مطرح نیست. می‌دونم که ن من رو دوست داره و برای رشد من هر کاری میکنه. می‌دونم در هر شرایطی کنار من و خانواده ست (۱۰)

۲.۴. ناامنی و امنیت

این دو مضمون جزئی از تجربه پدیداری فرد از رابطه هستند. به عبارتی برخی از مشارکت‌کنندگان رابطه را امن و برخی ناامن درک و تجربه نموده‌اند. در اینجا مقوله امنیت از سه مفهوم پروای پذیرش، چسبندگی و کنترل اوضاع تشکیل شده است. توضیح اینکه در تجربه ناامنی فرد خود را مدام در معرض طرد شدن از سوی دیگری، جایگزین شدن و از دست دادن جایگاه می‌بیند. این ادراک باعث می‌شود به لحاظ هیجانی به شدت به معشوق بچسبد. به باور یالوم، حالت چسبندگی زمانی به فرد دست می‌دهد که او خود را در معرض خطر از دست دادن ببیند (یالوم، ۱۳۹۱). به دنبال این ادراک و تجربه هیجانی، فرد دست به اقداماتی برای حفظ جایگاه خاص خود نزد معشوق می‌زند. برخی از این تلاش‌ها به صورت مستقیم است. مثلاً اینکه فرد تلاش می‌کند رشد کند تا نزد معشوق مثبت ارزیابی شود، یا ابراز مهر بیشتری به معشوق می‌کند، درحالی‌که برخی از این تلاش‌ها به صورت غیرمستقیم و نوعی اغواگری بوده و با هدف مشتاق‌تر کردن معشوق انجام می‌شود. مثلاً دوری کردن از معشوق، عدم ابراز صریح مهر، برانگیختن حس حسادت معشوق و ... مشارکت‌کنندگان تجربه چنین حالتی را با جملات زیر اظهار نموده‌اند:

- خیلی زود من عاشقش شدم. البته فکر نکنم اون هم شده باشه. دوستم داره ولی خب. حسی منو دوست داره. عقلی قبولم نداره. از این موضوع خیلی ناراحت می‌شم ولی خب هیچی نمی‌گم. می‌ترسم ترکم کنه. خیلی راحت این کارو میکنه (۱).
- وقتی از پیش من می‌رفت، من نگران می‌شدم از اینکه نکنه دیگه م ت قبل با من گرم نشه. نکنه این سردی که توش هست ادامه پیدا کنه و به اون دوست پسرش علاقه بیشتری پیدا بکنه و من رو بذاره کنار (۴).

- به وقتایی توی روابط جنسی سعی می‌کنم مطابق میل اون رفتار کنم با اینکه شاید خودم خیلی لذت ببرم. ولی ترس دارم از اینکه مطابق میلش نباشم (۷).
- ببین اینطوری بهت بگم که من اصولاً فرض اولم بر اینه که ج اندازه کافی دوستم نداره مگه اینکه هی بیاد با محبت کردنو اینا خلافتش رو ثابت بکنه. همینکه به مدتی ازم دور می‌شه حس می‌کنم دیگه دوستم نداره یا سرد شده و اینا (۷).
- تجربه امنیت در مقابل ناامنی، حالتی را در مشارکت‌کنندگان نشان می‌داد که در آن فرد احساس می‌کرد از سوی معشوق خود کاملاً پذیرفته شده است و از این جهت چپش و گزینش تصنعی در رفتار و احساس خود نشان نمی‌داد. به همین دلیل رفتاری کاملاً صریح و شفاف در مقابل معشوق خود داشت. گرچه این مضمون-امنیت- تنها مربوط به رابطه نیست و ادراکی است که فرد به‌طور کلی از خود و جهان خود داشته و ریشه در تجارب زیسته دوران کودکی او دارد، در عرصه رابطه عاشقانه خود را در قالب اعتماد به طرف مقابل نمایان می‌سازد. این مفهوم از جملاتی از قبیل جملات زیر انتزاع شده است:
- نمی‌دونم چرا اینجوریه ولی می‌دونم من هیچوقت، هیچوقت به ح شک نداشتم. با اینکه روابط نزدیکی با خانوما داره ولی شکل شخصیتش یجوریه که اصلاً هیچوقت اعتماد و تعهد و این چیزا برام دغدغه نشده (۹).
- نه من هیچوقت فکر نکردم و نمی‌کنم که ن به من خیانتی بکنه. به هیچ وجه. اصلاً برام مطرح نیست متوجهی (۱۰).
- گاهی دوست داره بچه‌ها رو بذاره پیش من و بره به نفس کشی داشته باشه ولی از حسش به من یا بچه‌ها کم نمی‌شه اصلاً. من می‌دونم که همچنان براش خاصم (۱۱).
- نه اصلاً از این کلیشه‌ها نداشتم که بگم زن نباید ابراز علاقه بکنه. نگران قضاوتش نبودم. راحت می‌گفتم بهش (۹).

- وقتی حرف خواستگار من پیش اومد من به ن خیلی صریح گفتم که من تا با شما به نتیجه مشخص نرسم به کس دیگه‌ای فکر نمی‌کنم. نمی‌خواستم علکی ذهنش رو درگیر کنم (۱۰).

۳.۴. خودمحوری^۱ و دگرخواهی^۲

مطابق باور پیازه، کودکان در سنین کودکی دارای خودمحوری شناختی‌اند. خودمحوری یعنی تنها احساس خود را درک می‌کنند و قادر نیستند احساس طرف مقابل خود را بفهمند. کودک خودش را محور کائنات می‌پندارد. به این امر خودمحوری یا خودمرکزگرایی گفته می‌شود (مزلو، ۱۳۶۷). اکثر مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، رابطه را به‌صورت خودمحورانه تجربه کرده بودند. و تنها ۳ نفر از آنها تجاربی متفاوت داشتند که نام آن را دگرخواهی یا دگرمحوری گذاشتیم. تجارب خودمحورانه مشارکت‌کنندگان بسیار به تعریفی که پیازه از خودمحوری کودکان می‌دهد نزدیک است. این مقوله از ۶ خوشه معنایی تشکیل شده است: ۱. مالکیت، ۲. تأییدجویی، ۳. مهرورزی از سر ضعف، ۴. فرار از مسئولیت، ۵. تصویرسازی وهمی، ۶. مواجهه بهره‌بردارانه. بخش کوچکی از شاهد مثال‌های برساننده این خوشه‌های معنایی عبارتند از:

- اصلاً به من وابسته نیست. من خیلی دوست دارم اندازه‌ای که من بهش وابسته‌ام به من وابسته باشه. دوست دارم مال من باشه. ولی نیست و دوست نداره که باشه (۱).
- می‌دونم من فقط در دو موقعیت، بی پروا می‌تونم بهش محبت کنم. یکی وقتی که بترسم که دارم از دستش می‌دم. یکی وقتی که دلم برایش بسوزه (۷).
- من دیگه سعی می‌کنم تو روابطم کمتر سرمایه‌گذاری بکنم تا کمتر آسیب ببینم موقع تموم شدنش. چون الان دیگه مطمئنم که هر رابطه‌ای بعد از اوج فرود دردناکی داره (۴).
- دوست داشتم با کسی رابطه داشته باشم که این ضعف و ترس من رو یکم پوشش بده. مثلاً یکم مقتدر و محکم باشه (۱).

1. Ego centerism

2. Altruism

- من فعلاً باهاش ارتباط دارم چون نیاز من به رابطه با جنس مخالف و نیازم به رابطه جنسی رو برآورده می‌کنه. ضرری هم که برام نداره (۵).
 - وقتی ارتباطم با ز به هم خورد، رابطه‌م با ر شروع شد. ر برای من مث‌یه استراحتگاه بود. هم نیاز جنسیم رو برآورده می‌کرد و هم اینکه وقتی باهاش می‌رفتم بیرون دیگه به چیزای دیگه فکر نمی‌کردم حال‌م بهتر می‌شد (۶).
 - من دیگه مدتی‌ه که برام کاملاً واضح‌ه دارم رابطه‌ی ابزاری باهاش برقرار میکنم. ج نیاز مالی منو برآورده میکنه. من رو می‌بره بیرون. نیاز عاطفیم رو جواب می‌ده. خب چرا باید الان این موقعیت رو از دست بدم؟ اگه مورد بهتری پیدا شد حتماً بهش فکر میکنم و اصلاً به ارتباط با ج دل نبستم ولی خب فعلاً کاملاً کاربردی بهش نگاه می‌کنم (۷).
- در مقابل مقوله‌ی خودمحوری، مقوله‌ی دگرمحوری یا دگرخواهانه قرار دارد. مفاهیم برسازنده‌ی این مقوله احترام به عقاید معشوق، تکریم و توجه به معشوق، دلبستگی، خاص دانستن معشوق و تلاش برای شناخت او است. مفهوم احترام به عقاید، تقریباً در مقابل مفهوم مالکیت قرار دارد. در این حالت فرد دیگری را فقط اسیر امیال خودش نمی‌کند بلکه به او اجازه می‌دهد تا در پی خواست‌ها و نیازهای خودش باشد:
- ح خیلی بخشنده ست. آدم بزرگیه، اصلاً خودخواه نیست. نه اینکه فقط درباره‌ی من. کلاً نسبت به همه اینجوریه. من هم کاملاً به عقایدش احترام می‌ذارم. مثلاً پیش او‌مده که پیشنهاد داده بخش بزرگی از پس اندازمون رو بدیم به یکی از دوستانمون. من هم قبول کردم. یا نمی‌دونم خودم بعضی خانوما که مشکل دارن من خودم معرفی‌شون می‌کنم که ح باهاشون حرف بزنه، کمک‌شون کنه. من راهش و اعتقاداتش رو قبول دارم (۹).
 - نه من اصلاً ناراحت نمی‌شم که مثلاً ن وقت و انرژی‌ش رو برای کمک به کسی بذاره. یا مثلاً اوقات خوشی رو با دوستاش، خانوادش و اینا بگذرونه. من ذوق می‌زنم اون لذت ببره.

دوست دارم که اون کاری رو که باعث تعالیش میشه انجام بده حتی اگر بخاطرش مجبور بشه کمتر کنار من و بچه‌ها باشه (۱۰).

- مثلاً فکر کن برادر بزرگ ن خیلی خانواده دوسته ولی به غیر از خانوادش هیچ کاری نمی‌کنه. اگه ن اینطوری بشه خیلی بیشتر به من منفعت می‌رسه و راحت‌تر می‌شم و زندگیم بیشتر تأمین میشه. ولی اصلاً اینو دوست ندارم. اگه ن انقدر خودخواه بشه واقعاً برام نابوده. دوست دارم ن همینطوری که خیرش به همه میرسه، بمونه (۱۱).

۴.۴. دلبستگی ایمن و دلبستگی نایمن

در علم روان‌شناسی سبک‌های دلبستگی افراد در دوران کودکی، تعریف مشخصی دارند. مطابق نظریه بالبی (۱۹۶۹-۱۹۸۲) انسان با یک سیستم روانی-زیستی به نام سیستم رفتار دلبستگی متولد می‌شود. این سیستم، ارزش انطباقی داشته و فرد را به حفظ نزدیکی با افراد مهم زندگی یا چهره‌های دلبستگی (کسانی که کودک می‌تواند در موقعیت‌های تهدیدآمیز، نزدیک آنها بماند تا شانس او برای سازش یافتگی و بقا افزایش یابد) سوق می‌دهد. هدف این سیستم در کودک، دستیابی به یک احساس ایمنی و حمایت‌شدگی واقعی یا ادراک شده از تعامل نزدیک و صمیمی با تصویر دلبستگی است. به نظر بالبی برای تأمین سلامت روانی و رشد هیجانی و عاطفی مطلوب کودک، برقراری روابط صمیمی، گرم، دائمی و رضایت‌بخش بین او و مادرش و یا کسی که به‌طور شایسته‌ای جانشین وی شود، ضروری است. لذا فرزندان که مراقبانی حساس و متوجه و به‌طور ثابت و منظم پاسخ‌ده دارند، باید مدل‌هایی دال بر دوست‌داشتنی بودن خود، پاسخ‌دهنده و قابل اعتماد بودن دیگری را پرورش دهند، درحالی‌که کودکانی که مادران غیرپاسخ‌دهنده و یا به‌طور پیش‌بینی‌ناپذیر پاسخ‌دهنده و بی‌ثبات دارند طبعاً مدلی مبنی بر بی‌ارزشی خود (دریافت مراقبت و عشق) و پیش‌بینی‌ناپذیر بودن دیگری پرورش می‌دهند. براساس نظریه دلبستگی فعالیت سیستم دلبستگی محدود به دوران کودکی نبوده و در تمام طول زندگی و پیوندهای عاطفی دیگری چون دوستی‌ها، ازدواج، روابط خویشاوندی و غیره فعال

باقی می ماند و انسان در هیچ سنی به طور کامل از احساس اعتماد نسبت به افراد مهم زندگی آزاد نیست (هازن و شاور، ۱۹۹۴). در پژوهش حاضر، حاصل کدگذاری و مقوله بندی پاسخ های مشارکت کنندگان درباره نحوه ارتباط آنها با والدین و خانواده شان، دو مقوله کلی تجربه دل بستگی ایمن و دل بستگی نایمن است.

در تجربه دل بستگی نایمن مشارکت کننده احساس پذیرش از سوی خانواده را تجربه نکرده است. رفتار والدین همراه با تحقیر و طرد بوده است و فضای خانواده سرد و غیر صمیمی تجربه شده است. مفاهیم بر سازنده این مقوله به همراه شاهد مثال های آن عبارتند از:

- مثلاً الان من ده میلیون داشتم که بیشترش رو خرج کردم نمی خوام بابام بفهمه. چندبار تا حالا پرسیده بهش دروغ گفتم. می ترسم اگه به گوش بابام برسه ناراحت می شه دیگه. از بچگی هم همینجوری بود. یعنی من همیشه ازش می ترسیدم چون بدجور تحقیرم می کرد جلو همه. می گفت تو هیچی نمی شی. هنوزم با اینکه نسبت به اطرافیان پیشرفت زیادی داشتم از نظر پدرم هیچ کاری نکردم (۱).
- شدیداً احساس می کردم من بچه مورد انتظار اونا نیستم. من به لحاظ هوشی و پیشرفت تحصیلی در فامیل تک بودم ولی هیچ وقت در اونها حس تحسین ندیدم. ندیدم که به بچه شون افتخار کنن. خیلی هم باعث می شد اعتماد به نفس من پایین بیاد (۴).
- پدرم اصلاً به من اعتماد نمی کرد هیچوقت (۶).
- من یادم میاد مهمترین مشکل من تو بچگیم این بود که مادرم هیچوقت ازم راضی نبود. همیشه فکر می کردم دختر خیلی بدی هستم. چون مادرم هیچوقت ازم راضی نبود (۷).
- بزرگترین مسئولیتی که تو خونه به من داده بودن این بود که برم تو صف شیر بایستم. بقیه ش فقط به کلاس و درس و بازی می گذشت. بویژه اینکه من تک پسر بودم این حمایتو بیشتر می کرد (۲).

- تو خونه هیچوقت نه ماها رو می دیدن و نه هیچ مسئولیتی به ما می دادن. من یادمه همیشه مشغول بازی بودم. نقش پدر و مادرم فقط تأمین نیازهای ما بود و مراقبت شدید از ما (۵).

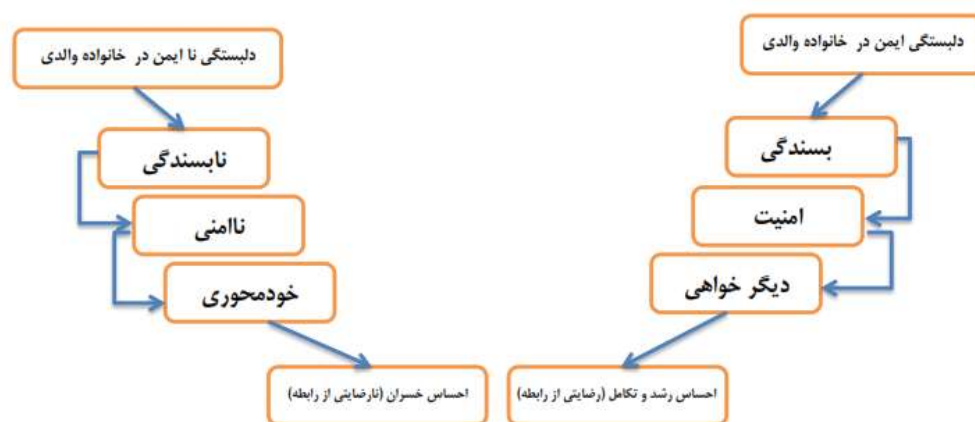
در مقابل تجربه ناایمنی، مقوله دلبستگی ایمن ساخته شد. در تجربه دلبستگی ایمن، فرد توجه و مراقبت کافی از سوی والدین و خانواده خود دریافت نموده و مورد پذیرش آن‌ها واقع می‌گردد. مفاهیم برساننده این مقوله عبارتند از:

۴.۱. دیده شدن توسط والدین و دیگر اعضای خانواده

- وقتی که برادرم به دنیا اومد پدر و مادرم انقدر عاقل بودن که طوری رفتار کنن که من حساس نشم. مثلاً من اصلاً احساس حساسیت نمی کردم. مثلاً وقتی چیزی برای اون نوزاد می خریدن برای من هم چیزی می خریدن که من حسادت نکنم (۹).
- اصلاً تو خانواده من خیلی دیده می شدم هم وقتی بچه بودم، هم دوره نوجوونی و جوونیم. من یه مرجع بودم برای پدر و مادرم. خیلی قبولم داشتن (۱۰).
- مادرم خیلی به من توجه ویژه داشتن. نه از این حمایت‌های بی حساب و کتاب. توانمندی‌های من رو می دیدن. به من مسئولیت می دادن از بچگی (۱۱).
- من یادمه از نوجوونی طرف مشورت خانوادم، حتی بزرگترام بودم. اصلاً نمی دونم چطوری بود که من رو به عنوان اون عاقله می دونستن که برای حل و فصل دعواهایی که مثلاً بین خواهر و برادرا پیش میومد همیشه میومدن پیش من. از این جهت رو من خیلی حساب می شد (۱۱).
- پدرم مرد خیلی با ابهت و قوی بود و خیلی با محبت ولی مهربونیش رو خیلی بروز نمی داد. ولی در خلال رفتارهایش ما می فهمیدیم که چقدر ما رو دوست داره. اصلاً اینطوری نبود که ما رو لوس بکنه ولی واقعاً می فهمیدیم چقدر ما دخترا رو دوست داره (۹).

- من خانوادم پر از عاطفه، پر از عشق بود. پر از انسجام. یعنی انقدر ما تو خانواده صمیمیت و شادی و بگو بخند داشتیم که من وقتی رفته بودم تهران دانشگاه لحظه شماری می کردم کی برگردم پیش خانوادم. الانم خیلی خواهر و برادرا باهم گرم و صمیمی هستیم (۱۰).

از ترکیب مضامین و مقولات استخراج شده دو الگوی زیر استخراج شدند:



شکل ۱- دو الگوی استخراج شده مضامین از تحقیق

منبع: (نتایج تحقیق حاضر)

چنانکه در الگوی فوق نشان داده شده، پاسخگویانی که در خانواده‌هایی دارای سبک تربیتی ناایمن (با مؤلفه‌های تحقیر و عدم پذیرش از سوی خانواده، دیده نشدن توسط خانواده، رابطه سرد و غیر صمیمی با خانواده، رابطه حمایتی صرف از سوی خانواده) پرورش یافته‌اند، با داشتن حالتی از نابسن‌دگی وارد رابطه عاشقانه شده‌اند. فرد نابسنده، دچار خودناباوری و خودکم‌بینی است. به همین دلیل هنگامی که وارد رابطه عاشقانه می‌شود، نمی‌تواند از اینکه مورد پذیرش معشوق واقع شده است، اطمینان داشته باشد؛ چراکه خود را به اندازه کافی قابل دوست داشتن نمی‌یابد. در نتیجه دچار

احساس ناامنی می‌گردد. اضطراب ناامنی که مشخصه آن در رابطه با دیگری، تجربه پروای پذیرش است، ترس‌هایی مثل ترس از طرد شدن یا ترس از منفی ارزیابی شدن در فرد به وجود می‌آورد که باعث می‌شود فرد در مواجهه با معشوق حالت تدافعی به خود بگیرد و حائلی میان خود و دیگری قائل شود؛ چراکه مدام درون ذهن خود درگیر موجه نمودن خود برای در امان ماندن از ترس‌های ناشی از ناامنی است. درواقع در این افراد به طور کلی تجربه عشق، نوعی واکنش تدافعی در برابر اضطراب ناامنی بوده است. از این رو مزلو چنین عشقی را عشق کاستی مدار^۱ نامیده است؛ به این معنا که انگیزه اصلی تمامی اعمال و ادراکات فرد در چنین ارتباطی نیازهای وی بوده است. داشتن حالت تدافعی، واکنش‌های مختلفی را در مشارکت‌کنندگان برمی‌انگیزد. یکی از اصلی‌ترین واکنش‌های مشارکت‌کنندگان به ناامنی، خودمحوری بود. خودمحوری مانع دیدن دیگری و همدلی با اوست. حالت خودمحوری در فرد تشدیدشونده است. به عبارت دیگر وقتی فردی به دنیای دیگری راه نیافته و او را نمی‌بیند، خودش را محور عالم فرض کرده و براین اساس تعامل را ادامه می‌دهد، چنانکه مزلو، نیز معتقد است، چنین تجربه عاشقانه‌ای در بلندمدت نه تنها مانع رشد و تکامل می‌گردد، بلکه آسیب‌هایی را نیز ایجاد می‌کند و نهایتاً همان خطری که دو نفر از آن فرار می‌کرده‌اند به شکلی شدیدتر و مخرب‌تر رخ می‌دهد (مزلو، ۱۳۶۷). به عبارتی با اینکه تلاش فرد در چنین تجربه‌ای، آمیختگی با دیگری و فرار از ناامنی بوده است، نتیجه‌ای که حاصل می‌گردد- چنانکه توضیح داده شد- دوری از دیگری و احساس نارضایتی و خسران و ناامنی شدیدتر است. مشارکت‌کنندگانی که چنین تجربه عاشقانه‌ای را داشتند، مشترکاً، احساس خسران و آسیب دیدگی می‌کردند و حتی برخی احساس می‌کردند که از سوی طرف مقابل مورد سوء استفاده واقع شده‌اند. این احساس ناکامی، فرد را دچار ناسازگاری درونی می‌سازد.

1. D.Love (deficiency love)

در مقابل، مشارکت‌کنندگانی که از زمینه سبک فرزندپروری ایمن برخوردارند، دارای ادراک بسندگی نسبت به خود بوده، اضطراب ناشی از عدم پذیرش و طردشدگی را تجربه نکرده و دارای سبک ایمن در رابطه عاشقانه خود بودند. برخورداری از این امنیت وجودی باعث می‌شد که این مشارکت‌کنندگان، رویکردی خودانگیخته در مقابل خود، دیگری و رابطه عاشقانه‌شان اتخاذ کنند. مشارکت‌کننده خودانگیخته چون اضطراب‌های ناشی از نایمنی را تجربه نمی‌کند، دفاع و مقاومتی در برابر دیگری و جهان پیرامون نداشته و در نتیجه به باور مزلو، می‌تواند نه تنها خود بلکه دیگری را نیز همان‌گونه که هست ببیند و به او احترام بگذارد (مزلو، ۱۳۶۷). این مشارکت‌کنندگان به این دلیل که از اوهمات تدافعی ذهن خود مبرا بودند، امکان دیدن دیگری و شراکت در جهان زیست او را نیز داشتند. فردی که استقلال نسبی و فردیت را تجربه می‌کند و در نتیجه به اندازه فرد نایمن و وابسته به رابطه با دیگری نیازمند نیست، بر رابطه و معشوق به شیوه‌ای بهره‌بردارانه و با هدف برطرف نمودن نیاز خود به دیگری، هجوم نمی‌برد بلکه در آرامشی که ناشی از تجربه چنین استقلال و فردیتی است می‌تواند به تعامل تکامل‌بخش و هم‌دلانه‌ای با معشوق بپردازد. سرانجام این وضعیت یک عشق تعالی‌بخش است. چنان‌که مشارکت‌کنندگانی که در این الگو قرار دارند، مشترکاً نتیجه رابطه عاشقانه خود را رشد و تکامل و رهایی درونی و در نتیجه احساس رضایت و آرامش دانسته‌اند. مزلو نیز معتقد است که رابطه عاشقانه در افراد سالم نه تنها ریاکارانه نیست، بلکه یکی از عمیق‌ترین رضایتمندی‌ها را باعث می‌شود. به علاوه اظهارات این مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد که این رشد و تکامل دوجانبه باعث شناخت و رضایت بیشتری می‌شود.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

از آنجایی که افرادی که وارد تعامل با یکدیگر شده و انواع ساختار تعاملی را شکل می‌دهند، در کنار ویژگی‌های روانی و منحصربه‌فرد خود، موجودیت‌های اجتماعی هستند که در این ساختار اجتماعی رشد یافته‌اند، لازم است از طریق بررسی موقعیت و ساختار خانوادگی آن‌ها، به نحوه

جامعه‌پذیری‌شان پی ببریم. در واقع در این جا فرض کرده‌ایم که ساختار خانواده، هم‌چون واسطی، حاکمیت ساختار فرهنگی جامعه را به فرد و کنش‌های او تسری می‌دهد. برای این منظور، در هنگام مصاحبه با افراد از مشارکت‌کنندگان سؤالاتی برای فهم نحوه تعاملات فرد با خانواده‌اش مطرح کردیم. همان‌طور که در توصیف مقوله‌ها و مفاهیمی که فضای زمینه‌ای مشارکت‌کنندگان را توصیف می‌کرد، ذکر شد، به‌طور کلی دو سبک زیست/ایمن و نا/ایمن از پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان استخراج گردید. توضیح اینکه آن دسته از مشارکت‌کنندگانی که در فضای خانواده، محیطی امن و والدینی متوجه را تجربه کرده‌اند، تجربه عشق را با ادراک بسندگی از خود آغاز نموده و تجربه‌ای تکامل‌بخش و رضایت‌مندانه از عشق داشته‌اند. در مقابل مشارکت‌کنندگانی که در کودکی و نوجوانی فضای خانوادگی سرد، غیرصمیمی، نا/ایمن و طردکننده را تجربه نموده‌اند و با والدینی غیرمتوجه تعامل داشته‌اند، ادراکی نابسنده از خود داشتند، احساس ناامنی می‌کردند و در نتیجه در تدافع علیه این ادراک از خود، دست به ساماندهی رابطه عاشقانه خود زده‌اند تا ضعف خود را پوشش دهند. نظریه بالبی (۱۹۹۴)، مبتنی بر انطباق داشتن سبک دلبستگی در دوران کودکی با سبک دلبستگی در دیگر روابط صمیمانه فرد، نیز این یافته را حمایت می‌کند. فروم، نیز معتقد است که افرادی که در تعامل با والدین، ایمنی و آزادی را تجربه نکرده باشند، در روابط بزرگسالی خود به یکی از اشکال وابستگی، کناره‌گیری و میل به ویران‌گری، به مقابله با این ضعف می‌پردازند (فروم، ۱۳۸۸). در وابستگی، فرد برای گریز از ناامنی، جزئی از فرد دیگر می‌شود که این رفتار با تسلیم دیگران شدن یا تسلط بر دیگران نمود می‌یابد. مکانیسم کناره‌گیری- ویران‌گری، مستلزم کناره‌گیری از دیگران یا تلاش برای نابودی آنهاست. این رفتار نیز به‌صورت دوری‌گزیدن از دیگران آشکار می‌گردد.

ملاحظه می‌گردد چگونه ساختارهای فرزندپروری در خانواده می‌تواند بر تجربه عاشقانه فرد اثرگذار باشد. ساختار فرزندپروری که فرد را در سطوح نیازهای احترام، تأیید و پذیرش نگاه می‌دارد، او را مهیای تجربه عشق مبتنی بر مصرف‌کنندگی می‌کند. در مقابل شیوه فرزندپروری که کودک را

از سطح نیازهای سوم و چهارم هرم مزلو گذرانیده و به فرد اجازه می‌دهد که تبدیل به انسانی *خو/ستار* تحقق خود گردد، آمادگی تجربه عشقی زایشگر را در او به وجود می‌آورد. در این سطح از تحلیل - جامعه‌شناسی میانه - می‌توان از مباحث جامعه‌شناسی خانواده برای تحلیل بیشتر این وضعیت در قالب پژوهشی جامع‌تر استفاده نمود و نقش ساختارهای خانوادگی در شکل‌گیری این تجارب فردی و همچنین نحوه داد و ستد این ساختارها با ساختارهای کلان جامعه را بررسی نمود. به عنوان یک تحلیل دم دستی، به راحتی می‌توان استدلال نمود که وقتی والدین با ساختن یک ساختار تعاملی مبتنی بر مصرف‌کنندگی، مؤلفه‌ها و عناصر این ساختار را در خانواده بازتولید می‌کنند، قطعاً فرزندان نیز، هم از طریق یادگیری، این جنس از تعامل را یاد می‌گیرند و هم از طریق یک فرآیند دیالکتیک با والدین خود وارد ستیز بر سر کسب قدرت و امنیت برمی‌آیند. به این ترتیب به سمت روابط مصرف‌کنندگی در تعاملات بعدی خود سوق می‌یابند. به عبارتی چنان‌که ردفیلد نیز معتقد است، این نقش‌ها تبدیل به نمایش‌های قدرت کودک گشته و در بزرگسالی نیز برای کسب قدرت و امنیت، از این نقش‌ها استفاده می‌کند (ردفیلد، ۱۳۹۰). ملاحظه می‌گردد که بازتولید این ساختار تعاملی در خانواده، چگونه به جامعه تسری می‌یابد. در واقع خانواده هم واسطی است که هنجارها و ارزش‌های ساختار کلان اجتماع را از طریق فرآیند جامعه‌پذیری، به کودکان اشاعه می‌دهد و به این ترتیب از ارزش‌های کلان جامعه برای تثبیت سبک تعاملی مصرف‌کنندگی استفاده می‌کند؛ هم اینکه با بازتولید این ساختار تعاملی و تثبیت آن در کودک، به تسری این ساختار تعاملی، به کل جامعه نیز کمک می‌کند. البته خانواده از راه‌های دیگری نیز در بازتولید این ساختار تعاملی در جامعه، نقش ایفا می‌کند: والدینی که درگیر تعامل مصرف‌کنندگی هستند، بنابر ویژگی‌هایی که برای ماهیت چنین تعاملی ذکر شد، نه ادراک بسطی از خود و دیگری دارند و نه می‌توانند این چنین ادراکی را در اختیار کودک قرار دهند. بنابراین اولین تجارب مفهوم‌ساز کودک، در تعامل با چنین والدینی رخ داده و در نتیجه ادراک او از خودش و از دیگری ادراکی تحریف‌شده، تک‌ساحتی و شیء‌واره است. نهایتاً خانواده از طریق این ادراک ناقص، خودمحوری و تصویرسازی وهمی را نیز در کودک نهادینه می‌کند، چنان‌که

کودک حتی قادر نیست تصور کند که دیگری ممکن است ادراک و تجربه متفاوتی داشته باشد. به علاوه چنین والدگری قادر نیست فرد را در کلیت خودش و چنان‌که هست ببیند و بپذیرد، در نتیجه او را شکوفا نساخته و احساس فردیت و استقلال در او به وجود نمی‌آورد. چنین فرد متکی و وابسته‌ای در روابط بعدی خود نیز به سمت الگوی مصرف‌کنندگی سوق می‌یابد. در پژوهش حاضر نیز ملاحظه گردید که تنها مشارکت‌کنندگانی زمینه مساعدی برای تجربه عشق رشددهنده داشتند که از زمینه خانوادگی ایمنی برخوردار بوده‌اند. شیوه فرزندپروری غیرمتوجه که در آن کودک نادیده گرفته می‌شود از طریق دیگری نیز در تجربه تعاملی فرد اثر می‌گذارد.

البته لازم است به این نکته توجه داشته باشیم که زمینه خانوادگی ایمن نیز تنها، شانس چنین تجربه رشددهنده و رضایت‌بخش را بالاتر می‌برد؛ درحالی که در نهایت انتخاب چنین تعاملی، چنان‌که در سطور پیشین توضیح داده شد، کنشی آگاهانه و فاعلانه است که فرد آن را انتخاب و با جدیت دنبال می‌کند. همان‌طور که ساختارهای خانوادگی متمرکز، اقتدارگرا، سلطه‌گرا، طردکننده و ارباب‌کننده فرد را به سمت انتخاب رویکردها و نقش‌های تدافعی و در نتیجه تجربه تعاملات مبتنی بر مصرف‌کنندگی سوق می‌دهد. در ضمن تغییر دیگری که در دهه‌های اخیر در شیوه‌های فرزندپروری رخ داده است، گرایش خانواده‌های طبقه متوسط و بالای جامعه به حمایت‌های بیش از حد از فرزندان و تلاش‌های مضاعف خانواده برای موفقیت‌های آنان است. گرچه خانواده‌ها با هدف رشد و تکامل بیشتر فرزندان این حمایت‌ها را متقبل می‌شوند، لیکن این حمایت بیش از حد و عدم واگذاری مسئولیت‌های کوچک به فرزندان، نه تنها نشانه توجه بیش از حد نیست، بلکه حاکی از چشم‌پوشی والدین بر توانمندی‌ها و قابلیت‌های فرزندان است. این ادراک ناصحیح فرزندان مبنی بر ناتوانی آنها و نیازشان به حمایت، ادراک فرزندان نسبت به خود را نیز متأثر ساخته و اغلب باور نابسندگی را برای فرد به همراه خواهد داشت. این ادراک ناقص، خود احتمال تجربه رابطه‌ای مبتنی بر نایمنی را برای فرد افزایش می‌دهد.

جدای از ساختار فرزندپروری که نحوه تعاملات فرد را متأثر می‌سازد، تغییراتی که در دهه‌های اخیر در ساختار خانواده ایرانی رخ داده است، امکانات و محدودیت‌های جدیدی را برای انتخاب سبک تعامل، پیش روی فرد قرار می‌دهد. از جمله تغییرات ایدئولوژیکی مثل روند کاهش ساختار مردسالارانه در خانواده و همچنین کاهش تمرکز قدرت و دموکراتیزه‌تر شدن فضای خانه، کمرنگ‌تر شدن فشارهای مذهبی و شخصی‌تر شدن مذهب بین اعضای خانواده، مشروع‌تر شدن آزادی‌های فردی و محترم شمرده شدن فردیت اعضای خانواده، کاهش یافتن هژمونی ازدواج در خانواده ایرانی و بالاتر رفتن سن ازدواج فرزندان و... و همچنین تغییرات ماتریالیستی یا فضایی از جمله: افزایش فن‌آوری‌های نوین ارتباطی مثل اینترنت و موبایل، غیاب والدین، دور شدن مقطعی و مدت‌دار فرزندان از خانواده برای تحصیلات دانشگاهی، کلاس‌های آموزشی - تفریحی و... . مشهود است که چنین تغییراتی هم می‌تواند محدودیت‌هایی را برای فرد ایجاد کند و هم امکاناتی را در اختیارش قرار دهد: از یک سو با کمتر کردن هزینه فرار از خانه نسبت به ماندن و بهبود اوضاع، خانواده را بیش از گذشته به سمت تقویت تعاملات مبتنی بر مصرف‌کنندگی سوق می‌دهد و موانعی برای ایجاد روابط گرم و هم‌دلانه ایجاد می‌کند و از سوی دیگر با پالایش روابط بین فردی درون خانواده از الزام‌ها و هنجارهای سنتی، امکان بازتعریف تعاملات مبتنی بر مصرف‌کنندگی، به شکل تعاملات زاینده را برای فرد بیشتر می‌کند. توضیح اینکه در خانواده‌های سنتی، هنجارهای حاکم بر اعضای خانواده چنان آن‌ها را پایبند به تقیدات خود می‌نمود و اعضا را در کلیت منسجمی به نام خانواده مستحیل می‌ساخت که امکان فاصله‌گیری از مرکز اقتدار و پی بردن به مسائل و مشکلات تعاملی و نقصان‌های موجود را از فرد می‌گرفت. درحالی که امروز فرد می‌تواند کلیت ساختار خانوادگی خود را بازبینی نموده و به بازسازی نحوه تعاملات خود بپردازد. ملاحظه می‌گردد در این‌جا نیز با وجود تحمیل محدودیت‌ها از سوی ساختار، فرد می‌تواند با انتخاب‌های آگاهانه خود و استفاده از امکاناتی که ساختار در اختیارش می‌گذارد، مواجهه متفاوتی با موقعیت داشته باشد و تجربه متفاوتی را برای خود سامان دهد.

کتابنامه

۱. آلدی، ر. (۱۳۷۳) عشق. تهران: انتشارات توس.
۲. احمدی، ب. (۱۳۹۰) حقیقت و زیبایی. چاپ بیستم. تهران: نشر مرکز
۳. استراوس، ا؛ و کریبن، ج. (۱۳۹۰). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. (افشار، ا، مترجم). تهران: چاپ غزال.
۴. چوپرا، د. (۱۳۷۸) جاده عشق. (بلوچ، ح.ر؛ و هندی‌زاده، ح، مترجمان). تهران: چاپ آسمان.
۵. ردفیلد، ج. (۱۳۹۰) پیشگویی آسمانی. (عبداللهی، ه، مترجم). تهران: نشر فرزانه روز.
۶. فروم، ا. (۱۳۷۴) هنر عشق ورزیدن. (سلطانی، پ، مترجم). تهران: مروارید.
۷. فلیک، ا. (۱۳۸۸) درآمدی بر تحقیق کیفی. (افشار، ه، مترجم). تهران: نشرنی.
۸. گرمارودی، غ.، مکارم، ج؛ علوی، س؛ مکارم، ج؛ علوی، ش؛ و عباسی، ز. (۱۳۸۸). عادات پرخطر بهداشتی در دانش‌آموزان تهرانی. فصلنامه پایش، ۹(۱)، ۱۳-۱۹.
۹. گیدنز، آ. (۱۳۹۰)، مبانی جامعه‌شناسی. (صبوری، م، مترجم). تهران: نشر نی.
۱۰. عطاری، آ. (۱۳۹۰)، بررسی کیفیت روابط صمیمانه مبتلا به اختلال وسواسی اجباری و ارائه مدل براساس سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی بالینی، دانشگاه الزهرا تهران.
۱۱. مزلو، ا.ه. (۱۳۶۷). انگیزش و شخصیت. (رضوانی، ا، مترجم). مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۲. مزلو، ا.ه. (۱۳۶۷). روان‌شناسی عشق ورزیدن: روان‌شناسی شخصیت سالم. (رویگریان، ش، مترجم). تهران: چاپ گلشنای.
۱۳. میرمیری، ه. (۱۳۹۰). برساخت اجتماعی عشق در تجربه زیسته ایرانی (مطالعه موردی دهه ۴۰، ۶۰ و ۸۰). پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات فرهنگی. دانشگاه علم و فرهنگ تهران.
۱۴. نراقی، آ. (۱۳۹۱) درباره عشق. (نراقی، آ، گردآوری و ترجمه). تهران: نشر نی.
۱۵. یالوم، ا.د. (۱۳۹۱). روان‌درمانی اگزیستانسیال. تهران: نشرنی.

16. Bowlby, J. (1977). *The making and breaking of affectional bonds*. NEW York: Routledge publication.
17. Esna-Ashari, F. (2004). *Differences in Attitudes towards Premarital Sex*. M.A. thesis in Shiraz University, Iran.
18. Goode, W. (1959). The Theoretical Importance of Love. *American Sociological Review*: No 24: pp 38-47.
19. Grabill, C. M., & Kerns, K. A. (2000). Attachment style and intimacy in friendship. *Personal Relationships*, 7, 363-378.
20. Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualised as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52, 511-524.
21. Hazen, C., & Shaver, P. (1994). Attachment as an organizational framework for research on close relationship. *Psychological Inquiry*, 5, 1-22.
https://doi.org/10.1207/s15327965pli0501_1
22. Jackman, M. (1994). *The Velvet Glove: Paternalism and Conflict in Gender, Class, and Race Relations*. Berkeley: University of California Press.
23. Lee, J. (1973). *the Colours of loVe: An exploration of the ways of loving*. Toronto, Canada: New Press: Toronto.
24. Lin, H. (2008). Private Love in Public Space: Love Hotels and the Transformation of Intimacy in Contemporary Japan. *Asian Studies Review*, 32, 31-56.
25. Marshall, T. C. (2008). Cultural differences in intimacy: The influence of gender-role ideology and individualism—collectivism. *Journal of Social and Personal Relationships*, 25 (1), 143-168.
26. Meier, A., & Allen, G. (2008). Intimate relationship development during the transition to adulthood: Differences by social class. *Social class and transitions to adulthood*, 119, 25-39.
27. Nielsen, K., & Cairns, S. (2009). Social Anxiety and Close Relationships: A Hermeneutic Phenomenological Study. *Canadian Journal of Counselling*, 43(3), 178-197.
28. Shaver, P. R., & Mikulincer, M. (2002). Dialogue on adult attachment: Diversity and integration. *Attachment and Human Development*, 4, 243-257.

Reflection on the Signs of Commodification of the Sacred Affairs with Emphasis on Pilgrimage¹

Zahra Bostan

Ph.D. Student in Economic and Development Sociology, Faculty of Literature and Humanities,
Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Ali Yousefi

Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi
University of Mashhad, Mashhad, Iran²

Sepideh Parsapajouh

Senior Researcher, CNRS-CéSOr/EHESS, Paris, France

Received: 15 February 2023 Revised: 25 April 2023 Accepted: 1 May 2023

Abstract

The process of commodification refers to the transformation through which objects, events, places, and true narratives are converted into commodities or services with exchange value. The commodification of the sacred, particularly within the domain of pilgrimage, challenges the authenticity and sanctity of the pilgrimage experience. Despite the growth pilgrimage sites, the expansion of ritual practices, and the accelerating commodification of pilgrimage in Iran, a paucity of studies on this process is felt. This paper aims to systematically analyze the definitions, components, and indicators of commodification of the sacred in the literature on pilgrimage. The findings suggest that research on the commodification of pilgrimage exhibit geographic diversity, methodological variety, and multiple research perspectives. Moreover, the indicators of

1. The article is extracted from the thesis of the first author of the article at Ferdowsi University of Mashhad.

2. Corresponding Author. Email: yousefi@um.ac.ir



©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license:
<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

How to cite this article: Bostan, Z., Yousefi, A. and Parsapajouh, S. (2025). Reflection on the Signs of Commodification of the Sacred Affairs with Emphasis on Pilgrimage. Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences, 22(3), 33-66. Doi: 10.22067/social.2023.81140.1314

commodification can be categorized into six interconnected main dimensions: “monetization,” “spectacularization,” “popularization,” “bureaucratization,” “digitalization,” and “politicization.” Further, the commodification of the sacred is a multifaceted phenomenon that encompasses both overt economic dimensions and complex non-economic layers, with this transformation primarily reflected via changes in religious spaces, objects, symbols, and rituals. Lastly, the existing literature has paid scant attention to the process of commodification of the “pilgrimage experience” from the perspective of the pilgrims, as well as how this micro-level process interacts with broader political, economic, and institutional changes. This article, by offering a six-dimensional classification and identifying research gaps, proposes a preliminary framework for more in-depth and contextually grounded studies on the commodification of pilgrimage in Iran.

Keywords: Commodification, The Sacred, Religious Rituals, Pilgrimage, Systematic Review.

تأملی بر نشانه‌های کالایی‌شدن امر مقدس با تأکید بر زیارت^۱

زهرآستان (دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی،

دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

z.bostan@mail.um.ac.ir

علی یوسفی (استاد جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد،

ایران، نویسنده مسئول)

yousofi@um.ac.ir

سپیده پارسا‌پژوه (پژوهشگر ارشد مرکز مطالعات علوم اجتماعی دین، پاریس، فرانسه)

sepideh.parsapajouh@gmail.com

چکیده

کالایی‌شدن فرایندی است که در طی آن اشیاء، رویدادها، مکان‌ها و روایت‌های واقعی، به کالاها یا خدماتی دارای ارزش مبادله تبدیل می‌شوند. کالایی‌شدن امر مقدس به‌ویژه در قلمرو گسترده زیارت، اصالت و تقدس زیارت را در معرض چالش قرار داده است. با وجود روند فزاینده زیارتگاه‌ها و گسترش عمل مناسکی زیارت و شتاب کالائی شدن آن در ایران، مطالعه این فرایند، تا حدی زیادی مغفول مانده است. هدف نوشتار حاضر، واکاوی نظام‌مند تعاریف، مؤلفه‌ها و نشانه‌های کالایی‌شدن امر مقدس، در تحقیقات علمی پیشین حوزه زیارت است. یافته‌های به‌دست آمده نشان می‌دهد: نخست اینکه مطالعات کالائی شدن زیارت دارای گستردگی جغرافیایی، تنوع روش‌شناختی و جلوه‌های چندگانه پژوهشی است. دیگر آنکه نشانه‌های کالایی‌شدن در شش بُعد اصلی و به‌هم‌پیوسته قابل دسته‌بندی بوده که عبارتند از: «پولی‌شدن، نمایشی شدن، عمومی شدن، بوروکراتیزه‌شدن، دیجیتالی شدن و سیاسی شدن»؛ سوم، کالایی‌شدن امر مقدس،

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول در دانشگاه فردوسی مشهد است.

پدیده‌ای چندوجهی است که هم دارای ابعاد اقتصادی آشکار و هم لایه‌های غیراقتصادی پیچیده است و این دگردیسی عمدتاً در قالب تحول فضاها، مذهبی، اشیاء، نمادها و مناسک بازنمایی می‌شود؛ و آخر اینکه، عمده تحقیقات موجود کمتر به فرآیند کالایی شدن «تجربه زیارت» در میان خود زائران و نیز چگونگی تعامل و هم‌نوایی این فرآیند خرد با تغییرات کلان سیاسی - اقتصادی و میانه نهادی پرداخته‌اند. این مقاله با ارائه طبقه‌بندی شش‌بندی و شناسایی نقاط کور پژوهشی، چارچوب اولیه‌ای را برای مطالعه عمیق‌تر و بومی‌تر مسئله کالایی شدن زیارت در ایران، پیشنهاد نموده است.

واژگان کلیدی: کالایی شدن، امر مقدس، مناسک دینی، زیارت، مرور نظام‌مند.

۱. مقدمه

کالایی شدن^۱ فرایندی است که در طی آن اشیاء، رویدادها، مکان‌ها و روایت‌های واقعی، به کالاها یا خدماتی دارای ارزش مبادله تبدیل می‌شوند (کوهن^۲، ۱۹۸۸). لوکاج^۳ (۱۳۸۷) این مفهوم را موضوعی اصلی در حوزه‌های مختلف جامعه سرمایه‌داری می‌داند. کاربرد فزاینده این اصطلاح به‌خودی‌خود، بیانگر گسترش روابط بازار و گسترش فرهنگ مصرف است. آنچه در پایان قرن بیستم کالایی شدن را دارای اهمیت کرده، درگیری حوزه‌های مختلف زندگی از جمله مسکن، اوقات فراغت، فضا، بدن، سلامت، علم و آموزش با نظام بازار است که با مفهوم کالایی شدن قابل تبیین هستند. نهادها و مناسک دینی نیز از این امر مستثنا نبوده‌اند و به این دلیل است که امروزه از کالایی شدن زیارت، کالایی شدن اشیا مذهبی و اماکن قدسی نیز سخن به میان می‌آید. در اواخر قرن بیستم و با رشد گردشگری توده‌ای، حضور فزاینده زائران و گردشگران مذهبی منجر به تغییرات ساختاری مهمی در اماکن متبرکه و مقصدهای مذهبی نیز گردیده است. این تغییرات که به‌منظور تأمین نیازهای مسافران به‌عنوان «مصرف‌کننده» شکل گرفته، به نوبه خود تأثیرات شگرف اجتماعی

1. Commodification

2. Cohen

3. Lukács

و اقتصادی نیز به دنبال داشته است. بارزترین جلوه این امر، ایجاد یا گسترش زیرساخت‌های اقامتی و پذیرایی، راه‌اندازی مشاغل جدید مانند آژانس‌های مسافرتی، تورگردانان تخصصی و همچنین شکل‌گیری بازار ارائه کالای مقدس و فروش سوغات مذهبی است. امروزه زیارت یکی از رایج‌ترین مناسک دینی است و زیارتگاه به‌عنوان یک نهاد مذهبی فضامند^۱ (ترنر و همکاران، ۱۹۷۸) به میدانی مستعد برای تعامل و تبادل بین دو نهاد دین و اقتصاد قلمداد شده و حتی به مثابه یکی از منابع اصلی تأمین هزینه دولت‌ها تلقی می‌گردد. از این‌رو، موضوع کالایی‌شدن مناسک زیارتی و اماکن مقدس، یکی از موضوعات پژوهشی جدید است که تحلیل و بررسی آن هم در حوزه علوم اجتماعی دین و هم در حوزه گردشگری یکی از دغدغه‌های پژوهشگران معاصر این حوزه را تشکیل می‌دهد. اولین مطالعات مربوط به سفرهای زیارتی در دهه ۱۹۸۰ پدیدار شده و در مجلات مختلف گردشگری چاپ گردیده است. به دنبال آن، گونه‌شناسی گردشگری مذهبی و انگیزه و اهداف از چنین سفرهایی در ادیان مختلف محور مطالعات بوده است. اخیراً، موضوعات حوزه گردشگری مذهبی و زیارت حول مسئله سکولاریزه شدن و عرفی‌سازی آن و حتی زیارت پست‌مدرن نیز متمرکز شده است. این موضوعات با طرح پیوستار گردشگر- زائر و امرمقدس - امرنامقدس در گردشگری مذهبی برجسته شده (اسمیت^۲، ۱۹۹۲؛ کالینز کرنیر^۳، ۲۰۱۶؛ هانگ^۴ و همکاران، ۲۰۱۷) و تغییرات مورد مشاهده در این حوزه، به یکی از مهمترین موضوعات پژوهشی انسان‌شناختی در مورد گردشگری مذهبی تبدیل شده که بحث‌های مداومی را حول آن مطرح می‌کند (کیم^۵ و همکاران، ۲۰۲۰). با توجه به اهمیت موضوع چه از منظر علمی و چه کاربردی، خاصه در ایران که کشوری با جاذبه‌های گردشگری مذهبی است، این پژوهش بر آن است تا به تحلیل ابعاد و چگونگی

1. Spatial institution

2. Smith

3. Collins-Kreiner

4. Hung

5. Kim

کالایی شدن در حوزه امر دینی برحسب سوابق پژوهشی موضوع پردازند. اگر چه تاکنون پژوهش‌های متعددی با محوریت کالایی شدن فرهنگ، کالایی شدن امر دینی و کالایی شدن زیارت در خارج از ایران به انجام رسیده است، اما در ایران با وجود گسترش زیارتگاه‌ها و اقتصاد زیارت تاکنون پژوهش مشخصی در زمینه کالایی شدن زیارت انجام نشده است. حال آنکه در دهه‌های اخیر نگرانی‌هایی در مورد سیطره بازار بر نهادهای اجتماعی و فرهنگی از جمله دین و سنت زیارت، هم در سطح عامه مردم، هم در میان متولیان مذهبی و نیز محققان کشور دیده می‌شود (سعیدی، ۱۳۹۵؛ شریعتی‌مزیनانی و ذاکری و شیخ‌رضایی، ۱۴۰۰). با توجه به خلأ نظری موجود، این پژوهش درصدد آن است تا با مرور ادبیات و سوابق پژوهشی این حوزه، الگویی نظری و تجربی برای شناخت و بازنمایی نشانه‌های کالایی شدن امر دینی و به‌ویژه زیارت را فراهم آورد. برای انجام این کار، براساس مطالعه نظام‌مند نمودهای کالایی شدن امر قدسی، در گام نخست به ترسیم تصویری کلی از پژوهش‌های انجام شده در این حوزه و دستاوردهای پژوهشی آنها می‌پردازیم و چستی و چگونگی مسئله و پیامدها و راهکارهای مواجهه با آن را بررسی خواهیم کرد. در این راستا تلاش می‌کنیم تا به این سؤال پاسخ دهیم که در پژوهش‌های انجام شده، کالایی شدن زیارت و اماکن مذهبی چگونه و در چه ابعادی بازنمایی شده است؟ و چه نقاط ضعف یا چالش‌هایی در سنجش تجربی کالایی شدن زیارت و اماکن مذهبی وجود دارد؟

۲. مبانی نظری پژوهش

کالایی شدن عبارت است از تبدیل اجناس، خدمات، ایده‌ها و افرادی که قبلاً ارزش اقتصادی نداشتند، به کالاهایی قابل مبادله تجاری. کالایی شدن عموماً مستلزم دو نوع وابستگی به بازار است که تحت تأثیر منطق عرضه و تقاضا قرار دارد: نوع اول به این معنی است که تولید اشیاء و خدمات، تحت تأثیر لزوم فروش آن‌ها در بازار قرار دارند. نوع دوم به این معنی است که بازآفرینی فرهنگ و زندگی روزمره تحت تأثیر لزوم خرید این اشیاء و خدمات، از بازار قرار دارد. این امر همچنین

متضمن جهت‌گیری فعالیت‌ها، سرگرمی‌ها، ایام فراغت و اجتماعی شدن در حول و حوش چیزهایی است که خریداری می‌شوند (اسلیتر و تونیکس^۱، ۱۳۸۶: ۴۷). کالایی شدن همانطور که مارکس در جلد اول سرمایه (۱۸۶۷) توضیح می‌دهد، تنها زمانی امکان‌پذیر است که ارزش مصرف با ارزش مبادله جایگزین شود. درواقع اشیا به کالا تبدیل شده و پول به عنوان واسطی برای خرید و فروش کالاها عمل می‌کند. در نتیجه، کالا هویت و روح متفاوتی پیدا می‌کند که براساس آن، روابط انسانی جای خود را به روابط کالایی می‌دهد. مارکس تمایزی جدی بین ارزش مصرفی و ارزش مبادله آن‌ها قائل بوده و معتقد است که این دو بخش جدایی‌ناپذیر از یک کل هستند که آن را «دیالکتیک کالا» نامیده است. این مفهوم مبنای کار باربارا هرنشتاین اسمیت در «گفتمان دوگانه ارزش» نیز قرار گرفته است که در آن حوزه فرهنگ دارای ارزش ذاتی و مقدس است که از حوزه اقتصادی بی‌ثبات و نامقدس مستقل است (کین، ۱۹۹۳: ۱۱۰، ۱۱۷، به نقل از شفر^۲، ۲۰۰۲). کالایی شدن تنها زمانی امکان‌پذیر است که نوعی جایگزینی ارزش مصرف با ارزش مبادله امکان‌پذیر شود؛ بدان علت که تمام کالاها (که توسط مارکس به عنوان چیزی که نیاز انسان را ارضا می‌کند، تعریف می‌شوند) هم به عنوان "چیزهای مفید و قابل استفاده" و هم "ذخایر ارزش" کارکرد دارند (اسلیتر و تونیکس، ۱۳۸۶: ۵۷). سرشت رازآلود شکل کالا تماماً ریشه در این واقعیت دارد که ویژگی‌های اجتماعی کار انسانی را طوری بازنمایی می‌کند که انگار ویژگی‌های عینی خود محصول کار یا خواص اجتماعی-طبیعی محصولات و چیزها است" (مارکس، ۱۹۹۰، به نقل از پاترسون، ۱۳۹۸: ۳۸). لوکاچ در تاریخ و آگاهی طبقاتی مدعی است که روابط کالایی عامل فقر جهان و تهی‌کننده آن از معانی اصیل و راستین است. طبق نظر لوکاچ، روابط و فعالیت‌های اجتماعی و بهای انسان بیش از پیش با مقیاس ارزش مبادلاتی پول تعیین و تعریف می‌شود که نتیجه آن بیگانگی و شی‌شدگی^۳ است؛ روندی که

1 Slater & Fran Tonkiss

2. Shepherd

3. Refication

به کالایی شدن شهرت یافته است. بنابر اندیشه لوکاچ کالایی شدن جهان اجتماعی با فرایند شی شدن پیوند دارد (لوکاچ، ۱۳۸۷). مندل بر این باور است که سرمایه داری مصرفی یا چندملیتی یا متأخر (سومین دوره سرمایه داری) خالص ترین شکل سرمایه داری است که در آن شاهد نفوذ شگفت انگیز سرمایه داری در قلمروهایی هستیم که تاکنون کالایی نشده است (جیمسون، ۱۳۷۹: ۴۶). گرینوود^۱ (۱۹۸۹: ۱۷۳) معتقد است که هر چیزی که فروخته می شود، از جمله فرهنگ، به صورت کالا فرض می شود. از آنجا که فرهنگ به هیچ کس تعلق ندارد، بازاریابی و فروش محصولات فرهنگی به گردشگران، نوعی سلب مالکیت از کل جامعه است. وقتی این اتفاق می افتد، فرهنگ محلی "تغییر یافته و اغلب نابود شده" و "مردم بی معنا" می شوند. با قرارداد فرهنگ به بخشی از بسته گردشگری، آن را به نمایشی ظاهری و پرداخت شده (هزینه شده) تبدیل می کند. منتقدان بر این باورند بسیاری از حوزه های زندگی اجتماعی از جمله آموزش، بهداشت و سلامت، گردشگری و حتی دین، امروزه تجاری و کالایی شده اند. پذیرش یک رابطه علت و معلولی بین گردشگری و کالایی شدن فرهنگ نیاز به پذیرش مفهوم "اصالت" دارد. در گردشگری اصالت به معنای ارزشی است که گردشگران و میزبانان برای توسعه و مصرف رویدادهای فرهنگی و محصولات و تجارب واقعی قائل هستند. مک کانل^۲ نشان داده است توریست مدرن از خود بیگانه برای دستیابی به اصالت به دنبال چیزهای بی نظیر، ابتدایی و طبیعی است که هنوز توسط مدرنیته دست نخورده باقی مانده است و امیدوار است تا آن ها را در زمان های دیگر و مکان های دیگر پیدا کند، چیزی که در دنیای خودش حضور ندارد. او معتقد است که تلاش گردشگری، محکوم به شکست است، زیرا برای همه اصالت در جایی دیگر عرضه شده است (مک کانل، ۱۹۷۶: ۱۰۱). کوهن (۱۹۸۸) با به نقد کشیدن نظریات مک کانل و همفکران وی، از این امر می پرسد که چه کسی قادر به تشخیص اصالت

1. Greenwood

2. MacCannell

است، گردشگر یا تحلیلگر اجتماعی؟ منتقدان معتقدند امر اصیل یک برساخت اجتماعی است (شفرد، ۲۰۰۳). تقدس در حفظ احساس مذهبی یا اصالت یک مکان (اولسن^۱، ۲۰۰۳)، نقش مرکزی دارد و معمولاً به جای اصالت در گردشگری مذهبی به کار می‌رود. هم تقدس و هم اصالت نقطه مقابل تجاری‌سازی اماکن دینی محسوب می‌شوند.

کالایی‌شدن امر دینی را باید یک مفهوم کلیدی جامعه‌شناختی و نوعی پدیده پیچیده مذهبی-فرهنگی، از طریق پیش‌زمینه‌ها، فرایندها و پیامدهای متناسب با آن درک کرد. این اصطلاح خود شامل مجموعه‌ای از اقدامات هدفمند برای تبدیل نمادها و مکان‌های مذهبی به کالای قابل فروش و مصرفی است؛ با وجود این واقعیت که سود و سایر اشکال منفعت مادی غالباً به‌طور ظریف پنهان می‌ماند. این امر باعث ایجاد بحث و تنش در جوامع مذهبی و بین مقامات مذهبی و مردم می‌شود. طبیعتاً دین در برابر حرص و امیال، توهم و جنون مادی ایستادگی و موعظه می‌کند. قرار نیست اعتقادات و فعالیتهای مذهبی در تجارت و درآمدزایی درگیر شود، چه رسد به اینکه توسط افرادی با استراتژی‌های نوین بازار اداره شود یا به‌عنوان کالا با آنها رفتار شود. در واقعیت، متأسفانه بیشتر مذاهب قادر به مقاومت در برابر نیروی بازار و فرهنگ نیستند و با کالاهای دینی به‌عنوان کالای مصرفی در بازار رفتار می‌شود. ارتباط بین بازار و دین در حال گسترش و تشدید است (پاتانا کیتیارسا^۲، ۲۰۱۰: ۵۶۵؛ پینتو^۳، ۲۰۰۷: ۱۱۹). اگرچه تولد و گسترش ادیان از همان ابتدا اشکال و درجه خاصی از کالایی‌شدن دین را در بر داشته است، اما "دنیوی‌شدن روزافزون دین" و تأثیرات اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی در دو قرن گذشته مشهودتر بوده است. وقتی دین از طریق نهاد بازار مدرن کالایی می‌شود، این واقعیت را نشان می‌دهد که جامعه مذهبی آماده است تا خود را با تغییرات سازگار کند. بازار و ظهور مصرف‌گرایی عواملی هستند که موجب رشد، شکل‌گیری و ظهور کالایی‌شدن دین می‌شود. با گذشت زمان، دست سرمایه‌داران و دولت به مکان‌های زیارتی نیز رسیده

1. Pattana Kitiarsa

2. Pinto

است، جایی که دولت‌ها با الصاق برچسب "گردشگری مذهبی" تلاش می‌کنند زائران بیشتری را جذب کنند و یکی از پیامدهای ظهور سرمایه‌داری در مناطق مذهبی، ظهور بی‌رویه بازارها، مراکز خرید، هتل‌ها، مشاغل و دیگر خدمات است. با کالایی‌شدن گردشگری مذهبی، جامعه و مکان قدسی به سوی مادی‌گرایی و بازاریابی سوق می‌یابند.

۳. روش پژوهش

این تحقیق از نوع مطالعات ثانویه بوده و با رویکرد مرور نظام‌مند^۱ یا سیستماتیک انجام شده است. مرور نظام‌مند، چشم‌اندازی از پژوهش‌های انجام شده درباره یک موضوع خاص را به صورت خلاصه در اختیار قرار می‌دهد که از اصول و قواعد دقیق و سختگیرانه‌ای متابعت می‌کنند. مهمترین نکته در مورد تحقیقات مروری این است که چشم‌اندازی جامع و درعین حال خلاصه از اطلاعات موجود درباره یک موضوع خاص ارائه می‌دهند (آویارد^۲، ۱۳۹۰). هدف از انجام این مطالعه مرور نظام‌مند مقالات چاپ شده در حوزه کالایی‌شدن امر اصیل یا مقدس در حوزه گردشگری فرهنگی و مذهبی است. مقالات و تحقیقات انجام شده با مفاهیم کالایی‌شدن^۳، تجاری‌شدن^۴، مکان مقدس^۵ و زیارت^۶ در حوزه گردشگری با تأکید بر گردشگری مذهبی^۷ و گردشگری فرهنگی^۸ در پایگاه داده‌های Google scholar و Elsevier و مقالات فارسی در پایگاه نشریات جهاددانشگاهی (SID)، سیویلیکا و مگ‌ایران جستجو شده است. مقالاتی که عنوان آن‌ها به مسئله مورد نظر نزدیک بود انتخاب شده و چکیده آن‌ها مطالعه شد. برخی موارد که مرکز توجه و تحلیل آن‌ها از حوزه کار تحقیق حاضر دور

-
1. systematic review
 2. Aveyard
 2. Commodification
 3. Commercialization
 4. Sacred place
 5. Pilgrimage
 6. Religious tourism
 7. Cultural tourism

بود از فرایند تلخیص و بررسی حذف شد. سپس مواردی که صراحتاً یا به طور ضمنی با موضوع کالایی شدن زیارت یا گردشگری مرتبط بود، به طور جزئی و مفصل تحلیل شدند. در نهایت حدود ۶۰ تحقیق شامل مقالات مروری، پژوهشی و پایان نامه داخلی و خارجی مورد بررسی قرار گرفت (لیست آن در بخش پیوست آمده است). طبق بررسی های انجام شده می توان ادعا کرد که پژوهشی تجربی در ایران در حوزه کالایی شدن امر مقدس انجام نشده است. پژوهش های ایرانی موجود به موضوعاتی چون تبیین گسترش و تحولات اماکن مقدس در جمهوری اسلامی ایران (شیخ رضایی، ۱۳۹۶ و ۱۴۰۱)، تقدس زدایی امر مقدس (شریعتی مزینانی و ذاکری، ۱۳۹۵) یا مناسک نهادی شده (پویافر، ۱۳۹۸)، یا کالایی شدن زیارت با تأکید بر تبرک و زیارت آنلاین (حسام مظاهری، ۱۳۹۹)، تحولات فضایی شهر مقدس (پارسا پزوه، ۱۴۰۱) به انجام رسیده است که عمدتاً به بسترها و پیامدهای کالایی شدن امر مقدسی اشاره دارد.

۴. یافته های پژوهش

براساس مرور مطالعات نظری و تجربی صورت گرفته در مورد موضوع مطالعه و تحلیل آنها، نشانه های کالایی شدن امر مقدس در شش مقوله اصلی که در نمودار زیر آمده است، طبقه بندی گردید. در ادامه براساس نظرات ارائه شده توسط محققین مختلف، به شرح تفصیلی هر یک از این مقوله ها می پردازیم.



شکل ۱. نشانه های کالایی شدن امر قدسی

مأخذ: یافته های پژوهش

۴. ۱. عمومی شدن امر قدسی

یکی از وجوه کالایی شدن امر مقدس، فراگیری و گستردگی آن و هجوم امر مقدس به حوزه فرهنگی-اجتماعی است. در چنین حالتی امر قدسی به جای یک ویژگی محدود که به حوزه ای خاص اختصاص دارد، به یک ویژگی دائمی و فراگیر و در همه جا قابل رؤیت، تبدیل می شود. گسترش فضایی اماکن مقدس، اشیاء، نمادها و مناسک مذهبی جلوه ای از گستردگی امر قدسی است. البته توسعه گردشگری مذهبی و افزایش تعداد زائران و بازدیدکنندگان از اماکن مذهبی به این موضوع دامن زده است. امروزه اشیاء، نمادها و تصاویر مذهبی در حجم انبوه تولید و تکثیر می شود و در بازار به راحتی در دسترس قرار دارند. در بازار زیارت بسیاری از اشیاء مقدس به سوغات سفر تبدیل شده اند که این امر معنای اصلی اشیاء مذهبی را تغییر می دهد یا معانی جدیدی برای آنها ایجاد می کند. تحقیقات نشان

داده است که مرزهای مقدس و نامقدس کاهش یافته است و این امر از طریق دو روند موازی و در عین حال معکوس عرفی سازی مقدسات و مقدس سازی امرغیردینی رخ داده است (بلک^۱ و همکاران، ۱۹۸۹؛ ناپتیلو^۲ و همکاران، ۲۰۱۹). شریعتی و ذاکری (۱۳۹۵) با بررسی تکرر زمان‌ها و مکان‌های مقدس در ایران و شیخ‌رضایی (۱۳۹۶) با بررسی تحول اماکن زیارتی در ایران معتقدند که با از بین رفتن تمایز میان زمان - مکان قدسی و زمان - مکان عرفی، به صورت ناخواسته تا موجب عرفی شدن امرقدسی می‌شود. عمومی سازی امرقدسی به طور کلی به از بین رفتن یا لااقل کاهش قدر و منزلت آن منجر خواهد شد. استارت^۳ (۲۰۰۹) به کالایی شدن اشیا مذهبی در قالب کالاهای مصرفی و کالاهای آموزشی (کتاب، سی دی و ...) در بازار قاهره در مصر را مورد مطالعه قرار داده است که اکثر آنها در کشورهای شرق آسیا تولید می‌شود. پینتو (۲۰۰۷) با بررسی کالاهای مذهبی متنوع (از جمله تسبیح، شمایل ائمه و غیره) در بازار زیارت سوریه نشان داده است که اشیا مذهبی با اشیا معمولی یا تزئینی (مانند جاکلیدی، ساعت و غیره) ترکیب شده‌اند. بدین ترتیب با ورود بیش از پیش اشیا و نمادهای مذهبی در فعالیتهای عادی زندگی روزمره روابط سلسله‌مراتبی بین اشیا مقدس و نامقدس حذف شده است. در این فرایند ارزش مصرفی اشیا مذهبی به ارزش نمایشی آنها تبدیل شده و جنبه تزئینی پیدا می‌کنند که برای زینت خانه، ماشین و نظایر آن به کار می‌روند. از طرف دیگر کالایی شدن تصاویر و اشیا مقدس، معانی متعددی به آنها می‌بخشد تا متناسب با سلیقه و ذائقه عموم مصرف‌کنندگان در بازار مذهبی باشد.

۲.۴. پولی شدن امرقدسی

بازاری شدن چشمگیر امور مختلف (یعنی نفوذ و گسترش مبادلات بازار تا حد یک اصل اجتماعی) با گسترش جریان پولی شدن^۴ ارتباط دارد. پولی شدن به طور کلی با دو تحول حاد پیوند

1. Belk

2. Napitupulu

3. Starrett

4. Monetisation

خورده است که هر دو به یک اندازه جزئی جدایی‌ناپذیر از جامعه بازارند. یکی غیرشخصی شدن و دیگر افزایش حساسگری و کمی‌سازی. پولی‌شدن با جریان گسترده‌تر غیر شخصی شدن مرتبط است که از فرآیند بازاری‌شدن قابل تفکیک نیست. جامعه در این معنا عبارت است از نظامی که مبتنی بر رابطه‌های قراردادی و حقوقی است. دومین تحولی که از فرآیند پولی شدن مایه می‌گیرد، حاکم شدن کامل محاسبات عقلی و کمی بر مبادلات است. ظهور قیمت‌ها، امکان کمی‌کردن هزینه شیوه‌های مختلف عمل را فراهم آورد (اسلیتر و تونیکس، ۱۳۸۶: ۵۳-۴۹). کوسانسکی^۱ (۲۰۰۲) از دو نوع اقتصاد پولی در مقاصد مذهبی نام می‌برد که یکی با اقتصاد گردشگری زیارت (مخارج^۲) و دیگری با اقتصاد مناسکی زیارت (خیریه^۳ یا صدقه به نیت فقرا یا قدیسین) تعیین می‌شود. هر دو نوع مبادله با گونه‌های مختلف پول همراه است، اگرچه در عمل این حوزه‌های مبادله و گونه‌های تبادل پولی یکدیگر را تقویت می‌کنند. با پولی شدن امر قدسی بسیاری از خدمات به شکل آشکار یا پنهان دارای قیمت می‌شود.

در این میان پرداخت هزینه ورودی برای اماکن مقدس، عینی‌ترین شکل کالایی‌شدن امر قدسی است. در بسیاری از موارد بودجه‌های اماکن مذهبی پاسخگوی هزینه‌های نگهداری و ارائه خدمات نیست، لذا به بازدیدکنندگان به عنوان یک منبع درآمد اضافی می‌نگرند و دریافت ورودی یکی از راههای کسب درآمد است. چنان که گردشگران برای بازدید از قسمتی از کلیسای واتیکان باید هزینه ورودی پرداخت کنند. هزینه رفتن به بالای پشت بام آن از طریق ۵۰۰ پله یا آسانسور نیز متفاوت است. در بسیاری از کلیساهای اروپا هزینه ورودی با عنوان "هدیه" اخذ می‌شود (نولان و نولان^۴، ۱۹۹۲: ۷۴). در اماکن مذهبی که جنبه فرهنگی و میراثی دارد، گرفتن هزینه ورودی امری مرسوم است. در مسجد امام اصفهان به عنوان میراث فرهنگی برجسته، گردشگران برای بازدید باید هزینه

1. Kosansky

2. Expenditure

3. Charity

4. Nolan&Nolan

ورودی پردازند، این درحالی است که جنبه مذهبی و عبادی آن همچنان پابرجاست و مسجد در زمان نمازهای یومیه بر روی بازدیدکنندگان بسته است. شاکلی^۱ (۲۰۰۲) با انتقاد از دریافت هزینه ورودی در کلیسای جامع انگلیس بر این باور است که دریافت ورودی از گردشگران تجربه معنوی را به تجربه زمینی و دنیوی تبدیل می‌کند.

خیرات، نذورات و کمک‌های نقدی داوطلبانه از نموده‌های عینی پولی شدن در اقتصاد مناسبی زیارت است. اگرچه اهدای هدایا به قدیس، امری رایج در تمامی ادیان بوده است، اما امروزه به‌عنوان یکی از منابع درآمد نهادهای دینی با تبلیغات گسترده، معانی و سازکارهای پیچیده همراه شده است. کوسانسکی (۲۰۰۲) به حراج‌گذاری شمع در زیارتگاه یهودیان مراکش اشاره می‌کند که به بالاترین قیمت پیشنهادی فروخته می‌شود. پولی که از این طریق جمع‌آوری می‌شود، صدقه محسوب می‌شود و برای امور زیارتگاه مورد استفاده قرار می‌گیرد. به اعتقاد وی حراج شمع‌ها با خلوص بخشش (که به‌طور پنهان و بدون مشخص شدن اهداکننده صورت می‌گیرد) در تناقض است و به منبعی برای تمایز اجتماعی زائران تبدیل شده است. در آفریقای شمالی (مسنای و مسنای^۲، ۲۰۱۹) و نیجریه (دیارا^۳ و همکاران، ۲۰۲۰) که فقر، بیکاری و بیماری بیداد می‌کند، بسیاری از مردم به‌راحتی طعمه ایده‌های تجاری کلیسا می‌شوند. کشیشان پرداخت خیرات به کلیسا را به‌عنوان راهی برای دریافت برکات بیشتر از جانب خداوند ترویج می‌کنند. در این میان میزان برکات با مقداری که به کلیسا اهدا می‌شود، تعیین می‌شود. هرچه وجه بیشتری تقدیم شود، فرد برکت بیشتری دریافت خواهد کرد.

از جلوه‌های دیگر پولی و بازاری شدن اماکن مقدس، گستردگی و پیچیدگی مضاعف آن در قامت یک بنگاه اقتصادی است که به واسطه نهادهای تولیدی، آموزشی و فرهنگی و ... درآمدهای کلانی کسب می‌کند. توسعه شتابناک فیزیکی و سخت‌افزاری اماکن مقدس، متولیان آن را قدرتی مضاعف

1. Shackley

2. Masenya & Masenya

3. Diara

بخشیده و آنها را به عرضه‌کنندگان کالا و خدمات و فروشندگان امر قدسی به مشتریان تبدیل کرده است. استفاده از برند وابسته به امر قدسی، همواره معتبر است و اعتماد جامعه را به دنبال خواهد داشت. مفتوحاتوسلیخه^۱ و راسیدی^۲ (۲۰۱۸) در بررسی کالایی‌شدن اسلام در اندونزی نشان داده‌اند که در نهادهای آموزشی با نام و برند اسلامی، تقاضا از سوی والدینی که خواستار آموزش فرزندان خود در این آموزشگاه‌ها هستند، رو به افزایش است. همچنین استفاده از برند اسلامی در مؤسسات مالی و تولیدی، اعتماد مشتریان برای سرمایه‌گذاری را در پی داشته است و یا اماکن مذهبی حتی محصولات خود را که برند مربوطه روی آن حک شده، عرضه می‌کنند.

زیارت به منبع درآمد جدی برای سرمایه‌گذاران مختلف تبدیل شده است. در عصر مدرن تورهای زیارتی کاملاً استاندارد و سطح‌بندی شده توسط آژانس‌های مسافرتی برای سفر عرضه می‌شود. آن دسته از مسافرانی که بسته سفر خود را از یک آژانس مسافرتی رزرو می‌کنند، ایده تلفیق سفر تفریحی و مذهبی را دنبال می‌کنند (تیم^۳، ۲۰۱۷؛ حق و ونگ^۴، ۲۰۱۱). لذا کسانی که با تور به زیارت می‌آیند بعد گردشگری برای آنها پررنگ‌تر است. در تورهای زیارتی به زائران اطمینان داده می‌شود که اقامتگاه، گردش در داخل شهر و پذیرایی در این بسته با معیارهای خاص و یکنواخت گنجانده شده است. بسته‌های سفر VIP استاندارد و یا اقساطی، براساس سلاقی با قیمت‌های مختلف در بازار تنظیم و عرضه می‌شود. هاریانتو^۵ (۲۰۱۸) و قریشی^۶ (۲۰۱۷) با اشاره به بسته‌های استاندارد مناسک حج توسط آژانس‌های مسافرتی به‌عنوان عاملی برای تمایز اجتماعی بین حجاج، نشان می‌دهند که سفر حج به یک عبادت کاملاً تجاری، پرسود و برندسازی شده تبدیل شده است. تیم (۲۰۱۷) به تغییرات بسته‌های سفر عمره در مالزی اشاره می‌کند که سفر به دبی، مصر و استانبول (به‌عنوان نقاط

1. Maftukhatusolikhah

2. Rusydi

3. Thimm

4. Haq and Wong

5. Hariyanto

6. Qurashi

ترانزیت) به آن اضافه شده است و از اصطلاح عمره و زیارت (به جای عمره و گردشگری) برای این نوع سفر استفاده می‌شود.

البته لازمه جذب گردشگران و زائران، تخصصی‌کردن و برندسازی مقاصد مذهبی است. تخصصی‌سازی مقصد در یک تجربه خاص گردشگری در صورتی که کشور یا محلی بخواهد خود را در گردشگری جهانی متمایز و مؤثر جلوه دهد، ضروری است. میراث فرهنگی (اعم از جاذبه، مناسک و ارزش‌ها و باورها) فرصت مناسبی است تا شهرها و کشورها تحت عنوان شعارهای خاصی ترویج و تبلیغ شوند (وایت^۱، ۲۰۰۰: ۸۴۰؛ سولیسترانی^۲ و همکاران، ۲۰۱۹؛ مارتیکینن^۳، ۲۰۰۶). "گردشگری حلال" و "گردشگری معنوی" انواعی از برندسازی مقصد هستند. در این فرایند اشیا و مناسک مذهبی برای جذب و ماندگاری بیشتر زائران هر چه بیشتر کالایی می‌شود. در "گردشگری معنوی"، فضای مفهومی واژه "معنوی" گسترده‌تر از "دینی" است. بدین ترتیب علاوه بر زائران مذهبی گردشگرانی که حتی در جستجوی آرامش و معنا هستند به این شهر فراخوانده می‌شوند. لذا با به کار بردن شعارهای تبلیغاتی که مقصد را وابسته و متعلق به گروه و فرهنگ وسیع‌تری تعریف می‌کند، تلاش می‌شود زائران و بازدیدکنندگان بیشتری را جذب کنند. بریانی^۴ (۲۰۱۵) در تبلیغات زیارت صوفیان تیجانی نشان می‌دهد که از اصطلاح "گردشگری معنوی" به جای "گردشگری مذهبی" یا "گردشگری اسلامی" برای تعریف محصولات طراحی شده در شهر استفاده شده است که به معنی باز بودن و جهانی بودن میراث مذهبی مراکش است که پادشاهی مراکش را با مدارای بالا و کشوری مسلمان با مخاطب بین‌المللی ترسیم می‌کند. این موضوع در دیگر مقاصد مذهبی از جمله زیارت کوه کاوی^۵ در اندونزی نیز رخ داده است که برندسازی منطقه در قالب "دهکده آیینی"

-
1. Waitt
 2. Sulistyorini
 3. Martikainen
 4. Berriane
 5. Mount Kawi

و "دهکده گردشگری" به منظور جذب گردشگران و توسعه گردشگری منطقه رخ داده است (سولیسترانی و همکاران، ۲۰۱۹).

۳.۴. نمایشی شدن امر قدسی

کالایی شدن عناصر فرهنگی ملازم با نمایشی شدن و کمرنگ شدن اصالت پدیده است. گرینوود (۱۹۸۳) از اولین محققان کالایی شدن فرهنگ، برای توصیف این مفهوم به نمایشی شدن و تکرار مراسم آلارده^۱ برای گردشگران در زمان‌های غیرمرسوم در اسپانیا اشاره می‌کند. به باور او با قراردادن فرهنگ به بخشی از بسته گردشگری، آن را به نمایشی ظاهری و پولی شده تبدیل می‌کند. در تحقیقات مؤلفه‌های مختلفی به عنوان نشانه‌های کالایی شدن پدیده مطرح نموده‌اند که می‌توان گفت در حقیقت اجزائی از دیزینی‌لندسازی^۲ مورد نظر برایمن^۳ است. در این پژوهش این مؤلفه‌ها را با اقتباس از نظریه دیزینی‌سازی برایمن در قالب "دیزینی‌سازی مکان مقدس" جمع کرده‌ایم. برایمن چهار مؤلفه برای دیزینی‌سازی بر می‌شمارد: موضوعی کردن، تمایزدایی از مصرف، تجاری‌سازی و کار عاطفی. در فرایند کالایی شدن رخداد‌های متعلق به دوره‌ها، فرهنگ‌ها و مکان‌های مختلف، در نوعی اقتباس دیزینی‌لندی صحنه‌ها با یکدیگر در می‌آمیزند (پاترسون، ۱۳۹۸: ۲۶۹).

۳.۴.۱. موضوعی کردن مکان مقدس

یکی از جلوه‌های «دیزینی‌لندسازی» اماکن مقدس، انسجام و همگونی موضوعی در تجارب، فعالیت‌ها و رویدادهایی است که در اماکن مذهبی برگزار می‌شود. بسته به اهداف و ایده‌های مذهبی

1. Alardah

2. Disneylandisation

این واژه از کلمه دیزنی‌لند به معنای شهرک تفریحی است که براساس کارتون‌های والت دیزنی در شهرهای مختلف جهان برای جذب توریست و کسب درآمد ساخته‌اند و امکانات رفاهی و تفریحی زیادی را در مقابل پرداخت هزینه‌هایی گزاف ارائه می‌کنند. براساس این نظر، بسیاری از اماکن دیگری که برای جذب توریست‌ها سازمان‌دهی می‌شوند از چنین الگویی استفاده می‌کنند که در عین جذابیت‌های ظاهری و امکانات رفاهی زیاد، بسیار سطحی بوده و خالی از محتوا هستند و هدفشان صرفاً کسب در آمد است.

3. Bryman

یا ملی مسلط بر مکان مقدس، تمامی فعالیت‌ها تعریف و طراحی می‌شود. چنانچه به منظور ایجاد اتحاد بین صوفیان در تونس، مراکش و مهاجران در دیگر کشورها دو فستیوال بین‌المللی موسیقی مقدس و فرهنگ صوفی و چندین گردهمایی بین‌المللی صوفی هر ساله در تونس برگزار می‌شود (بریانی، ۲۰۱۵). نمونه آشکار این موضوع تم پارک‌های مذهبی مانند دهکده میراث^۱ در آمریکا است که با انگیزه‌های تجاری ایجاد شده است. دهکده میراث نشانی از وابستگی متقابل رسانه، سیاست، مذهب و مصرف در فرهنگ آمریکایی است که بیانگر پیوند جدید بین نظام اقتصادی و دین است (اوجان و بلک، ۱۹۸۹: ۲۳۷). نمونه دیگر آن شهر معروف زیارتی لورد (Lourdes) در جنوب غربی فرانسه است که در آن همه عناصر مذهبی حول محور زیارت، براساس منطق گردشگری، رفاه گردشگران، جلوه‌های جذاب ظاهری، به‌منظور کسب درآمد، طراحی شده است (ران و تیموتی^۲، ۲۰۱۸: ۴۸).

۴.۳.۲. تمایززدایی حوزه‌های مصرف در مکان مقدس

با توسعه گردشگری مذهبی، اماکن مذهبی به‌منظور جذب تعداد بیشتر زائران اقدام به توسعه فضایی و کارکردی نموده‌اند. همگرایی شکل‌های مصرف متعلق به حوزه‌های پیشتر متمایز، روندی است که هم باعث افزایش سود هر یک از حوزه‌ها می‌شود و هم به تقویت توان طرفین می‌انجامد. از آنجایی که بسیاری از مکان‌های مقدس بناهای تاریخی محسوب می‌شوند، به‌عنوان مکان گردشگری نیز در نظر گرفته شده و در آن موزه و مراکز سرگرمی دیگری نیز ایجاد شده است (کارکرد تفریحی و سرگرمی). همچنین به دلیل تأکید بر نقش فرهنگی مکان مقدس، برنامه‌های فرهنگی زیادی در آن برگزار می‌شود. چنان که در حال حاضر دوره‌های آموزشی قرآن در زیارتگاه‌های مذهبی اسلامی از جمله در مشهد، قم و کربلا دایر است. به علاوه اماکن مقدس به‌عنوان مکانی برای برگزاری وقایع زندگی روزمره مانند برگزاری مراسم عقد و تشییع مردگان عمل می‌کند که متناسب با آن انواع

1. Heritage Village

2. Ron & Timothy

جدیدی از خدماتی را ارائه می دهند که پیش از این از کارکردهای اصلی مکان مذهبی قلمداد نمی شد. مارتیکین (۲۰۰۶) به کالایی شدن کلیسای جامع تورکو در فنلاند می پردازد که مراسم ازدواج سلبرتی ها، مراسم رقص و جشنواره های شهری با تشریفات و صرف هزینه های زیاد در آن برگزار می شود. لوی و کوچر^۱ (۲۰۰۹) نیز با بررسی ادراک از تقدس معابد تایلند نشان داده اند که ساختمان های جدید، مکان های ورزشی، محل اقامت، ساختمان های اداری، و فن آوری مدرن در داخل یا در نزدیکی معابد، حس تقدس مکان را کمرنگ می کند. آغشته شدن امر مقدس به کارکردهای دیگر، امکان جدا شدن آن از امر روزمره را سلب می کند (برمر^۲، ۲۰۰۱؛ اولسن، ۲۰۰۳؛ موزاکی^۳، ۲۰۰۷).

از طرف دیگر با توسعه فضاهای مقدس و افزایش زیرساخت های گردشگری در اطراف آن، روزه روز مرز میان امر مقدس و امر نامقدس، فضای مذهبی - مقدس و فضای مصرفی - تجاری باریکتر می شود. این موضوع در بسیاری از اماکن مذهبی در اسلام (مکه، کربلا، مشهد و قم) قابل مشاهده است. به منظور سهولت و رفع نیازهای زائران، اطراف اماکن مقدس از فضاهای مصرف یا به زعم مارک اوژه "نامکان"^۴ اشباع شده است. در نزدیکی اماکن مقدس، هتل ها و مراکز خرید مجلل با ارتفاع بلندی ایجاد شده است که گاه بر مکان مقدس سایه انداخته اند. برج ساعت در مکه نمونه بارز نزدیکی مضاعف فضای مصرف به فضای قدسی است. حجاج در هتل مجلل می توانند در روزهای گرم در حالی که بر کعبه اشراف دارند، نماز خود را در فضای سرد اتاق خود بخوانند.

1. Levi & Kocher

2. Bremer

3. Muzakki

۴. "نامکان" درواقع به فضاهای مرده و راکد انباشته از تحرکات هر روزه مردمانی که ساکن این فضاها نیستند، گفته می شود. سبک معماری نامکان ها به وضوح شاخصه های گذرا بودن و ناماندگاری را تداعی می کند. از جمله آنها می توان به هتل ها، مراکز خرید، فرودگاه ها و پارکینگ ها اشاره کرد (پاترسون، ۱۳۹۸: ۲۴۴ و همچنین ن. ک. نامکان ها. مارک اوژه، ۱۳۸۷)

سهولت زندگی مدرن، راحتی دسترسی به Wi-Fi، مراکز خرید و ... همه می‌توانند عاملی برای عدم تمرکز بر زیارت باشند. به اعتقاد برخی از محققان (مک کرچر و دی کورس^۱، ۲۰۰۲؛ اکانر^۲، ۲۰۱۴؛ هانگ و همکاران، ۲۰۱۶) مشکل اصلی تقابل فعالیت‌های گردشگری با مکان مقدس نیست، بلکه فاصله نزدیک آنها تا مکان مذهبی است. نزدیکی خیلی زیاد مکان‌های مذهبی و فعالیت‌های گردشگری، موجب تقویت تضاد بین تجارت و فضای مقدس است.

۴.۳.۳. الزام به کار عاطفی پرسنل مکان مقدس

رفتار کارکنان اماکن مقدس با زائران شبیه رفتار بازیگرانی است که متن از پیش نوشته شده یک نمایش‌نامه را اجرا می‌کنند. در اماکن مقدس، کارکنان مجبورند همیشه رفتاری محترمانه و توأم با لبخند داشته باشند. به علاوه در اقتصاد پنهان اماکن دینی از مؤمنانی که با انگیزه خدمت و کسب ثواب اخروی به این اماکن جذب می‌شوند، از نیروی داوطلب و رایگان در راستای اهداف و برنامه‌های نهاد دینی سوءاستفاده می‌شود.

راه‌اندازی راهپیمایی‌های زیارتی و یا تبرک‌بخشی نمودهایی از نمایشی‌تر شدن مناسک زیارت است. اگر چه زیارت‌های دسته جمعی همواره در طول تاریخ وجود داشته است، اما امروز با حمایت رسانه‌ها در شکلی وسیع تبلیغ و نمایش داده می‌شود. مصداق بارز آن راهپیمایی اربعین است که به یکی از قدرتمندترین نمادهای همبستگی میان شیعیان تبدیل شده است. در شکل دیگری از نمایش امر قدسی در قالب "کارناوال‌های تبرک‌بخشی" (حسام‌مظاهری، ۱۳۹۹: ۱۵۷) به جای آنکه زائر برای بهره‌مندی از برکت و قداست، دشواری سفر را بر خود تحمیل کند، گروهی از کارگزاران مکان مقدس و پرسنل خدمات مناسکی در مقام نمایندگان یا سفیران امر قدس، شیء متبرک را از محل خود خارج کرده و نزد افراد می‌برند. به علاوه با افزایش و پیچیده‌تر شدن خدمات سفر زیارتی، درآمد و توان اقتصادی زائران در تجربه مصرفی‌تر و راحت‌تر زیارت نقش اساسی یافته است. زائران به واسطه سفر زیارتی

1. McKercher & du Cros

2. O'CONNOR

خود، شیوه‌های مصرف و تمایزهای اجتماعی خود را به نمایش می‌گذارند. در حالی که ترنر^۱ (۱۹۸۷) ویژگی اصلی زیارت را تشکیل کامنتیاس^۲ یا اجتماعی از زائران می‌داند که در آن همه زائران موقتاً برابر هستند، چراکه برای یک سفر مقدس جمع شده‌اند. تفاوت در سبک سفر حجاج کشورهای توسعه‌یافته با کشورهای توسعه‌نیافته آشکار است. تقریباً همه آمریکایی‌ها به امکانات و اماکن اقامتی دسترسی دارند که تعداد کمی از مسلمانان کشورهای در حال توسعه از آن برخوردار هستند (قریشی، ۲۰۱۷؛ ارجانانا و اسلان^۳، ۲۰۱۹). علیرغم اینکه اسلام آنها را به امت یا اجتماع مسلمانان دعوت می‌کند و همه آنها آیین‌های یکسانی را انجام می‌دهند، اما حجاج براساس ملیت، دارایی اقتصادی، پیش‌زمینه و شخصیتشان شکل‌های مختلف حج را تجربه می‌کنند.

۴.۴. دیجیتالی‌شدن امر قدسی

در نتیجه رشد و گسترش رسانه‌های دیجیتالی و افزایش کاربرد آنها در تمام ابعاد زندگی روزمره، امر قدسی نیز از این تغییرات مصون نمانده است. به زعم تریه‌استوتی (۲۰۱۹) با ورود رسانه‌ها در حوزه امر دینی، دینداری فردی‌تر شده و اقتدار نهادهای دینی کاهش می‌یابد. با افزایش رسانه‌ها و مجازی شدن زیارت، تقدس و معنویت ناشی از آن در خارج از نهاد سنتی و رسمی مرسوم در دسترس قرار می‌گیرد و زیارت هرچه بیشتر به عمل فردی مبدل می‌شود. زائران نه تنها مناسک زیارت را به صورت فردی و به شیوه مجازی تجربه می‌کنند، بلکه بسیاری از افعال ملازم با زیارت از جمله پرداخت نذورات، صدقات، خرید سوغات متبرک و ... نیز از طریق فضای مجازی امکان‌پذیر شده است، در حالی که پیش از این تمامی این اعمال در متن سفر زیارتی صورت می‌گرفت و زیارت معمولاً متضمن سفر و تحرک است. زیارتی که با رنج سفر همراه بوده و لمس فیزیکی مکان مقدس و انجام مناسک فردی و جمعی ملازم آن است.

1. Turner

2. Communitas

3. Arjana & Aslan

همچنین پژوهش‌ها بر نقش تسهیل‌کننده و مختل‌کننده تکنولوژی‌های مدرن از جمله تلفن‌های هوشمند در حین زیارت اشاره داشته‌اند. اگر چه زائر با آن امکان ارتباط و انتقال تجربه معنوی خود به دیگرانی که همراه او نیستند را دارد، از طرفی دیگر استفاده از این نوع تکنولوژی‌ها تمرکز زائر را از اجرای مناسک زیارت دور می‌کند و موجب اختلال تجربه زیارت دیگر زائران می‌شود. در اماکن زیارتی بسیاری از زائران مشغول گرفتن «سلفی»، فیلمبرداری، چت در WhatsApp، ارسال پیام در Instagram، اسکایپ و غیره هستند. پیتو (۲۰۰۷)، قریشی (۲۰۱۷) و اکانر (۲۰۱۴) در مطالعات خود نشان داده‌اند که «تب سلفی گرفتن» در بین زائران شدت یافته است و آنها با لبخند و با ژست‌های مختلف مشغول سلفی گرفتن هستند. در حالی که اصل زیارت معمولاً مبتنی بر فروتنی و آرامش و فراموش کردن خود و وابستگی‌های زندگی روزمره بوده است. اصرار زائران برای ثبت تمام لحظات "معنادر" خود در طول سفر، اغلب با قوانین حریم خصوصی یا قواعد مذهبی که بسیاری از اشکال تعاملات اجتماعی را در زمینه‌های مذهبی ساختار می‌دهد، مغایرت دارد.

۴.۵. بوروکراتیزه شدن امر قدسی

"بوروکراتیزه شدن امر قدسی" به معنای ساخت‌یافتگی و قاعده‌مندی حداکثری امر قدسی است. در این شکل قواعد و رویه‌های مشخص و ساختارهای عقلانی قدرتمند حول امر قدسی شکل می‌گیرند. به منظور مدیریت اماکن مقدس، ساختار قدرتی مبتنی بر سلسله‌مراتب شکل می‌گیرد که بی‌شباهت با دیگر سازمان‌ها و نهادهای دولتی نیست. با بوروکراتیزه شدن هر چه بیشتر امر دینی، فعالیت‌هایی که پیش از این ماهیتی داوطلبانه، خیرخواهانه و معنوی و غیردنیوی داشته است به امری تفکیک شده، تخصصی، سطح‌بندی و استاندارد شده، دنیوی و .. تبدیل می‌شود. در چنین شکلی از نهاد مذهبی، سمت‌ها و نقش‌هایی تعریف می‌شوند که منافع افراد با آن گره می‌خورد. موزاکی (۲۰۰۷: ۲۰۷) به بررسی نقش واعظان دانشگاهی در تولید، انتشار و مصرف ایده‌های اسلامی در اندونزی می‌پردازد. در

چنین شرایطی، هم واعظان و هم عامهٔ مسلمانان از خطبه‌های نماز جمعه به‌عنوان وسیله‌ای برای ساختن هویت مذهبی و هویت طبقهٔ اجتماعی - اقتصادی خود استفاده می‌کنند.

۴.۶. سیاسی شدن امر قدسی

کالایی شدن امر قدسی لزوماً به معنای اولویت دادن به ارزش‌های اقتصادی نیست، بلکه نشان‌دهندهٔ تأکید بر ارزش‌های سیاسی و ایدئولوژیک دولت و گروه مسلط نیز است. در حالی که کالایی شدن امر دینی معمولاً به معنای اقتصادی درک می‌شود، وایت (۲۰۰۱) وجهی غیراقتصادی نیز برای آن قائل است که به‌طور غیرمستقیم می‌تواند آوردهٔ اقتصادی داشته باشد. او نشان می‌دهد که کالایی شدن امر دینی مکانیزمی است که با آن مقامات مذهبی نه‌تنها می‌توانند دامنهٔ تفسیر امر دینی را محدود کنند، بلکه می‌توانند تفسیرهای خاصی را تبلیغ کنند. باتوجه به رسالت و اهداف یک دین خاص، آنها ممکن است بسته به اینکه نقش گردشگری در اماکن مقدس را چگونه ببینند، بازارهای خاصی را ایجاد کنند. به‌عنوان مثال، اگر بازدیدکنندگان را مؤمنان بالقوه (افرادی که دین خود را تغییر می‌دهند) بدانند، پیام‌های به تصویر کشیده شده در این سایت مذهبی می‌توانند حول محور تمایز بین ادیان مختلف باشد و یکی از ادیان را بالاتر از دیگری به‌عنوان «واقعی» یا «اصیل‌تر» از دیگری معرفی کند. بنابراین، شکل کالایی شدن یا بسته‌بندی دین در اماکن مذهبی خاص به بازار بازدیدکنندگانی بستگی دارد که یک گروه مذهبی می‌خواهد آن را هدف بگیرد. از این‌رو کالایی شدن را نباید صرفاً به‌طور اقتصادی درک کرد، بلکه باید آن را در چارچوب ارزش‌های سیاسی و ایدئولوژیک نیز در نظر گرفت. به نظر می‌رسد که کالایی شدن را باید جزئی از دستگاه دولتی اقتدارگرای ایدئولوژیک دانست. قریشی (۲۰۱۷) با بررسی کالایی شدن مناسک حج و پیتو (۲۰۰۷) با بررسی مناسک زیارت در سوریه و بریانی (۲۰۱۵) با مطالعهٔ مناسک تیجانی در تونس نشان داده‌اند که دولت‌ها از معنویت مکان و مناسک زیارت به‌عنوان ابزاری برای بازاریابی اقتصادی و اجتماعی-سیاسی خود استفاده می‌کنند. تبدیل زیارتگاه‌ها به جاذبه‌های گردشگری فراملی و برپایی زیارت‌های بین‌المللی به‌عنوان رویدادهای فراملی با منابع

اقتصادی عظیم همراه شده است (کانسکی، ۲۰۰۲). فیلیپ و مرسر^۱ (۲۰۱۷) در بررسی کالایی شدن بودیسم در برمه نشان می‌دهند که حکومت برای مشروعیت بخشیدن به اقتدار خود، بودیسم را به رسمیت شناخته و سعی در تصاحب آن دارد. این رژیم به‌طور مداوم مفهوم وحدت و هویت ملی را ترویج کرده است که در آن پیوندهای قوی با میراث بودایی برمه برقرار کرده است. ادغام کاملتر برمه در اقتصاد جهانی باعث تشویق سرمایه‌گذاری خارجی و ارتقای کشور به‌عنوان یک مقصد گردشگری شده است.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

بررسی مطالعات انجام شده در حوزه کالایی شدن امر مقدس، نشان از گستردگی و پراکندگی موضوعات مورد مطالعه دارد. تحقیقات مورد بررسی مفاهیم مختلفی چون اصالت و تقدس در مقابل تجاری شدن، کالایی شدن و سکولاریزه شدن را دربر می‌گیرد که هر یک از آنها فضای معنایی و فرایند فرهنگی نسبتاً یکسانی را پوشش داده است. برآیند بررسی پژوهش‌ها دلالت بر آن دارد که گویی کالایی شدن برای محققان مفهومی روشن بوده است، و نیازی به تعریف مفهومی دقیق آن، مشخص کردن فرایندها، چگونگی‌ها و ابعاد آن احساس نشده است. حتی در پژوهش‌هایی که کالایی شدن مفهوم و محور اصلی پژوهش را تشکیل داده است، فاقد تعریفی دقیق و عینی است. در گزارش یافته‌های پژوهش نیز به‌سختی نشانه‌های کالایی شدن را می‌توان تمیز داد و صرفاً به توصیف تغییراتی در امر مقدس اکتفا شده است. دشواری این امر زمانی آشکار می‌شود که پژوهشگری قصد شناسایی فرایندها و نشانه‌های کالایی شدن در بستر فرهنگی دیگری را داشته باشد، با مرور تمامی مطالعات انجام شده بازهم در تشخیص و بازیابی نشانه‌های آن سردرگم خواهد ماند.

با وجود مطالعاتی که پیرامون کالایی شدن امر مقدس و یا به‌طور کلی امر فرهنگی صورت گرفته است؛ اما هنوز حوزه‌ای بحث‌انگیز برای پژوهش محسوب می‌شود که تقریباً ناشناخته و مبهم باقی

1. Philp & Mercer

مانده است. در ایران با وجود گستردگی مناسک زیارت در میان عامه دینداران و تحولات زیارت و دغدغه نسبت به تغییر ماهیت زیارت و اماکن و شهرهای مقدس از جمله در قم و مشهد، این حوزه همچنان در مطالعات جامعه‌شناختی مغفول مانده است. از این رو، لزوم توجه بیشتر جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان دین به این پدیده بسیار ضروری است. بررسی سوابق تجربی نشان داد که به لحاظ موقعیت منطقه‌ای، اکثر پژوهشها در حوزه کالایی‌شدن امر قدسی در کشورهای آسیایی انجام شده است، در این میان کشورهای شرق و جنوب شرق آسیا (مالزی، تایلند، چین و اندونزی) بیشترین سهم را داشته‌اند. پس از آن بیشترین پژوهش‌ها مرتبط با کشورهای جنوب و غرب آسیا بوده است. لذا مفهوم اصالت و تقدس عمدتاً در مناطقی مورد مطالعه قرار گرفته است که از فرهنگ سنتی برخوردارند و به علاوه دین یکی از ارکان اصلی این جوامع محسوب می‌شود و از طرفی در دوره مدرن تغییرات اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی قابل توجهی را تجربه کرده‌اند. کالایی‌شدن موضوعی بین‌رشته‌ای است که محققان رشته‌های مطالعات دینی، گردشگری و جامعه‌شناسی و جغرافیا آن را مورد مطالعه قرار داده‌اند. به لحاظ روشی غالب پژوهش‌ها به روش مردم‌نگارانه انجام شده است. این روش در مقایسه با روش‌های دیگر اجازه و امکان درک تفاوت‌های ظریف فرهنگی را می‌دهد (هولدن^۱، ۱۳۹۴: ۱۴۶). به نظر می‌رسد مطالعه کالایی‌شدن امر قدسی یا هر پدیده فرهنگی بدون درگیری و مشارکت مداوم در بستر فرهنگی امکان‌پذیر نیست. روش مردم‌نگارانه چنین امکانی را بیش از پیش میسر می‌کند و با استفاده از تکنیک‌های چندگانه مشاهده، مصاحبه، مطالعه اسنادی و ... شناخت ابعاد و پیچیدگی‌های مسئله امکان‌پذیر می‌شود. کیم و همکارانش (۲۰۲۰) در تحلیل محتوای مقالات حوزه زیارت و گردشگری مذهبی به این نتیجه رسیده‌اند که اکثر مقالات (۴۶ درصد) به منطقه آسیا اختصاص داشته است و به دلیل ماهیت معناشناختی پدیده زیارت، روش‌های کیفی در تحقیقات گردشگری مذهبی غالب بوده است.

در این پژوهش نشانه‌های کالایی‌شدن در شش بعد پولی‌شدن، نمایشی‌شدن، عمومی‌شدن، بوروکراتیزه‌شدن، دیجیتالی‌شدن و سیاسی‌شدن تعریف و تحلیل گردید. شش بعد مذکور با دو روند اصلی تقدس‌بخشی امرنامقدس و عرفی‌سازی امرمقدس همراه است. می‌توان گفت پژوهش‌ها در یک موضوع یعنی وجود یک قدرت مبتنی بر بازار که رابطه بسیار نزدیک با سیستم اقتصادی سرمایه‌داری توافق دارند. در این شرایط گروه‌هایی با به دست آوردن فرصت‌های بازار یا حتی ایجاد بازار، روند انباشت سرمایه را از طریق تهیه پیام و نماد مذهبی به‌عنوان کالا فراهم می‌آورند. ابعاد کالایی‌شدن به اقتصاد نمادین پنهان دین گره خورده است که به‌زعم بوردیو در قالب حسن تعبیر^۱ (به صورت کلامی و عملی) از سوی متخصصان و متولیان امردینی انکار می‌شود (فیروزجاه و سهرابی، ۱۴۰۰: ۳۸). اگرچه پژوهش‌های این حوزه از نگرانی تأثیرات کالایی‌شدن در تضعیف، تغییر ماهیت یا از بین رفتن امرقدسی پرده برمی‌دارند، اما از طرفی دیگر یافته‌ها به‌خوبی نشان داده است که با تغییر در فرهنگ یا امر مقدس، استراتژی‌های گفتمانی نو به کار می‌افتند و معانی جدید به‌منظور مشروعیت بخشیدن به آن خلق می‌شوند. بنابراین همراه با کالایی‌شدن و تجاری‌شدن امر مقدس، تغییر در معنا و فضای مفهومی آن اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. بسط معنایی زیارت به گردشگری مذهبی و امروزه به گردشگری معنوی یا روحانی گواهی بر این مدعاست.

پرواضح است که محققان بررسی پدیده کالایی‌شدن را بدون نیروهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی غیرممکن می‌دانند. کالایی‌شدن امر قدسی، صرف نظر از ویژگی‌های بارز تجاری آن، ساختار تاریخی-فرهنگی پیچیده‌ای است. بنابراین، نیاز به درک چارچوب‌های فرهنگی دارد تا اهمیت نمادین و اقتصادی - اجتماعی آن مشخص شود. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که در تحقیقات صورت گرفته، نشانه‌های کالایی‌شدن امر مقدس بیشتر در قالب فضاها، مراسم و اشیاء، نمادهای مذهبی و

1. Ephemization

۱. حسن تعبیر یعنی اظهار فعالیت‌های اقتصادی کلیسا با بیان غیرمستقیم و استفاده از تعابیر تلطیف شده و به عبارتی در قالب یک زبان انکارآمیز.

مقاصد مذهبی (سطح کلان و میانه) بازنمایی شده است؛ در حالی که چگونگی کالایی شدن تجربه زیارت زائران (در قالب اعمال و اجرای مناسک و ارتباط با امر قدسی) و چگونگی همراهی او با تغییرات سطح کلان و میانه به جز در مواردی محدود چندان مورد توجه قرار نگرفته است. علاوه بر این که موضوع کالایی شدن امر مقدس در ایران نیازمند مطالعاتی در سطح ساختار و کنش مذهبی است.

کتابنامه

۱. آویارد، ه. (۱۳۹۰). چگونه یک تحقیق مروری انجام دهیم؟ (صرامی فروشانی. پ؛ و علی پور گراوند. ف، مترجمان). تهران: جامعه شناسان.
۲. اسلیتر، د؛ و تونکس، ف. (۱۳۸۶). جامعه بازار (بازار و نظریه اجتماعی مدرن). (قاضیان. ح، مترجم). تهران: نشر نی.
۳. اوژه، م. (۱۳۸۷). نامکان ها. (فرهشمند. م، مترجم). تهران: انتشارات مطالعات فرهنگی.
۴. پاترسون، م. (۱۳۹۸). مصرف و زندگی روزمره. (محمدی. ج؛ و ایمانی مرنی. ن، مترجمان). تهران: نی.
۵. پارساپژوه، س. (۱۴۰۰). «یک جهان وطن گرایی دینی. شهر قم در آیین تبادلات فراملی». در: صد سالگی حوزه قم. (دعایی. ک، مترجم). مجموعه مقالات به مناسبت صدساله شدن حوزه علمیه. قم: نشر مورخ. صص ۶۷۵-۷۰۹.
۶. حسام مظاهری، م. (۱۳۹۹). کالایی شدن زیارت: از تبرک پرتابل تا زیارت آنلاین. دیده بان اندیشه، ۱۵، ۱۵۴-۱۵۷.
۷. جیمسون، ف. (۱۳۷۹). پست مدرنیسم منطق سرمایه داری متأخر. (گیوه چیان. ف؛ رجایی. ف؛ و محمدی. م، مترجمان). تهران: انتشارات هرمس.
۸. رحمانی فیروزجاه، ع؛ و سهرابی، س. (۱۴۰۰). جامعه شناسی دین با بوردیو علیه بوردیو. تهران: آگرین کتاب.
۹. سعیدی، ع. ا. (۱۳۹۵). مشهد با بحران هویتی روبه رو است. ماهنامه مهرنامه، ۱۳۹۵/۹/۹.

۱۰. شریعتی‌مزینانی، س؛ و ذاکری، آ. (۱۳۹۵). موقعیت دین در جامعه ایران: قدسی تقدس‌زدایی شده، گزارش وضعیت اجتماعی کشور. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.
۱۱. شیخ‌رضایی، ر. (۱۳۹۶). مطالعه جامعه‌شناختی اماکن مقدس: تبیین جامعه‌شناختی گسترش و تحولات اماکن مقدس در جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی آستان مقدس حضرت عبدالعظیم (ع)). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۱۲. شیخ‌رضایی، ر. (۱۴۰۰). از توسعه تا حس لامکانی: نقد طرح‌های توسعه و نوسازی امام‌زاده‌ها. در مباحثی در جامعه‌شناسی تشیع، به کوشش گروه جامعه‌شناسی تشیع. اصفهان: آرما.
۱۳. لوکاچ، گ. (۱۳۸۷). تاریخ آگاهی طبقاتی. (پاینده. م.ج، مترجم). تهران: انتشارات بوتیمار.
۱۴. هولدن، ا. (۱۳۹۴). مطالعات گردشگری و علوم اجتماعی. (عظیمی‌هاشمی. م؛ و رضوانی‌پرکند. ر، مترجمان) مشهد: جهاددانشگاهی.

15. Arjana, S. R., & Rose Aslan, R. (2019). "Red, White, and Blue: American Muslims on Hajj and the Politics of Pilgrimage". in Babak Rahimi, and Peyman Eshaghi (eds), Muslim Pilgrimage in the Modern World. (Chapel Hill, NC, 2019; online edn, North Carolina Scholarship Online, 21 May 2020).
16. Belk, R. W., Wallendorf, M., & Sherry Jr, J. F. (1989). The sacred and the profane in consumer behavior: Theodicy on the odyssey. *Journal of consumer research*, 16(1), 1-38.
17. Berriane, J. (2015). Pilgrimage, spiritual tourism and the shaping of transnational 'imagined communities': The case of the Tidjani Ziyara to Fez. *International Journal of Religious Tourism and Pilgrimage*, 3(2), 1-10.
18. Bremer, T. S. (2006). Sacred spaces and tourist places. In *Tourism, religion and spiritual journeys* (pp. 25-35). Routledge.
19. Chen, N. (2017). Secularization, sacralization and the reproduction of sacred space: exploring the industrial use of ancestral temples in rural Wenzhou, China, *Social & Cultural Geography*, 18(4), 530-552.
20. Cohen, E. (1988). Authenticity and commoditization in tourism. *Annals of tourism research*, 15(3), 371-386.
21. Diara, B., Onukwufor, M., & Uroko, F. C. (2020). The structural advancement of religious communities and the commercialisation of the Christian religion in Nigeria. *Theologia Viatorum*, 44(1), 1-6.

22. Greenwood, D. J. (2012). 8. Culture by the pound: An anthropological perspective on tourism as cultural commoditization. In *Hosts and guests* (pp. 169-186). University of Pennsylvania Press.
23. Hariyanto, D. (2018). *Komodifikasi Ibadah Umrah Di Jawa Timur Dalam Perspektif Baudrillard* (Doctoral dissertation, Universitas Airlangga).
24. Haq, F., & Wong, H. Y. (2011). *Exploring marketing strategies for Islamic spiritual tourism*. Handbook of Islamic marketing, 319.
25. Hung, K., Yang, X., Wassler, P., Wang, D., Lin, P., & Liu, Z. (2017). Contesting the commercialization and sanctity of religious tourism in the Shaolin Monastery, China. *International Journal of Tourism Research*, 19(2), 145-159.
26. Kim, B., Kim, S., & King, B. (2020). Religious tourism studies: evolution, progress, and future prospects. *Tourism Recreation Research*, 45(2), 185-203.
27. Koskansky, H. (2002). Tourism, Charity, and Profit: The Movement of Money in Moroccan Jewish Pilgrimage. *Cultural Anthropology* 17(3), 359-400.
28. Levi, D., & Kocher, S. (2013). Perception of sacredness at heritage religious sites. *Environment and Behavior*, 45(7), 912-930.
29. Maftukhatulosikhah, M., & Rusydi, M. (2018). The commodification of religion in the maqāsid al-shariah perspective. *Mazahib*, 35-60.
30. Mazumdar, S., & Mazumdar, S. (1993). Sacred space and place attachment. *Journal of Environmental Psychology*, 13, 231-242.
31. McKercher, B., & du Cros, H. (2002). *Cultural tourism: The partnership between tourism and cultural heritage management*. New York, NY: Haworth Hospitality Press.
32. Masenya, M., & Masenya, M. (2018). Church breakaways as a prototype of commercialisation and commodification of religion in the Pentecostal Church Movement in South Africa: considering curricula offerings for pastors. *Stellenbosch Theological Journal*, 4(2), 633-654.
33. Moufahim, M. (2013). Religious gift giving: An ethnographic account of a Muslim pilgrimage. *Marketing theory*, 13(4), 421-441.
34. Muzakki, A. (2007). Islam as a symbolic commodity: Transmitting and consuming Islam through public sermons in Indonesia. In *Religious Commodifications in Asia* (pp. 219-233). Routledge.
35. Napitupulu, F., Ronda, M., & Dua, M. (2019). Commodification of Pilgrimage to the Holy Land of Jerusalem Critical Study of Spiritual Tourism and the Advertising Power Based on Adorno's Critical Theory. *Journal of Education, Society and Behavioural Science*, 29(2), 1-10.

36. Nolan, M. L., & Nolan, S. (1992). Religious sites as tourism attractions in Europe. *Annals of tourism research*, 19(1), 68-78.
37. O'Connor, P. (2014). Hong Kong Muslims on Hajj: Rhythms of the pilgrimage 2.0 and experiences of spirituality among twenty-first century global cities. *Journal of Muslim Minority Affairs*, 34(3), 315-329.
38. Olsen, D. H. (2003). Heritage, tourism, and the commodification of religion. *Tourism recreation research*, 28(3), 99-104.
39. O'Guinn, T. C., & Belk, R. W. (1989). Heaven on earth: consumption at Heritage Village, USA. *Journal of Consumer Research*, 16(2), 227-238.
40. Olsen, D. H., & Wilkinson, G. (2017). The Proliferation, Commercialization, and Secularization of the Seven Gods of Good Fortune Pilgrimages in Modern Japan. *9th Annual International Religious Tourism and Pilgrimage Conference*.
41. Philp, J., & Mercer, D. (1999). Commodification of Buddhism in contemporary Burma. *Annals of Tourism Research*, 26(1), 21-54.
42. Pinto, P. G. (2007). Pilgrimage, commodities, and religious objectification: the making of transnational Shiism between Iran and Syria. *Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East*, 27(1), 109-125.
43. Qurashi, J. (2017). Commodification of Islamic religious tourism: From spiritual to touristic experience. *International Journal of Religious Tourism and Pilgrimage*, 5(1), 89-104.
44. Sinha, V. (2007). 'Merchandizing' Hinduism: commodities, markets and possibilities for enchantment. In *Religious Commodifications in Asia* (pp. 183-199). Routledge.
45. Shackley, M. (2002). Space, sanctity and service; the English Cathedral as heterotopia. *International journal of tourism research*, 4(5), 345-352.
46. Shackley, M. (2005). Service delivery at sacred sites; potential contribution of management science. *European journal of science and theology*, 1(4), 33-40.
47. Shepherd, R. (2002). Commodification, culture and tourism. *Tourist studies*, 2(2), 183-201.
48. Smith, V. L. (1992). Pilgrimage and tourism: the quest in guest; special issue. *Annals of tourism research*.
49. Starrett, G. (1995). The political economy of religious commodities in Cairo. *American Anthropologist*, 97(1), 51-68.
50. Swanson, K. K., & Timothy, D. J. (2012). Souvenirs: Icons of meaning, commercialization and commoditization. *Tourism management*, 33(3), 489-499.
51. Sulistyorini, D., Sudardi, B., Warto, W., & Wijaya, M. (2019, February). Culture Tourism to Pesarean Kawi Mountain as A Culture of Cultural Products. In *Third*

- International Conference of Arts, Language and Culture (ICALC 2018)* (pp. 175-180). Atlantis Press.
52. Maret, S. (2019). Commodifying Pilgrimage: Emerge of Ziarah Ritual Commodification in Mount Kawi.
53. Ron, A. S., & Timothy, D. J. (2018). Commoditizing Holy Places and Commercializing Sacred Experiences. In *Contemporary Christian Travel* (pp. 43-63). Channel View Publications.
54. Thimm, V. (2017). *Commercialising Islam in Malaysia: 'Ziarah' at the Intersection of Muslim Pilgrimage and the Market-driven Tourism Industry*. Institut Kajian Etnik, Universiti Kebangsaan Malaysia.
55. Trihastutie, N. (2019). American Televangelical Frames: Religiosity, Spirituality, and Commodification. *Lire Journal (Journal of Linguistics and Literature)*, 3(2), 91-106.
56. Turner, V. (1978). Iconophily and Iconoclasm in Marian pilgrimage. *Image and pilgrimage in christian culture*, 140-171.
57. Waitt, G. (2000). Consuming heritage: Perceived historical authenticity. *Annals of tourism research*, 27(4), 835-862.

پیوست: مقالات مورد بررسی در نوشتار حاضر

عنوان مقاله	نویسنده و سال انتشار
کالایی شدن بودیسم در برمه معاصر	فلیپ و مرس، ۲۰۱۷
اسلام به‌عنوان کالای نمادین: ترویج و مصرف اسلام از طریق خطبه‌های عمومی در اندونزی	موزاکی، ۲۰۰۷
بازاریابی "هندوئیسم" تجاری: کالاها، بازارها و امکانات برای سحر افسون و جادو	سینها، ۲۰۰۸
اصالت و کالایی شدن فرهنگ در پوری آنیار کرامبتین به عنوان جاذبه گردشگری سلطنتی در تیانان رجنسی Tabanan Regency، استان بالی، اندونزی	سهیادی، ۲۰۱۶
سوغات: نشانه‌های معنایی، تجاری شدن و کالایی شدن	سوانسن و تیموتی، ۲۰۱۲
تقابل تجاری سازی و تقدس گردشگری مذهبی در معبد شائولین، چین	هانگ و همکاران، ۲۰۱۶
سکولاریزم، تقدس و بازتولید فضای مقدس: بررسی استفاده صنعتی از معابد اجدادی در روستای Wenzhou، چین	چن، ۲۰۱۷
گردشگری مذهبی در نیجریه: از دیدگاه اقتصادی	ال، ۲۰۱۷
جستجو برای یک تقدس گمشده: شیوه‌های فضایی Naxi Dongba و بازسازی فضای در کالایی شدن گردشگری	لیو، ۲۰۱۷
تجاری شدن دورگا پوجا در کلکته	گارایی، ۲۰۱۷
فضا، تقدس و خدمات؛ کلیسای جامع انگلیسی به عنوان heterotopia	شاکلی، ۲۰۰۲
تکثیر، تجاری شدن، و سکولاریزه شده خدایان هفتگانه زائران خوش شانس در ژاپن مدرن	اولسن و ویلکینسون، ۲۰۱۷
اقتصاد دین در حرم سیده زینب سوریه	مفاحیم، ۲۰۱۹
مسلمانان آمریکا در حج و سیاست زیارت	آرجانا و اسلان، ۲۰۱۹

اماکن مقدس: تحقیق اکتشافی در مورد زیارت	جیوان، فونتز، ۲۰۱۶
اقتصاد سیاسی کالاهای مذهبی در کابرو	استارت، ۲۰۰۹
هدیه دادن مذهبی: روایت مردم نگاری از یک سفر زیارتی مسلمانان	مفاحیم، ۲۰۱۶
زیارت، کالاهای و عینی سازی مذهبی: ایجاد تشیع فراملی بین ایران و سوریه	پیتو، ۲۰۰۷
میراث، گردشگری، کالایی شدن دین	اولسن، ۲۰۰۳
جست و جوی هاله ای گم شده: شیوه های فضایی و بازسازی فضا توسط Naxi Dongba در کالایی سازی توریستی	لیو، ۲۰۱۷
جاذبه های مذهبی در اروپا	نولان و نولان، ۱۹۹۲
ارائه خدمات در مکانهای مقدس با مشارکت بالقوه علم مدیریت	شاکلی، ۲۰۰۵
مسلمانان هنگ کنگ در حج: ریتم زیارت و تجربه معنویت بین شهرهای جهانی قرن ۲۱	اکانر، ۲۰۱۴
میراث مصرفی: اصالت تاریخی ادراک شده	وایت، ۲۰۰۰
کالایی شدن گردشگری مذهبی اسلامی: از تجربه معنوی تا تجربه گردشگری	قریشی، ۲۰۱۷
فهم گردشگری در سایتهای مذهبی	لوی و کوچر، ۲۰۰۹
زیارت، گردشگری روحانی و تشکیل جوامع تصور فرامرزی: موردی از Fez به Tidjani Ziyara	بریبانی، ۲۰۱
چارچوب های فرمها آمریکایی TELEVANGELICAL: دینداری، معنویت و کالا	تریهاستوتی، ۲۰۱۹
تجاری سازی اسلام در مالزی: "زیارت" در تقاطع سفرهای زیارتی مسلمانان و صنعت گردشگری بازار محور	تیم، ۲۰۱۷
کالایی شدن زیارت در سرزمین مقدس اورشلیم مطالعه انتقادی گردشگری معنوی و قدرت تبلیغاتی مبتنی بر نظریه انتقادی آدورنو	ناپتیلو و همکاران، ۲۰۱۹
کالایی شدن عبادت عمره در سرمایه داری آژانس مسافرتی عمره در اندونزی	هاریانو، ۲۰۱۸
کالایی شدن زیارت: ظهور کالایی شدن مناسک زیارت در کوه کاوی	سولیسترانی، ۲۰۱۹
مصرف کلیسای جامع: کالایی شدن مکانهای مذهبی در مدرنیته متاخر	مارتیکینن، ۲۰۰۶

کالایی شدن دین در دیدگاه مقید الشریعه	خاتوسلیخاه و راسیدی، ۲۰۱۸
اصالت و کالایی شدن در گردشگری	کوهن، ۱۹۸۸
کالایی شدن گردشگری مذهبی در مقبره Sunan Kudus	الدیان، ۲۰۲۰
به سمت جامعه‌شناسی کالایی شدن مذهبی	پاتانا کیتیرسا، ۲۰۱۰
بررسی راهکارهای بازاریابی برای گردشگری معنوی اسلامی	حق و ونگ، ۲۰۱۱
فرهنگ برای پول: دیدگاهی انسان شناختی به گردشگری به‌عنوان کالایی‌سازی فرهنگ	گرینوود، ۱۹۷۷
امر مقدس و ناپسند در رفتار مصرف‌کننده: تتودیه در اودیسه	بلک و همکاران، ۱۹۸۹
فراسوی اصالت و کالایی شدن	کول، ۲۰۰۷
مکان‌های مقدس و جاذبه‌های مکانی	مازامدر، ۱۹۹۸
فضاهای مقدس و اماکن گردشگری	برمر، ۲۰۶۶
پیشرفت ساختاری جوامع مذهبی و تجاری‌سازی دین مسیحیت در نیجریه	دیارا و همکاران، ۲۰۲۰
بررسی استراتژی‌های بازاریابی برای گردشگری معنوی اسلامی	حق و وونگ، ۲۰۱۱
گردشگری، خیریه و سود: حرکت پول در زیارت یهودیان مراکش	کونسانکی، ۲۰۰۲
کالایی کردن اماکن مقدس و تجاری‌سازی تجارب مقدس	ران و تیموتی، ۲۰۱۸
جدایی کلیسا به‌عنوان نمونه اولیه تجاری‌سازی و کالایی‌سازی دین در جنبش کلیسای پنتیکاستی در آفریقای جنوبی	مسنای و مسنای، ۲۰۱۸
کالایی‌سازی زیارت سرزمین مقدس اورشلیم مطالعه انتقادی گردشگری معنوی و قدرت تبلیغات براساس نظریه انتقادی آدورنو	نایپلتو و همکاران، ۲۰۱۹
شمایل‌دوستی و شمایل‌شکنی در زیارت ماریان	ترنر و ترنر، ۱۹۸۹
تکثیر، تجاری‌سازی و عرفی‌شدن هفت خدای زیارت‌های خوش‌شانس در ژاپن مدرن	اولسن و ویکلز، ۲۰۱۷

اوچین و بلک، ۱۹۸۹	بهشت روی زمین: مصرف در دهکده هریتیج
فلاح، ۲۰۱۸	زیارتگاهی که شهر خود را مصرف کرد: نقش دین و سیاست در تغییر شکل شهر نجف عراق
وایت، ۲۰۰۰	میراث مصرف کننده: اصالت تاریخی درک شده
سان، ۲۰۱۹	آیا تجاری سازی می تواند کیفیت تجربه گردشگران را کاهش دهد؟
شیخ رضایی، ۱۴۰۰	از توسعه تا حس لامکانی: نقد طرح های توسعه و نوسازی امامزاده ها
پارسا پزوه، ۱۴۰۰	یک جهان وطن گرایی دینی. شهر قم در آیین تبادلات فراملی
حسام مظاهری، ۱۳۹۹	کالایی شدن زیارت: از تبرک پرتابل تا زیارت آنلاین
شیخ رضایی، ۱۳۹۶	مطالعه جامعه شناختی اماکن مقدس: تبیین جامعه شناختی گسترش و تحولات اماکن مقدس در جمهوری اسلامی ایران
شریعتی و ذاکری، ۱۳۹۵	موقعیت دین در جامعه ایران: قدسی تقدس زدایی شده. مطالعه مکان ها و زمان های قدسی

Fear of Divorce and Attitude towards Marriage: A Study of Single Women in Tehran

Marjan Rashvand Sorkh Kuleh¹

Assistant Professor, Department of Demography, Faculty of Social Sciences, Allameh
Tabataba'i University, Tehran, Iran

Fatemeh Vojdani

Associate Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Theology and Religious Studies,
Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Received: 12 December 2024 Revised: 12 February 2025 Accepted: 1 March 2025

Abstract

The negative attitude towards marriage among the new generation has concerned experts and policy makers in the field of culture and family. This can be a product of diverse issues and problems. The research seeks to investigate the relationship between fear of divorce (and other variables) and attitude towards marriage. This is a cross-sectional survey with a descriptive-correlational design. Accordingly, a district was randomly selected from each of the three main development areas (developed, moderately developed, and underdeveloped) in the 22 districts of Tehran. The statistical population of the study comprises single women aged 20-34 residing in Tehran within districts 3, 8, and 15. A sample size of $n=382$ people was estimated using Cochran's formula. A combination of multi-stage stratified and simple random sampling methods were employed. The results of the multivariate analysis suggest that, while controlling for all other variables, fear of divorce, dating experience, and social media use have a negative impact, and religiosity and age have a positive bearing on girls' attitudes towards marriage. On the other hand, the path analysis results reveal the mediating and moderating role of fear of divorce in the relationship of social media use, religiosity, and dating experience with girls' attitudes towards marriage. Given that fear of divorce is

1. Corresponding Author. Email: m.rashvand@atu.ac.ir



©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license:
<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

How to cite this article: Rashvand Sorkh Kuleh, M. and Vojdani, F. (2025). Fear of Divorce and Attitude towards Marriage: A Study of Single Women in Tehran. Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences, 22(3), 67-97. Doi: 10.22067/social.2025.91205.1591

significantly linked to attitudes towards marriage, and it also pertains to variables of social media use, religiosity, and dating experience, it is recommended to provide necessary training on social media management and media literacy, foster religious beliefs from childhood, hold educational courses, and redefine the model of communication with the opposite sex in universities.

Keywords: Fear of Divorce, Attitude Towards Marriage, Friendship Experience, Social Network, Religious Beliefs, Single Girls in Tehran.

ترس از طلاق و نگرش به ازدواج: مطالعه‌ای در میان دختران مجرد شهر تهران

مرجان رشوند سرخکوله (استادیار گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

نویسنده مسئول)

m.rashvand@atu.ac.ir

فاطمه وجدانی (دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و ادیان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران)

f_vojdani@sbu.ac.ir

چکیده

کاهش نگرش مثبت به ازدواج در میان نسل جدید، یکی از نگرانی‌های صاحب‌نظران و سیاست‌گذاران حوزه فرهنگ و خانواده است. این مسئله می‌تواند حاصل مسائل و مشکلات گوناگونی باشد. هدف از تحقیق حاضر، بررسی رابطه میان متغیر ترس از طلاق (و برخی متغیرهای دیگر) با متغیر نگرش به ازدواج است. پژوهش حاضر یک پیمایش مقطعی بوده و دارای ماهیت توصیفی - همبستگی است. از بین مناطق بیست‌ودوگانه شهر تهران، از هر یک از سه منطقه اصلی (توسعه‌یافته، توسعه‌یافتگی متوسط و توسعه‌نیافته)، به شیوه تصادفی ساده یک منطقه انتخاب شده است. جامعه آماری تحقیق شامل دختران مجرد ۲۰-۳۴ ساله ساکن شهر تهران در مناطق سه، هشت و پانزده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۲ نفر برآورد گردید. شیوه نمونه‌گیری ترکیبی از روش‌های طبقه‌بندی چندمرحله‌ای و تصادفی ساده بوده است. نتایج تحلیل چندمتغیره بیانگر آن است که با کنترل همه متغیرها، متغیرهای ترس از طلاق، تجربه دوستی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی به صورت منفی و متغیرهای دینداری و سن به صورت مثبت بر نگرش دختران به ازدواج تأثیرگذار هستند. از سوی دیگر نتایج تحلیل مسیر بیانگر نقش میانجی و واسطه‌ای ترس از طلاق در ارتباط با تأثیرگذاری متغیرهای استفاده از شبکه‌های اجتماعی، دینداری و تجربه دوستی بر نگرش دختران به ازدواج است.

نشریه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، سال بیست و دوم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴، شماره پیاپی ۵۳، صص ۹۷-۶۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۲ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۲۴ تاریخ تصویب: ۱۴۰۳/۱۲/۱۱

با توجه به این که مشخص شد که ترس از طلاق با نگرش به ازدواج رابطه معنی دار دارد و ترس از طلاق نیز، خود با متغیرهای استفاده از شبکه‌های اجتماعی، دینداری و تجربه دوستی رابطه دارد، ضرورت آموزش‌های لازم جهت مدیریت مصرف رسانه و سواد رسانه‌ای و نیز تقویت دینداری از دوران کودکی تا دوره‌های آموزشی و اصلاح الگوی ارتباطی با جنس مخالف در دانشگاه‌ها، توصیه می‌شود. **واژگان کلیدی:** ترس از طلاق، نگرش به ازدواج، تجربه دوستی، شبکه اجتماعی، دینداری، دختران مجرد، تهرانی.

۱. مقدمه و بیان مسئله

یکی از مسائلی که امروزه در ارتباط با نهاد خانواده با آن مواجهیم، کاهش گرایش به ازدواج و به عبارتی، کاهش ارزش ازدواج در میان نسل جدید است. پژوهش‌های میدانی نشان‌دهنده روند افزایش جوانانی است که علاقه به ازدواج ندارند، فرد مناسب خود را پیدا نمی‌کنند، نگران دیر ازدواج کردن نیستند و کسانی که اصلاً دغدغه ازدواج ندارند (غیاثوند، ۱۴۰۲) و دوست دارند مدت‌های زیادی از عمر خود را مجرد باشند (مرادی و صفاریان، ۱۳۹۱: ۲۴). کاهش گرایش به ازدواج، زمینه را برای افزایش میانگین سن ازدواج و رسیدن بسیاری از جوانان به مجرد قطعی فراهم می‌کند (قنبری برزیان و همکاران، ۱۳۹۷)؛ در همین راستا، در دهه‌های اخیر تغییرات مهمی در الگوی سنی ازدواج، به‌ویژه در میان دختران اتفاق افتاده است. میانگین سن ازدواج در دخترها از ۱۸.۴ سال (در سال ۱۳۴۵)، به ۲۳ سال (در ۱۳۹۵) رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) و الگوی سنی ورود به ازدواج در زنان بیش‌تر از مردان دستخوش تغییر شده است و میزان تأخیر در زنان برجسته‌تر است (رشوند سرخکوله، ۱۳۹۷) که بحث راجع به دلایل آن فرصت دیگری می‌طلبد.

به دنبال تغییر نگرش‌های نسل جوان نسبت به ازدواج، کاهش ازدواج ممکن است باعث افزایش اختلالات رفتاری و آسیب‌پذیری جنسی، افزایش بیماری‌های جسمی و روحی، کاهش جمعیت،

افزایش مجرد قطعی (آزادارمکی، ۱۳۸۶: ۱۰۲)، گسترش هم‌خانگی و هم‌باشی (ازدواج سفید) و در نهایت تزلزل جامعه (گیدنز، ۱۳۸۶: ۴۵۳) شود.

کاهش گرایش نسل جدید به ازدواج مسئله پیچیده‌ای است و دلایل گوناگونی دارد که هنوز همه آن‌ها شناسایی نشده‌اند. از سوی دیگر، یکی دیگر از مشکلات جدی که در جامعه با آن مواجه هستیم، آمار بالای طلاق در سال‌های اخیر است که ممکن است به نوعی، با بحث کاهش تمایل جوانان به ازدواج ارتباط داشته باشد. براساس گزارش مرکز آمار ایران، تعداد طلاق ثبت شده با مدت ازدواج کم‌تر از یک سال، از ۲۱۹۸ طلاق در بهار ۱۳۹۹ با رشد ۳۹ درصدی در تابستان همان سال به ۳۰۶۸ طلاق رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰). این گونه آمارها خوش‌بینی نسبت به ازدواج و موفقیت ازدواج را در میان اعضای جامعه کاهش می‌دهد.

در این میان، جوانان که از حساسیت بیش‌تری هم برخوردار هستند، هر روزه تجاربی از شکست ازدواج را در دوستان، نزدیکان، اقوام یا حتی در بین اعضای خانواده خود مشاهده می‌کنند. طلاق علاوه‌بر فرایند فرسایشی و توان‌فرسا، تبعات فردی، خانوادگی و اجتماعی زیادی نیز در پی دارد. به‌خصوص زمانی که پای فرزند یا فرزندان نیز در میان باشد، تبعات منفی آن بسیار بیش‌تر هم خواهد بود و تا آخر عمر، دامن‌گیر افراد خواهد بود. زوجینی که از هم جدا شده‌اند، نه‌تنها بسیاری از سرمایه‌های زمانی، عاطفی و اقتصادی خود را از دست داده‌اند، گاه برای همیشه فرصت ازدواج مجدد و موفق را نیز از دست می‌دهند و تا آخر عمر باید با مشکلات عدیده‌ای دست و پنجه نرم کنند. طبیعی است که مشاهده مکرر این‌گونه مسائل، خوش‌بینی به ازدواج و امید به ازدواج موفق را کاهش می‌دهد و به‌ویژه، برای جوانان که در بحبوحه تصمیم‌گیری برای این امر مهم هستند، نگرانی‌های زیادی نیز ایجاد می‌کند. براین‌اساس، به نظر می‌رسد که ترس از طلاق یکی از عواملی باشد که اشتیاق و تمایل جوانان را به ازدواج تحت‌الشعاع قرار دهد. البته این امر نیاز به پژوهش دارد. اگر یافته تحقیقات این فرضیه را تأیید کند، آموزش‌های لازم جهت تقویت مهارت‌های

پیشگیرانه، حمایت روانی و جلب اطمینان جوانان می‌تواند در رفع این معضل مفید واقع شود و شرایط روانی لازم را تأمین نموده و نگرش مثبت به ازدواج را تأمین کند.

اگر بخواهیم ابعاد مختلف این مسئله را باز کنیم، مسئله دیگری که باز هم بی‌ارتباط با مسائل پیش گفته نیست و شاید به روشن‌تر شدن این تصویر کمک کند، الگوهای ارتباطی نامناسب جوانان در دوره مجردی است. طبق یافته تحقیقات میدانی، تعداد قابل توجهی از جوانان ما درگیر دوستی‌های دختر و پسر و حتی روابط پیشرفته و جنسی قبل از ازدواج هستند (علی‌تبار و همکاران، ۱۳۹۳؛ عظیمی‌هاشمی و همکاران، ۱۳۹۴). این گونه روابط قبل از ازدواج، موجب بدبینی به جنس مخالف (قادرزاده و همکاران، ۱۳۹۶؛ قنبری‌برزیان و همکاران، ۱۳۹۷) می‌شود. به‌ویژه اگر به دفعات تکرار شود و این بدبینی، عمیق شود، به نوبه خود می‌تواند منجر به بی‌رغبتی به ازدواج شود. از سوی دیگر حتی در صورت ازدواج نیز، داشتن بی‌اعتمادی متقابل زوجین، در میان افرادی که قبل از ازدواج چنین تجاربی داشته‌اند، به‌طور معناداری بالاتر است (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۰). این افراد سازگاری زناشویی کم‌تری با همسر خود دارند (ملک‌عسگر و همکاران، ۱۳۹۶)، بی‌وفایی و خیانت زناشویی در میان آن‌ها شایع‌تر است (نژادکریم و همکاران، ۱۳۹۵؛ قادرزاده و همکاران، ۱۳۹۶) و احتمال طلاق در آن‌ها چند برابر افرادی است که قبلاً چنین روابطی نداشته‌اند (خلج‌آبادی‌فراهانی، ۱۳۹۱؛ ذوالفقاری، ۱۳۹۲).

لذا افرادی با سابقه دوستی و به‌ویژه روابط پیشرفته در قبل از ازدواج، احتمالاً زندگی‌های ناپایداری خواهند داشت. بنابراین، نگرانی راجع به پایداری زندگی در صورت ازدواج (و به عبارت دیگر، ترس از طلاق) برای این جوانان قابل پیش‌بینی است. معضل دیگری که برای این افراد پیش می‌آید، تنوع‌طلبی است. خود تنوع‌طلبی هم می‌تواند رغبت به ازدواج را در آن‌ها کاهش دهد؛ چراکه ازدواج برای آن‌ها تعهد به محدود ماندن و محدود کردن خود به رابطه با یک فرد و عملاً، محروم نمودن خود از رابطه با شریک‌های عاطفی و جنسی متنوع است که می‌تواند اشتیاق به ازدواج را برای جوانان تنوع‌طلب کاهش دهد. علاوه بر این، ترس از افشا شدن روابط از دیگر پیامدهای این گونه

ارتباطات است (زیتتی، ۱۳۸۲) که فشار روانی زیادی بر افراد وارد می‌کند و می‌تواند باعث شود که فرد از ازدواج اجتناب کند. به‌طور کلی طبق آنچه تحقیقات نشان می‌دهند، به‌ویژه روابط پیشرفته پیش از ازدواج تأثیرات روحی روانی زیادی بر افراد دارد و منجر به مسائلی هم‌چون ترس، بیزاری، عدم اعتماد به نفس، کج خلقی، احساس گناه و نظایر این‌ها می‌شود (آقامحمدیان شهرباف و نیمروزی، ۱۳۸۵) که می‌تواند شور و اشتیاق و تمایلی را که به‌طور طبیعی در یک فرد سالم به لحاظ روحی و روانی برای ازدواج می‌تواند وجود داشته باشد، دچار اختلال کند. هم‌چنان که فیشر (۲۰۱۴) نیز تأکید می‌کند که تجربه عاطفی و جنسی پیش از ازدواج در بیش‌تر موارد با شکست عاطفی همراه است که در طی آن انتظارات فرد از روابط عاشقانه، به‌صورت ناگهانی یا تدریجی در وضعیت آشفتگی قرار می‌گیرد. به‌هرحال، بسیاری محققان در تحقیقات خود به‌صراحت نشان داده‌اند که روابط جنسی پیش از ازدواج، سبب کاهش گرایش جوانان به ازدواج می‌شود (مانند قنبری‌برزیان و همکاران، ۱۳۹۷) و البته دلایل و ریشه‌های این امر، هنوز نیاز به بررسی دارد.

در یک بررسی عمیق‌تر باید دید خود این‌گونه مسائل از کجا ناشی می‌شوند و تحت تأثیر چه عواملی تشدید یا کنترل می‌شوند. در این صورت بهتر می‌توان مداخله‌های اصلاحی و مؤثر را جهت مدیریت این بحران طراحی نمود. در این زمینه جا دارد که تأثیرگذاری دو عامل مهمی که امروزه فکر، ذهن و گرایشات جوانان را سمت و سو می‌دهند، در این قضایا روشن شود: استفاده از شبکه‌های اجتماعی و دینداری. به‌عنوان مثال، برخی محققان رابطه معنی‌دار و منفی میان دینداری و نگرش مثبت نسبت به رابطه با جنس مخالف گزارش کرده‌اند (غفاری و همکاران، ۱۳۹۶) هم‌چنین، استفاده از ماهواره (خصوصاً فیلم‌های منفی) (رجبی و البرزی، ۱۳۹۶) و استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی (مبارکی و شرفی، ۱۳۹۸) با تجربه دوستی با جنس مخالف را مرتبط شناخته‌اند.

آیا این دو عامل در بروز یا کنترل مسائل پیش‌گفته نقش‌آفرینی دارند و تا چه حد و چگونه تأثیر می‌گذارند؟

البته در این میان شناسایی رابطه میان سن جوانان و میزان تحصیلاتشان با این متغیرها نیز می‌تواند جنبه‌های ظریف‌تری را از مسائل پیش‌گفته برای ما روشن کند، گروه‌هایی را که بیش‌تر در معرض خطر هستند، برای سیاست‌گذاران مشخص سازد و برنامه‌ریزی دقیق‌تر و همراه با اولویت‌بندی را امکان‌پذیر سازد. بنابراین، هدف اصلی این تحقیق، بررسی رابطه میان متغیرهای: استفاده از شبکه‌های اجتماعی، ترس از طلاق، تجربه دوستی (با جنس مخالف) و دینداری با متغیر نگرش به ازدواج است.

۲. مبانی نظری تحقیق

در مورد رابطه میان ترس از طلاق و نگرش به ازدواج، طبق جستجوهای انجام شده، پژوهش منتشر شده‌ای یافت نشد. اما در زمینه رابطه میان استفاده از شبکه‌های اجتماعی، تجربه دوستی (با جنس مخالف) و دینداری با متغیر نگرش به ازدواج تحقیقاتی تاکنون انجام شده که به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

در ارتباط با رابطه میان دینداری و گرایش به ازدواج، تحقیقات مختلف (رشوند سرخکوله، ۱۳۹۷؛ سرایی و اجاقلو، ۱۳۹۲) رابطه مستقیم و معناداری بین دینداری با ارزش ازدواج ذکر کردند. برزگر خضری و خدابخشی کولایی (۱۳۹۶) نیز در پژوهشی که انجام دادند به این نتیجه رسیده‌اند که جهت‌گیری مذهبی و خودکنترلی از عوامل مؤثر بر نگرش افراد به روابط قبل از ازدواج با جنس مخالف است. خلج‌آبادی فراهانی (۱۴۰۰) نیز پابندی مذهبی را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های ازدواج برای جوانان گزارش کرده است.

در مورد رابطه میان روابط پیش از ازدواج با نگرش به ازدواج، خلج‌آبادی فراهانی و شجاعی (۱۳۹۲) دریافتند که تجربه معاشرت پیشرفته قبل از ازدواج، یکی از عوامل تعیین‌کننده افزایش سن ازدواج بین دختران است. در مقابل در پسران معاشرت پیشرفته پیش از ازدواج بر افزایش سن ازدواج تأثیری ندارد. در تحقیق دیگری، خلج‌آبادی فراهانی و همکاران (۱۳۹۲) به این نتیجه رسیدند که

تجربه جنسی تعیین‌کننده افزایش سن ازدواج است، ولی رابطه دوستی با جنس مخالف در بین دختران با تمایل بیش‌تر به ازدواج همراه است. گاقان^۱ (۲۰۰۲) وجود رابطه بین تعدد ارتباطات پیش از ازدواج و کاهش تمایل به ازدواج در دختران را نشان داد. لذا یافته‌ها در این مورد کمی متفاوت است.

در زمینه رابطه میان تحصیلات و نگرش به ازدواج نیز بسیاری تحقیقات نشان داده‌اند که با افزایش سطح تحصیلات گرایش به ازدواج کاهش می‌یابد (مانند: امامی و همکاران، ۱۴۰۰) و سن ازدواج بالا می‌رود (انتظاری و همکاران، ۱۳۹۷؛ عسکری‌ندوشن و همکاران، ۱۳۹۷). تاج‌بخش و محمدی (۱۳۹۹) نیز در تحقیق خود دریافتند که میزان تحصیلات به‌ویژه در مقاطع بالای تحصیلی با گرایش به افزایش سن ازدواج در بین جوانان، بسیار پراهمیت و در ارتباط است. اما برخی محققان هم رابطه معناداری میان تحصیلات و گرایش به ازدواج پیدا نکردند (سیاح و همکاران، ۱۳۹۷؛ کیان‌پور و همکاران، ۱۴۰۲). حسین و اسلام^۲ (۲۰۱۳) نیز دریافتند که تحصیلات تأثیر مثبتی در گرایش به ازدواج زنان دارد.

درمورد رابطه میان مصرف رسانه و نگرش به ازدواج نیز تحقیقاتی انجام شده است. شهانواز و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی، احتمال وقوع آینده پیشران‌های مجرد در ایران ۱۴۱۴ را با ارائه فرضیه‌هایی برای آینده مجرد طراحی و بررسی کردند. احتمال وقوع شش فرض مطرح شده برای هر یک از پیشران‌های مجرد به تفکیک به دست آمد که در این میان، فرض "افزایش تأثیر رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی بر تغییر نگرش جوانان" بالاترین درصد احتمال وقوع را از نظر متخصصان دارد. سرایی و اجاقلو (۱۳۹۲) نیز دریافتند که تجربه جهانی شدن، رابطه معکوس و منفی با ارزش ازدواج دارد.

1. Gaughan

2. Hossain & Islam

معمار و یزدخواستی (۱۳۹۴) نیز تجارب زیسته دختران ۳۰ تا ۴۹ ساله مجرد را بررسی کردند و دریافتند که ترجیح تجرد به ازدواج بازتاب واکنش کنشگران در عرصه اجتماعی است.

تأمل در تحقیقات پیشین نشان می‌دهد که اولاً، پژوهش‌های پراکنده‌ای حول برخی از ابعاد مرتبط به موضوع این تحقیق صورت گرفته است؛ اما پژوهشی که رابطه همزمان میان متغیرهای ترس از طلاق، استفاده از شبکه‌های اجتماعی، تجربه دوستی (با جنس مخالف) و دینداری را با متغیر نگرش به ازدواج و نحوه تأثیر و تأثر این متغیرها را روی هم بررسی کند، تاکنون انجام نشده است. به علاوه متغیر ترس از طلاق متغیر جدید اما مهمی است که امروزه با بالا رفتن آمار طلاق باید مورد بررسی‌های جدی قرار بگیرد و تاکنون مورد توجه پژوهشگران نبوده است و این پژوهش، به‌ویژه از این نظر حاوی نوآوری است. همچنین در نظر گرفتن نحوه اثرگذاری متغیرهایی هم‌چون سن و تحصیلات می‌تواند گروه‌های پرخطر را برای سیاست‌گذاران فرهنگی مشخص کند و لذا گروه‌های هدف را برای برنامه‌های آموزشی و اصلاحی تعیین کند.

یکی از موضوعاتی که در ذیل تغییر ارزش‌های خانوادگی قابل مطالعه و بررسی است، ازدواج و نگرش به آن است. یکی از تئوری‌های مهم تبیین‌کننده تغییرات خانواده و ارزش‌های آن، نظریه گذار دوم جمعیتی است.

این نظریه عمدتاً تلاش می‌کند تا سهم و اثر تغییرات نگرشی و فرهنگی را در شکل‌دهی ایده‌آل‌های فردی در حوزه خانواده مشخص کند و از این رهگذر، تحولات خانواده را در کشورهای پیشرفته (به‌خصوص بعد از جنگ جهانی دوم) تبیین و تفسیر کند. از دهه ۱۹۶۰ میلادی به بعد، کشورهای مذکور پیرو افت باروری و افزایش مرگ و میر در قرون نوزده و بیست، تغییر و تحولات زیادی را در حوزه مناسبات خانوادگی به خود دیدند. برخی اندیشمندان (ون‌دکا، ۲۰۰۱؛ لستهاق و سورکین، ۱۹۸۸) بر این باورند که تغییر و تحولات وسیع حوزه خانواده را در کشورهای اروپای غربی که در نیمه دوم قرن بیست به وقوع پیوست، می‌توان به‌عنوان نشانه‌ای از انتقال دوم جمعیتی تلقی کرد.

اولین علائم و سرنخ‌های انتقال جمعیتی دوم را پیش از دهه ۱۹۵۰ می‌توان یافت؛ زمانی که آمار طلاق در ایالات متحده و کشورهای اسکاندیناوی بالا رفت. چندی بعد، از نیمه دوم دهه ۱۹۶۰ به بعد، شاهد هستیم که باروری از آن حالت انفجاری که قبلاً داشت، شروع به روند نزولی کرد. از سوی دیگر، سن افراد در اولین ازدواج افزایش یافت و آمار مجردان بالا رفت. از جمله تغییراتی که در ارتباط با گذار جمعیتی دوم، در خانواده مشاهده شد، به‌زعم لستهاق و ون‌دکا^۱ (۱۹۸۶) گسترش زوج زیستی^۲ بود؛ به‌طوری‌که در فرانسه و انگلیس بیش از ۴۰ درصد موالید خارج از چارچوب ازدواج تولد یافتند، در حالی‌که در سال ۱۹۶۰، در دو کشور مذکور این نسبت شش درصد بود (رشوند سرخکوله، ۱۳۹۷: ۴۸).

در این کشورها همزمان با تغییرات در سطح جامعه، شاهد تغییر و تحولات مهم‌تری در ازدواج، روابط جنسی و امور مربوط به خانواده هستیم. نهاد خانواده به‌مثابه یک نهاد اجتماعی در دهه‌های آخر قرن بیستم دستخوش تغییرات زیادی شد و تعهدات مربوط به ازدواج رسمی و فرزندآوری دچار فرسایش شد. در جوامعی که دچار باروری زیر سطح جانشینی هستند، انتظار می‌رود که شاهد کاهش میزان ازدواج و نیز، افزایش در سن ازدواج، آمار طلاق و جدایستی باشیم.

خانواده در ایران از خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای تغییر کرده، ازدواج‌های ترتیب داده شده جای خود را به ازدواج‌های مبتنی بر عشق و خودانتخابی داده‌اند، سن ازدواج افزایش یافته است و هم‌چنین، روابط و مناسبات بین دختر و پسر تغییر یافته، داشتن رابطه با جنس مخالف در میان جوانان عادی‌تر شده، نگرش به ازدواج تغییر یافته و تغییراتی از این دست که ناشی از این گذار بوده‌اند (رشوند سرخکوله، ۱۳۹۷: ۵۲). از همین‌رو، به دلیل اثرات گذار دوم جمعیتی، بعضی از ارزش‌های خانواده در ایران نیز تغییر یافته است که از آن جمله می‌توان به تغییر نگرش به ازدواج اشاره نمود.

1. Lesthaeghe &. van de kaa

2. Cohabitation

با افزایش سن ازدواج، روابط و مناسبات دختر و پسر نیز تغییر کرده و میزان طلاق نیز طی سال‌های اخیر روند افزایشی داشته است.

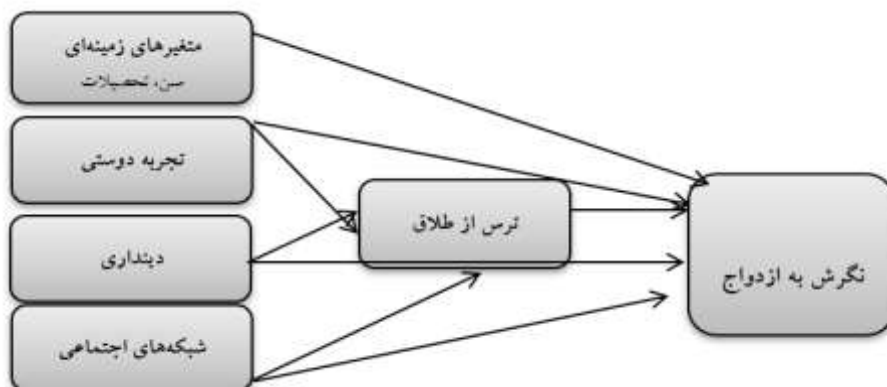
تغییرات فرهنگی اینگلهارت^۱ نیز چارچوب تئوریکی مناسبی برای تحلیل تغییرات نهاد خانواده و ازدواج پیش‌رو می‌گذارد. نظریه اینگلهارت نشأت گرفته از مفهوم فرهنگ به معنی مجموعه‌ای از ارزش‌ها و باورهاست. وی افت آمار ازدواج و نرخ پایین افراد ازدواج کرده را ناشی از جریان کلی حرکت از ارزش‌های مادی به سمت ارزش‌های فرامادی می‌داند. نظر اینگلهارت این بود که در جهان غرب، نظام ارزش‌های سنتی نوعی نظام اقتصادی و اجتماعی پایداری پدید آورد که آن هم به نوبه خود، منجر به توسعه سرمایه‌داری و رشد اقتصادی سریع گردید؛ و محصول این رونق اقتصادی این بود که ارزش‌های فرامادی جانشین ارزش‌های مادی شدند (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۵۹).

از نظر اینگلهارت، خانواده و به خصوص، تأکید بر ثبات خانواده، با نیاز انسان‌ها به امنیت و ایمنی مربوط است و لذا آن‌ها را می‌توان به عنوان ارزش‌های مادی گرایانه در نظر گرفت. اما زوج زیستی یا زندگی بدون شریک نشانه‌ای از زندگی فرامادی گرایانه با خود دارد (هامپلوا، ۲۰۰۳: ۶).

یکی از نظریات درخصوص رسانه، نظریه استفاده و خشنودی است. مهم‌ترین فرض نظریه استفاده و خشنودی این است که مخاطب از میان مجاری ارتباطی و محتوایی که به او عرضه می‌شود، دست به انتخابی آگاهانه و جهت‌دار می‌زند. بدین صورت که شرایط اجتماعی و ساختار روانی فرد مشترکاً بر عادات کلی استفاده از رسانه اثر می‌گذارد و هم‌چنین، اعتقاد و توقع او از نفعی که از رسانه می‌توان برد، نگرش به ازدواج و مصرف رسانه را توسط او شکل می‌دهد که قضاوت در باب ارزش تجربه استفاده از رسانه را به دنبال دارد و احتمالاً منجر به کاربرد فواید حاصل شده در سایر عرصه‌های تجربه و فعالیت اجتماعی خواهد شد (رشوند سرخکوله و وجدانی، ۱۴۰۱).

هر فرایند ارتباطی شامل سه بخش است: بخش اول: خود رسانه یا ابزار ارتباطی، بخش دوم: محتوای رسانه یا پیامی که رسانه بیان می‌کند، بخش سوم: مخاطب. درخصوص شدت تأثیرگذاری رسانه بر افراد، عوامل و متغیرهای بسیاری دخیل هستند که از آن جمله می‌توان به خود رسانه، محتوای رسانه و این‌که چه قابلیت‌هایی دارد و گستره و پوشش آن تا چه اندازه است، اشاره کرد. هم‌چنین در این خصوص ویژگی‌های شخصیتی، خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی مخاطب نیز بسیار حائز اهمیت است. بنابراین، می‌توان گفت تأثیر رسانه از یک‌سو به خود رسانه و محتوای آن و از سوی دیگر، به ویژگی‌های مخاطب اعم از سن، تحصیلات، اعتقادات و باورهای دینی و ارزشی او بستگی دارد. برای مثال، دین‌داری همواره به منزله سدی در برابر غریزه مطرح بوده است؛ به‌طوری که روستوسکی^۱ از آن به‌مثابه عامل کنترل غرایز یاد می‌کند. او معتقد است که دین‌داری، شروع ارضای غرایز جنسی را به تعویق می‌اندازد. نتایج تحقیق وی گویای آن است که در میان افرادی که نمره دین‌داری بیش‌تری دارند، روابط جنسی زودهنگام کم‌تر است (روستوسکی و همکاران، ۲۰۰۴، به نقل از رشوندسرخکوله و وجدانی، ۱۴۰۱).

بنابراین در تغییر ایده‌ها و ارزش‌هایی که در جامعه به وقوع می‌پیوندد، هم‌چون، تغییر نگرش نسبت به روابط میان دختر و پسر، تغییر در نگرش به ازدواج، تغییر و تحول در دین‌داری و نظایر اینها، غیر از نظریه گذار دوم جمعیتی، می‌توان به نظریه‌های فوق نیز مراجعه کرد. با توجه به پیشینه پژوهش و چارچوب نظری ارائه شده متغیرهای مطرح شده و نحوه ارتباط آن‌ها و تأثیرگذاری‌شان بر نگرش به ازدواج در مدل نظری زیر نشان داده شده است.



شکل ۱. مدل نظری تحقیق و ارتباط بین متغیرهای تحقیق

با توجه به چارچوب و مدل نظری فوق، در پژوهش حاضر فرضیات زیر مطرح و مورد بررسی قرار گرفته‌اند:

- بین سن دختران با نگرش به ازدواج رابطه وجود دارد.
- بین تحصیلات دختران با نگرش به ازدواج رابطه وجود دارد.
- بین ترس از طلاق با نگرش به ازدواج رابطه وجود دارد.
- بین تجربه دوستی با نگرش به ازدواج رابطه وجود دارد.
- بین دینداری با نگرش به ازدواج رابطه وجود دارد.
- بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی با نگرش به ازدواج رابطه وجود دارد.

۳. روش تحقیق

این پژوهش در زمره تحقیقات پیمایش مقطعی بوده و دارای ماهیت توصیفی - همبستگی است. جهت گردآوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه ساخت‌یافته استفاده شده که در سال ۱۴۰۲ به انجام رسیده است. جهت بررسی روایی پرسشنامه پژوهش، از روش اعتبار صوری و نظرخواهی از متخصصان و

هم‌چنین تحلیل عاملی و جهت بررسی پایایی پرسشنامه پژوهش، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق شامل دختران مجرد (هرگز ازدواج نکرده یا هنوز ازدواج نکرده) ۳۴-۲۰ ساله ساکن شهر تهران در سه منطقه ۳، ۸ و ۱۵ است.

مناطق بیست‌ودوگانه شهر تهران از نظر سطح برخورداری و کیفیت زندگی به سه منطقه اصلی تقسیم می‌شوند: منطقه توسعه‌یافته (برخوردار)، منطقه توسعه‌یافتگی متوسط (نیمه‌برخوردار) و منطقه توسعه‌نیافته (کم‌برخوردار) (احمدی و جهانگرد، ۱۴۰۰). با توجه به این‌که مطالعه کل مناطق بیست‌ودوگانه شهر تهران بسیار زمان‌بر و پرهزینه است، بنابراین، از بین مناطق بیست‌ودوگانه شهر تهران، از هر یک از سه منطقه اصلی، یک منطقه به شیوه تصادفی ساده انتخاب شده است. منطقه ۳ به‌عنوان منطقه توسعه‌یافته (برخوردار)، منطقه ۸ به‌عنوان منطقه‌ای با توسعه‌یافتگی متوسط (نیمه‌برخوردار) و منطقه ۱۵ به‌عنوان منطقه توسعه‌نیافته (کم‌برخوردار) در نظر گرفته شده است.

بنابراین، جامعه آماری تحقیق شامل دختران مجرد ۳۴-۲۰ ساله ساکن شهر تهران در سه منطقه ۳، ۸ و ۱۵ است. براساس آخرین سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، تعداد دختران مجرد یا هنوز ازدواج نکرده در این سه منطقه برابر با ۷۰۵۵۴ نفر بوده است (جدول ۱).

تعداد نمونه مورد مطالعه در این پژوهش با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۲ نفر برآورد گردید. شیوه نمونه‌گیری ترکیبی از طبقه‌بندی چندمرحله‌ای و تصادفی ساده بوده است. بدین‌صورت که ابتدا جمعیت دختران مجرد در سه منطقه سه، هشت و پانزده (۷۰۵۵۴ نفر) در نظر گرفته شد. در ادامه به تناسب جمعیت در هر منطقه تعداد نمونه در آن منطقه مشخص گردید؛ به گونه‌ای که، از کل جمعیت جامعه آماری، ۳۴/۷ درصد آنان در منطقه سه، ۳۳/۲ درصد در منطقه هشت و ۳۲/۱ درصد در منطقه پانزده قرار داشتند. بنابراین از روی توزیع درصد در هر منطقه توزیع جمعیت در آن منطقه محاسبه گردید. بنابراین تعداد نمونه در منطقه سه ۱۳۲ نفر، در منطقه هشت ۱۲۷ نفر و در منطقه پانزده ۱۲۳ نفر برآورد گردید (جدول ۱).

جدول ۱. توزیع جمعیت ۲۰-۳۴ ساله دختران مجرد براساس مناطق ۳، ۸ و ۱۵ شهر تهران، ۱۳۹۵

منبع: پردازش از داده‌های سرشماری شهر تهران، ۱۳۹۵

مناطق	ساله ۲۴-۲۰	ساله ۲۹-۲۵	ساله ۳۴-۳۰	کل جمعیت	توزیع درصد	توزیع جمعیت
منطقه ۳	۸۹۷۵	۸۵۸۳	۶۹۳۵	۲۴۴۹۳	۳۴/۷	۱۳۲
منطقه ۸	۹۱۸۷	۸۲۸۶	۵۹۶۲	۲۳۴۳۵	۳۳/۲	۱۲۷
منطقه ۱۵	۱۰۲۷۷	۷۳۲۸	۵۰۲۱	۲۲۶۲۶	۳۲/۱	۱۲۳
کل	۲۸۴۳۹	۲۴۱۹۷	۱۷۹۱۸	۷۰۵۵۴	۱۰۰/۰	۳۸۲

در ادامه از روی توزیع درصد در هر گروه سنی توزیع جمعیت نمونه در آن گروه سنی محاسبه گردید. بدین ترتیب که در منطقه سه، ۳۶/۶ درصد دختران مجرد در گروه سنی ۲۰-۲۴ ساله، ۳۵ درصد در گروه سنی ۲۵-۲۹ ساله و ۲۸/۳ درصد دختران مجرد در گروه سنی ۳۰-۳۴ ساله قرار داشتند، بنابراین از ۱۳۲ نفر نمونه منطقه سه، ۴۸ نفر به گروه سنی ۲۰-۲۴ ساله، ۴۶ نفر به گروه سنی ۲۵-۲۹ ساله و ۳۷ نفر به گروه سنی ۳۰-۳۴ ساله اختصاص پیدا کرد. بدین ترتیب نمونه ۱۳۲ نفری ما در منطقه سه تکمیل گردیده است. به همین ترتیب در دو منطقه دیگر (منطقه ۸ و منطقه ۱۵)، از روی توزیع درصد در هر گروه سنی توزیع جمعیت نمونه در آن گروه سنی محاسبه گردید (جدول ۲). برای تکمیل پرسشنامه‌ها از روش تصادفی خوشه‌ای استفاده شده است. بدین صورت که از هر منطقه یک خیابان اصلی انتخاب گردید، از هر خیابان به‌طور تصادفی ساده یک کوچه انتخاب گردید. سپس با مراجعه به درب منزل در صورت وجود دختران مجرد که حاضر به مصاحبه بودند، پرسشنامه تکمیل گردید.

جدول ۲. توزیع نمونه تحقیق حسب گروه‌های سنی و مناطق ۳، ۸ و ۱۵ شهر تهران، ۱۳۹۵

منبع: پردازش از داده‌های سرشماری شهر تهران، ۱۳۹۵

مناطق	ساله ۲۴-۲۰	ساله ۲۹-۲۵	ساله ۳۴-۳۰	کل
منطقه ۳	۴۸	۴۶	۳۷	۱۳۲
منطقه ۸	۵۰	۴۵	۳۲	۱۲۷
منطقه ۱۵	۵۶	۴۰	۲۸	۱۲۳
کل	۱۵۴	۱۳۱	۹۷	۳۸۲

در این پژوهش، متغیرهای دینداری، استفاده از شبکه‌های اجتماعی، ترس از طلاق، تجربه دوستی، سن و تحصیلات متغیرهای مستقل به شمار می‌روند. متغیر وابسته نیز، نگرش به ازدواج است. جهت سنجش متغیر نگرش به ازدواج از ۹ گویه (اولویت داشتن ادامه تحصیل بر ازدواج، اولویت داشتن اشتغال بر ازدواج، داشتن زندگی مشترک دختر و پسر بدون ازدواج، ازدواج سنگ‌بنا و اساس خانواده، بهتر است فرد دیر ازدواج کند، لذت بردن از دوره مجردی به جای ازدواج، ازدواج پاسخی به نیازهای عاطفی و روحی، خوشحال‌تر بودن افراد مجرد از افراد ازدواج کرده و ترجیح دادن مجردی تا آخر عمر) استفاده شده است. این سؤالات در قالب طیف لیکرت پنج گزینه‌ای از کاملاً مخالفم با کد یک تا کاملاً موافقم با کد پنج بوده است. مطابق نتایج جدول ۳، مقدار استاندارد شده آلفای کرونباخ برای متغیر نگرش به ازدواج برابر با ۰/۸۲۷ است. هم‌چنین، جهت سنجش روایی گویه‌های متغیر نگرش به ازدواج از روش اعتبار صوری و نظرخواهی از متخصصان و هم‌چنین تحلیل عاملی استفاده شده است. با توجه به نتایج جدول ۳، گویه‌های مدنظر قابل تقلیل به یک عامل زیربنایی هستند. در نتیجه، گویه‌های مربوط به متغیر نگرش به ازدواج از میزان روایی و پایایی خوبی جهت سنجش این متغیر برخوردار هستند (جدول ۳). در نهایت ۹ گویه ذکر شده با هم جمع شده و متغیر نگرش به ازدواج که متغیری در مقیاس شبه‌فاصله‌ای است، به دست آمده است. نمره بالاتر به معنای نگرش مثبت به ازدواج و نمره پایین به معنای نگرش منفی به ازدواج است.

جهت سنجش متغیر دینداری، از ۹ گویه (شرکت در هیئت‌های مذهبی، شرکت در مجالس دعا، شرکت در جشن‌ها و اعیاد مذهبی، شرکت در نماز جماعت، خواندن نمازهای یومیه به‌طور کامل، مقید به گرفتن روزه، مقید به دادن خمس و زکات در صورتی که بر من واجب باشد، مقید به رعایت حجاب و پوشش مناسب و مقید به انجام غسل واجب) استفاده شده است. این سؤالات در قالب طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای از اصلاً با کد یک تا همیشه با کد پنج بوده است. ضریب آلفای کرونباخ برای متغیر دینداری برابر با ۰/۹۶۹ است. جهت سنجش روایی گویه‌های متغیر دینداری از روش اعتبار صوری و نظرخواهی از متخصصان و هم‌چنین تحلیل عاملی استفاده شده است. با توجه به نتایج جدول ۳، گویه‌های مدنظر قابل تقلیل به یک عامل زیربنایی هستند. در نتیجه، گویه‌های مربوط به متغیر دینداری از میزان روایی و پایایی خوبی جهت سنجش این متغیر برخوردار هستند (جدول ۳). در نهایت ۹ گویه ذکر شده با هم جمع شده و متغیر دینداری که متغیری در مقیاس شبه‌فاصله‌ای است، به دست آمده است. نمره بالاتر به معنای دینداری بیش‌تر و نمره پایین به معنای دینداری کم‌تر است.

جهت سنجش متغیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی از دختران پرسیده شده است که: چند ساعت در روز از شبکه‌های اجتماعی هم‌چون تلگرام، اینستاگرام، واتساپ، تیک‌تاک، فیس‌بوک و... استفاده می‌کنید؟ بنابراین متغیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی دارای مقیاس نسبی است.

جهت سنجش متغیر ترس از طلاق، از ۶ گویه (وقتی به ازدواج فکر می‌کنم، به یاد دوستان طلاق گرفته‌ام می‌افتم و استرس می‌گیرم، بخش زیادی از دغدغه‌های من نگرانی از این است که نتوانم ازدواج موفق داشته باشم، فکر می‌کنم برای ازدواج باید شرایط زیادی بگذارم تا از نگرانی‌هایم بابت عاقبت زندگی مشترک، خیالم راحت شود، به نظرم بیش‌تر ازدواج‌های امروزی عاقبت خوشی ندارد، امروزه به‌خاطر احتمال بالای طلاق، جوانان از خیر ازدواج می‌گذرند و بیش‌تر دوستان من مدت کوتاهی پس از ازدواج، طلاق گرفته‌اند) استفاده شده است. این سؤالات در قالب طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای از کاملاً مخالفم با کد یک تا کاملاً موافقم با کد پنج بوده است. ضریب آلفای کرونباخ برای

متغیر ترس از طلاق برابر با ۰/۷۸۶ است. جهت سنجش روایی گویه‌های متغیر ترس از طلاق از روش اعتبار صوری و نظرخواهی از متخصصان و هم‌چنین، تحلیل عاملی استفاده شده است. با توجه به نتایج جدول ۳، گویه‌های مدنظر قابل تقلیل به یک عامل زیربنایی هستند. در نتیجه، گویه‌های مربوط به متغیر ترس از طلاق از میزان روایی و پایایی خوبی جهت سنجش این متغیر برخوردار هستند (جدول ۳). در نهایت ۶ گویه ذکر شده با هم جمع شده و متغیر ترس از طلاق که متغیری در مقیاس شبه‌فاصله‌ای است، به دست آمده است. نمره بالاتر به معنای ترس از طلاق بیش‌تر و نمره پایین به معنای ترس از طلاق کم‌تر است.

جهت سنجش متغیر تجربه دوستی از دختران پرسیده شد که: آیا با جنس مخالف تجربه دوستی داشته‌اید؟ پاسخ بله با کد یک و پاسخ خیر با کد صفر مشخص شده است. بنابراین، متغیر تجربه دوستی در مقیاس اسمی دوارزشی است. جهت سنجش متغیر سن از دختران پرسیده شد که چند سال دارند؟ بنابراین متغیر سن دارای مقیاس فاصله‌ای است. متغیر تحصیلات نیز به دو صورت مورد پرسش قرار گرفته است. در مقیاس ترتیبی (زیردیپلم و دیپلم با کد یک، کاردانی با کد دو، کارشناسی با کد سه و کارشناسی‌ارشد و بالاتر با کد چهار)، و در مقیاس فاصله‌ای با پرسش از تعداد کلاس‌هایی که فرد به صورت رسمی در مدارس و دانشگاه‌ها درس خوانده است.

جدول ۳. تعداد، اعتبار و ضریب پایایی گویه‌های متغیرهای پژوهش

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۲

مقدار آلفای کرونباخ	تحلیل عاملی		تعداد گویه‌ها	نام متغیر
	آزمون بارتلت	مقدار کیزر-مایر-الکین ^۱		
۰/۸۲۷	۱۸۷۴/۵۱۲	۰/۸۵۲	۹	نگرش به ازدواج
۰/۹۶۹	۲۳۵۴/۶۲۱	۰/۹۴۳	۹	دینداری
۰/۷۸۶	۱۷۲۸/۴۳۶	۰/۷۳۹	۶	ترس از طلاق

جهت آزمون روابط دو متغیره بین متغیر وابسته تحقیق که شبه فاصله ای است (نگرش به ازدواج) و متغیرهای مستقلی که در مقیاس نسبی، فاصله ای و شبه فاصله ای هستند (دینداری، استفاده از شبکه های اجتماعی، ترس از طلاق، سن و تحصیلات) از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. هم چنین، جهت سنجش رابطه دو متغیره بین متغیر وابسته تحقیق و متغیر تجربه دوستی که در مقیاس اسمی دو ارزشی است، از آزمون T با دو نمونه مستقل استفاده شده است. جهت سنجش تحلیل چندمتغیره بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل، از آزمون رگرسیون خطی چندمتغیره و تحلیل مسیر استفاده شده است.

۴. یافته های تحقیق

توزیع نمونه تحقیق بر حسب گروه های سنی حاکی از آن است که ۱۵۴ نفر معادل ۴۰/۳ درصد در گروه سنی ۲۰-۲۴ ساله، ۱۳۱ نفر معادل ۳۴/۳ درصد در گروه سنی ۲۵-۲۹ ساله و ۹۷ نفر معادل ۲۵/۴ درصد در گروه سنی ۳۰-۳۴ ساله قرار دارند. لازم به ذکر است که تقسیم بندی نمونه آماری در گروه های سنی مختلف با توجه به نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ شهر تهران است. بنابراین، کاملاً منطبق با نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ شهر تهران است. میانگین سنی نمونه تحقیق ۲۶/۰ سال است. ۵۰ نفر معادل ۱۳/۱ درصد نمونه تحقیق دارای تحصیلات زیردیپلم و دیپلم هستند. ۷۳ نفر معادل ۱۹/۱ درصد تحصیلات کاردانی دارند. ۱۵۲ نفر معادل ۳۹/۸ درصد نمونه تحقیق تحصیلات کارشناسی دارند و ۱۰۷ نفر معادل ۲۸/۰ درصد تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر دارند. بنابراین، حدود ۶۸ درصد نمونه تحقیق دارای تحصیلات کارشناسی و کارشناسی ارشد و بالاتر هستند.

نتایج تحلیل دومتغیره متغیرهای پژوهش در جداول ۴ و ۵ آمده است. مطابق یافته های جدول ۴ رابطه آماری معناداری بین تحصیلات با نگرش به ازدواج مشاهده نشد. سایر متغیرهای تحقیق رابطه معناداری با نگرش به ازدواج دارند. این رابطه در سن و دینداری مثبت و در ترس از طلاق و استفاده از شبکه های اجتماعی منفی است؛ بدین معنا که هرچه میزان دینداری و سن پاسخگویان بالاتر

می‌رود، نگرش مثبت به ازدواج افزایش می‌یابد. از سویی دیگر هرچه ترس از طلاق و استفاده از شبکه‌های اجتماعی افزایش می‌یابد، نگرش مثبت به ازدواج کاهش می‌یابد.

جدول ۴. رابطه بین برخی متغیرهای مستقل و نگرش به ازدواج

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۲

سطح معناداری	ضریب همبستگی	برخی متغیرهای مستقل
۰/۰۱۷	۰/۱۹۲	سن
۰/۱۴۲	۰/۰۹۴	تحصیلات
۰/۰۰۲	-۰/۲۳۶	ترس از طلاق
۰/۰۰۰	۰/۳۹۷	دینداری
۰/۰۰۰	-۰/۳۴۸	استفاده از شبکه‌های اجتماعی

جدول شماره ۵، رابطه بین متغیر وابسته و متغیر مستقل تجربه دوستی را نشان می‌دهد. درخصوص رابطه بین تجربه دوستی و نگرش به ازدواج، نتایج آزمون t ($t= ۸/۹۲۱$ و $Sig=۰/۰۰۷$) گویای آن است که میانگین‌های دو گروه دخترانی که تجربه دوستی داشته و دخترانی که تجربه دوستی نداشته تفاوت معناداری با یکدیگر داشته و این دو گروه با سطح اطمینان ۹۹ درصد در میانگین نمره نگرش به ازدواج با هم تفاوت دارند. میانگین نمره نگرش به ازدواج برای دخترانی که تجربه دوستی داشته برابر با $۳۵/۶۸۸۵$ و میانگین نمره نگرش به ازدواج برای دخترانی که تجربه دوستی نداشته برابر با $۳۸/۰۶۸۳$ است. همان‌گونه که مشاهده می‌گردد، میانگین نمره نگرش به ازدواج در بین دخترانی که تجربه دوستی نداشته بیش از دخترانی است که تجربه دوستی داشته‌اند و اختلاف این میانگین برابر با $۲/۳۷۹۸۱$ است. بنابراین دخترانی که تجربه دوستی نداشته‌اند، نگرش مثبت‌تری به ازدواج دارند.

جدول ۵. آزمون T با دو نمونه مستقل بین متغیر تجربه دوستی و نگرش به ازدواج

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۲

متغیر	طبقات متغیر	میانگین نگرش به ازدواج	تفاوت میانگین	آزمون T	سطح معناداری
تجربه دوستی	بله	۳۵/۶۸۸۵	۲/۳۷۹۸۱	۸/۹۲۱	۰/۰۰۷
	خیر	۳۸/۰۶۸۳			

برای بررسی تأثیر همزمان تمامی متغیرهای تحقیق بر نگرش به ازدواج از تکنیک رگرسیون خطی چندمتغیره استفاده شده است. جهت فهم دقیق‌تر، این تحلیل در قالب دو مدل آورده شده است. در مدل اول متغیرهای زمینه‌ای شامل سن و تحصیلات وارد معادله گردیده است. در مدل دوم علاوه بر متغیرهای زمینه‌ای، چهار متغیر ترس از طلاق، تجربه دوستی، استفاده از شبکه‌های اجتماعی و دینداری وارد مدل شده و تأثیر همزمان تمامی متغیرها بر روی متغیر وابسته آزمون شده است. لازم به ذکر است پیش‌فرض‌های رگرسیون مانند آماره دوربین واتسون و آماره تورم واریانس (VIF) محاسبه گردید. بررسی استقلال خطاها با استفاده از آزمون دوربین-واتسون صورت گرفت. مقدار این آماره برای مدل برابر با ۲/۰۹ بود. همچنین آماره تورم واریانس (VIF) انجام شد و عدد به دست آمده کم‌تر از ۲ بود، که نشان می‌دهد میزان هم‌خطی بین متغیرهای مستقل نگران‌کننده نیست. بنابراین شرایط استفاده از رگرسیون خطی چندمتغیره جهت تحلیل و آزمون چندمتغیره فراهم شده است.

در مدل اول متغیرهای سن و تحصیلات وارد معادله گردیده است. متغیر سن رابطه معناداری با نگرش به ازدواج دارد. مقدار بتای به دست آمده برای این متغیر مثبت است؛ این بدین معناست که با افزایش سن دختران، نگرش مثبت آنان به ازدواج افزایش می‌یابد. رابطه آماری معناداری بین تحصیلات با نگرش به ازدواج مشاهده نشد. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۰۵۲ است و نشان دهنده این است که متغیر سن توانسته است ۵/۲ درصد تغییرات متغیر وابسته (نگرش به ازدواج) را تبیین کند (جدول ۶).

در مدل دوم علاوه بر متغیرهای زمینه‌ای، چهار متغیر ترس از طلاق، تجربه دوستی، استفاده از شبکه‌های اجتماعی و دینداری وارد مدل شده و تأثیر همزمان تمامی متغیرها بر روی متغیر وابسته آزمون شده است. نتایج حاکی از آن است که به جز متغیر تحصیلات، سایر متغیرهای پژوهش رابطه آماری معناداری با نگرش به ازدواج دارند. این رابطه در سن و دینداری مثبت و در ترس از طلاق، تجربه دوستی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی منفی است؛ بدین معنا که هرچه میزان دینداری و سن پاسخگویان بالاتر می‌رود، نگرش مثبت به ازدواج افزایش می‌یابد. از سویی دیگر هرچه ترس از طلاق، داشتن تجربه دوستی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی افزایش می‌یابد، نگرش مثبت به ازدواج کاهش می‌یابد (جدول ۶).

جدول ۶. تحلیل چندمتغیره متغیرهای پژوهش با نگرش به ازدواج با استفاده از رگرسیون خطی چندمتغیره

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۲

مدل ۲			مدل ۱			متغیرهای مستقل
sig	T	Beta	sig	T	Beta	
۰/۰۱۴	۲/۴۷۴	۰/۱۹۶	۰/۰۱۶	۲/۴۷۱	۰/۲۰۴	سن
۰/۱۸۲	۱/۳۳۸	۰/۰۸۱	۰/۱۲۸	۱/۵۷۳	۰/۰۹۶	تحصیلات
۰/۰۰۵	-۲/۸۶۴	-۰/۲۴۵				ترس از طلاق
۰/۰۰۲	-۳/۴۷۶	-۰/۲۸۴				تجربه دوستی (بله=۱، خیر=۰)
۰/۰۰۰	-۴/۷۵۹	-۰/۳۷۹				استفاده از شبکه‌های اجتماعی
۰/۰۰۰	۶/۹۸۷	۰/۴۹۸				دینداری
	Enter			Enter		Method
	۰/۶۴۸			۰/۲۳۱		R
	۰/۳۴۹			۰/۰۵۲		Adjusted R Square
	۲۱/۷۳۹			۶/۷۶۸		F
	۰/۰۰۰			۰/۰۰۱		Sig

مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر با $0/349$ است و نشان دهنده این است که متغیرهای تحقیق توانسته‌اند حدود ۳۵ درصد تغییرات متغیر وابسته (نگرش به ازدواج) را تبیین کنند. همان گونه که مشاهده می‌شود مقدار ضریب تعیین تعدیل شده با ورود این چهار متغیر حدود ۳۰ درصد افزایش یافته (از $5/2$ درصد به $34/9$ درصد) است که این امر حاکی از اهمیت چهار متغیر ترس از طلاق، تجربه دوستی، استفاده از شبکه‌های اجتماعی و دینداری است. متغیر دینداری با ضریب $0/498$ ، متغیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی با ضریب $0/379$ ، متغیر تجربه دوستی با ضریب $0/284$ ، متغیر ترس از طلاق با ضریب $0/245$ و متغیر سن با ضریب $0/196$ ، به ترتیب، قوی ترین پیش‌بینی کننده‌های نگرش به ازدواج هستند (جدول ۶).

با توجه به مدل نظری تحقیق و به منظور بررسی اثر متغیرهای مستقل مطالعه بر ترس از طلاق، متغیرهای تجربه دوستی، استفاده از شبکه‌های اجتماعی و دینداری، هم‌زمان وارد مدل رگرسیونی خطی چندمتغیره شدند. مطابق با نتایج جدول ۷ متغیرهای تجربه دوستی با ضریب رگرسیونی استاندارد ($0/247$)، استفاده از شبکه‌های اجتماعی با ضریب ($0/365$) و دینداری با ضریب ($0/317$) با متغیر ترس از طلاق ارتباط معنادار نشان دادند. مطابق با نتایج، دخترانی که تجربه دوستی داشته‌اند، ترس از طلاق بیش‌تری دارند. هرچه استفاده از شبکه‌های اجتماعی افزایش یابد، ترس از طلاق نیز افزایش می‌یابد و هرچه دینداری بیش‌تر باشد، ترس از طلاق کاهش می‌یابد. متغیرهای تحقیق توانسته‌اند حدود ۳۱ درصد تغییرات ترس از طلاق دختران را تبیین کنند. متغیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی با ضریب $0/365$ ، متغیر دینداری با ضریب $0/317$ و متغیر تجربه دوستی با ضریب $0/247$ به ترتیب قوی ترین پیش‌بینی کننده‌های ترس از طلاق هستند (جدول ۷).

جدول ۷. تحلیل چندمتغیره متغیرهای پژوهش با ترس از طلاق با استفاده از رگرسیون خطی چندمتغیره

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۲

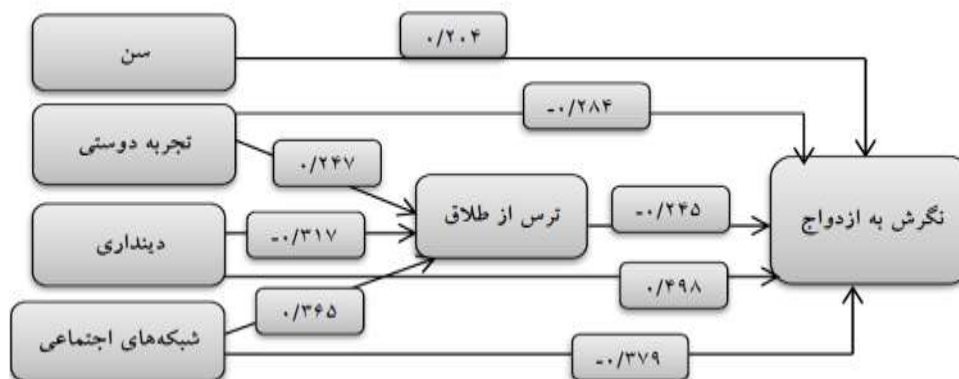
متغیرهای مستقل	B	Beta	T	sig
تجربه دوستی (بله=۱، خیر=۰)		۰/۲۴۷	۲/۴۱۸	۰/۰۳۲
استفاده از شبکه‌های اجتماعی		۰/۳۶۵	۵/۲۳۴	۰/۰۰۱
دینداری		-۰/۳۱۷	-۳/۱۶۵	۰/۰۰۲
Method	Enter			
R	۰/۶۱۴			
Adjusted R Square	۰/۳۰۹			
F	۱۸/۷۲۸			
sig	۰/۰۰۰			

جدول ۸. جمع اثرات متغیرهای مستقل پژوهش بر نگرش به ازدواج

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۲

متغیر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	کل اثر
سن	۰/۲۰۴	-	۰/۲۰۴
تجربه دوستی	-۰/۲۸۴	تجربه دوستی ← ترس از طلاق (۰/۲۴۷) ترس از طلاق ← نگرش به ازدواج (-۰/۲۴۵) کل اثر غیرمستقیم: (-۰/۲۴۵) × (۰/۲۴۷) = (-۰/۰۶۱)	-۰/۳۴۵
شبکه‌های اجتماعی	-۰/۳۷۹	شبکه‌های اجتماعی ← ترس از طلاق (۰/۳۶۵) ترس از طلاق ← نگرش به ازدواج (-۰/۲۴۵) کل اثر غیرمستقیم: (-۰/۲۴۵) × (۰/۳۶۵) = (-۰/۰۸۹)	-۰/۴۶۸
دینداری	۰/۴۹۸	دینداری ← ترس از طلاق (-۰/۳۱۷) ترس از طلاق ← نگرش به ازدواج (-۰/۲۴۵) کل اثر غیرمستقیم: (-۰/۲۴۵) × (-۰/۳۱۷) = (۰/۰۷۸)	۰/۵۷۶
ترس از طلاق	-۰/۲۴۵	-	-۰/۲۴۵

جدول ۸ مجموع اثرات متغیرهای مستقل معنادار را در مدل تحلیل مسیر پژوهش نشان می‌دهد. مطابق یافته‌ها، متغیرهای ترس از طلاق، تجربه دوستی، استفاده از شبکه‌های اجتماعی، دینداری و سن بر نگرش دختران به ازدواج اثرگذار بودند. نکته قابل توجه، اثرگذاری تجربه دوستی، استفاده از شبکه‌های اجتماعی و دینداری بر ترس از طلاق و واسطه بودن ترس از طلاق برای اثرگذاری این سه متغیر بر نگرش به ازدواج دختران مورد مطالعه است. این مورد در نمودار ۲ نیز به صورت دیاگرام مسیر نشان داده شده است.



شکل ۲. مدل تجربی تحقیق و ارتباط بین متغیرهای تحقیق

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۲

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

کاهش نگرش مثبت به ازدواج در میان نسل جدید، یکی از نگرانی‌های صاحب‌نظران و سیاست‌گذاران حوزه فرهنگ و خانواده است. این مسئله می‌تواند حاصل مسائل و مشکلات گوناگونی باشد. در تحقیق حاضر، رابطه میان متغیرهای: استفاده از شبکه‌های اجتماعی، ترس از طلاق، تجربه دوستی (با جنس مخالف) و دینداری با متغیر نگرش به ازدواج مورد بررسی قرار گرفت.

براساس یافته‌ها، میانگین نمره نگرش به ازدواج در بین دخترانی که تجربه دوستی نداشته‌اند، بیش از دخترانی است که تجربه دوستی داشته‌اند. به عبارت دیگر، دخترانی که تجربه دوستی نداشته‌اند، نگرش مثبت‌تری به ازدواج دارند. این یافته همسو با یافته خلیج‌آبادی‌فراهانی و شجاعی (۱۳۹۲) و گاقان (۲۰۰۲) است. گرچه برخی تحقیقات نیز بیش‌تر بر اثرات منفی تجربه جنسی بر افزایش سن ازدواج تأکید کرده‌اند (خلیج‌آبادی‌فراهانی و همکاران، ۱۳۹۲). به نظر می‌رسد دخترانی که ترجیح می‌دهند سال‌های اولیه جوانی را به جای ازدواج و تشکیل خانواده، با دوستی‌ها و تجارب متنوع پر کنند درواقع، نیازهای خود را کم و بیش از طرق دیگر و البته پرخطرتری پاسخ می‌دهند و لذا ممکن است ضرورت در پیش گرفتن ازدواج رسمی یا فوریت آن را کم‌تر احساس کنند. هم‌چنین، جوانانی که ملاک‌های خاصی برای ازدواج دارند، هم‌چون رابطه طولانی قبل از ازدواج به بهانه شناخت، و یا ضرورت تجربه عشق قبل از ازدواج، بیش‌تر به سوی دوستی می‌روند و ازدواج را به تأخیر می‌اندازند و البته سخت‌گیری بیش‌تری برای انتخاب همسر به خرج خواهند داد.

یکی دیگر از یافته‌ها، وجود رابطه مثبت معنادار میان دینداری با نگرش به ازدواج بود. این یافته همسو با یافته‌های (رشوندسرخکوله ۱۳۹۷؛ سرایی و اجاقلو ۱۳۹۲) است. خلیج‌آبادی‌فراهانی (۱۴۰۰) نیز پابیندگی مذهبی را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های ازدواج برای جوانان گزارش کرده است. آموزه‌های دینی، با سوق دادن جوانان به سوی ازدواج به موقع، و تأمین نیازهای عاطفی و جنسی صرفاً در چارچوب ازدواج، و اعلام ممنوعیت روابط عاطفی یا جنسی افراد در خارج از چارچوب شرع و حتی با تشویق و تحسین افراد متأهل، انگیزه‌بخش جوانان جهت ازدواج است. درحالی‌که در نقطه مقابل، و همان‌گونه که این تحقیق نیز نشان داد، استفاده از شبکه‌های اجتماعی، نگرش مثبت به ازدواج را کاهش می‌دهد؛ چراکه زندگی با سبک مدرن، روابط آزاد، تنوع پارتnerها و رابطه بدون تعهد را در میان جوانان اشاعه می‌دهد. شهانواز و همکاران (۱۳۹۹) نیز تأثیر رسانه‌های

جمعی و شبکه‌های اجتماعی را بر تغییر نگرش و مجرد جوانان مورد تأکید قرار دادند. سرایی و اجاقلو (۱۳۹۲) نیز دریافته‌اند که تجربه جهانی شدن، رابطه معکوس و منفی با ارزش ازدواج دارد. یکی دیگر از یافته‌ها، وجود رابطه منفی میان ترس از طلاق و نگرش به ازدواج بود؛ بدین معنا که هرچه ترس از طلاق افزایش یابد، نگرش مثبت به ازدواج کاهش می‌یابد. در تبیین این یافته می‌توان گفت ازدواج یک تصمیم مهم برای هر جوانی است و انسان به عنوان یک موجود عاقل که محاسبه هزینه-فایده می‌کند، زمانی که دل‌نگرانی زیادی درمورد پایداری زندگی مشترک داشته باشد، هزینه‌های عاطفی-روانی، سرمایه مادی و همین‌طور، زمان و عمر خود را صرف آن نمی‌کند یا حداقل دچار تردید شده، این تصمیم را به تأخیر خواهد انداخت. برعکس، دلگرمی، امید و اطمینان‌خاطر، این شرایط را تأمین می‌کند که جوان مسیری را که درست می‌داند، بدون تزلزل فکری و نگرانی پیگیری کند.

در بخش دیگری از تحقیق، زمانی که متغیرهای زمینه‌ای شامل سن و تحصیلات وارد معادله شد، رابطه آماری معناداری بین تحصیلات با نگرش به ازدواج مشاهده نشد؛ یافته‌ای که همسو با یافته سیاح و همکاران (۱۳۹۷) و کیان‌پور و همکاران (۱۴۰۲) بود، اما متغیر سن رابطه معناداری با نگرش به ازدواج دارد؛ بدین معنا که با افزایش سن دختران، نگرش مثبت آنان به ازدواج افزایش می‌یابد. به نظر می‌رسد که اوایل دوره جوانی، فرصت محدودی است که دخترها همزمان برای ادامه تحصیل، رشد شخصی، ازدواج و حتی ورود به دنیای کار در اختیار دارند. تحت تأثیر مدرنیته و افزایش فردگرایی و تمایل به برابری در میان دخترهای نسل جدید، بخش قابل توجهی از دخترها ممکن است در رقابت این موارد، ادامه تحصیل و رشد شخصی و استقلال اقتصادی را در اولویت قرار دهند، و البته با افزایش سن و پس از دستیابی نسبی به خواسته‌های پیش گفته و از طرفی با سپری شدن سن تنوع‌طلبی و هیجان‌خواهی و ورود به شرایط فکری پخته‌تر بعدی و تمایل به سامان‌یابی زندگی، بیش‌تر به فکر ازدواج بیفتند. از سوی دیگر، ممکن است پس از تجربه دوستی‌های متعدد که به دلیل ناپایداری، ناکامی‌های متعدد و آسیب‌های روحی روانی را نیز در پی دارد، ترجیح دهند

که وارد مسیر ازدواج شوند و روابط پایدارتری را برای ادامه زندگی و یافتن ثبات در زندگی شکل دهند.

از سوی دیگر نتایج تحلیل مسیر بیانگر نقش میانجی و واسطه‌ای ترس از طلاق در ارتباط با تأثیرگذاری متغیرهای استفاده از شبکه‌های اجتماعی، دینداری و تجربه دوستی بر نگرش دختران به ازدواج بود. دخترانی که تجربه دوستی داشته‌اند، ترس از طلاق بیش‌تری دارند. هرچه استفاده از شبکه‌های اجتماعی افزایش یابد، ترس از طلاق نیز افزایش می‌یابد و هرچه دینداری بیش‌تر باشد، ترس از طلاق کاهش می‌یابد. در تبیین این یافته، می‌توان به این نکته اشاره کرد که استفاده از شبکه‌های مجازی، مشوق رابطه دوستی است و رابطه دوستی به‌ویژه دوستی‌های متعدد و روابط پیشرفته، ولی موقتی که با ناپایداری‌ها و شکنندگی‌های زیادی مواجه است، با ایجاد بدبینی و بی‌اعتمادی به جنس مخالف (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۰) و پیش‌بینی مشکلات پس از ازدواج، ترس از طلاق را افزایش می‌دهد و دینداری، از سویی با سامان دادن به روابط با جنس مخالف در دوران مجردی و تأمین سلامت معنوی، اخلاقی و جنسی و از سوی دیگر، با پایه‌ریزی روابط سالم و داخل چارچوب در میان زوجین از سوی دیگر، اطمینان و آرامش را در میان زوجین حاکم می‌کند و نگرانی و ترس از طلاق را کاهش می‌دهد و از این رهگذر، نگرش و تمایل به ازدواج را تقویت می‌کند.

با توجه به یافته‌ها، آموزش‌های لازم جهت مدیریت مصرف رسانه و تقویت سواد رسانه‌ای در بین کودکان، نوجوانان و جوانان (در مدرسه و دانشگاه)؛ و نیز تقویت دینداری از اوان دوران کودکی (در دامان خانواده) و سپس اهتمام به آن توسط نهادهای رسمی و غیررسمی هم‌چون: مهدهای کودک، مدارس، رسانه‌ها و حتی دانشگاه‌ها توصیه می‌شود.

۶. تعارض منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تعارض منفعی با شخص یا سازمانی ندارند.

کتابنامه

۱. آزادارمکی، م.ت؛ و ملکی، ا. (۱۳۸۶). تحلیل ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان. *نامه علوم اجتماعی*، ۳۰ (۱۶۷۷)، ۹۷-۱۲۲.
۲. آقامحمدیان‌شعرباف، ح.ر؛ و نیمروزی، ف. (۱۳۸۵). بررسی مقایسه‌ای رضایتمندی زندگی زناشویی در دانشجویان با و بدون روابط غیررسمی قبل از ازدواج. *دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران*. دانشگاه شهید بهشتی، اردیبهشت ۱۳۸۵.
۳. احمدی، ا؛ و جهانگرد، ا. (۱۳۹۹). رتبه‌بندی محلات شهر تهران از نظر سطح برخورداری و کیفیت زندگی با استفاده از Fuzzy TOPSIS/ اقتصاد شهری، ۵ (۱)، ۱۲۷-۱۴۸.
۴. امامی، ع؛ عسکری‌ندوشن، ع؛ ترکشوند مرادآبادی، م؛ و ترابی، ف. (۱۴۰۰). تأخیر ازدواج در ایران؛ تحلیل تفاوت‌های شهرستانی در الگوهای مجرد مردان و زنان. *مطالعات جمعیتی*، ۱۷ (۱)، ۳۵-۶۵.
۵. انتظاری، ا؛ غیاثوند، ا؛ و عباسی، ف. (۱۳۹۷). عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج جوانان در شهر تهران. *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*. ۱۰ (۳۴)، ۲۰۱-۲۶۹.
۶. اینگلهارت، ر. (۱۳۸۲). *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*. (وتر، م، مترجم). چاپ دوم، تهران: انتشارات کویر.
۷. تاج‌بخش، غ.ر؛ و محمدی، ح. (۱۳۹۹). واکاوی دلایل گرایش جوانان به زندگی مجردی و روی‌گردانی از ازدواج. *جمعیت*، ۲۷ (۱۱۱)، ۱۱۳-۱۳۳.
۸. خلیج‌آبادی‌فراهانی، ف. (۱۳۹۱). تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر احتمال طلاق در بین افراد تحصیل‌کرده دانشگاهی. *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۵ (۵۸)، ۴۹-۹۲.
۹. خلیج‌آبادی‌فراهانی، ف؛ کاظمی‌پور، ش؛ و رحیمی، ع. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر سن ازدواج و تمایل به ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران. *خانواده پژوهی*، ۹ (۳)، ۲۸-۷.

۱۰. خلیج‌آبادی‌فراهانی، ف؛ و شجاعی، ج. (۱۳۹۲). بررسی نگرش دانشجویان دانشگاه‌های تهران نسبت به تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر رضایت زناشویی. *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۶ (۶۱)، ۱۴۹-۱۸۸.
۱۱. خلیج‌آبادی‌فراهانی، ف. (۱۴۰۰). اهمیت ازدواج و تعیین‌کننده‌های آن با تأکید بر نقش نگرش و تجربه جنسی قبل از ازدواج در دختران دانشجو در تهران. *مطالعات جمعیتی*، ۱۷ (۱)، ۳-۳۴.
۱۲. ذوالفقاری، ش. (۱۳۹۲). *فراتحلیلی بر پژوهش‌های انجام شده در زمینه عوامل مؤثر بر طلاق*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۳. رجبی، م؛ و البرزی، ص. (۱۳۹۶). نگاهی جامعه‌شناختی به رابطه تماشای ماهواره و دوستی با جنس مخالف. *مشارکت و توسعه اجتماعی*، ۲ (۴)، ۱-۱۵.
۱۴. رحیمی، ع؛ کاظمی‌پور، ش؛ و رازقی‌نصرآباد، ح. (۱۳۹۴). تحلیل گذار مجرد زنان و مردان در ایران طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰. *مطالعات اجتماعی ایران*، ۹ (۳)، ۸۰-۱۰۹.
۱۵. رشوند، م. (۱۳۹۷). *متمایزکننده‌های وضعیت ازدواج در میان زنان شهر تهران*. پایان‌نامه دکتری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
۱۶. زینتی، ع. (۱۳۸۲). اسلام و رابطه دختر و پسر. *مطالعات راهبردی زنان*، ۷ (۲۴)، ۸۵-۱۲۳.
۱۷. سرایی، ح؛ و اجاقلو، س. (۱۳۹۲). مطالعه نسلی تغییر ارزش ازدواج در ایران، مطالعه موردی زنان شهر زنجان. *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۵ (۴)، ۱۹-۴۱.
۱۸. سیاح، س؛ کوچک انتار، ر؛ و حسنی، ف. (۱۳۹۷). بررسی مقایسه‌ای سطح تحصیلات و نگرش به ازدواج در بین جوانان دختر و پسر شهر تهران. *رویش روانشناسی*، ۷ (۳)، ۲۷-۳۶.
۱۹. شهنواز، س؛ منصوره‌اعظم، آ؛ و قاضی‌نژاد، م. (۱۳۹۹). احتمال وقوع و تحلیل حساسیت پیشران‌های مجرد در ایران. *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۱۸ (۴۶)، ۱۹۵-۲۲۰.
۲۰. عسگری‌ندوشن، ع؛ فتوحی‌تفتی، ف؛ و علی‌مندگاری، م. (۱۳۹۷). تفاوت‌های اقتصادی، اجتماعی مرتبط با سن ازدواج زنان در ایران: مطالعه تطبیقی دختران جوان در آستانه ازدواج و زنان همسر دار ۴۹-۱۵ ساله. *فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده*، ۲۰ (۷۹)، ۱۷۱-۲۱۰.

۲۱. عظیمی هاشمی، م؛ اعظم کاری، ف؛ بی گناه، م؛ و رضامنش، ف. (۱۳۹۴). ارزش ها، نگرش ها و الگوهای کنش جوانان در همسرگزینی و روابط پیش از ازدواج. *راهبرد فرهنگ*، ۱ (۹)، ۱۷۹-۲۱۲.
۲۲. علی تبار، س.ه؛ قنبری، س؛ زاده محمدی، ع؛ و حبیبی، م. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین روابط جنسی پیش از ازدواج با نگرش به روابط فرازنشویی. *خانواده پژوهی*، ۲ (۱۰)، ۲۵۵-۲۶۷.
۲۳. غفاری، د؛ صیدی، م.س؛ و رضایی، خ. (۱۳۹۶). تأثیر ماهواره در بی ثباتی ازدواج؛ نقش واسطه ای دینداری و نگرش مثبت نسبت به رابطه با جنس مخالف. *پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده*، ۵ (۱)، ۹-۲۱.
۲۴. غیاثوند، ا. (۱۴۰۲). انگاره ازدواج در بین جوانان ایرانی؛ سنخ ها و چالش ها. *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۲۲ (۶۲)، ۴۷۹-۵۰۶.
۲۵. قادرزاده، ا؛ محمدی، ف؛ و محمدی، ح. (۱۳۹۶). جوانان و روابط پیش از ازدواج؛ مطالعه کیفی زمینه ها، تعاملات و پیامدهای آن. *راهبرد فرهنگ*، ۱۰ (۳۸)، ۶-۴۰.
۲۶. قنبری برزین، ع؛ سلمانوندی، ش؛ و فاطمی، ن.س. (۱۳۹۷). تأملی بر تأثیر روابط جنسی پیش از ازدواج بر گرایش به ازدواج مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه اصفهان. *پژوهشهای راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، ۷ (۳)، ۳۳-۵۴.
۲۷. کلانتری، ع.ح؛ روشنفکر، پ؛ و جواهری، ج. (۱۳۹۰). مرور سه دهه تحقیقات علل طلاق در ایران. *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۴ (۵۳)، ۱۲۹-۱۶۲.
۲۸. کیان پور، س؛ فرهنگ، ا.ع؛ و حاجیان، م. (۱۴۰۲). عوامل مرتبط با گرایش جوانان به تجرد (مورد مطالعه: استان همدان). *پژوهش انحرافات و مسائل اجتماعی*، ۳ (۷)، ۱۳۵-۱۶۸.
۲۹. گیدنز، آ. (۱۳۸۶). *چشم اندازهای جهانی*. (جلانی پور. م. ر، مترجم). تهران: طرح نو.
۳۰. مبارکی، ا؛ و شرفی، م. (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین استفاده از ماهواره، اینترنت و شبکه های اجتماعی مجازی و نگرش به دوستی با جنس مخالف قبل از ازدواج (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه های شهر اراک). *مطالعات رسانه های نوین*، ۵ (۱۸)، ۱۳۱-۱۶۶.

۳۱. مرادی، گ؛ و صفاریان، م. (۱۳۹۱). عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با افزایش سن ازدواج جوانان (مطالعه موردی شهر کرمانشاه). *مطالعات جامعه‌شناسی جوانان*، ۳(۷)، ۸۱-۱۰۸.
۳۲. مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). *نتایج تفصیلی سرشماری کشور در ۱۳۹۵*. [منبع الکترونیکی] <http://amar.sci.org.ir>
۳۳. معمار، ث؛ و یزدخواستی، ب. (۱۳۹۴). تجارب زیسته دختران شاغل ۳۰ تا ۴۹ سال از مجرد. *مسائل اجتماعی ایران*، ۶(۲)، ۱۴۹-۱۷۲.
۳۴. نژادابراهیم، ا؛ سعیدی‌فرد، ط؛ وحیدنیا، ن؛ و احمدی، خ. (۱۳۹۵). نقش روابط پیش از ازدواج در خیانت زناشویی. *سلامت اجتماعی*، ۳(۴)، ۲۲۶-۲۹۹.

35. Fisher, H. E. (2014). The tyranny of love: Love addiction—an anthropologist's view. *Behavioral Addictions*, 12(74), 237- 265.
36. Gaughan, M. (2002). The substitution hypothesis: The impact of premarital liaisons and human capital on marital timing. *Journal of Marriage and Family*, 64(2), 407-419.
37. Hamplova, D. (2003). Marriage and Educational Attainment: A Dynamic Approach to First Union Formation. *Institute of Sociological Review*, 39(6), 841- 863.
38. Hossain, M. Y., & Islam, R. (2013). Effects of Socio-Economic and Demographic Variables on Age at First Marriage in Bangladesh. *Current Research Journal of Biological Sciences*, 5(4), 149-152.
39. Lesthaeghe, R., & van de kaa. D.J. (1986). Twee demografische transitities? (Two demographic transitions?). *Bevolking - Groei en krimp, Mens en Maatschappij, Van Loghum Slaterus, Deventer: Van Loghum Slaterus*, pp: 9-24.
40. Lesthaeghe, R., & Surkyn, J. (1988). "Cultural Dynamics and Economic Theories of Fertility Change". *Population and Development Review*, 14(1), 1-45.
41. Statistical Center of Iran. (2021). *Report of the Statistics Center of Iran*. <https://www.amar.org.ir> (In Persian)
42. Van de Kaa, D.J. (2001). "Postmodern Fertility Preferences: From Changing Value Orientation to New Behavior". *Population and Development Review*, 27(Supp.): 290-331.

Analysis of Indicators of a Child-Friendly City with Emphasis on Educational Spaces (Case Study: Secondary High Schools in Islamabad Gharb City)

Jamal Najafi¹

Director of the Student Research Center, Education Department of Islam Abad Gharb County,
Islam Abad Gharb, Iran

Safiyeh Damanbagh

Postdoctoral Researcher in Geography and Urban Planning, Shahid Chamran University of
Ahvaz, Islam Abad Gharb, Iran

Mahnaz Hoseini Siahgoli

Postdoctoral Researcher in Geography and Urban Planning, Faculty of Literature and
Humanities, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Received: 9 April 2025 Revised: 9 September 2025 Accepted: 16 September 2025

Abstract

The aim of the present study is to explore the indicators of a child-friendly city with an emphasis on educational spaces in secondary high schools of Islamabad Gharb using the structural equation modeling (SEM) method. The statistical population consisted of 4588 female and male students from 27 secondary schools in Islamabad Gharb of whom a sample of $n=300$ students was selected using the Cochran formula. The research instrument was a researcher-made questionnaire with confirmed content (face) and construct validity and acceptable composite reliability. The data were analyzed using correlation analysis and SEM methods with SPSS and Smart PLS software. SEM reveals a strong and meaningful relationship between the indicators of a school-friendly city, so that the data fit well with the conceptual model of the research and the model fit is acceptable. This confirms the validity and reliability of the results. In this regard, "educational environment" indicator with a score of 159.17 has the strongest relationship with the school-friendly city in the secondary high schools of Islamabad Gharb followed

1. Corresponding Author. Email: jamal.najafi@gmail.com



©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license:

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

How to cite this article: Najafi, J., Damanbagh, S. and Hoseini Siahgoli, M. (2025). Analysis of Indicators of a Child-Friendly City with Emphasis on Educational Spaces (Case Study: Secondary High Schools in Islamabad Gharb City). Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences, 22(3), 99 -132. Doi: 10.22067/social.2025.92970.1627

by “physical environment” (a score of 515.15), “social environment” (a score of 837.12), and “psychological environment” (a score of 952.8). It demonstrates the impact of these indices on the school-friendly city in the secondary high schools of Islamabad Gharb. In general, the results suggest that educational and psychological environments wield the highest and the lowest impact, respectively.

Keywords: Child-Friendly City, Educational Spaces, Child-Friendly School, SmartPls, Islamabad Gharb City.

تحلیلی بر شاخص‌های شهر دوستدار کودک با تأکید بر فضاهای آموزشی (مطالعه موردی: دبیرستان‌های متوسطه دوم شهر اسلام آباد غرب)

جمال نجفی (مدیر پژوهش‌سرای دانش‌آموزی، مرکز آموزش و پرورش شهرستان اسلام آبادغرب، اسلام‌آبادغرب، ایران،
نویسنده مسئول)

jamal.najafi@gmail.com

صفیه دامن‌باغ (پژوهشگر پسادکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اسلام‌آبادغرب، ایران)
safiye_damanbagh@yahoo.com

مهناز حسینی‌سیاه‌گلی (پژوهشگر پسادکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید
چمران اهواز، اهواز، ایران)

m.hoseini6768@gmail.com

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی شاخص‌های شهر دوستدار کودک با تأکید بر فضاهای آموزشی در دبیرستان‌های متوسطه دوم شهر اسلام‌آباد غرب با استفاده از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) است. پژوهش حاضر با جامعه آماری حدود ۴۵۸۸ نفر از دانش‌آموزان دختر و پسر از ۲۷ دبیرستان متوسطه دوم شهر اسلام‌آباد غرب نمونه‌ای ۳۰۰ نفری را با استفاده از فرمول کوکران انتخاب و بررسی کرده است. ابزار پژوهش، پرسشنامه‌ای محقق‌ساخته با روایی محتوایی (صوری) و سازه‌ای تأییدشده و پایایی ترکیبی قابل قبول بود. داده‌ها با روش‌های تحلیل همبستگی و الگویابی معادلات ساختاری توسط نرم‌افزارهای SPSS و Smart PLS تحلیل شدند. مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان می‌دهد که بین شاخص‌های شهر دوستدار کودک، رابطه‌ای قوی و معنادار وجود دارد، به‌طوری که داده‌ها به‌خوبی با مدل مفهومی پژوهش منطبق هستند و مدل از برازندگی لازم برخوردار است. این امر، اعتبار و پایایی نتایج را تأیید می‌کند. در این میان، شاخص «محیط آموزشی» با امتیاز ۱۷/۱۵۹، قوی‌ترین رابطه را با شاخص شهر دوستدار کودک در دبیرستان‌های متوسطه دوم اسلام‌آباد غرب دارد. پس از آن، شاخص‌های «محیط کالبدی» با امتیاز ۱۵/۵۱۵، «محیط اجتماعی»

نشریه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، سال بیست و دوم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴، شماره پیاپی ۵۳، صص ۹۹-۱۳۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۶/۱۹ تاریخ تصویب: ۱۴۰۴/۰۶/۲۶

با امتیاز ۱۲/۸۳۷ و «محیط روان‌شناختی» با امتیاز ۸/۹۵۲ قرار دارند که نشان‌دهنده تأثیر این شاخص‌ها بر مدارس دوستدار کودک در دبیرستان‌های متوسطه دوم اسلام‌آباد غرب است. به‌طور کلی نتایج نشان داد که محیط آموزشی دارای بیشترین تأثیر بوده و محیط روان‌شناختی کمترین تأثیر را داشته است.

واژگان کلیدی: شهر دوستدار کودک، فضاهای آموزشی، مدرسه دوستدار کودک، SmartPls، شهر اسلام‌آباد غرب.

۱. مقدمه

کودکان و نوجوانان به‌عنوان گروه‌های اجتماعی منحصربه‌فرد به‌عنوان سازندگان نسل‌های بعدی محسوب می‌گردند (کرنز^۱ و همکاران، ۲۰۱۴: ۱۹) و فضاهای شهری به‌ویژه فضاهای آموزشی (مدارس) نقش ویژه‌ای در اجتماعی شدن، بالفعل کردن استعدادها و برآورده ساختن نیازهای اجتماعی و فردی آنان ایفا می‌کنند (رمضانی و خادم، ۱۴۰۳: ۱۳). بنابراین، طراحی صحیح فضاهای شهری (فضاهای آموزشی) متناسب با زندگی کودکان و نوجوانان در سوق دادن جامعه انسانی به سمت جامعه‌ای سالم و مطلوب از اهمیت زیادی برخوردار است (شهمیری و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۱۴). درواقع کودکان و نوجوانان به‌عنوان شهروندان جامعه حقوقی دارند ولی متأسفانه در طراحی و برنامه‌ریزی بسیاری از امور مربوط به خود نادیده گرفته شده‌اند (بختیار^۲ و همکاران، ۲۰۲۴: ۱۷۱). در این زمینه مفاهیمی همانند شهر دوستدار کودک مطرح شده است که در آن نیازها، حقوق و رفاه کودکان و نوجوانان در اولویت قرار دارد (برون^۳ و همکاران، ۲۰۱۹: ۲؛ میرمحمدصادقی و نوری، ۱۴۰۲: ۸) و با توجه به اینکه تعداد بیشتری از کودکان و نوجوانان در مناطق شهری زندگی می‌کنند، توجه فزاینده‌ای به شهرهای دوستدار کودک و پتانسیل آن‌ها برای تغییر تصمیم‌گیری دولت محلی

1. Cairns

2. Bakhtiar

3. Brown

به‌منظور فراگیرتر شدن نیازها و علایق کودکان معطوف شده است (پاول^۱ و همکاران، ۲۰۲۴: ۷۱۹). از طرفی یکی از بخش‌ها و معیارهای مهم شهر دوستدار کودک دسترسی کودکان و نوجوانان به خدمات ضروری مانند آموزش است (جانسون^۲ و همکاران، ۲۰۲۲: ۴۶). در این میان فضاهای آموزشی به‌ویژه مدارس و دبیرستان‌ها نقش مهمی در رشد و شکوفایی کودکان و نوجوانان دارند. مدارس به‌عنوان اصلی‌ترین مراکز آموزشی، مسئولیت انتقال دانش و مهارت‌های لازم برای زندگی در جامعه را بر عهده دارند (میرشکاری، ۱۴۰۱: ۱۷۱). در راستای دستیابی به این اهداف مفهوم مدرسه دوستدار کودک شکل گرفته است (اسکندر^۳ و همکاران، ۲۰۲۴: ۱۷). تحقیقات در زمینه مدارس دوستدار کودک، به‌طور فزاینده‌ای در حال گسترش است و این حوزه، به دلیل اهمیت توجه به نیازهای کودکان و نوجوانان در محیط آموزشی، مورد توجه بسیاری از پژوهشگران و سازمان‌های بین‌المللی قرار گرفته است (کاتم^۴ و همکاران، ۲۰۲۴: ۹؛ عزیز^۵ و همکاران، ۲۰۲۵: ۳۷۳) از جمله براساس پژوهش‌های آرازو^۶ (۲۰۲۳)، مارتودیرو و رحمت‌الله^۷ (۲۰۲۲)، سوهارسیوی^۸ و همکاران (۲۰۲۳)، چروتو^۹ و همکاران (۲۰۲۱)، ویدیگال کوچمن (۲۰۲۰) و سلیم^{۱۰} و همکاران (۲۰۲۰)، اجرای مدرسه دوستدار کودک با عملکرد تحصیلی پاسخ‌دهندگان (دانش‌آموزان) همبستگی مثبت داشته است. آقاجان و امامی‌کوپائی (۱۴۰۳) و باقری‌کراچی و همکاران (۱۴۰۲) نیز نشان دادند که توجه به مؤلفه‌های محیطی همچون آرامش و امنیت روانی، تنوع و جذابیت فضایی، ارتباط با طبیعت،

1. Powell
2. Jansson
3. Iskandar
4. Kattam
5. Aziz
6. Arazo
7. Martodiryo & Rahmatullah
8. Suharsiyi
9. Cheruto
10. Saleem

انعطاف‌پذیری، تعاملات گروهی و بازی در فضای مدرسه می‌تواند قابلیت محیط را در جهت تربیت کودک ارتقاء دهد. سلطانی‌نژاد و صفیان‌بلداجی (۱۴۰۲)، اسکندری‌تربقان و همکاران (۱۳۹۸)، نظریور و نوروزیان‌ملکی (۱۳۹۷) نیز به مواردی مانند رنگ، انعطاف‌پذیری، دما، تهویه، نور، میزهای گرد، فضاهای بازی، فضاهای شخصی، فضای عمومی یادگیری به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌های فیزیکی در مدرسه اشاره کردند.

مرور پژوهش‌هایی که بیشتر اشاره گردید نشان می‌دهد که در کشور ایران پژوهش‌ها در این زمینه بیشتر در حوزه معماری انجام شده است و به برنامه‌ریزی و طراحی فضاها و محیط‌های نوین متناسب با نیازهای کودکان پرداخته‌اند. علاوه بر این مطالعات انجام شده به چارچوب مفهومی فراگیر که در برگیرنده همه ابعاد مدرسه دوستدار کودک باشد، پرداخته است و اکثر مطالعات غیرفراگیر و یک‌بعدی انجام شده است. از طرفی نبود تحلیل‌های عمیق و سیستماتیک درباره تأثیر فضاهای آموزشی بر رشد و توسعه کودکان در زمینه‌های اجتماعی و روان‌شناسی و نیاز به تحقیقات بیشتر در زمینه تطبیق شاخص‌های جهانی شهر دوستدار کودک با شرایط و نیازهای محلی، از دلایل پرداختن به چنین پژوهشی است؛ چراکه متأسفانه، بسیاری از مدارس امروزی به‌ویژه در کشور و از جمله مدارس و دبیرستان‌های شهر اسلام‌آباد غرب هنوز نتوانسته‌اند به‌طور کامل به این مفهوم دست یابند (سلطانی‌نژاد و صفیان‌بلداجی، ۱۴۰۲: ۱۷۱). در دبیرستان‌های دوره دوم متوسطه شهر اسلام‌آباد غرب، با وجود تلاش‌های صورت گرفته، دستیابی به مدارس دوستدار کودک با موانع و چالش‌های متعددی مواجه هستند. این مسائل در زمینه‌های مختلفی از جمله کمبود فضای آموزشی مناسب و استاندارد، (مانند کلاس‌های پرجمعیت)، عدم وجود امکانات رفاهی و تفریحی کافی، ایمن نبودن محیط مدرسه برای دانش‌آموزان، روش‌های تدریس سنتی و غیرفعال، کمبود معلمان مجرب و آموزش‌دیده، عدم توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان، پایین بودن سطح مشارکت دانش‌آموزان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به مدرسه و در برخی موارد نادیده گرفته شدن نظرات و پیشنهادات دانش‌آموزان، محدودیت‌های اعمال شده بر فعالیت‌های خلاقانه و نوآورانه دانش‌آموزان، سطح پایین

حمایت‌های اجتماعی و عدم همکاری مناسب بین مدرسه، خانواده و جامعه است (مطالعات میدانی نگارندگان). با توجه به اهمیت دوره متوسطه دوم در شکل‌گیری هویت اجتماعی و علمی نوجوانان، لازم است که در تحقیق حاضر به بررسی و تحلیل شرایط و ویژگی‌های فضاهای آموزشی دبیرستان‌های متوسطه دوم شهر اسلام‌آباد غرب پرداخته شود. بنابراین پژوهش حاضر در راستای پاسخگویی به پرسش زیر است: ۱- ارتباط شاخص‌های مختلف فیزیکی، اجتماعی، آموزشی و غیره با فضاهای آموزشی دوستدار کودک (دبیرستان‌های دوره متوسطه دوم) در شهر اسلام‌آباد غرب چگونه است؟

۲. مبانی نظری تحقیق

مفهوم شهر دوستدار کودک و در راستای آن طراحی فضاهای آموزشی و مدارس دوستدار کودک، مبحثی است که در سال‌های اخیر توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. این رویکردها، با تمرکز بر نیازها و ویژگی‌های رشدی کودکان و نوجوانان، به دنبال ایجاد محیط‌هایی هستند که یادگیری را لذت‌بخش و مؤثر سازد. در این بخش به گزیده‌ای از پیشینه پژوهش و برخی از مفاهیم و نظریه‌های کلیدی در این زمینه ارائه شده است:

۲.۱. مروری بر پیشینه تحقیق

در زمینه مدرسه دوستدار کودک تاکنون پژوهش‌های متعدد خارجی و داخلی انجام شده است که در جدول (۱) گزیده‌ای از این پژوهش‌ها نشان داده شده است.

جدول ۱- گزیده‌ای از پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه مدرسه دوست‌دار کودک

منبع: گردآوری نگارندگان، ۱۴۰۴

محقق	سال	عنوان	نتیجه
آرازو ^۱	(۲۰۲۳)	تعیین اثربخشی اجرای سیستم مدرسه دوست‌دار کودک و تأثیر آن بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان	اجرای مدرسه دوست‌دار کودک با عملکرد تحصیلی پاسخ‌دهندگان (دانش‌آموزان) همبستگی مثبت داشته است و این مدرسه سیستم مدرسه دوست‌دار کودک را به‌خوبی اجرا کرده است و ۵۳.۳ درصد از پاسخ‌دهندگان سطح عملکرد رضایت‌بخشی معادل ۸۰-۸۴ کسب کرده‌اند، درحالی‌که ۲۶.۷ درصد از پاسخ‌دهندگان سطح عملکرد منصفانه معادل ۷۵-۷۹ و حدود ۲۰ درصد سطح عملکرد خوب را کسب کرده‌اند که نمرات معادل ۸۵-۸۹ است.
مارتودیرو و رحمت‌الله ^۲	(۲۰۲۲)	ارزیابی برنامه‌های مدرسه دوست‌دار کودکان در شهر بانجرماسین به‌عنوان شهر دوست‌دار کودک	نتایج مطالعه نشان می‌دهد که براساس ۶ مؤلفه ارزیابی مدارس دوست‌دار کودک مدارس نتوانسته‌اند نقش اهداف کلیدی را برای افزایش مشارکت کودکان در برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری، یادگیری، نظارت و سازوکارهای شکایت مرتبط با احقاق حقوق کودکان و حمایت در آموزش بهینه کنند.
چروتو ^۳ و همکاران	(۲۰۲۱)	ارزیابی مدارس مجری طرح مدرسه دوست‌دار کودک در شهر چسومی کنیا	کمبود نیروی انسانی با دانش و مهارت لازم، حمل و مصرف مواد مخدر توسط برخی از دانش‌آموزان، منابع مالی دولتی محدود، بودجه ناکافی برای تعمیر کلاس‌های درس، نامناسب بودن زمین‌های بازی، بالا بودن نرخ فرار از مدرسه و غیبت دانش‌آموزان و تعداد زیاد دانش‌آموزان کلاس‌های درس به‌عنوان چالش‌های مدارس اشاره شده است.
ویدیگال کوچمن	(۲۰۲۰)	برنامه‌ریزی شهرهای دوست‌دار کودک، آموزش محور و	نتایج این پژوهش نشان داد که شکل‌دهی شهر دوست‌دار کودک در گرو تحقق محیط‌هایی (از جمله فضاهای آموزشی) است که امن، منصفانه و دارای فضاهای سبز و باز قابل دسترس و متغیر باشند که

1. Arazo

2. Martodiryo & Rahmatullah

3. Cheruto

محقق	سال	عنوان	نتیجه
		یادگیرنده برای شهر سائوپائولو	این محیط‌های دوستدار کودک می‌تواند منجر به تغییرات مثبت در کودکان و نوجوانان شود.
سلیم ^۱ و همکاران	(۲۰۲۰)	بررسی میزان آمادگی برای طرح مدرسه دوست‌دار کودک در مدارس دولتی شهر مولتان از استان پنجاب پاکستان	یافته‌ها نشان داد که این مدارس برای شناسایی دانش‌آموزان محروم از تحصیل اقدامی انجام نمی‌دهند، با سازمان‌های محلی مشارکت ندارند و ضوابطی برای جلوگیری از خشونت علیه دانش‌آموزان برقرار نشده است. در نتیجه این مدارس نمی‌توانند در کوتاه مدت به مدارس دوست‌دار کودک تبدیل شوند.
آقاجان و امامی کوپائی	(۱۴۰۳)	شناسایی مؤلفه‌های اثرگذار معماری بر تربیت کودک، مبتنی بر رویکرد اسلامی در فضاهای آموزشی پیش‌دبستان	نتایج نشان داد که توجه به مؤلفه‌های محیطی همچون آرامش و امنیت روانی، تنوع و جذابیت فضایی، ارتباط با طبیعت، انعطاف‌پذیری، تعاملات گروهی و بازی در فضای مدرسه می‌تواند قابلیت محیط را در جهت تربیت کودک ارتقاء دهد.
باقری کراچی و همکاران	(۱۴۰۲)	طراحی چارچوب مفهومی مدرسه دوستدار کودک در ایران	یافته‌ها نشان داد که چارچوب مفهومی مدرسه دوستدار کودک از ۶ بعد (محیط سالم و بهداشتی، محیط شاد، محیط سبز، آموزش و پرورش فعال، امنیت و ایمنی، فضای فیزیکی کودک محور) و ۱۷ ملاک تشکیل شده است که بر مبنای این ابعاد و ملاک‌ها ۶ گزاره برای تبیین ویژگی‌های مدرسه دوستدار کودک تدوین شده است.
سلطانی‌نژاد و صفیان بلداجی	(۱۴۰۲)	واکاوی انگاره‌های معلمان دوره ابتدایی از مفهوم مدرسه دوست‌دار کودک	بر مبنای یافته‌ها، مدرسه دوست‌دار کودک از نظر معلمان شرکت‌کننده در پژوهش باید در ابعاد مختلف مدیریت مدرسه، کادر آن، فضای فیزیکی، برنامه درسی و میزان تعامل با خانواده کودک توجه ویژه به کودک، روحیه و شرایط او داشته باشد اما با وجود موانع متعدد، شرایط لازم برای تبدیل شدن به چنین مدرسه‌ای در بسیاری از مدارس ایران بالاخص مدارس دولتی وجود ندارد.

محقق	سال	عنوان	نتیجه
اسکندری تربقان و همکاران	(۱۳۹۸)	ارائه چارچوب مفهومی برای طراحی فضای فیزیکی مدرسه ابتدایی	نتایج نشان داد مواردی مانند رنگ، انعطاف پذیری، دما، تهویه، نور و پیکربندی یو شکل، میزهای گرد، فضاهای بازی، فضاهای شخصی، فضای عمومی یادگیری به عنوان مهم ترین مؤلفه های فیزیکی در مدرسه دوست دار اشاره کردند.
نظریپور و نوروزیان ملکی	(۱۳۹۷)	شناسایی مؤلفه های معماری مؤثر در ارتقای یادگیری دانش آموزان با تأکید بر فضاهای باز مدارس براساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش	نتایج نشان داد که توجه صرف به احجام، ساختمان و فضاهای بسته مدارس به جای توجه همزمان به فضاهای باز از نقاط ضعف اصلی مدارس کشور بوده و فضاهای باز موجود به رفع کامل نیازهای آموزشی، ارتباطات جمعی، بازی و استراحت دانش آموزان نمی پردازد.

۲.۲. مفهوم شهر دوست دار کودک^۱

ایده «شهر دوستدار کودک» توسط سازمان یونسف در دهه ۱۹۹۰ مطرح شد. به طور مشخص، در سال ۱۹۹۶، در کنفرانس دوم سازمان ملل متحد درباره سکونتگاه های بشری^۲ که در استانبول برگزار شد، این مفهوم به عنوان یکی از اهداف کلیدی معرفی گردید. در واقع سازمان یونسف نقش مهمی در ترویج و پیاده سازی اصول شهر دوست دار کودک در سراسر جهان ایفا کرده است (زیاری و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۷۵). بنابراین، می توان گفت که ایده «شهر دوستدار کودک» ریشه در تلاش های یونسف در دهه ۱۹۹۰ دارد و کنفرانس هیئتات در سال ۱۹۹۶، نقش مهمی در ترویج و گسترش آن ایفا کرد (شهمیری و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۱۸).

۱. در ماده اول کنوانسیون حقوق کودک، منظور از کودک افراد زیر ۱۸ سال است. در ماده یک قانون حمایت از حقوق کودکان مصوب سال ۱۳۸۱ نیز سن زیر ۱۸ سال به عنوان کودک تعیین شده است (رشیدکلویر و همکاران، ۱۳۹۹: ۵۳).
2. Habitat II

از طرفی نظریه شهر دوستدار کودک و مدرسه دوستدار کودک دارای اصول مشترک و اهداف همسو هستند. هر دو رویکرد بر اهمیت ایجاد محیط‌هایی تأکید دارند که به رشد، رفاه و مشارکت کودکان اهمیت می‌دهند. درواقع این دو مفهوم مکمل یکدیگر هستند به‌طوری که مدرسه دوستدار کودک می‌تواند به‌عنوان یک عنصر کلیدی در شهر دوستدار کودک عمل کند. مدارس می‌توانند با ایجاد فضاهای باز و سبز، فراهم کردن فرصت‌های بازی و فعالیت‌های اجتماعی و مشارکت در برنامه‌های شهری، به ایجاد شهری دوستدار کودک کمک کنند. از طرفی شهرهایی که به اصول شهر دوستدار کودک پایبند هستند، می‌توانند محیطی مناسب برای رشد و یادگیری کودکان فراهم کنند. دسترسی به فضاهای سبز، امکانات فرهنگی و ورزشی و امنیت در شهر، می‌تواند تأثیر مثبتی بر عملکرد و رفاه کودکان در مدرسه داشته باشد (جانسون و همکاران، ۲۰۲۴: ۴۹). در ادامه به مفهوم مدرسه دوستدار کودک پرداخته شده است.

۲.۳. مدرسه دوستدار کودک

مفهوم "مدرسه دوستدار کودک" برای اولین بار توسط صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) مطرح شد. این مفهوم در راستای تلاش‌های یونیسف برای حمایت از حقوق کودکان و بهبود شرایط زندگی و آموزش آن‌ها در سراسر جهان مطرح گردید. به‌طور دقیق، برنامه مدارس دوستدار کودک در دهه ۱۹۹۰ به‌عنوان بخشی از تلاش‌های گسترده‌تر یونیسف برای اجرای کنوانسیون حقوق کودک توسعه یافت. این کنوانسیون در سال ۱۹۸۹ توسط سازمان ملل متحد به تصویب رسید و به حقوق اساسی کودکان در زمینه‌های مختلف از جمله آموزش، بهداشت و حمایت اجتماعی تأکید می‌کند. بنابراین، می‌توان گفت که یونیسف در دهه ۱۹۹۰، با الهام از کنوانسیون حقوق کودک، مفهوم و برنامه مدارس دوستدار کودک را به‌طور رسمی معرفی و ترویج کرد (برون و همکاران، ۲۰۱۹: ۲).

مدرسه دوستدار کودک مفهومی است که بر ایجاد محیطی آموزشی تمرکز دارد که در آن کودکان احساس امنیت، شادی و احترام می‌کنند. این نوع مدارس به نیازها و حقوق کودکان و نوجوانان توجه ویژه‌ای دارند و سعی می‌کنند فضایی را فراهم کنند که در آن کودکان و نوجوانان بتوانند به‌طور کامل رشد کنند. مدارس دوستدار کودک، محیطی امن را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کنند. این مدارس دارای قوانین و مقرراتی هستند که از دانش‌آموزان در برابر هرگونه خشونت، تبعیض و سوء استفاده محافظت می‌کند (مایسارو^۱ و همکاران، ۲۰۲۴: ۳۱۰). در این مدارس کودکان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به مدرسه مشارکت داده می‌شوند و به نظرات و پیشنهادات کودکان توجه می‌شود و آن‌ها احساس می‌کنند که صدایشان شنیده می‌شود. علاوه بر این مدارس دوستدار کودک آموزش باکیفیت و متناسب با نیازهای کودکان و نوجوانان ارائه می‌دهند. در این مدارس از روش‌های آموزشی فعال و جذاب استفاده می‌شود که کودکان و نوجوانان را به یادگیری علاقه‌مند می‌کند. مدارس دوستدار کودک به سلامت جسمی و روانی کودکان توجه ویژه‌ای دارند. این مدارس دارای امکانات بهداشتی مناسب و برنامه‌های تغذیه سالم هستند (فطریانی و قداریه^۲، ۲۰۲۱: ۲۷۵).

مدارس دوستدار کودک برای همه کودکان، صرف نظر از جنسیت، نژاد، مذهب یا وضعیت اقتصادی-اجتماعی، فرصت‌های برابر آموزشی فراهم می‌کنند. این مدارس به نیازهای خاص کودکان دارای معلولیت توجه می‌کنند. مدارس دوستدار کودک محیطی شاد و مثبت را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کنند. این مدارس دارای فضاهای بازی و تفریح مناسب هستند که کودکان بتوانند در آن‌ها به بازی و فعالیت بپردازند. این مدارس با خانواده‌ها و جامعه همکاری نزدیک دارند و از مشارکت خانواده‌ها در فعالیت‌های مدرسه استقبال می‌کنند. فضای فیزیکی مدارس دوستدار کودک به گونه‌ای طراحی می‌شوند که برای کودکان جذاب و مناسب باشد. در این مدارس استفاده از روش‌های آموزشی که باعث مشارکت فعال دانش‌آموزان در روند یادگیری شود و استفاده از آموزش‌هایی که

1. Maisaroh

2. Fitriani & Qodariah

باعث افزایش مهارت‌های زندگی کودکان می‌شود از دیگر ویژگی‌های این مدارس است (آرازو، ۲۰۲۳: ۳).

به‌طور کلی، مدارس دوستدار کودک مدرسی هستند که به حقوق و نیازهای کودکان احترام می‌گذارند و فضایی را فراهم می‌کنند که در آن کودکان بتوانند به‌طور کامل رشد کنند و شکوفا شوند. درواقع این مدارس با در نظر گرفتن نیازها و ویژگی‌های کودکان و نوجوانان طراحی شده‌اند تا یادگیری را برای آن‌ها لذت‌بخش، جذاب و مؤثر کنند. این فضاها نه تنها به رشد ذهنی کودکان کمک می‌کنند، بلکه به تقویت مهارت‌های اجتماعی، عاطفی و جسمی آن‌ها نیز می‌پردازند. از طرفی ایجاد این مدارس نیازمند همکاری و مشارکت همه ذینفعان، از جمله دولت، معلمان، والدین، و جامعه است (کاتم و همکاران، ۲۰۲۴: ۹). برخی ویژگی‌های کلیدی مدرسه دوستدار کودک از نظر ساپوتری و هاسیبوان^۱ (۲۰۲۲) در شکل (۱) نشان داده شده است.



شکل ۱. برخی از ویژگی‌های مدرسه دوستدار کودک

منبع: (ساپوتری و هاسیبوان، ۲۰۲۲: ۳۹)

درخصوص ویژگی‌ها و ابعاد مدرسه دوست‌دار کودک رویکردهای گوناگونی وجود دارد که در جدول (۲) گزیده‌ای از این رویکردها ارائه شده است.

جدول ۲. ویژگی‌ها و ابعاد مدرسه دوست‌دار کودک براساس رویکردهای مختلف

منبع: (دجوهاeni^۱، ۲۰۲۲: ۲۵۴؛ کوبانگلو^۲ و همکاران، ۲۰۱۸: ۴۷۶؛ ساپوتری و هاسیبوان، ۲۰۲۲: ۴۲)

رویکرد	ویژگی و ابعاد	شرح
روانشناسی رشد	نیازهای رشدی	فضاهای آموزشی باید متناسب با مراحل مختلف رشد شناختی، اجتماعی و عاطفی کودکان طراحی شوند.
	یادگیری فعال	کودکان و نوجوانان نه تنها به طور منفعل اطلاعات را دریافت نمی‌کنند، بلکه در فرایند یادگیری مشارکت فعال دارند.
	تفاوت‌های فردی	هر کودک منحصر به فرد است و فضاهای آموزشی باید بتوانند به تفاوت‌های فردی کودکان پاسخ دهند.
معماری و طراحی محیط	فضاهای انعطاف‌پذیر	فضاهای آموزشی باید انعطاف‌پذیر باشند تا بتوان از آنها برای فعالیت‌های مختلف استفاده کرد.
	نور، رنگ و صدا	عوامل محیطی مانند نور، رنگ و صدا می‌توانند تأثیر قابل توجهی بر یادگیری و رفتار کودکان داشته باشند.
	ارتباط با طبیعت	مدارس باید ارتباط کودکان با طبیعت به منظور کاهش استرس، افزایش تمرکز و بهبود خلاقیت را فراهم کنند.
	امنیت و ایمنی	فضاهای آموزشی باید امن و ایمن باشند تا کودکان بتوانند بدون نگرانی در آنها فعالیت کنند.
روانشناسی یادگیری	یادگیری مبتنی بر بازی	مدارس دوست‌دار کودک، یادگیری مبتنی بر بازی را در برنامه‌های آموزشی خود گنجانده‌اند.
	یادگیری مشارکتی	یادگیری مشارکتی، کودکان را تشویق می‌کند تا با یکدیگر همکاری کنند و از یکدیگر یاد بگیرند.
	آموزش فراگیر	همه کودکان، صرف نظر از توانایی‌ها و نیازهایشان، باید فرصت‌های برابر برای یادگیری داشته باشند.
روانشناسی مشارکت	مشارکت کودکان	مشارکت کودکان در طراحی و مدیریت فضاهای آموزشی خود به آنها احساس مالکیت و مسئولیت‌پذیری می‌دهد.
	مشارکت والدین و جامعه	مدارس دوست‌دار کودک، والدین و جامعه را در فرایند آموزش مشارکت می‌دهند که به ایجاد یک محیط حمایتی برای کودکان کمک می‌کند.

1. Djoehaeni

2. Cobanoglu

۴.۲. نظریه‌های پشتیبان و هدایتگر مفهوم مدرسه دوستدار کودک

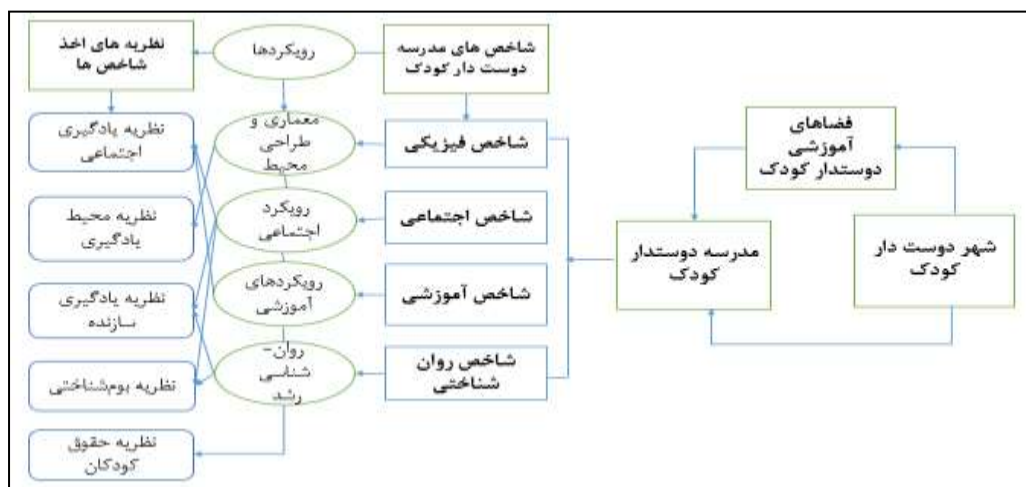
در ادامه به برخی از مهم‌ترین نظریه‌های پشتیبان مفهوم مدرسه دوستدار کودک به صورت خلاصه اشاره شده است:

برخی از نظریه‌ها از جمله نظریه حقوق کودکان که براساس پیمان‌نامه حقوق کودک سازمان ملل متحد شکل گرفته است، بر حقوق اساسی همه کودکان برای بقا، رشد، حمایت و مشارکت تأکید می‌کند. این کنوانسیون حقوق اساسی کودکان را در زمینه‌های آموزش، سلامت، مشارکت و حمایت تعریف می‌کند (عالمی و طایی، ۱۴۰۰: ۱۷۹). مدارس دوستدار کودک، با رعایت این حقوق، فضایی را فراهم می‌کنند که در آن، کودکان از هرگونه تبعیض، خشونت و سوءاستفاده در امان باشند و بتوانند به طور کامل از فرصت‌های آموزشی و پرورشی بهره‌مند شوند (آرسی^۱، ۲۰۱۵: ۲۸۴). نظریه یادگیری اجتماعی نیز بر نقش تعاملات اجتماعی در یادگیری کودکان تأکید می‌کند. مدارس دوستدار کودک با ایجاد فضایی مشارکتی و همدلانه، به کودکان کمک می‌کنند تا مهارت‌های اجتماعی و عاطفی خود را تقویت کنند (عزیز و همکاران، ۲۰۲۵: ۳۷۵). برخی دیگر از این نظریه‌ها از جمله نظریه محیط یادگیری، بر اهمیت طراحی محیط فیزیکی و اجتماعی مدرسه برای ایجاد فضایی امن، آرام و جذاب برای کودکان تأکید می‌کند. مدارس دوستدار کودک با فراهم کردن فضاهای سبز، شاد و کودک‌محور، به بهبود کیفیت یادگیری و افزایش انگیزه کودکان کمک می‌کنند (اسچودر و رافلد^۲، ۲۰۲۴: ۱۰۳). نظریه یادگیری سازنده نیز بر نقش فعال کودکان در فرآیند یادگیری تأکید می‌کند. مدارس دوستدار کودک، با استفاده از روش‌های آموزشی فعال و مشارکتی، کودکان را تشویق می‌کنند تا خودشان به دنبال یادگیری باشند و از طریق تجربه و تعامل با دیگران، دانش و مهارت‌های خود را افزایش دهند (فتحی، ۱۳۹۸: ۸۹). نظریه بوم‌شناختی نیز بر تأثیر محیط‌های مختلف (خانواده، مدرسه، جامعه) بر

1. Arce

2. Schweder & Raufelder

رشد و یادگیری کودکان تأکید می‌کند. مدارس دوستدار کودک، با ایجاد ارتباط مؤثر با خانواده‌ها و جامعه، تلاش می‌کنند تا یک محیط حمایتی و هماهنگ را برای رشد کودکان فراهم کنند (چو^۱ و همکاران، ۲۰۲۵: ۲۰۰۵). در شکل (۲) مدل نظری چگونگی استخراج شاخص‌های پژوهش نشان داده شده است.



شکل ۲. مدل نظری شاخص‌های پژوهش

ترسیم: نگارندگان، ۱۴۰۴

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر از منظر هدف کاربردی و به لحاظ روش از مجموعه روش‌های توصیفی-تحلیلی بهره گرفته است. مهم‌ترین بخش توصیفی مطالعه حاضر گردآوری شاخص‌های تبیین‌کننده مدرسه دوستدار کودک با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه‌ای است. در این راستا در مرحله اول شاخص‌های کلیدی و تبیین‌کننده مدرسه دوستدار کودک از منابع، نظریه‌ها و پیشینه مربوط به موضوع استخراج و گردآوری گردید و سپس توسط کارشناسان پژوهش روایی آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت.

قلمرو مکانی تحقیق حاضر ۲۷ دبیرستان متوسطه دوم شهر اسلام‌آباد غرب بوده در شهر اسلام‌آباد غرب است و جامعه آماری حدود ۴۵۸۸ نفر از دانش‌آموزان (شامل دختر و پسر) است که ۳۰۰ نفر از دانش‌آموزان مورد نظر با استفاده از فرمول کوکران به‌عنوان نمونه برای مطالعه انتخاب شدند. ابزار اصلی پژوهش برای گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق‌ساخته بود. روایی ابزار تحقیق با نظرخواهی از کارشناسان و معلمان و مدیران آموزشی روایی صوری و همچنین به‌صورت همگرا مورد ارزیابی و تأیید قرار گرفته است. برای سنجش پایایی از ضرایب پایایی ترکیبی (بزرگتر از ۰/۷) و آلفای کرونباخ بزرگتر از (۰/۷) استفاده شده است که در صورت مناسب بودن این ضرایب می‌توان گفت ابزار پژوهش پایاست. در مرحله بعد از تدوین پرسشنامه و تعیین روایی و پایایی ابزار پژوهش، با مراجعه به دبیرستان‌های مورد مطالعه دانش‌آموزان به‌صورت مستقیم و مستقل به سؤالات پرسشنامه پاسخ داده‌اند. این روش متداول‌ترین شکل جمع‌آوری داده‌ها در مطالعات پیمایشی است.

با توجه به تعداد مدارس و هدف پژوهش، ترکیبی از روش‌های نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای بهترین گزینه بوده است، به این صورت که از ۲۷ دبیرستان موجود در شهر اسلام‌آباد غرب، تعداد مناسبی از مدارس به‌صورت تصادفی انتخاب شد. ابتدا لیست دبیرستان‌های این شهر را از اداره آموزش و پرورش دریافت نموده و سپس با استفاده از روش تصادفی، تعداد ۱۰ دبیرستان انتخاب گردید. انتخاب نمونه‌ها به گونه‌ای بوده است که هم دبیرستان‌های دخترانه و هم دبیرستان‌های پسرانه به نسبت مناسب (۶۰٪ دبیرستان دخترانه و ۴۰٪ پسرانه) در نمونه حضور داشته‌اند. پس از انتخاب مدارس، در هر مدرسه، به‌صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده دانش‌آموزان انتخاب شدند. پیش از حضور در مدرسه، زمان مناسبی را با مدیر یا معاون آموزشی مدرسه هماهنگ شد تا مزاحمتی برای برنامه درسی دانش‌آموزان ایجاد نشود. پرسشنامه‌ها به‌صورت کاغذی در بین دانش‌آموزان توزیع گردید و یک یا دو نفر به‌عنوان تسهیل‌گر در محل حضور داشتند تا به سؤالات احتمالی دانش‌آموزان پاسخ دهند و در صورت لزوم راهنمایی کنند.

پس از گردآوری داده‌ها برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو روش آمار توصیفی فراوانی، درصد فراوانی میانگین و انحراف معیار و آمار استنباطی تحلیل همبستگی و مدل معادلات ساختاری SmartPLS استفاده شد.

۳.۱. شاخص‌های پژوهش

پشتوانه نظری شاخص‌های پژوهش در زمینه مدرسه دوستدار کودک براساس نظریه‌ها، منابع و پیشینه مربوط به موضوع استخراج و گردآوری شده‌اند و سپس به روش دلفی هدفمند توسط کارشناسان پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند. بنابراین در این تحقیق ب اساس مبانی نظری پژوهش ۴ شاخص و ۴۲ زیرشاخص شناسایی شدند که به صورت پرسشنامه محقق ساخته تهیه شده و بر مبنای مقیاس ۵ گزینه‌ای لیکرت در اختیار نمونه پژوهش قرار داده شد. در جدول (۳) به شناسایی شاخص‌ها و زیرشاخص‌های مورد نظر پرداخته شده است.

جدول ۳. شاخص‌های مدرسه دوستدار کودک

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴

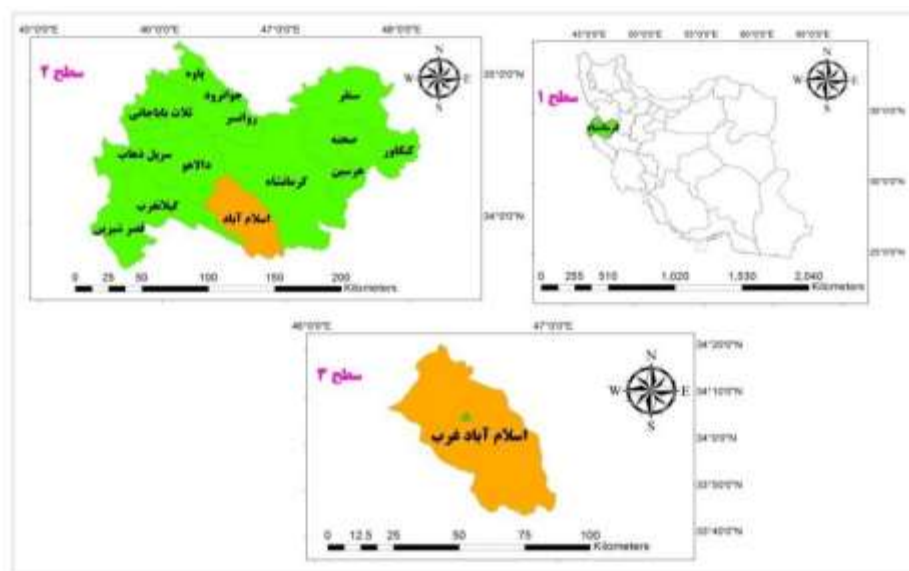
کد	زیرشاخص‌ها	شاخص‌ها
P1	ایمنی در برابر حوادث (مانند آتش سوزی، زلزله و ...)	محیط فیزیکی (Physical environment)
P2	راحتی، عریض و بدون مانع بودن راهروها و پله‌های مدرسه	
P3	آرام، مرتب و جذاب بودن فضای کلاس‌های مدرسه	
P4	توجه به نیازهای ویژه دانش آموزان (مانند دانش آموزان دارای معلولیت)	
P5	نورپردازی و تهویه مناسب در کلاس‌ها و فضاهای دیگر مدرسه	
P6	طراحی و تزئین دیوارها و فضاهای مدرسه با رنگ‌های شاد و طرح‌های جذاب	
P7	وجود فضاهای سبز و گیاهان در مدرسه	
P8	وجود تابلوهای آموزشی و انگیزشی در کلاس‌ها و راهروهای مدرسه	
P9	وجود فضاهای بازی و تفریح کافی و متنوع در مدرسه	
P10	فرصت کافی برای بازی و تفریح در مدرسه	

شاخص‌ها	زیرشاخص‌ها	کد
	مطلوبیت امکانات بهداشتی و رفاهی (سرویس بهداشتی و آبخوری و...) در مدرسه	P11
	وجود تجهیزات آموزشی و کمک آموزشی مناسب	P12
	وجود فضاهای آرام و خصوصی برای مطالعه و تمرکز دانش‌آموزان	P13
	وجود کتابخانه و منابع متنوع و به روز در آن	P14
	وجود تجهیزات مانند آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌ها در مدرسه	P15
محیط اجتماعی (Social environment)	وجود روابط مبتنی بر احترام، همکاری و مشارکت بین دانش‌آموزان، معلمان و سایر پرسنل مدرسه	S1
	میزان احترام معلمان به دانش‌آموزان	S2
	میزان توجه معلمان به مشکلات دانش‌آموزان	S3
	ارتباط خوب دانش‌آموزان با سایر پرسنل مدرسه مانند (مدیر، مشاور، کتابدار و...)	S4
	وجود جو صمیمانه و دوستانه در مدرسه	S5
	احساس راحتی و تعامل مناسب با همکلاس‌های خود	S6
	میزان احساس امنیت و تعلق خاطر به مدرسه	S7
	میزان احترام به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان با یکدیگر	S8
	وجود رفتارهای تبعیض‌آمیز، آزار و اذیت در مدرسه	S9
	میزان مشارکت و فعالیت والدین در مدرسه	S10
محیط آموزشی (Educational environment)	استفاده از روش‌های تدریس متنوع و مبتنی بر یادگیری فعال	E1
	تناسب محتوای آموزشی با نیازها و علایق دانش‌آموزان	E2
	تناسب محتوای آموزشی بروز و مرتبط با زندگی روزمره	E3
	وجود فرصت‌های یادگیری فراتر از کلاس درس	E4
	میزان تشویق به تفکر انتقادی، خلاقیت و حل مسئله	E5
	میزان ارزیابی براساس یادگیری و پیشرفت تحصیلی	E6
	میزان لذت و رضایت از شرکت در فعالیت‌های کلاسی و گروهی	E7
	برنامه‌ریزی برای دانش‌آموزان به‌عنوان افراد مستقل و دارای توانایی‌های منحصر به فرد	E8
	میزان بازخورد سازنده و تشویقی معلمان نسبت به دانش‌آموزان	E9

شخص ها	زیر شاخص ها	کد
محیط روان شناسی (Psychological environment)	بیان نظرات در کلاس و مدرسه به صورت آزادانه	E10
	میزان توجه به نظرات دانش آموزان در مدرسه	E11
	احساس خوشحالی و شادابی از بودن در محیط مدرسه	Ps1
	نقش محیط مدرسه در ارتقا اعتماد به نفس دانش آموزان	Ps2
	میزان توجه و کمک به دانش آموزان برای حل مشکلاتشان	Ps3
	میزان کسب مهارت های اجتماعی در محیط مدرسه	Ps4
	میزان رضایت از محیط مدرسه	Ps5
	میزان برخورداری از ویژگی های یک مدرسه شاد و دوستدار دانش آموز	Ps6

۳.۲. معرفی محدوده مورد مطالعه

شهر اسلام آباد غرب در غرب شهرستان اسلام آباد غرب با مساحتی حدود ۲۲/۴ کیلومتر مربع، در عرض جغرافیایی ۴۶ درجه و ۳۱ دقیقه و در طول جغرافیایی ۳۴ درجه و ۶ دقیقه و در بلندی ۱۳۳۵ متری از سطح دریا، در ۶۵ کیلومتری جنوب باختری کرمانشاه و در مسیر راه کرمانشاه - خسروی قرار دارد. اقلیم این شهرستان معتدل مدیترانه ای و بارندگی سالانه به طور متوسط ۴۷۸ میلی متر است. این شهر از شمال به شهرستان جوانرود، از خاور به شهرستان کرمانشاه، از جنوب به شهرستان چرداول در استان ایلام و از غرب به شهرستان دالاهو و گیلان غرب محدود می شود. طبق آخرین سرشماری جمعیت این استان ۹۰/۵۵۹ نفر است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). موقعیت محدوده مورد نظر در شکل (۳) نشان داده شده است.



شکل ۳. محدوده مورد مطالعه

ترسیم: نگارندگان، ۱۴۰۴

۴. یافته‌های پژوهش

الگویابی معادلات ساختاری در دو مرحله به آزمون الگو می‌پردازد که شامل آزمون الگو اندازه‌گیری و ساختاری است. در مدل‌سازی PLS الگوی اندازه‌گیری را مدل بیرونی و الگوی ساختاری را مدل درونی می‌نامند. الگوی اندازه‌گیری به بررسی اعتبار و روایی ابزارهای اندازه‌گیری و سازه‌های پژوهش می‌پردازد و الگوی ساختاری فرضیه‌ها و روابط متغیرهای مکنون را مورد آزمون قرار می‌دهد. جهت بررسی اعتبار سازه‌ها فرنل و لاکر (۱۹۸۱) سه ملاک را پیشنهاد می‌کنند که شامل: ۱. اعتبار هر یک از گویه‌ها، ۲. اعتبار ترکیبی^۱ هر یک از سازه‌ها و ۳. متوسط واریانس استخراج شده در مورد اعتبار هر یک از گویه‌ها، بار عاملی $0/6$ معنادار باشند و بیشتر هر گویه در تحلیل عاملی

1. Composite Reliability

تأییدی نشانگر سازه خوب تعریف شده است. همچنین بار عاملی گویه‌ها باید حداقل در سطح ۰/۱ معنادار باشند. پایایی ترکیبی درواقع نسبت مجموع بارهای عاملی متغیرهای مکنون به مجموع بارهای عاملی به علاوه واریانس خطا است. مقادیر آن بین ۰ تا ۱ است و جایگزینی برای آلفای کرونباخ است. مقدار این شاخص نباید کمتر از ۰/۷ باشد. به این شاخص نسبت دیلون گلدشتاین نیز گفته می‌شود. ملاک سوم بررسی اعتبار، میانگین واریانس استخراج شده است. فرنل و لاکر مقادیر AVE 0.5 و بیشتر را توصیه می‌کنند و این امر به معنای آن است که سازه مورد نظر حدود ۵۰ درصد و یا بیشتر واریانس نشانگرهای خود را تبیین می‌کند. همان‌گونه که در جدول (۴) آلفای کرونباخ، اعتبار ترکیبی، شاخص AVE و rho_A تمامی شاخص‌ها محاسبه و مقادیر به دست آمده نمایانگر اعتبار همگرا و همبستگی سازه‌ها هستند.

جدول ۴. نتایج بررسی روایی و پایایی پرسشنامه

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴

شاخص‌ها	آلفای کرونباخ	rho_A	شاخص ترکیبی	میانگین واریانس AVE
محیط آموزشی	۰/۸۸۴	۰/۸۸۵	۰/۹۰۶	۰/۵۰۰
محیط اجتماعی	۰/۷۸۸	۰/۷۹۵	۰/۸۵۶	۰/۵۴۴
محیط روانشناختی	۰/۷۹۴	۰/۷۹۷	۰/۸۶۶	۰/۶۱۸
محیط کالبدی	۰/۸۶۵	۰/۸۶۸	۰/۸۹۲	۰/۵۵۲
مدرسه دوستدار کودک	۰/۹۲۸	۰/۹۳۲	۰/۹۳۵	۰/۵۰۰

و در جدول (۵) بارهای عاملی استاندارد شده تمامی گویه‌ها و متغیرها محاسبه و مقادیر به دست آمده نمایانگر اعتبار همگرا و همبستگی سازه‌ها هستند.

جدول ۵. نتایج تحلیل عاملی تأییدی: بررسی روایی و پایایی پرسشنامه

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴

شاخص‌ها	زیرشاخص‌ها	کد	بارعاملی
محیط فیزیکی	ایمنی در برابر حوادث (مانند آتش‌سوزی، زلزله و ...)	P1	۰/۶۶۱
	راحتی، عریض و بدون مانع بودن راهروها و پله‌های مدرسه	P2	۰/۳۵۵
	آرام، مرتب و جذاب بودن فضای کلاس‌های مدرسه	P3	۰/۵۶۳
	توجه به نیازهای ویژه دانش‌آموزان (مانند دانش‌آموزان دارای معلولیت)	P4	۰/۴۳۳
	نورپردازی و تهویه مناسب در کلاس‌ها و فضاهای دیگر مدرسه	P5	۰/۶۲۵
	طراحی و تزئین دیوارها و فضاهای مدرسه با رنگ‌های شاد و طرح‌های جذاب	P6	۰/۶۷۵
	وجود فضاهای سبز و گیاهان در مدرسه	P7	۰/۶۵۰
	وجود تابلوهای آموزشی و انگیزشی در کلاس‌ها و راهروهای مدرسه	P8	۰/۶۵۸
	وجود فضاهای بازی و تفریح کافی و متنوع در مدرسه	P9	۰/۶۲۹
	فرصت کافی برای بازی و تفریح در مدرسه	P10	۰/۵۸۱
	مطلوبیت امکانات بهداشتی و رفاهی (سرویس بهداشتی و آبخوری و...) در مدرسه	P11	۰/۷۵۴
	وجود تجهیزات آموزشی و کمک‌آموزشی مناسب	P12	۰/۷۳۱
	وجود فضاهای آرام و خصوصی برای مطالعه و تمرکز دانش‌آموزان	P13	۰/۶۷۰
	وجود کتابخانه و منابع متنوع و بروز در آن	P14	۰/۶۶۲
	وجود تجهیزات مانند آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌ها در مدرسه	P15	۰/۵۲۹
محیط اجتماعی	وجود روابط مبتنی بر احترام، همکاری و مشارکت بین دانش‌آموزان، معلمان و سایر پرسنل مدرسه	S1	۰/۷۲۵
	میزان احترام معلمان به دانش‌آموزان	S2	۰/۷۹۷
	میزان توجه معلمان به مشکلات دانش‌آموزان	S3	۰/۷۹۹
	ارتباط خوب دانش‌آموزان با سایر پرسنل مدرسه مانند (مدیر، مشاور، کتابدار و...)	S4	۰/۷۱۰
	وجود جو صمیمانه و دوستانه در مدرسه	S5	۰/۵۷۱
	احساس راحتی و تعامل مناسب با همکلاس‌های خود	S6	۰/۵۱۳
	میزان احساس امنیت و تعلق خاطر به مدرسه	S7	۰/۶۴۸

شاخص‌ها	زیر شاخص‌ها	کد	بار عاملی
	میزان احترام به تفاوت‌های فردی دانش آموزان با یکدیگر	S8	۰/۵۰۳
	وجود رفتارهای تبعیض آمیز، آزار و اذیت در مدرسه	S9	۰/۱۴۸
	میزان مشارکت و فعالیت والدین در مدرسه	S10	۰/۴۷۷
محیط آموزشی	استفاده از روش‌های تدریس متنوع و مبتنی بر یادگیری فعال	E1	۰/۶۸۱
	تناسب محتوای آموزشی با نیازها و علایق دانش آموزان	E2	۰/۶۷۳
	تناسب محتوای آموزشی بروز و مرتبط با زندگی روزمره	E3	۰/۷۳۳
	وجود فرصت‌های یادگیری فراتر از کلاس درس	E4	۰/۶۸۴
	میزان تشویق به تفکر انتقادی، خلاقیت و حل مسئله	E5	۰/۶۵۴
	میزان ارزیابی براساس یادگیری و پیشرفت تحصیلی	E6	۰/۶۷۴
	میزان لذت و رضایت از شرکت در فعالیت‌های کلاسی و گروهی	E7	۰/۵۷۷
	برنامه‌ریزی برای دانش آموزان به‌عنوان افراد مستقل و دارای توانایی‌های منحصر به فرد	E8	۰/۷۱۰
	میزان بازخورد سازنده و تشویقی معلمان نسبت به دانش آموزان	E9	۰/۷۸۳
	بیان نظرات در کلاس و مدرسه به‌صورت آزادانه	E10	۰/۷۲۰
	میزان توجه به نظرات دانش آموزان در مدرسه	E11	۰/۶۸۱
محیط روان‌شناختی	احساس خوشحالی و شادابی از بودن در محیط مدرسه	Ps1	۰/۷۷۴
	نقش محیط مدرسه در ارتقا اعتماد به نفس دانش آموزان	Ps2	۰/۷۶۲
	میزان توجه و کمک به دانش آموزان برای حل مشکلاتشان	Ps3	۰/۴۱۱
	میزان کسب مهارت‌های اجتماعی در محیط مدرسه	Ps4	۰/۴۴۸
	میزان رضایت از محیط مدرسه	Ps5	۰/۸۰۹
	میزان برخورداری از ویژگی‌های یک مدرسه شاد و دوستدار دانش آموز	Ps6	۰/۷۹۹

۴.۱. همبستگی متغیرها

جدول (۶) ضرایب همبستگی و شاخص روایی منفک را نشان می‌دهد. قطر اصلی این ماتریس ریشه دوم میانگین واریانس تبیین شده است. لازمه تأیید روایی منفک بیشتر بودن مقدار AVE از تمامی ضرایب همبستگی متغیر مربوط با باقی متغیرها است. همان‌طور که قابل مشاهده است، مقادیر

موجود بر روی قطر اصلی دارای بیشترین مقدار بوده که این امر نشان‌دهنده روایی مناسب سازه‌ها است.

جدول ۶. ضرایب همبستگی و شاخص روایی منفک

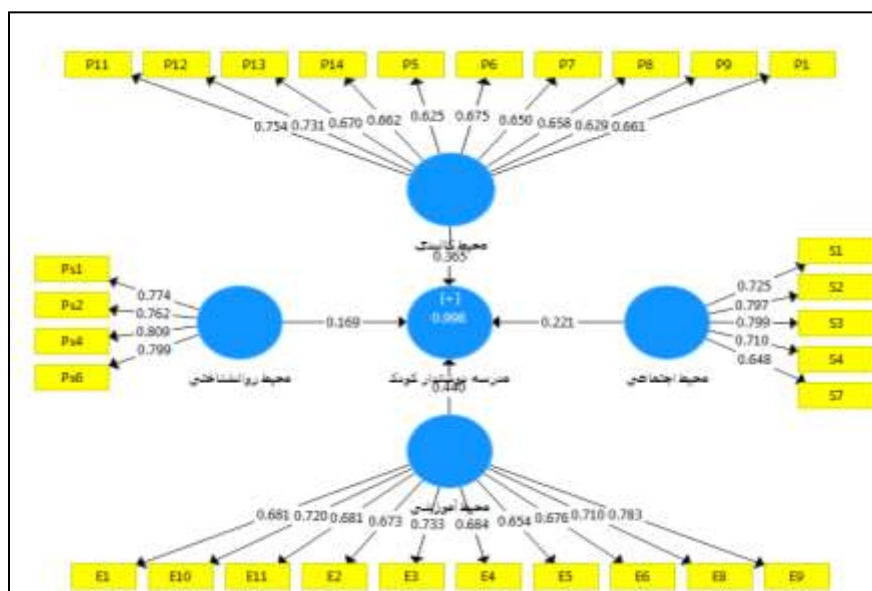
مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴

مدرسه دوستدار کودک	محیط کالبدی	محیط روانشناختی	محیط اجتماعی	محیط آموزشی	
				۰/۷۰۰	محیط آموزشی
			۰/۷۳۸	۰/۶۶۰	محیط اجتماعی
		۰/۷۸۶	۰/۶۰۷	۰/۷۰۷	محیط روانشناختی
	۰/۶۷۳	۰/۶۳۷	۰/۴۵۹	۰/۵۰۲	محیط کالبدی
۰/۵۸۰	۰/۷۹۵	۰/۸۴۷	۰/۷۸۲	۰/۸۸۹	مدرسه دوستدار کودک

جدول (۶)، ضرایب همبستگی و شاخص روایی منفک بین متغیرهای محیط آموزشی، محیط اجتماعی، محیط روانشناختی، محیط کالبدی و مدرسه دوستدار کودک را نشان می‌دهد. ضرایب همبستگی بالا (به‌ویژه بین متغیرها و مدرسه دوستدار کودک) نشان‌دهنده ارتباط قوی بین این متغیرها است؛ به طوری که محیط آموزشی با ضریب ۰/۸۸۹ بیشترین همبستگی را با مدرسه دوستدار کودک دارد. همچنین، ضرایب همبستگی بین خود متغیرها نیز نسبتاً بالاست که نشان‌دهنده ارتباطات درونی بین آن‌ها است. با توجه به اینکه ضرایب همبستگی بین هر متغیر با خودش مقدار قابل توجهی دارد (به‌عنوان مثال، ۰/۷۰۰ برای محیط آموزشی)، این موضوع نشان‌دهنده روایی همگرا در این متغیرها است. همچنین، با بررسی دقیق ضرایب همبستگی بین متغیرها، می‌توان به روایی منفک نیز پی‌برد. به‌طور خلاصه، این جدول نشان می‌دهد که متغیرها با یکدیگر و با مدرسه دوستدار کودک ارتباط قوی و معناداری دارند و از روایی همگرا و منفک قابل قبولی برخوردارند.

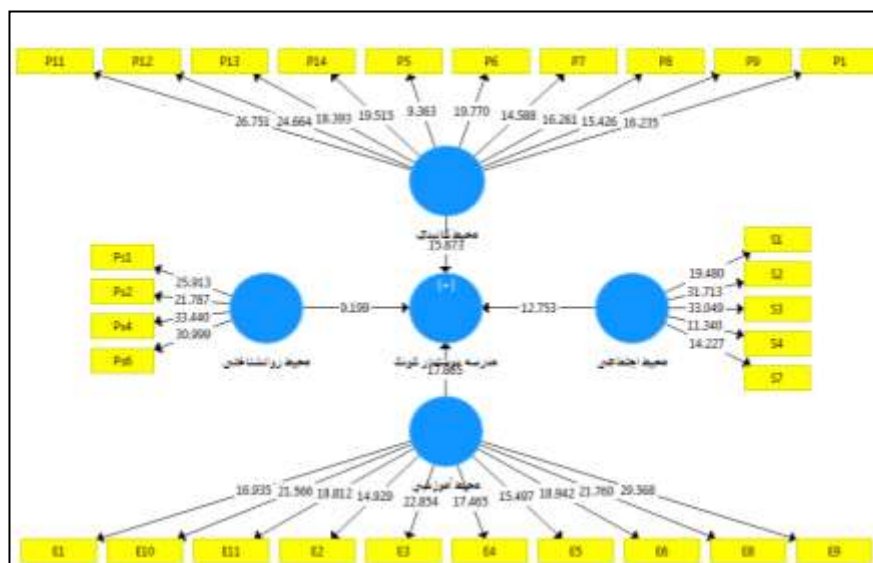
۲.۴. بررسی اعتبار شاخص‌های مدرسه دوستدار کودک

پس از بررسی اعتبار و روایی ابزارهای اندازه‌گیری و سازه‌های پژوهش (مدل بیرونی)، لازم است تا فرضیه‌ها و روابط متغیرهای مکنون (مدل درونی) مورد آزمون قرار گیرد. بدین منظور مدل آزمون شده پژوهش در شکل (۴ و ۵) ارائه شده است.



شکل ۴. مدل اندازه‌گیری ضرایب مسیر و بارهای عاملی در حالت ضرایب استاندارد

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴



شکل ۵. ضرایب معناداری مسیر (T-Values) شاخص‌های پژوهش

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴

۳.۴. آزمون مدل‌سازی معادلات ساختاری

در جدول (۵) نتایج تحلیل عاملی تأییدی (بار عاملی و میانگین واریانس استخراج شده) و آزمون پایایی (پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ) آمده است و شکل (۴ و ۵) مدل تجربی پژوهش است. تحلیل مؤلفه‌های استخراج شده براساس بار عاملی و میزان همبستگی به دست آمده نشان داده است که متغیرهای تبیین کننده‌ای که توسط تحلیل عاملی اکتشافی استخراج شده است، دارای پایایی کلی با میانگین $0/932$ و آلفای کرونباخ $0/928$ برای شاخص‌های شهر دوستدار مدرسه است که توجیه قوی‌ای برای این موضوع است و مقدار حداقل آن‌ها $0/70$ تعیین شده است. نتایج نشان داد با توجه به مقدار بارهای عاملی به دست آمده برای تمامی سؤالات که بیشتر از $0/50$ است و در سطح معنی‌داری کمتر از $0/05$ ($P < 0/05$) قرار دارند (تمامی مقادیر t بزرگتر از $1/96$ شده است)، نتیجه نشان داد که

روایی سازه تمامی متغیرهای آشکار یا سؤالات پرسشنامه تأیید می‌شود. لازم به ذکر است که ۱۳ سؤال از پرسشنامه شامل سؤالات شماره ۲، ۳، ۴، ۱۰ و ۱۵ (محیط کالبدی)، سؤالات شماره ۵، ۶، ۸، ۹ و ۱۰ (محیط اجتماعی)، سؤالات شماره ۳ و ۴ (محیط روان‌شناختی) و سؤال شماره ۷ (محیط آموزشی) و به دلیل بارعاملی ضعیف و غیر قابل قبول (کمتر از ۰/۶۰) از مدل و تحلیل حذف شدند. برای سنجش پایایی از آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی استفاده شد که مطابق نتایج تمامی مقادیر پایایی ترکیبی بیشتر از ۰/۷۰ است که نشان داد تمامی متغیرها از پایایی مناسبی برخوردارند. مقادیر آلفای کرونباخ تمامی متغیرها نیز بالاتر از ۰/۷۰ به دست آمد که نشان داد براساس روش همسازی درونی یا آلفای کرونباخ نیز پایایی پرسشنامه تأیید شد. آلفای کرونباخ برای شاخص‌های مدرسه دوستدار کودک ۰/۹۲۸ را نشان داد. از شاخص میانگین واریانس استخراج شده جهت بررسی روایی همگرا استفاده شد. میانگین واریانس استخراج شده که روایی همگرا را می‌سنجد، از حداقل ۰/۴۵۹ برای شاخص محیط کالبدی تا حداکثر ۰/۸۸۹ برای شاخص محیط آموزشی به دست آمد که نشان داد روایی همگرای همه شاخص‌ها مقدار مطلوبی به دست آمد. در مجموع نتایج نشان داد که می‌توان روایی و پایایی تمامی عامل‌ها و سؤالات مربوط به آن‌ها را مورد تأیید دانست. جدول (۷). در مدلسازی حداقل مربعات جزئی، شاخصی به نام نیکویی برازش پیشنهاد شده است. این شاخص هر دو مدل اندازه‌گیری و ساختاری را مدنظر قرار می‌دهد و به عنوان معیاری برای سنجش عملکردی مدل به کار می‌رود. برای مقایسه میانگین یا متوسط مقادیر اشتراکی متغیرهای مدل، از خروجی الگوریتم PLS، در قسمت شاخص‌های کیفی مدل، استفاده شده است.

جدول ۷. نیکویی برازش مدل

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴

مدل تخمینی	مدل استاندارد	
۰/۱۱۹	۰/۱۱۹	SRMR
۲۴/۳۱۱	۲۴/۳۱۱	D_ ULS
۵/۲۲۱	۵/۰۱۸	D_ G
۰/۵۸۴	۰/۵۸۳	NFI

جدول ارائه شده، شاخص‌های برازش مدل را در دو حالت استاندارد و تخمینی نشان می‌دهد که همگی بیانگر برازش قابل قبول مدل با داده‌های جمع‌آوری شده هستند. به‌طور مشخص، مقادیر پایین SRMR و D_ ULS، و مقادیر نسبتاً بالای NFI در هر دو مدل، نشان‌دهنده تطابق مناسب مدل با داده‌ها است. همچنین، مقادیر D_ G نیز در محدوده قابل قبول قرار دارند. با توجه به یکسان بودن مقادیر شاخص‌ها در مدل استاندارد و تخمینی، می‌توان نتیجه گرفت که این دو مدل تقریباً مشابه هستند. با این حال، برای قضاوت دقیق‌تر، بررسی سایر شاخص‌های برازش و میزان معناداری روابط بین متغیرها ضروری است.

۴.۴. میزان تأثیر شاخص‌های مدرسه دوستدار کودک

جهت سنجش میانگین عامل‌ها و مقایسه آن با مقدار استاندارد یا مفروض از آزمون t تک نمونه‌ای (جدول ۸) استفاده شد. دامنه نمرات پرسشنامه از نوع طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای و از ۱ تا ۵ بود و در نتیجه میانگین نمونه با مقدار ۳ که مقداری متوسط است مقایسه شد. متغیرهایی که میانگین آن‌ها به‌طور معنی‌داری بالاتر از متوسط (۳) باشد، عامل مؤثری هستند. لازم به ذکر است که نرمال بودن شکل توزیع داده‌ها که پیش فرض آزمون پارامتریک تی تک نمونه‌ای است با آماره‌های کجی و کشیدگی بررسی شد و چون مقادیر کجی و کشیدگی تمامی متغیرها در دامنه ۱- تا ۱+ به‌دست آمد، پیش فرض نرمال بودن تأیید شد.

جدول ۸. آزمون تی تک نمونه‌ای به منظور بررسی میزان تأثیر شاخص‌های مدرسه دوستدار کودک

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴

میانگین	تفاوت میانگین	مقدار t	سطح معنی‌داری	
۰/۴۳۲	۰/۰۲۶	۱۷/۱۵۹	۰/۰۰۰	محیط آموزشی -> مدرسه دوستدار کودک
۰/۲۲۱	۰/۰۱۷	۱۲/۸۳۷	۰/۰۰۰	محیط اجتماعی -> مدرسه دوستدار کودک
۰/۱۷۷	۰/۰۱۹	۸/۹۵۲	۰/۰۰۰	محیط روانشناختی -> مدرسه دوستدار کودک
۰/۳۶۲	۰/۰۲۴	۱۵/۵۱۵	۰/۰۰۰	محیط کالبدی -> مدرسه دوستدار کودک

نتایج آزمون معادلات ساختاری که در جدول (۸) ارائه شده، نشان‌دهنده یک ارتباط معنادار و مستقیم بین شاخص‌های مختلف مدرسه دوستدار کودک و خود مفهوم مدرسه دوستدار کودک است. به عبارت دیگر، هر تغییری در یکی از این شاخص‌ها، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، بر میزان دوستدار کودک بودن دبیرستان‌های متوسطه دوم در شهر اسلام‌آباد غرب تأثیر می‌گذارد. در این میان، شاخص «محیط آموزشی» با میانگین ۰/۴۳۲ و مقدار t برابر ۱۷/۱۵۹، بیشترین تأثیر را دارد، که نشان‌دهنده اهمیت بالای محیط‌های آموزشی مناسب و با کیفیت در ایجاد فضاهای آموزشی دوستدار کودک است. این امر به‌وضوح نشان‌دهنده اهمیت فوق‌العاده محیط‌های آموزشی با کیفیت و مناسب در ایجاد یک مدرسه دوستدار کودک است. این برتری، تأکید می‌کند که فضاهای آموزشی مطلوب، از نظر فیزیکی، روانی و اجتماعی، تأثیر بسزایی در یادگیری و رشد دانش‌آموزان دارند و به‌طور مستقیم بر کیفیت یادگیری آن‌ها اثر می‌گذارند. محیط‌های آموزشی مناسب می‌توانند انگیزه دانش‌آموزان را افزایش دهند، تمرکز آن‌ها را بهبود بخشند و فرآیند یادگیری را تسهیل کنند. این نتیجه، ضرورت توجه ویژه به محیط‌های آموزشی در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های مربوط به مدارس را نشان می‌دهد و تأکید می‌کند که برای ایجاد مدارس دوستدار کودک، باید در اولویت اول به محیط‌های آموزشی توجه کرد و سرمایه‌گذاری در این زمینه، سرمایه‌گذاری در آینده دانش‌آموزان و جامعه است. پس از محیط آموزشی، «محیط کالبدی» با میانگین ۰/۳۶۲ در رتبه دوم، «محیط اجتماعی» با میانگین

۱۲/۸۷۳ در رتبه سوم، و «محیط روان‌شناختی» با میانگین ۰/۳۶۲ در رتبه چهارم قرار دارند. این نتایج تأکید می‌کنند که برای ایجاد مدارس دوستدار کودک، توجه به همه جنبه‌های محیط مدرسه، از جمله محیط آموزشی، کالبدی، اجتماعی و روان‌شناختی، ضروری است.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر با هدف بررسی و ارزیابی شاخص‌های شهر دوستدار کودک با تأکید بر فضاهای آموزشی، به‌ویژه مدرسه دوستدار کودک، صورت گرفته است. یافته‌های حاصل از مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان داد که رابطه قوی و معناداری (با سطح معناداری $P < 0/05$) میان شاخص‌های شهر دوستدار کودک و مدرسه دوستدار کودک وجود دارد. این نتیجه با یافته‌های پژوهش‌های متعددی از جمله ویدیگال کوچمن (۲۰۲۰)، آقاجان و امامی‌کوپائی (۱۴۰۳)، اسکندری‌تربقان و همکاران (۱۳۹۸) و کریمی‌آذری و طالب‌صفا (۱۳۹۶) همسو است. همگی این مطالعات بر اهمیت محیط‌های آموزشی مناسب و تأثیر مثبت آن‌ها بر رشد و یادگیری کودکان تأکید دارند.

بررسی ضرایب همبستگی نشان داد که "محیط آموزشی" با میانگین ۰.۴۳۲ قوی‌ترین عامل تأثیرگذار بر مدرسه دوستدار کودک است. این یافته با پژوهش‌های آرازو (۲۰۲۳)، پپیتو (۲۰۲۱) و فطریانی و قدریه (۲۰۲۱) همخوانی دارد که همگی به اجرای موفق برنامه‌های مدرسه دوستدار کودک و تأثیر آن بر عملکرد تحصیلی و رفاه کودکان اشاره کرده‌اند. نتایج پژوهش حاضر نیز، همچون مطالعات باقری‌کراچی و همکاران (۱۴۰۲) و سلطانی‌نژاد و صفیان‌بلداجی (۱۴۰۲)، بر اهمیت رویکردی جامع و چندبعدی در تحقق مدرسه دوستدار کودک تأکید دارد.

با این حال، یافته مهم و متفاوت این پژوهش مربوط به شاخص "محیط روان‌شناختی" است که با میانگین ۰.۱۷۷، کمترین میزان تأثیرگذاری را دارد. این شکاف پژوهشی، نقطه عطف تحقیق حاضر است و آن را از مطالعات قبلی متمایز می‌کند؛ درحالی که پژوهش‌های خارجی عمدتاً بر چالش‌های

اجرائی مانند کمبود نیروی انسانی و منابع مالی، (چروتو و همکاران، ۲۰۲۱) یا آمادگی مدارس برای اجرای طرح (سلیم و همکاران، ۲۰۲۰) تمرکز داشته‌اند، یافته‌های ما نشان می‌دهد که در شهرستان مورد مطالعه، علی‌رغم وجود زیرساخت‌های فیزیکی و اجتماعی، جنبه‌های روان‌شناختی و عاطفی دانش‌آموزان به اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفته است. این موضوع با پژوهش نظریور و نوروزیان ملکی (۱۳۹۷) که به نارسایی فضاهای باز مدارس در برآورده کردن نیازهای روانی دانش‌آموزان اشاره می‌کند، همسویی نسبی دارد.

با توجه به نتایج، وضعیت فضاهای آموزشی در شهرستان مورد مطالعه نیازمند اصلاحات اساسی در بعد روان‌شناختی است. پایین بودن امتیاز این شاخص نشان‌دهنده ریشه‌های عمیق‌تری است که باید مورد توجه قرار گیرند. عواملی مانند:

- احساس ناامنی و اضطراب در دانش‌آموزان ناشی از نبود فضاهای آرام برای استراحت و تفکر یا حتی وجود استرس ناشی از محیط آموزشی.
- عدم حمایت عاطفی و کمبود احساس تعلق که می‌تواند به دلیل فقدان برنامه‌های منظم برای تقویت مهارت‌های اجتماعی و عاطفی و یا بی‌توجهی به نیازهای فردی دانش‌آموزان باشد.
- چالش‌های فرهنگی و مدیریتی؛ در بسیاری از مدارس، اولویت بر جنبه‌های صرفاً آموزشی و فیزیکی است و به سلامت روان دانش‌آموزان کمتر بها داده می‌شود.

این یافته‌ها با پژوهش آقاجان و امامی‌کوپائی (۱۴۰۳) که به تأثیر آرامش و امنیت روانی بر تربیت کودک اشاره دارد، همسو است، اما درعین حال نشان می‌دهد که در عمل، این مؤلفه در فضاهای آموزشی مورد مطالعه تأثیر کمتری داشته است. این امر نشان می‌دهد که هرچند مدیران و برنامه‌ریزان به اهمیت این شاخص واقف هستند، اما در عمل نتوانسته‌اند محیطی امن، آرام و حمایت‌کننده ایجاد کنند.

در نهایت، نتایج این پژوهش به صورت جامع و چندوجهی، وضعیت مدرسه دوستدار کودک در شهرستان مورد مطالعه را تبیین می‌کند. درحالی که شاخص‌های "محیط آموزشی"، "محیط کالبدی" و

"محیط اجتماعی" عملکرد مطلوبی داشته‌اند، "محیط روان‌شناختی" به‌عنوان یک عامل مهم و ریشه‌ای، نیازمند توجه ویژه است. این پژوهش نه‌تنها اهمیت محیط‌های آموزشی را برجسته می‌کند، بلکه با برجسته کردن شکاف در جنبه‌های روان‌شناختی، زمینه را برای برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تر و سیاست‌گذاری‌های هدفمند فراهم می‌آورد. برای ایجاد مدارس دوستدار کودک واقعی، لازم است رویکردی جامع اتخاذ شود که در آن سلامت روان و عواطف دانش‌آموزان در کنار زیرساخت‌های فیزیکی و آموزشی، به‌عنوان یک اولویت اصلی در نظر گرفته شود. این رویکرد می‌تواند به بهبود چشمگیر رفاه و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان در بلندمدت منجر شود.

کتابنامه

۱. آقاجان، م؛ و امامی‌کوپایی، س. (۱۴۰۳). شناسایی مؤلفه‌های اثرگذار معماری بر تربیت کودک، مبتنی بر رویکرد اسلامی: فضاهای آموزشی پیش‌دبستان. *علوم تربیتی از دیدگاه اسلام*، ۱۲ (۲۵)، ۱۳۹-۱۷۱.
doi:10.30497/esi.2024.244960.1651
۲. اسکندری‌تربقان، ز؛ حسینقلی، ر؛ و کامل‌نیا، ح. (۱۳۹۸). ارائه چارچوب مفهومی برای طراحی فضای فیزیکی مدرسه ابتدایی بر مبنای نظریه یادگیری مشارکتی ویگوتسکی. *نوآوری‌های آموزشی*، ۷۲ (۱۸)، ۲۷-۵۲.
doi: 10.22034/JEI.2020.103561
۳. باقری‌کراچی، ا؛ صادقی، س؛ و ایمنی، م. (۱۴۰۲). طراحی چارچوب مفهومی مدرسه دوستدار کودک در ایران. *تفکر و کودک*، ۱۴ (۱)، ۲۹-۶۱.
doi: 10.30465/FABAK.2023.7943
۴. رشیدکلویر، ح؛ کریمی‌آذری، ا؛ و پوررضا، س. (۱۳۹۹). ارزیابی ایجاد مؤلفه‌های شهر دوستدار کودک در شهر بندرانزلی. *دانش شهرسازی*، ۴ (۳)، ۵۱-۶۵.
doi: 10.22124/upk.2020.14181.1273
۵. رمضانی، ه؛ و خادم، ر. (۱۴۰۳). بررسی نقش نظام آموزش و پرورش بر تربیت پذیری دانش‌آموزان در مدارس. *اولین همایش بین‌المللی معلمان برتر*، مسجد سلیمان. <https://civilica.com/doc/2166674>

۶. زیاری، ک؛ صراف، م؛ پوراحمد، ا؛ و فرهودی، ر. (۱۴۰۰). تبیین اصول شهر دوستدار کودک با رویکرد ارتقاء محیط شهری به روش دلفی و کاربست آن در منطقه ۲ تهران. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۳۶ (۲)، ۱۸۹-۱۷۳. <http://georesearch.ir/article-1-1037-fa.html>
۷. سلطانی نژاد، ن؛ و صفیان بلداجی، ر. (۱۴۰۲). واکاوی انگاره‌های معلمان دوره ابتدایی از مفهوم «مدرسه دوستدار کودک». نظریه و عمل در برنامه درسی، ۱۱ (۲۲)، ۱۶۹-۲۰۴. doi: 10.22034/tpcj.2024.190372
۸. شهمیری، ن؛ زعیم‌دار، م؛ موگویی، ر؛ و ملماسی، س. (۱۴۰۲). ارائه الگوی مدیریت و برنامه‌ریزی محیط‌زیست شهری امن با رویکرد شهر دوستدار کودک (مطالعه موردی: کلان‌شهر تهران). جغرافیا و توسعه فضایی شهری، ۱۰ (۲)، ۱۱۳-۱۳۱. doi: 10.22067/jgusd.2022.76980.1202
۹. عالمی، م؛ و طایی، ف. (۱۴۰۰). بررسی تطبیقی حقوق کودک از منظر حقوق ایران و حقوق بین‌الملل. مطالعات حقوق بشر/اسلامی، ۱ (۱۰)، ۱۷۷-۲۰۰. <https://www.magiran.com/p2309933>
۱۰. فتحی، م. (۱۳۹۸). نظریه سازنده‌گرایی اجتماعی و دلالت‌های آن برای فرایند یادگیری و تدریس. پویش در آموزش علوم انسانی، ۵ (۱۵)، ۸۶-۱۰۰. SID. <https://sid.ir/paper/371273/fa>
۱۱. کریمی‌آذری، ا؛ و طالب‌صفا، م. (۱۳۹۶). اصول طراحی مدارس دوستدار کودک در مقطع ابتدایی با رویکرد ارتقاء رشد شناختی دانش‌آموزان در ایران (نمونه موردی: مدارس ابتدایی شهر رشت). اجلاس بین‌المللی مطالعات نوین در عمران، معماری و شهرسازی با رویکرد ایران اسلامی، مشهد.
۱۲. میرشکاری، س. (۱۴۰۱). بررسی نقش آموزش و پرورش در تربیت و پرورش کودکان. فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، ۸ (۲)، ۱۷۶-۱۸۵.
۱۳. میرمحمدصادقی، ف؛ و نوری، س. (۱۴۰۲). ارزیابی تجربه شهر دوستدار کودک بم. رهپویه معماری و شهرسازی، ۲ (۲)، ۷-۲۶. doi: 10.22034/rau.2023.1987019.1050
۱۴. نظرپور، م؛ و نوروزیان‌ملکی، س. (۱۳۹۷). شناسایی مؤلفه‌های معماری مؤثر در ارتقای یادگیری دانش‌آموزان با تأکید بر فضاهای باز مدارس براساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. مجله مطالعات آموزش و یادگیری، ۱۰ (۲)، ۱۶۵-۱۹۳. doi: 10.22099/jsli.2019.29978.2585

15. Arazo, V. (2023). Status of Implementation of Child-Friendly School System: Its Influence to Pupils' Academic Performance, *Psychology and Education: A Multidisciplinary Journal*, 7(11), 1-19. DOI: 10.5281/zenodo.7789950.
16. Arce, M. C. (2015). Maturing children's rights theory: From children, with children, of children. *The International Journal of Children's Rights*, 23(2), 283-331.
17. Aziz, H., Sudrajat, A., Suparno, S., Pashela, P., Azzahra, L. P., & Mannana, N. F. (2025). Evaluation of the child-friendly school policy in indonesia: analysis of effectiveness and implementation challenges. *Journal of Education and Learning (EduLearn)*, 19(1), 371-379. DOI: <https://doi.org/10.11591/edulearn.v19i1.21706>.
18. Bakhtiar, N., Afrida, A., Mastura, M., & Fitrah, R. (2024). Problematics of Implementing Child-Friendly School Programs in Preschool Institutions. *KINDERGARTEN: Journal of Islamic Early Childhood Education*, 7(2), 169-178. DOI: <http://dx.doi.org/10.24014/kjiece.v7i2.33926>
19. Brown, C., de Lannoy, A., McCracken, D., Gill, T., Grant, M., Wright, H., & Williams, S. (2019). Child-friendly cities. *Cities & health*, 3(1-2), 1-7. <https://doi.org/10.1080/23748834.2019.1682836>
20. Cairns, L. O., Fambasayi, R., Katsidzira, R. S., Milić, P., Cilliers, J., & Barros, P. (2024). Laying the Foundations for a Child-Focused Cities Analytical Framework: Reflections from an International, Interdisciplinary Collaboration. *Urban Planning*, 9(12), 17-28. DOI: <https://doi.org/10.17645/up.8264>
21. Chu, M., Fang, Z., Lee, C. Y., Shang-Kuan, C. H., Mao, L., & Chiang, Y. C. (2025). Building a child-friendly social environment from the perspective of children in China based on focus group interviews. *Current Psychology*, 44(3) 2001-2017. <https://doi.org/10.1007/s12144-024-07273-x>.
22. Cobanoglu, F., Ayvaz-Tuncel, Z., & Ordu, A. (2018). Child-Friendly Schools: An Assessment of Secondary Schools. *Universal Journal of Educational Research*, 6(3), 466-477.
23. Djoehaeni, H., Agustin, M., Gustiana, A. D., & Kamarubiani, N. (2020). A child-centered classroom program: An approach to promote child friendly schools. In *Borderless Education as a Challenge in the 5.0 Society* (pp. 252-259). Routledge. DOI: <http://doi.org/10.11591/ijere.v13i2.25440>.

24. Elkhoully, A. P. D. A., Shawket, A. P. D. I. M., & Ahmed, A. P. D. M. M. (2022). Child Friendly Cities between theoretical conceptualization and real perception: Capturing the children's perspectives to the city; *a pilot case study in GCR*.
25. Fitriani, S., & Qodariah, L. (2021). A Child-Friendly School: How the School Implements the Model. *International Journal of Evaluation and Research in Education*, 10(1), 273-284. DOI: <http://doi.org/10.11591/ijere.v10i1.20765>.
<https://doi.org/10.1016/j.learninstruc.2023.101829>.
<https://doi.org/10.1080/14733285.2024.2353746>.
26. Iskandar, D. (2024). The the effectiveness of child-friendly schools on the character. *Journal Administrasi Pendidikan*, 1(1), 13-26.
 DOI:10.55324/josr.v1i12.387.
27. Jansson, M., Herbert, E., Zalar, A., & Johansson, M. (2022). Child-friendly environments-What, how and by whom? *Sustainability*, 14(8), 48-59.
<https://doi.org/10.3390/su14084852>.
28. Kattam, A. J., Barasa, P. L., Kapkiai, M., & Bitok, E. C. (2024). Teacher's Perception of Child-friendly School Environment in Public ECDE Centres in Uasin-Gishu County. *Research Journal of Education, Teaching and Curriculum Studies*, 2(1), 8-15. DOI:10.58721/rjetcs. v2i1.574.
29. Maisaroh, S., Hadi, S., & Andrian, D. (2024). Instrument model to evaluate children-friendly school program at elementary school in Indonesia. *International Journal of Evaluation and Research in Education (IJERE)*, 13(2), 809.
30. Powell, R. (2024). Child-Friendly Cities and Communities: opportunities and challenges. *Children's Geographies*, 22(5), 716-729.
31. Saputri, D. W. R. I., & Hasibuan, R. (2022). Child-friendly school in improving children's confident character. *Atfālunā Journal of Islamic Early Childhood Education*, 5(2), 38-59. DOI:10.32505/atfaluna. v5i2.4762.
32. Schweder, S., & Raufelder, D. (2024). Does changing learning environments affect student motivation? *Learning and Instruction*, 89, 101-119.
33. Suharsiwi, S., Arifin, R. S., Setiyanti, A., & Arvan, M. (2023). Implementing child-friendly schools' program at Muhammadiyah elementary school in South Tangerang. *Indonesian Journal of Islamic Education Studies (IJIES)*, 6(1), 109-122.

A Study of Family Factors Underpinning Tendency Toward Social Deviance: A Review of Secondary Data from 2001 to 2025

Taha Ashayeri¹

Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran

Solmaz Avarideh

Assistant Professor, Department of Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran

Received: 21 June 2025 Revised: 7 December 2025 Accepted: 13 December 2025

Abstract

Family, as the first and most crucial institution of socialization, can act both as a factor and a barrier to social deviance. The main goal of this study is to identify family factors underpinning the tendency to social deviance through a systematic review of secondary data from 2001 to 2025. Using the quantitative meta-analysis method, we extracted 59 valid Persian studies from the scientific databases of Jihad Daneshgahi, Normagz, Magiran, and the Iranian Journals Database, which were then analyzed by CMA2 software and the Fisher and Cohen test. The findings suggest that several social factors (family trust, social acceptance and support, disintegrated family, family cohesion and social control), psychological (self-esteem, identity crisis, social isolation and family emotional crisis), cultural (religious affiliation, cultural capital, chaotic parenting style and generation gap), economic (family economic capital, relative-financial deprivation and family economic participation) and contextual factors (family dimension, age, social class and education) have a bearing on inclination towards social deviance. According to the findings, designing and implementing national awareness campaigns to promote assertive and loving parenting style, teaching communication skills and conflict resolution to couples and parents, strengthening social capital in the neighborhoods through creation and support of local institutions, NGOs and

1. Corresponding Author. Email: t.ashayeri@uma.ac.ir



©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license:

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

How to cite this article: Ashayeri, T. and Avarideh, S. (2025). A Study of Family Factors Underpinning Tendency Toward Social Deviance: A Review of Secondary Data from 2001 to 2025. Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences, 22(3), 133-164. Doi: 10.22067/social.2025.92242.1613

neighborhood-centered programs, establishing an integrated screening and timely intervention system in schools and social health centers of neighborhood for early identification of at-risk adolescents (focusing on indicators such as broken families, emotional crisis, and relative deprivation) and referring them to counseling, psychotherapy, and social support services are among the key mechanisms for preventing deviance in Iranian society. Ultimately, this study exhibits that tackling social deviance requires moving beyond a shortsighted view and adopting a comprehensive, multidimensional, and integrated model that simultaneously focuses on strengthening protective factors (family institutional cohesion, social control, collective capital, preservation of cultural traditions and norms, promotion of self-esteem, identity formation, and education) and weakening risk factors (persistent unemployment, relative deprivation, chaotic parenting style, diminished social alienation, and value-generation gap) within the family institution.

Keywords: Meta-Analysis, Social Capital, Social Control, Identity Crisis, Relative Deprivation.

مطالعه عوامل خانوادگی مؤثر بر گرایش به کجروی اجتماعی: مروری بر داده‌های ثانویه ۱۳۸۰

الی ۱۴۰۴

طاها عشایری (دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران، نویسنده

مسنول)

t.ashayeri@uma.ac.ir

سولماز آوریده (استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران)

avarideh92@pnu.ac.ir

چکیده

خانواده به‌عنوان نخستین و مهم‌ترین نهاد جامعه‌پذیری عامل و مانع کجروی اجتماعی است. هدف اصلی تحقیق شناسایی عوامل خانوادگی مؤثر بر گرایش به کجروی اجتماعی با مرور سیستماتیک داده‌های ثانویه بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۴ است. روش پژوهش، فراتحلیل کمی است که با استخراج ۵۹ مطالعه معتبر فارسی‌زبان از پایگاه‌های علمی جهاد دانشگاهی، نورمگز، مگیران و بانک اطلاعات نشریات کشور و با به‌کارگیری نرم‌افزار آن‌CMA2 و آزمون فیشر و کوهن، داده‌ها را تحلیل نموده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که چندین عامل اجتماعی (اعتماد خانوادگی، پذیرش و حمایت اجتماعی، خانواده‌آزم‌گسیخته، انسجام خانوادگی و کنترل اجتماعی)؛ روانی (عزت‌نفس، بحران هویت، انزوای اجتماعی و بحران عاطفی خانواده)؛ فرهنگی (تعلق مذهبی، سرمایه فرهنگی، سبک تربیتی آشفته و شکاف نسلی)؛ اقتصادی (سرمایه اقتصادی خانواده، محرومیت نسبی-مالی و مشارکت اقتصادی خانواده) و عامل زمینه‌ای (بعد خانوار، سن، طبقه اجتماعی و تحصیلات) در گرایش به کجروی اجتماعی مؤثر بوده‌اند. براساس یافته‌ها؛ طراحی و اجرای کمپین‌های ملی آگاه‌سازی برای ترویج سبک فرزندپروری قاطع و همراه با محبت و آموزش مهارت‌های ارتباطی و حل تعارض در زوجها و والدین؛ تقویت سرمایه اجتماعی در سطح محلات از طریق ایجاد و حمایت از نهادهای محلی، تشکل‌های غیردولتی و برنامه‌های محله‌محور؛ ایجاد سامانه یکپارچه غربالگری و

نشریه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، سال بیست و دوم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴، شماره پیاپی ۵۳، صص ۱۶۴-۱۳۳

تاریخ تصویب: ۱۴۰۴/۰۹/۲۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۹/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱

مداخله بهنگام در مدارس و پایگاه‌های سلامت اجتماعی محلات برای شناسایی زودهنگام نوجوانان در معرض خطر (با تمرکز بر شاخص‌هایی مانند خانواده ازهم‌گسیخته، بحران عاطفی و محرومیت نسبی) و ارجاع آنان به خدمات مشاوره‌ای، روان‌درمانی و حمایت‌های اجتماعی از سازوکارهای پیشگیرانه کج‌روی در جامعه ایرانی است. درنهایت این پژوهش نشان می‌دهد که مقابله با کج‌روی اجتماعی مستلزم عبور از نگاه تک‌ساحتی و اتخاذ یک الگوی جامع، چندبعدی و یکپارچه است که هم‌زمان بر تقویت عوامل محافظتی (انسجام نهاد خانواده، کنترل اجتماعی، سرمایه جمعی، حفظ سنت و هنجارهای فرهنگی، ارتقای عزت‌نفس، هویت‌یابی و تحصیلات) و تضعیف عوامل خطر (بیکاری پایدار، محرومیت نسبی، سبک تربیتی آشفته، کاهش بیگانگی اجتماعی-فاصله ارزشی-نسلی) در درون نهاد خانواده متمرکز باشد.

واژگان کلیدی: فراتحلیل، سرمایه اجتماعی، کنترل اجتماعی، بحران هویت، محرومیت نسبی.

۱. مقدمه

انحراف اجتماعی از تخطی و ناهم‌نوایی از هنجارهای پذیرفته‌شده توسط اکثریت جامعه ایجاد می‌شود. قدمت کج‌روی و تخطی از هنجارها به درازای تاریخ بشری است (احمدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۶) و در مورد کسانی به‌کاربرده می‌شود که مرتکب اعمالی برخلاف موازین، مقررات، قوانین و معیارهای ارزش فرهنگی می‌شوند (حسنوند و حسنوند، ۱۳۹۰: ۲۵). خانواده از عمومی‌ترین سازمان‌های اجتماعی است که براساس ازدواج بین یک مرد و یک زن شکل می‌گیرد و در آن مناسبات خونی یا اسنادیافته (پذیرش فرزند) به چشم می‌خورد (باقری و هدایتی‌دلر، ۱۳۹۳). نظام خانواده، ترکیب‌یافته از اعضای است که فردا راهی اجتماع شده و در صورت جامعه‌پذیری مناسب، می‌تواند آینده جامعه را شکوفا نماید. فرایند جامعه‌پذیری به‌وسیله نهاد خانواده شامل کودکی، نوجوانی، بزرگسالی و سالخوردگی است (غفاری و مرادی، ۱۳۹۵: ۱۷) و این سبک تربیتی، از بزهکاری، رفتار پرخطر انسانی و ظهور آسیب‌های اجتماعی ممانعت نموده و در صورت عدم تأمین نیازهای اجتماعی از سوی نهاد خانواده، احتمال بزهکاری نیز افزایش می‌یابد (زحمت‌زاده خوری،

۱۳۹۸: ۱۰). در فرایند جامعه‌پذیری، وظایف اجتماعی خانواده در سه شکل ۱. وظایف پایه (برآورده ساختن نیازهای اولیه خوراک و پوشاک)؛ ۲. وظایف تحولی (وظایفی که باید برای تضمین رشد سالم اعضا در کنار نیازهای اولیه زندگی) و ۳. وظایف بحرانی (به توانایی‌های خانواده‌ها در مقابله با حوادث و رخدادها مربوط می‌شود) قرار می‌گیرد (احمدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۴). حلقه اصلی خانواده در ارتباط با بزهکاری، به مفهوم سرمایه اجتماعی برمی‌گردد. با بحران در کارکرد اجتماعی خانواده، سرمایه اجتماعی دچار بحران شده و فرد را به سمت بزهکاری سوق می‌دهد (اشنایدر، ۱۳۸۴: ۵۴). ناتوانی در دسترسی به اهداف اجتماعی و سرخوردگی ناشی از محرومیت‌ها و نابرابری اجتماعی باعث شدت یافتن بزهکاری خانواده‌ها می‌گردد (حسنوند و حسنوند، ۱۳۹۰: ۲۸). در نظریه برچسب‌زنی؛ عمل مجرمانه در خانواده از محیط اجتماعی و از کنش متقابل بر همدیگر تأثیر می‌پذیرد (علی‌وردینا و ستاره، ۱۳۹۲: ۹۳۳). مسائلی مانند جهان‌وطنی، سکولار شدن باورهای دینی؛ دگرگونی مناسبات ارتباطی در خانواده، افزایش فردگرایی در گرایش به بزهکاری خانوادگی مؤثر بوده است (کریم‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۶۷). خانواده در جامعه ایرانی از بادوام‌ترین نهادهای اجتماعی بوده و نظام ارزشی حاکم بر آن در اثر نوسازی؛ دچار تغییراتی شده است (رفیع‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۲۱). ایران از کشورهای در حال توسعه‌ای محسوب می‌شود که جمعیت جوان و نوجوان زیادی دارد و در صورت تربیت مناسب و سالم‌سازی محیط، می‌تواند به توسعه و پیشرفت اجتماعی کمک شایانی نماید (غفاری و مرادی، ۱۳۹۵: ۱۱۸). نقض مکرر هنجارهای اخلاقی و موجی از ناهنجاری و بزهکاری، در ایران وجود دارد و این مسئله به کژکارکردی نهاد خانواده در ارتباط با اجتماع مدنی برمی‌گردد (ترکارانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳۴). ویژگی‌های مختلف خانواده نیز بر احتمال بزهکاری تأثیر می‌گذارند. عوامل خطر در این دسته شامل تک‌والدی، مشکلات سلامت روانی والدین و ناپایداری مالی است که همگی می‌توانند محیطی غیرقابل‌پیش‌بینی برای کجروی اجتماعی ایجاد کنند. مشکلات خانوادگی، خشونت درون خانگی، سابقه اعتیاد و کاهش سرمایه اجتماعی میان اعضای

خانواده و سطح تحصیلات پایین در کنار افزایش محرومیت نسبی شرایط مرتبط با بزهکاری را افزایش می‌دهد. براین اساس هدف و پرسش اصلی تحقیق حاضر عبارت است از:

هدف اصلی پژوهش

مطالعه عوامل خانوادگی مؤثر بر گرایش به کجروی اجتماعی با مروری بر داده‌های ثانویه در فاصله زمانی ۱۳۸۰ الی ۱۴۰۴؛

پرسش اصلی پژوهش

مهم‌ترین عوامل خانوادگی مؤثر بر گرایش به کجروی اجتماعی با مروری بر داده‌های ثانویه در فاصله زمانی ۱۳۸۰ الی ۱۴۰۴ کدام‌اند؟

۲. مبانی نظری پژوهش

۲.۱. پیشینه تجربی پژوهش

مک‌لافلین^۱ (۲۰۲۵)، در تحقیقی با عنوان «تأثیر ساختار و فقر خانواده بر بزهکاری جوانان در فاصله ۱۹۹۰ الی ۲۰۲۵» با استفاده از نظریه فشار مرتن نشان داد شرایط نامنظم زندگی؛ محرومیت‌های اجتماعی و بی‌سازمانی خانوادگی منجر به رفتارهای ضداجتماعی شده است. همچنین به تغییرات ساختار خانواده؛ فقر خانوادگی بر جرائم نوجوانان (شامل جرائم خشونت‌آمیز، جرائم علیه مالکیت و سوءمصرف مواد) اثرگذار بوده است. با افزایش نرخ خانوارهای تک‌سرپرست و فقر، طلاق تضادهای خانوادگی، این سه نوع جرم نوجوانان نیز افزایش داشته است. ساشین^۲ (۲۰۲۴)، در تحقیقی با عنوان «ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، خانوادگی و اجتماعی-اقتصادی نوجوانان بزهکار ۹ تا ۱۸ ساله ساکن در خانه‌های نظارتی منتخب در منطقه پایتختی ملی (NCR) دهلی» در بین ۴۴۳ نفر نشان می‌دهد که جنسیت، پیشینه خانوادگی، سطح تحصیلات و سابقه؛ خانواده‌های هسته‌ای؛ سطح

1. McLaughlin

2. Sachin

تحصیلات والدین؛ ناپایداری خانوادگی، نظارت کم والدین، شرایط نامناسب اجتماعی-اقتصادی و مهاجرت با افزایش رفتارهای بزهکارانه مرتبط بودند. راثینابالان و نارایان^۱ (۲۰۱۷) در تحقیقی با عنوان «تأثیر عوامل خانوادگی بر کجروی جوانان» نشان می‌دهد که بزهکاری نوجوانان دارای ماهیت چندعاملی بوده و سن پدر بالای ۵۰ سال، سیگار کشیدن پدر، مصرف الکل، سوء مصرف مواد و دخالت پدر در جرم، سطح تحصیلات و اشتغال مادر، تک‌فرزندی، طلاق یا جدایی والدین و زیست با یک والد (خانوار تک‌سرپرست) به عنوان عوامل خانوادگی معنادار در کجروی اجتماعی بوده‌اند. همچنین ایکلی و کوبان^۲ (۲۰۱۲)، در تحقیقی با عنوان «مطالعه‌ای درباره تأثیر خانواده و همسالان بزهکار بر بزهکاری نوجوانان در ترکیه» در بین ۱۵۲۶ نوجوانان نشان دادند که خانواده بر تمایل نوجوانان به ارتکاب جرم تأثیر داشته و همچنین شبکه‌های اجتماعی سازمان‌یافته، الگوهای رفتاری مناسب و کنترل‌های اجتماعی لازم را برای فرزندان خود، هم‌نشینی افتراقی و احساس محرومیت اجتماعی در مشروعیت یافتن رفتارهای خشونت‌آمیز مؤثر بوده است. همچنین تحقیقات داخلی جهت انجام فراتحلیل در فاصله زمانی ۱۳۸۰ الی ۱۴۰۴ در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول ۱- خلاصه تحقیقات فراتحلیل

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴

نویسنده	مکان	گروه مورد بررسی	روش ابزار	استان
سجودی و همکاران (۱۴۰۴)	شهر رشت	دانش‌آموزان دوره متوسطه	پیمایش + پرسشنامه	گیلان
غفاریان حسین‌آبادی (۱۴۰۳)	مناطق حاشیه‌نشین شهر اصفهان	نوجوانان ساکن مناطق حاشیه‌نشین	پیمایش + پرسشنامه	اصفهان
آزادی (۱۴۰۳)	منطقه ۱۹ تهران	دانش‌آموزان دختر ۱۵ تا ۱۹ ساله و والدین آنها	پیمایش + پرسشنامه	تهران

1. Rathinabalan & Naaraayan

2. Icli & Coban

نویسنده	مکان	گروه مورد بررسی	روش + ابزار	استان
پورقاضی و همکاران (۱۴۰۳)	فیروزکوه	دختران نوجوان	پیمایش + پرسشنامه	تهران
سعادت (۱۴۰۲)	شهر قدس	نوجوانان زیر ۱۸ سال	پیمایش + پرسشنامه	تهران
گل خندان (۱۴۰۱)	کانون اصلاح و تربیت استان اصفهان	اطفال و نوجوانان مقیم کانون اصلاح و تربیت	پیمایش + پرسشنامه	اصفهان
غلام و همکاران (۱۴۰۱)	مدارس مرزی شهرستان قصرقند	دانش آموزان پسر مدارس مرزی	پیمایش + پرسشنامه	سیستان و بلوچستان
پروده و همکاران (۱۴۰۱)	شهرستان کرمانشاه	دختران و پسران ۱۳ تا ۱۸ ساله	پیمایش + پرسشنامه	کرمانشاه
سلطانی و محمدی (۱۴۰۱)	روانسر	۱۰۰ نفر از جوانان و زنان	پیمایش + پرسشنامه	کرمانشاه
احمدی و همکاران (۱۳۹۹)	تهران	نوجوانان بزهکار	پیمایش + پرسشنامه	تهران
عمادی (۱۳۹۸)	ساری	نوجوانان بزهکار	پیمایش + پرسشنامه	مازندران
راسخ و محمودی میمند (۱۳۹۸)	شهر کرمان	جوانان حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین با سابقه حضور در کانون اصلاح و تربیت	پیمایش + پرسشنامه	کرمان
محمدیان و همکاران (۱۳۹۸)	شهرستان مهاباد	دانش آموزان مقطع متوسطه دوم (۱۵-۱۸ سال)	پیمایش + پرسشنامه	آذربایجان غربی
عبداللهی و همکاران (۱۳۹۷)	شهر کازرون	نوجوانان ۱۵ تا ۲۰ ساله	پیمایش + پرسشنامه	فارس
غفاری و همکاران (۱۳۹۶)	تهران	جوانان شهر	پیمایش + پرسشنامه	تهران
عیسی نژاد و ستوده زاده (۱۳۹۶)	اصفهان	دانش آموزان پسر	پیمایش + پرسشنامه	اصفهان

نویسنده	مکان	گروه مورد بررسی	روش + ابزار	استان
اسکندری چراتی (۱۳۹۶)	شهر آزادشهر	نوجوانان پسر ۱۳ تا ۱۹ سال	پیمایش + پرسشنامه	گلستان
قریشی و همکاران (۱۳۹۶)	اصفهان	نوجوانان مقیم کانون اصلاح و تربیت	پیمایش + پرسشنامه	اصفهان
صحرائی (۱۳۹۶)	شهرستان پاکدشت	متهمین بازداشت شده (۱۲۲ نفر)	پیمایش + پرسشنامه	تهران
کیانی مقدم (۱۳۹۶)	زندان کرمانشاه	زنان و دختران زندانی (۷۰ نفر)	پیمایش + پرسشنامه	کرمانشاه
ارسلان و همکاران (۱۳۹۵)	ممسنی	دانش آموزان دختر	پیمایش + پرسشنامه	فارس
یعقوبی و علمی (۱۳۹۵)	تبریز	زندانیان	پیمایش + پرسشنامه	آذربایجان شرقی
غفاری و مرادی (۱۳۹۵)	کرمانشاه	دانش آموزان پسر	پیمایش + پرسشنامه	کرمانشاه
اسماعیلی و همکاران (۱۳۹۵)	تهران	زنان زندانی	پیمایش + پرسشنامه	تهران
فاطمی و همکاران (۱۳۹۵)	زنجان	دانش آموزان دبیرستان	پیمایش + پرسشنامه	زنجان
ابوایوبی و همکاران (۱۳۹۵)	شهر رضوانشهر	نوجوانان ۱۳ تا ۱۸ ساله	پیمایش + پرسشنامه	گیلان
اعتمادی فر و همکاران (۱۳۹۴)	تهران	جوانان	پیمایش + پرسشنامه	تهران
فرزانه و همکاران (۱۳۹۴)	کانون اصلاح و تربیت شهرستان گرگان	نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ ساله مقیم کانون	پیمایش + پرسشنامه	گلستان

نویسنده	مکان	گروه مورد بررسی	روش + ابزار	استان
زمانی راد و همکاران (۱۳۹۴)	کانون اصلاح و تربیت شهرستان گرگان	نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ ساله	پیمایش + پرسشنامه	گلستان
حیدر نژاد و همکاران (۱۳۹۴)	شهر زاهدان	دانش آموزان سال سوم دبیرستان	پیمایش + پرسشنامه	سیستان و بلوچستان
ایمان و همکاران (۱۳۹۴)	شهر کرمان	دختران نوجوان	پیمایش + پرسشنامه	کرمان
صابری (۱۳۹۳)	اصفهان	نوجوان غیر بزهکار	پیمایش + پرسشنامه	اصفهان
علوی و حسنی (۱۳۹۳)	بافت	دانشجویان دختر	پیمایش + پرسشنامه	کرمان
عشایری و جسارتی (۱۳۹۳)	مشکین شهر	شهروندان	پیمایش + پرسشنامه	اردبیل
رضازاده و جواهری (۱۳۹۳)	شهرستان ایلام	نوجوانان پسر بزهکار و غیر بزهکار (هر گروه ۶۰ نفر)	پیمایش + پرسشنامه	ایلام
حاجی تبار فیروزجایی و همکاران (۱۳۹۳)	شهرستان بابل	دانش آموزان دوره متوسطه (دختر و پسر)	پیمایش + پرسشنامه	مازندران
زارع شاه آبادی و بلغوریان (۱۳۹۲)	دانشگاه یزد	دانشجویان دختر دانشگاه یزد	پیمایش + پرسشنامه	یزد
علیوردی نیا و ستاره (۱۳۹۲)	مشهد	دانش آموزان دبیرستان	پیمایش + پرسشنامه	خراسان رضوی
حسن نادری و السادات نصر (۱۳۹۲)	قزوین	بزهکاران کانون اصلاح تربیت	پیمایش + پرسشنامه	قزوین
سلیمیان (۱۳۹۲)	مناطق فقیرنشین، مرکزی و مرفه نشین تهران	دانش آموزان مقطع متوسطه	پیمایش + پرسشنامه	تهران

نویسنده	مکان	گروه مورد بررسی	روش + ابزار	استان
پورشیخی (۱۳۹۱)	خرم آباد	دانش آموزان مقطع متوسطه	پیمایش + پرسشنامه	لرستان
نویدینیا و همکاران (۱۳۹۱)	گرمسار	دانش آموزان مقطع متوسطه	پیمایش + پرسشنامه	سمنان
حسنوند و حسنوند (۱۳۹۰)	سلسله	دانش آموزان مقطع متوسطه	پیمایش + پرسشنامه	لرستان
ودیع و همکاران (۱۳۹۰)	لنگرود	نوجوانان زیر ۱۸ سال	پیمایش + پرسشنامه	گیلان
انصاری و همکاران (۱۳۸۹)	همدان	نوجوانان بزهکار	پیمایش + پرسشنامه	همدان
جهان بخشی (۱۳۸۹)	شهر اصفهان	نوجوانان دختر و پسر بزهکار و غیر بزهکار (۲۰۰ نفر)	پیمایش + پرسشنامه	اصفهان
محمدخانی (۱۳۸۹)	یاسوج	دانش آموزان	پیمایش + پرسشنامه	کهگیلویه و بویراحمد
زحمت زاد خوری (۱۳۸۹)	بندرعباس	نوجوانان بزهکاری	پیمایش + پرسشنامه	هرمزگان
نوری قاسم آبادی و همکاران (۱۳۸۹)	تهران	نوجوانان بزهکار	پیمایش + پرسشنامه	تهران
جعفری (۱۳۸۹)	مناطق حاشیه نشین شهر تبریز	نوجوانان ۱۴ تا ۱۹ ساله	پیمایش + پرسشنامه	آذربایجان شرقی
صادقی فرد (۱۳۸۹)	زندان بیرجند	نوجوانان و جوانان پسر بزهکار (۹۶ نفر)	پیمایش + پرسشنامه	خراسان جنوبی
ساکی و همکاران (۱۳۸۸)	خرم آباد	نوجوانان کانون اصلاح تربیت	پیمایش + پرسشنامه	لرستان
معظمی و مهدوی (۱۳۸۸)	تهران	نوجوانان بزهکار	پیمایش + پرسشنامه	تهران

نویسنده	مکان	گروه مورد بررسی	روش + ابزار	استان
باقری و ملتفت (۱۳۸۸)	اهواز	شهروندان	پیمایش + پرسشنامه	خوزستان
علیوردی نیا و همکاران (۱۳۸۷)	سنندج	دانش آموزان دبیرستان	پیمایش + پرسشنامه	کردستان
محسنی تبریزی و کریمی (۱۳۸۶)	شهر همدان	جوانان ذکور ۱۸ تا ۲۵ ساله (بزهکار و غیربزهکار)	پیمایش + پرسشنامه	همدان
راغب (۱۳۸۰)	تهران	دانش آموزان دختر	پیمایش + پرسشنامه	تهران

۲.۲. مفاهیم اساسی

خانواده: خانواده محصول تعقل و یک گروه طبیعی است که در آن کودکان تا زمانی به والدینشان وابسته هستند که نیاز به صیانت از خوددارند (دورکیم، ۱۳۹۲: ۱۰۴). خانواده قانونی است که در آن چگونگی توزیع و نحوه اعمال قدرت در شکل گیری و رشد شخصیت افراد، اجتماعی شدن فرزندان، عزت نفس، انسجام و حتی احساس رضایت، احساس بیگانگی و تنهایی و خوشبختی زناشویی اثرگذار هستند (مهدوی و صبوری خسروشاهی، ۱۳۸۲).

کج روی اجتماعی: کج روی عمومی ترین اصلاح برای رفتار مجرمانه و شامل مصرف مواد مخدر، رفتار خشونت بار علیه اشخاص (مثل تجاوز)، اموال و دارایی ها (مثل خرابکاری و آتش زنی) و نظم عمومی و سایر جرایم خشونت آمیز است (علیوردی نیا و ستاره، ۱۳۹۲: ۸۱).

۲.۳. نظریه کژکارکردی بی سازمانی نهاد خانواده

واردل^۱ (۲۰۰۷) به بررسی ارتباط بین ناپایداری زناشویی و افزایش بزهکاری نوجوانان پرداخته است. نوجوانان به خاطر اشتباهات و نابسامانی زناشویی والدین خود مجازات می شوند. نمره بزهکاری در میان نوجوانانی که با والدین متأهل زندگی می کنند، بسیار پایین تر از آنهایی است که

1. Wardle

با بزرگسالانی که بدون ازدواج هم‌زیستی دارند، زندگی می‌کنند. نظریه نابسامانی اجتماعی^۱ بیان می‌کند که ناتوانی یک جامعه در تحقق ارزش‌های مشترک و حفظ کنترل اجتماعی مؤثر، منجر به افزایش جرم می‌شود. ساختارهای غیر سنتی خانواده بر سازمان‌دهی اجتماعی و نرخ جرم تأثیر می‌گذارند. طبق نظریه کنترل اجتماعی^۲؛ پیوندهای قوی خانوادگی و اجتماعی به پیشگیری از رفتارهای بزهکارانه نوجوانان کمک می‌کنند (هیرشی^۳، ۱۹۶۹) این موضوع زمانی بیشتر آشکار می‌شود که دو نوع اصلی خانوار تک‌سرپرست؛ یعنی خانوارهای سرپرستی‌شده توسط مادر و پدر را با یکدیگر مقایسه کنیم. خانوارهای تک‌سرپرست مادر محور اغلب با فشار مالی بیشتری نسبت به خانوارهای تک‌سرپرست پدر محور مواجه هستند. این امر می‌تواند منجر به حساسیت بیشتر در برابر جرائم علیه مالکیت یا جرائم مرتبط با مواد مخدر شود (هویو^۴ و همکاران، ۲۰۰۹). همچنین خانوارهای دارای سبک سخت‌گیرانه‌تر و انضباط‌محورتر می‌تواند بر نوع جرمی که آن نوجوانان مرتکب می‌شوند، تأثیر بگذارد. ناکارآمدی خانوادگی مهم‌ترین عامل گرایش نوجوانان به فعالیت‌های ضداجتماعی است. محیط نامناسب خانوادگی در اکثر موارد عامل برجسته‌ای در بزهکاری آن‌ها بوده است. فقر، الگوی خانواده هسته‌ای و بی‌سوادی همگی در بروز رفتارهای ناهنجار کودکان نقش داشته‌اند (کومانور و لاد^۵، ۲۰۰۲). نرخ بزهکاری در خانواده‌های ناپایدار بالاتر است. نوجوانانی که با مادران تک‌سرپرست (بدون پدر) زندگی می‌کردند، نسبت به نوجوانان خانواده‌های کامل، بزهکاری کمتری داشتند. در مقابل، خانواده‌هایی که در آن‌ها مادر غایب بود، بزهکاری و ناپایداری خانوادگی به‌مراتب بالاتری نشان دادند. پس از ناپایداری خانوادگی، زیست با مادر اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا به کاهش بزهکاری کمک می‌کند. مادران همواره در پرورش و حمایت از کودکان نقشی حیاتی ایفا

1. Social Disorganization Theory

2. Social Control Theory

3. Hirschi

4. Hoeve

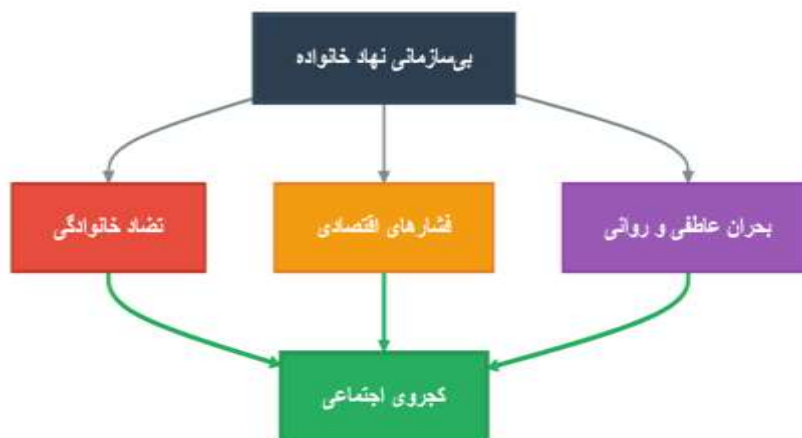
5. Comanor & Llad

می‌کنند (جویی و فارینگتون^۱، ۲۰۰۱). براین اساس عوامل خطری مانند رفتارهای ناکارآمد فرزندان، بزهکاری والدین و سوء رفتار در دوران کودکی می‌توانند به‌طور معناداری احتمال درگیری افراد در فعالیت‌های بزهکارانه را افزایش دهند. خانواده‌های آسیب‌پذیر در ایجاد محیط‌های حمایت‌گر برای فرزندان خود با چالش‌های بیشتری روبه‌رو هستند که این امر مستعد بودن آن‌ها به جرم را افزایش می‌دهد. عوامل خطر در پویایی‌های خانوادگی شامل رفتارهای ناکارآمد والدینی مانند نظارت ضعیف، انضباط ناسازگار و درگیری‌های خانوادگی است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که پیوند ضعیف عاطفی میان والدین و فرزندان، همراه با بزهکاری یا مصرف مواد مخدر توسط والدین، می‌تواند به‌طور چشمگیری به رفتارهای بزهکارانه نوجوانان دامن بزند (کاثیریآ^۲، ۲۰۲۵).

۴.۲. نقد پیشینه و نوآوری پژوهش

بررسی پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه کج‌روی اجتماعی و نقش خانواده، نشان می‌دهد که مطالعات داخلی با رویکرد کمی و با استفاده از پرسشنامه به شناسایی عوامل خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر گرایش به بزهکاری پرداخته‌اند. یافته‌های این مطالعات بر نقش تعیین‌کننده عواملی همچون گسیختگی خانواده، فقر اقتصادی، نظارت ناکافی والدین، خشونت خانوادگی، دوستان ناباب و کاهش سرمایه اجتماعی درون‌خانوادگی تأکید دارند. همچنین تحقیق حاضر برخلاف رویکردهای پراکنده و صرفاً تبیینی پیشینه با استفاده از نظریه بی‌سازمانی و کژکارکردی نهاد خانواده به ترکیب اندازه اثر متغیرهای مستقل بر وابسته در فاصله زمانی ۱۳۸۰ الی ۱۴۰۴ با حجم نمونه ۵۳ سندی پرداخته است.

۲.۵. الگوی نظری پژوهش



شکل ۱- الگوی نظری پژوهش

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴

۳. روش پژوهش

این پژوهش با به‌کارگیری روش **فرا تحلیل**^۱ به‌عنوان یک روش کمی نظام‌مند، به تلفیق آماری نتایج تحقیقات پیشین در حوزه عوامل مؤثر بر **کج روی اجتماعی** در قالب اندازه اثر ترکیبی^۲ است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه مطالعات فارسی‌زبان منتشرشده در بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۴ بود که به بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل (اجتماعی، فرهنگی، روانی، اقتصادی، زمینه‌ای) با متغیر وابسته (کج روی اجتماعی) پرداخته‌اند. این مطالعات از پایگاه‌های معتبر علمی شامل پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، بانک اطلاعات نشریات کشور، نورمگز و مگیران استخراج شده و در فرایند غربالگری نظام‌مند و با اعمال ملاک‌های ورود و خروج، از بین ۸۸ مطالعه شناسایی شده، تعداد ۵۹

1. Meta-analysis

2. Overall Effect Size

مطالعه به عنوان نمونه نهایی فراتحلیل انتخاب شدند. ملاک‌های ورود شامل کمی بودن روش پژوهش، گزارش ضریب همبستگی یا سایر شاخص‌های قابل تبدیل به r ، گزارش حجم نمونه و سطح معنی‌داری یا آماره آزمون، داشتن روایی و پایایی قابل قبول و تمرکز بر رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته و ملاک‌های خروج شامل کیفی، مروری یا اسنادی بودن مطالعه، فقدان داده‌های آماری لازم (مانند n ، r ، p -value و عدم شفافیت در روش‌شناسی) بوده است. برای گردآوری داده‌ها از فیشبرداری نظام‌مند از مقالات استفاده شد. داده‌های لازم شامل نویسنده، سال انتشار، حجم نمونه، ضریب همبستگی و سطح معنی‌داری برای هر رابطه و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار فراتحلیل استفاده شد. به این حالت ضرایب همبستگی (r) به ضریب Z فیشر تبدیل شده تا توزیع نرمال برقرار شود. سپس اندازه اثر ترکیبی با استفاده از مدل اثرات تصادفی^۱ محاسبه گردید.

۴. یافته‌های پژوهش

۴.۱. یافته‌های توصیفی

- بیشترین تمرکز پژوهشی مربوط به سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ است که هرکدام ۱۴/۳ درصد از کل مطالعات را به خود اختصاص داده‌اند. سال ۱۴۰۲ با ۲/۹ درصد در رتبه سوم قرار دارد. در مجموع، سال‌های ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۴ شامل ۴۲/۹ درصد از مطالعات هستند که نشان‌دهنده گرایش قوی به تولید دانش در چهار سال اخیر است. در مقابل، سال‌های ابتدایی این بازه، به‌ویژه ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰، سهمی محدود (کمتر از ۱۷/۱ درصد) دارند.

- جامعه آماری مطالعات عمدتاً حول محور نوجوانان و جوانان (۱۲ تا ۲۵ سال) است که ۷۷/۱ درصد از کل پژوهش‌ها را در برمی‌گیرد. این دسته شامل زیرگروه‌هایی مانند دانش‌آموزان دوره متوسطه (۴۰ درصد)، نوجوانان بزهکار یا مقیم کانون‌های اصلاح و تربیت (۱۷/۱ درصد)، جوانان حاشیه‌نشین یا شهری (۱۱/۴ درصد) و زندانیان جوان (۸/۶ درصد) می‌شود. سایر جوامع هدف شامل

دانشجویان و شهروندان عمومی (هرکدام ۵/۷ درصد) و گروه‌های خاص مانند زنان زندانی یا ساکنان مناطق مرزی (۱۱/۴ درصد به صورت تجمیعی) هستند.

- مطالعات در ۲۵ استان مختلف ایران انجام شده‌اند که نشان‌دهنده پراکندگی جغرافیایی گسترده است. تهران با ۲۲/۹ درصد و اصفهان با ۱۷/۱ درصد بیشترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند. پس‌از آن، کرمانشاه و گیلان (هرکدام ۸/۶ درصد) در رتبه‌های بعدی قرار دارند. سایر استان‌ها از جمله سیستان و بلوچستان، گلستان، همدان، لرستان، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، مازندران، فارس، کرمان، خوزستان، یزد، خراسان رضوی، خراسان جنوبی، قزوین، سمنان، اردبیل، کردستان، هرمزگان و کهگیلویه و بویراحمد هرکدام سهمی بین ۲/۹ تا ۵/۷ درصد دارند. حضور پژوهش‌ها در مناطق مرزی و محروم (مانند روانسر، قصرقند و مهاباد) نیز گویای توجه هم‌زمان به چالش‌های اجتماعی در این مناطق است.

۲.۴. یافته‌های تحلیلی

الف) عوامل اجتماعی

جدول ۲- عوامل اجتماعی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴

سطح معنی‌داری	مقدار Z	حد بالا	حد پایین	اندازه اثر	عامل اجتماعی
۰/۰۰۰	-۱۵/۲۴	-۰/۶۲	-۰/۴۸	-۰/۵۵	اعتماد خانوادگی
۰/۰۰۰	-۱۲/۱۸	-۰/۸۷	-۰/۳۹	-۰/۴۷	پذیرش و حمایت اجتماعی
۰/۰۰۰	-۱۳/۹۱	-۰/۱۰۱	-۰/۷۰	-۰/۶۲	خانواده ازهم‌گسیخته
۰/۰۰۰	-۱۶/۱۱	-۰/۷۱	-۰/۴۵	-۰/۵۸	انسجام خانوادگی
۰/۰۰۰	-۱۰/۱۹	-۰/۴۴	-۰/۳۴	-۰/۴۲	کنترل اجتماعی

براین اساس:

- اعتماد خانوادگی (۰/۵۵-) رابطه معکوس و معنادار با کجروی اجتماعی داشته و نشان می‌دهد که با افزایش سطح اعتماد بین اعضای خانواده، به میزان قابل توجهی از کجروی اجتماعی کاسته شده و فضای صمیمی و قابل اعتماد، نیاز به جستجوی تأیید در گروه‌های بیرونی را کاهش می‌دهد.

- پذیرش و حمایت اجتماعی (۰/۴۷-) رابطه معکوس و معنادار با کجروی اجتماعی داشته و حاکی از آن است که احساس پذیرش و حمایت از سوی جامعه و گروه‌های اجتماعی، به عنوان یک عامل محافظتی قوی عمل کرده و فرد را از افتادن به دامان کجروی اجتماعی باز می‌دارد.

- خانواده از هم گسیخته (۰/۶۲-) رابطه مستقیم و معنادار با کجروی اجتماعی داشته و قوی‌ترین عامل خطر در بین عوامل اجتماعی است. گسست ساختاری و عاطفی در خانواده (نظیر طلاق، تعارض شدید) منجر به از دست دادن کنترل اجتماعی، بی‌هنجاری و افزایش شدید کجروی اجتماعی می‌شود.

- انسجام خانوادگی (۰/۵۸-) دارای رابطه معکوس و معنادار با کجروی اجتماعی بوده و نشان می‌دهد که همبستگی، پیوندهای عاطفی قوی و وحدت در خانواده، مهم‌ترین عامل محافظتی در برابر کجروی اجتماعی است. خانواده منسجم سرمایه اجتماعی درونی ایجاد می‌کند.

- کنترل اجتماعی (۰/۴۲-) دارای رابطه معکوس و معنادار با کجروی اجتماعی بوده و نشان‌دهنده آن است که نظارت، هنجارپذیری و کنترل غیررسمی توسط نهادهای جامعه (خانواده، مدرسه، محله) می‌تواند مانع عمده‌ای برای کجروی اجتماعی ایجاد کند.

ب) عوامل روانی

جدول ۳- عوامل روانی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴

سطح معنی‌داری	مقدار Z	حد بالا	حد پایین	اندازه اثر	عامل روانی
۰/۰۰۰	-۱۰/۴۵	-۰/۱۰۳	-۰/۳۶	-۰/۴۵	عزت نفس
۰/۰۰۰	۱۷/۳۱	۰/۳۷	۰/۲۱	۰/۵۱	بحران هویت
۰/۰۰۰	۸/۷۵	۰/۲۷	۰/۱۸	۰/۴۸	انزوای اجتماعی
۰/۰۰۰	۱۴/۰۳	۰/۷۹	۰/۴۶	۰/۵۶	بحران عاطفی خانواده

براین اساس:

- عزت نفس ($-۰/۴۵$) رابطه معکوس و معنادار با کجروی اجتماعی داشته و نشان می‌دهد که افراد با احساس خودارزشمندی و عزت نفس بالا، کمتر برای کسب هویت و مقبولیت به سمت کجروی اجتماعی کشیده می‌شوند، زیرا منبع درونی قوی برای تأیید دارند.

- بحران هویت ($۰/۵۱$) رابطه مستقیم و معنادار با کجروی اجتماعی داشته و حاکی از آن است که سردرگمی و تعارض در درک خود و نقش اجتماعی، فرد را مستعد می‌سازد تا برای یافتن پاسخ و هویت، به گروه‌های کجرو بپیوندد و مرتکب کجروی اجتماعی شود.

- انزوای اجتماعی ($۰/۴۸$) رابطه مستقیم و معنادار با کجروی اجتماعی دارد و نشان می‌دهد که احساس تنهایی و طردشدگی از شبکه‌های اجتماعی، خطر گرایش به کجروی اجتماعی را افزایش می‌دهد؛ چراکه فرد برای پر کردن خلأ عاطفی و اجتماعی خود به هر گروهی پناه می‌برد.

- بحران عاطفی خانواده ($۰/۵۶$) رابطه مستقیم و معنادار با کجروی اجتماعی دارد و نشان می‌دهد که وجود تنش، خشونت و ناامنی عاطفی در کانون خانواده، به‌طور مستقیم با یادگیری رفتارهای پرخاشگرانه و فرار به سمت کجروی اجتماعی رابطه دارد.

(ج) عوامل فرهنگی

جدول ۴- عوامل فرهنگی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴

سطح معنی‌داری	مقدار Z	حد بالا	حد پایین	اندازه اثر	عامل فرهنگی
۰/۰۰۰	-۷۱/۱۰	-۰/۳۵	-۰/۴۰	-۰/۳۸	تعلق مذهبی
۰/۰۰۰	-۱۵/۴۲	-۰/۷۱	-۰/۶۰	-۰/۳۱	سرمایه فرهنگی
۰/۰۰۰	۱۲/۹۰	۰/۸۸	۰/۱۸	۰/۵۹	سبک تربیتی آشفته
۰/۰۰۰	۸/۲۰	۰/۴۳	۰/۲۶	۰/۳۳	شکاف نسلی

براین اساس:

- تعلق مذهبی (۰/۳۸-) رابطه معکوس و معنادار با کج‌روی اجتماعی دارد و نشان می‌دهد که پایبندی به ارزش‌ها و هنجارهای دینی، به عنوان یک سیستم کنترل درونی قدرتمند عمل کرده و با افزایش هزینه اخلاقی کج‌روی، از کج‌روی اجتماعی جلوگیری می‌کند.
- سرمایه فرهنگی (۰/۳۱-) رابطه معکوس و معنادار با کج‌روی اجتماعی دارد و نشان می‌دهد که برخورداری از دانش، مهارت‌ها و فرهنگ مشروع (مانند تحصیلات عالی، تسلط بر زبان معیار)، دسترسی به فرصت‌های جایگزین را افزایش داده و از کج‌روی اجتماعی می‌کاهد.
- سبک تربیتی آشفته (۰/۵۹) رابطه مستقیم و معنادار با کج‌روی اجتماعی دارد و نشان می‌دهد که نبود ثبات، افراط و تفریط در شیوه‌های تربیتی والدین (سخت‌گیری مفرط یا سهل‌گیری بیش از حد)، مانع از درونی کردن هنجارها شده و فرد را برای کج‌روی اجتماعی مستعد می‌کند.
- شکاف نسلی (۰/۳۳) رابطه مستقیم و معنادار با کج‌روی اجتماعی دارد و حاکی از آن است که اختلاف ارزش‌ها و عدم درک متقابل بین نسل‌ها، می‌تواند به کاهش اقتدار والدین، تضاد و در نهایت افزایش کج‌روی اجتماعی در نسل جوان منجر شود.

(د) عوامل اقتصادی

جدول ۵- عوامل اقتصادی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴

سطح معنی‌داری	مقدار Z	حد بالا	حد پایین	اندازه اثر	عامل اقتصادی
۰/۰۰۰	-۹/۸۷	-۰/۴۶	-۰/۳۹	-۰/۴۰	سرمایه اقتصادی خانواده
۰/۰۰۰	۱۲/۰۱	۰/۶۱	۰/۴۴	۰/۵۲۰	محرومیت نسبی-مالی
۰/۰۰۰	-۶/۳۱	-۰/۲۰	-۰/۲۶	-۰/۲۸	مشارکت اقتصادی خانواده

براین اساس:

- سرمایه اقتصادی خانواده ($-۰/۴۰$) رابطه معکوس و معنادار با کجروی اجتماعی دارد و نشان می‌دهد که برخورداری از درآمد و امکانات اقتصادی کافی، فشار برای ارتکاب جرائم معیشتی را کاهش داده و با فراهم آوردن فرصت‌های مشروع، از کجروی اجتماعی پیشگیری می‌کند.

- محرومیت نسبی-مالی ($۰/۵۲$) رابطه مستقیم و معنادار با کجروی اجتماعی دارد و نشان می‌دهد که احساس ناعدالتی و مقایسه خود با دیگران دارای جایگاه مالی-رفاهی بهتر، حتی در صورت رفع نیازهای اولیه، می‌تواند انگیزه‌ای قوی برای کجروی اجتماعی به‌منظور جبران این محرومیت ادراک‌شده ایجاد کند.

- مشارکت اقتصادی خانواده ($-۰/۲۸$) رابطه معکوس و معنادار با کجروی اجتماعی دارد و نشان می‌دهد که وقتی افراد (به‌ویژه نوجوانان) در تأمین اقتصاد خانواده نقش و مسئولیت دارند، احساس تعلق و تعهد بیشتری کرده و کمتر به سمت کجروی اجتماعی گرایش پیدا می‌کنند.

(ر) عوامل زمینه‌ای

جدول ۶- عوامل زمینه‌ای

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴

سطح معنی‌داری	مقدار Z	حد بالا	حد پایین	اندازه اثر	عامل زمینه‌ای
۰/۰۰۰	۱۷/۵	۰/۲۸	۰/۱۱	۰/۱۵	بعد خانوار
۰/۰۰۰	-۱۱/۱۵	-۰/۷۰	-۰/۲۹	-۰/۲۱	سن
۰/۰۰۰	-۱۹/۰۱	-۰/۲۶	-۰/۱۹	-۰/۳۵	طبقه اجتماعی
۰/۰۰۰	-۲۰/۳۳	-۰/۳۷	-۰/۳۱	-۰/۴۷	تحصیلات

براین اساس:

بعد خانوار (۰/۱۵) رابطه مستقیم و معنادار با کج‌روی اجتماعی دارد و نشان می‌دهد که در خانواده‌های پرجمعیت‌تر، به دلیل کاهش سرانه منابع توجه، نظارت و حمایت والدین، احتمال بروز کج‌روی اجتماعی اندکی افزایش می‌یابد.

- سن (۰/۲۱-) رابطه معکوس و معنادار با کج‌روی اجتماعی دارد و نشان می‌دهد که با افزایش سن (در بازه سنی مطالعات معمولاً نوجوانی به بالا)، به دلیل کسب تجربه، بلوغ عقلانی و اجتماعی، از میزان کج‌روی اجتماعی کاسته می‌شود.

- طبقه اجتماعی (۰/۳۵-) رابطه معکوس و معنادار با کج‌روی اجتماعی دارد و نشان می‌دهد که تعلق به طبقات اجتماعی-اقتصادی بالاتر، به دلیل برخورداری از سرمایه‌های مختلف (اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی)، یک عامل محافظتی در برابر کج‌روی اجتماعی است.

- تحصیلات (۰/۴۷-) رابطه معکوس و معنادار با کج‌روی اجتماعی دارد و نشان می‌دهد که تحصیلات نه تنها باعث افزایش آگاهی و درونی کردن هنجارها می‌شود، بلکه با گشودن فرصت‌های شغلی و اجتماعی مشروع، به‌طور مؤثر عامل بازدارنده کج‌روی اجتماعی است.

۵. نتیجه گیری

پدیده کجروی اجتماعی به عنوان یکی از چالش های بنیادین جوامع معاصر، نه تنها نظم اجتماعی را تهدید می کند، بلکه هزینه های انسانی و اقتصادی سنگینی را بر دوش جامعه می گذارد. نهاد خانواده به عنوان اولین و مهم ترین کانون جامعه پذیری، نقشی محوری در پیشگیری یا تشدید گرایش به کجروی دارد. مسئله اصلی این است که علی رغم مطالعات پراکنده در این حوزه، فقدان یک دیدگاه جامع و یکپارچه که قدرت نسبی عوامل مختلف خانوادگی را مشخص کند، مانع از طراحی برنامه های پیشگیرانه مؤثر شده است. براین اساس، سؤال اصلی پژوهش این بود: "مهم ترین عوامل خانوادگی مؤثر بر گرایش به کجروی اجتماعی کدام بوده و قدرت تأثیرگذاری هر کدام تا چه اندازه است؟"، براین اساس نتایج ۵۹ سند فاصله زمانی ۱۳۸۰ الی ۱۴۰۴ به روش فراتحلیل کمی نشان داد که:

الف) عوامل اجتماعی

طبق نتایج تحقیق، خانواده از هم گسیخته با اندازه اثر ۰/۶۲ قوی ترین عامل گرایش به کجروی اجتماعی بوده است. این یافته به طور تجربی از نظریه کژکارکردی نهاد خانواده حمایت می کند که بر بی هنجاری ناشی از گسست نظم اجتماعی و کاهش کنترل غیررسمی تأکید دارد. زمانی که ساختار خانواده متلاشی می شود، کارکردهای اساسی آن (مانند جامعه پذیری، حمایت عاطفی و کنترل) دچار اختلال شده و فرد برای یافتن هویت و حمایت، به گروه های بیرونی غالباً کجرو پناه می برد. در مقابل، انسجام خانوادگی با اندازه اثر (۰/۵۸-) قوی ترین عامل محافظتی در برابر کجروی اجتماعی بود. خانواده منسجم با ایجاد شبکه ای از روابط مبتنی بر اعتماد و تعهد متقابل، هزینه های کجروی را برای فرد افزایش داده و منابع عاطفی و اجتماعی لازم برای مقابله با کجروی اجتماعی را فراهم می آورد.

ب) عامل روانی

در این حوزه، **بحران عاطفی خانواده** با اندازه اثر (۰/۵۶) به عنوان قوی ترین عامل گرایش به کج روی اجتماعی شناسایی شد. کودکان و نوجوانان در بستر تعاملات خانوادگی پرتنش و خشونت آمیز، به طور مستقیم الگوهای رفتار پر خاشگرانه و غیرهنجاری را آموخته و آن را به عنوان راهکاری برای حل تعارض درونی می پذیرند. از سوی دیگر، **عزت نفس** (۰/۴۵-) یک عامل محافظتی در برابر کج روی اجتماعی است. دل بستگی به والدین و باور به ارزش های مرسوم، از کج روی جلوگیری می کند. فردی که منبع درونی قوی برای تأیید و خودارزشمندی دارد، کمتر نیازمند جلب توجه و کسب هویت از طریق پیوستن به گروه های منحرف است.

ج) شاخص فرهنگی

سبک تربیتی آشفته (۰/۵۹) قوی ترین عامل گرایش به کج روی اجتماعی است. والدینی که فاقد یک سبک تربیتی ثابت، قاطع و همراه با محبت هستند (چه سهل گیر و چه مستبد)، مانع از درونی سازی هنجارها و رشد «خودکنترلی» در فرزند می شوند. در مقابل، **تعلق مذهبی** (۰/۳۸-) به عنوان یک سیستم کنترل درونی قدرتمند در برابر کج روی اجتماعی عمل می کند. دین با ایجاد یک نظام اخلاقی مشترک، همبستگی اجتماعی را تقویت و از آنومی جلوگیری می کند. پایبندی به ارزش های دینی، هزینه اخلاقی و روانی کج روی را برای فرد افزایش می دهد.

ب) شاخص اقتصادی

محرومیت نسبی (۰/۵۲) یک عامل اثرگذار در گرایش به کج روی اجتماعی است این یافته، هسته مرکزی نظریه بی سازمانی نهاد خانواده است. زمانی که افراد (حتی با وضعیت اقتصادی متوسط) خود را در مقایسه با دیگران محروم می بینند، احساس ناعدالتی کرده و برای دستیابی به اهداف مادی مورد تأکید جامعه، ممکن است به وسایل غیرمشروع (کج روی) متوسل شوند. **سرمایه اقتصادی خانواده** (۰/۴۰-) نیز یک عامل محافظت کننده در مقابل کج روی اجتماعی است، چراکه دسترسی به

منابع مالی، فرصت‌های مشروع برای پیشرفت را فراهم می‌آورد و فشار برای ارتکاب جرائم معیشتی را کاهش می‌دهد.

ر) شاخص زمینه‌ای

در بین این عوامل، **تحصیلات** ($0/47-$) قوی‌ترین عامل محافظتی در برابر کجروی اجتماعی است. تحصیلات نه تنها فرد را با هنجارهای اجتماعی آشنا می‌کند (جامعه‌پذیری)، بلکه با افزایش سرمایه فرهنگی، فرصت‌های شغلی و جایگاه اجتماعی مشروع را برای او فراهم می‌آورد و جذابیت مسیرهای کجروی اجتماعی را کاهش می‌دهد.

۶. پیشنهادهای سیاستی

- طراحی و اجرای کمپین‌های ملی آگاه‌سازی برای ترویج سبک فرزندپروری قاطع و همراه با محبت و آموزش مهارت‌های ارتباطی و حل تعارض به زوجها و والدین.

- تقویت سرمایه اجتماعی در سطح محلات از طریق ایجاد و حمایت از نهادهای محلی، تشکل‌های غیردولتی و برنامه‌های محله‌محور که به انسجام اجتماعی و حمایت از خانواده‌های در معرض خطر می‌پردازند.

- ایجاد سامانه یکپارچه غربالگری و مداخله بهنگام در مدارس و پایگاه‌های سلامت اجتماعی محلات برای شناسایی زودهنگام نوجوانان در معرض خطر (با تمرکز بر شاخص‌هایی مانند خانواده ازهم‌گسیخته، بحران عاطفی و محرومیت نسبی) و ارجاع آنان به خدمات مشاوره‌ای، روان‌درمانی و حمایت‌های اجتماعی.

درنهایت این پژوهش نشان می‌دهد که مقابله با کجروی اجتماعی مستلزم عبور از نگاه تک‌عاملی و اتخاذ یک راهبرد چندبعدی و یکپارچه است که هم‌زمان بر تقویت عوامل محافظتی (مانند انسجام

خانواده، عزت نفس و تحصیلات) و تضعیف عوامل خطر (مانند محرومیت نسبی و سبک تربیتی آشفته) در درون نهاد خانواده متمرکز باشد.

۷. محدودیت‌های پژوهش

-عدم دسترسی به طرح‌های کلان و ملی صورت گرفته در زمینه نقش عوامل خانوادگی بر کج‌روی اجتماعی؛

-عدم ارائه کامل برخی از مقالات پژوهشی در پایگاه‌های علمی

-فقدان تعریف مفهومی و عملیاتی در برخی پژوهش‌ها

-ارائه نشدن ضرایب همبستگی (پیرسون و اسپیرمن) در برخی مقالات

۸. سپاسگزاری

نویسندگان مقاله حاضر؛ از محققان، پژوهشگران و اساتید گرامی که در زمینه عوامل خانوادگی مرتبط با کج‌روی اجتماعی؛ تحقیقات خود را انجام داده و داده‌های آن را بدون منت در اختیار ما قرار دادند، تقدیر و تشکر می‌کنند. همچنین از داوران محترم مجله، سردبیر، مدیر داخلی و اعضای مجله؛ بابت کمک به اصلاحات و ارتقای کیفیت مقاله حاضر، نهایت تشکر را دارند.

کتابنامه

۱. آزادارمکی، ت؛ زند، م؛ و خزاعی، ط. (۱۳۸۱). روند تغییرات فرهنگی اجتماعی خانواده تهرانی طی سه نسل. *مجله علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)*، ۴۴ و ۴۵، ۱ - ۲۴.
۲. آزادی، ح. (۱۴۰۳). *بررسی رابطه آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان دختر با سرمایه اجتماعی والدین (مطالعه موردی مدارس متوسطه منطقه ۱۹ تهران)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شاهد، دانشکده علوم انسانی.
۳. آوتویت، و؛ باتامور، ت. (۱۳۹۳). *فرهنگ علوم اجتماعی قرن بیستم*. (چاوشیان، ح، مترجم). تهران: نشر نی.

۴. ابویوبی، س؛ نوری‌لنگ، س؛ و شریفی‌طاسکوه، ر. (۱۳۹۵). نقش خانواده به‌عنوان عامل و مانع بزهکاری نوجوانان ۱۸-۱۳ سال (مطالعه موردی: رضوانشهر). نشریه پژوهش‌های جغرافیایی اجتماعی، ۱(۱۷)، ۸۹-۱۰۳.
۵. احمدرئیزی، ب؛ رئیسی، خ؛ رئیسی، س؛ و غلام، د. (۱۴۰۱). بررسی میزان تأثیر ابعاد بزهکاری در گرایش دانش‌آموزان به بزه در مدارس مرزی شهرستان قصرقند. نشریه پیشرفت‌های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، ۱۲(۵۲)، ۳۸۱-۳۹۳.
۶. احمدی، آ؛ صابری، س. م؛ پورنقاش‌تهرانی، س. س؛ و ارجمندنیا، ع. ا. (۱۳۹۹). تأثیر عملکرد خانواده بر بروز بزهکاری در نوجوانان کانون اصلاح تربیت شهر تهران. مجله روانشناسی کاربردی، ۲۱(۴)، ۱۰۲-۱۲۵.
۷. اسکندری‌چراتی، آ. (۱۳۹۶). بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر بزهکاری نوجوانان (مطالعه موردی: نوجوانان پسر ۱۳ تا ۱۹ سال شهر آزادشهر). نشریه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ۱۳(۴)، ۱۸۵-۲۰۶.
۸. اسماعیلی، ف؛ و کاشانی، م. (۱۳۹۵). بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر بزهکاری زنان زندانی (مورد مطالعه: ندامتگاه شهرری). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مطالعات زنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم اجتماعی.
۹. اشنایدر، ب. (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی. (حیدری، د، مترجم). مجله رشد آموزش علوم اجتماعی (ویژه‌نامه سرمایه اجتماعی)، ۹(۲)، ۵۴-۵۹.
۱۰. اعتمادی‌فرد، س. م؛ لطفی‌خاچکی، ب؛ و مهدی‌زاده، م. (۱۳۹۴). تأثیر سرمایه اجتماعی خانوادگی بر انحرافات اجتماعی. مجله مسائل اجتماعی ایران، ۶(۲)، ۵-۲۵.
۱۱. اکرم‌زاده، ب؛ پورقهرمانی، ب؛ و بیگی، ج. (۱۴۰۰). بررسی رابطه تحولات ساختاری نهاد خانواده با گرایش به بزهکاری سایبری. دو فصلنامه پژوهش‌های انتظامی، ۹(۲)، ۵۵۳-۵۸۲.

۱۲. ایمان، م. ت؛ شیردل، ح؛ شیردل، ا؛ و انجم شعاع، ف. (۱۳۹۴). تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر تمایل دختران نوجوان به بزهکاری در شهر کرمان. *فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۱۹ (۲۸)، ۱۹۱-۲۰۳.
۱۳. باقری، م؛ و ملتفت، ح. (۱۳۸۹). بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر ارتکاب جرم. *فصلنامه دانش اجتماعی*، ۱۱ (۴)، ۵۹-۸۶.
۱۴. باقری، م؛ هدایتی دلریا، م. (۱۳۹۳). نقش خانواده در بزهکاری کودکان و نوجوانان. *کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی و مطالعات رفتاری*، تهران، ۷ بهمن ۱۳۹۳. <https://civilica.com/doc/331399>
۱۵. بیات، ف؛ مهدوی، س. م. ص؛ و ساروخانی، ب. (۱۴۰۰). آشفته‌گی اخلاقی (ارزیابی وضعیت اخلاقی جامعه، از دیدگاه شهروندان تهرانی). *فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۱۶ (۶۰)، ۵۱-۷۹.
۱۶. پرهوده، ف؛ امیری، س؛ حسینی، ح؛ و پرهوده، ف. (۱۴۰۱). تعیین‌کننده‌های گرایش به بزهکاری در بین نوجوانان و راهکارها (دختران و پسران ۱۳ ساله ساکن در شهرستان کرمانشاه). *فصلنامه قانون یار*، ۲۲ (۱)، ۱۱۶-۱۰۷.
۱۷. پورشیخی، م. (۱۳۹۱). *بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی خانواده و بزهکاری نوجوانان (مطالعه موردی دانش‌آموزان دختر و پسر سال سوم دبیرستان شهر خرم‌آباد)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور استان تهران، مرکز پیام نور تهران غرب.
۱۸. پورقاضی، ش؛ عباسی، ا؛ و رحمانی، ف. (۱۴۰۳). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر کج‌روی دختران نوجوان (مورد مطالعه: دختران نوجوان شهر فیروزکوه). *نشریه مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۱۷ (۶۵)، ۱۵۷-۱۸۰.
۱۹. ترک‌رانی، م؛ مرادی‌نژاد، ا؛ و روشن‌پور، ا. (۱۳۹۹). زیست بزهکارانه: مطالعه کیفی زمینه‌های شکل‌گیری بزهکاری در نوجوانان محلات کم‌برخوردار شهر خرم‌آباد. *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*، ۷ (۲۵)، ۱۳۳-۱۷۸.

۲۰. جعفری، ق. (۱۳۸۹). مطالعه جامعه‌شناختی سهم عوامل ساختاری و یادگیری اجتماعی در بزهکاری نوجوانان در شهر تبریز (مطالعه‌ی موردی مناطق حاشیه‌نشین). پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تبریز، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۲۱. جلالی‌پور، ح. ر؛ و حسینی‌نثار، م. (۱۳۸۷). عوامل اجتماعی مؤثر بر بزهکاری نوجوانان رشت. پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی «ویژه‌نامه پژوهش‌های اجتماعی»، ۸(۲)، ۷۷-۱۰۲.
۲۲. جهان‌بخشی، م. (۱۳۸۹). بررسی و مقایسه جو عاطفی خانواده نوجوانان بزهکار و غیربزهکار دختر و پسر شهر اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
۲۳. حاجی تبار فیروزجایی، م؛ حاجی تبار فیروزجایی، ح؛ خوشبخت، ن؛ و مذبوحی، س. (۱۳۹۳). نقش خشونت خانواده علیه دانش‌آموزان در بزهکاری آنان. فصلنامه خانواده و پژوهش، ۱۱(۴)، ۲۳-۴۰.
۲۴. حسن‌نادری، م؛ و نصری، م. ا. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری و سبک‌های مقابله‌ای والدین و بزهکاری نوجوانان پسر آنها. فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی قزوین، ۴(۱)، ۴۱-۵۴.
۲۵. حسنوند، ا؛ و حسنوند، ح. (۱۳۹۰). بررسی عوامل خانوادگی و اجتماعی مؤثر بر رفتار بزهکارانه دانش‌آموزان. فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، ۲(۲)، ۲۱-۳۶.
۲۶. حسنی‌نسب، م؛ و کریمی، ر. (۱۳۹۹). تحلیل نقش خانواده در پیمان برادری براساس نظریه همبستگی اجتماعی دورکیم. فصلنامه مطالعات جنسیت و خانواده، ۷(۲)، ۱۵۰-۱۷۰.
۲۷. حقیقتیان، م؛ و دارابی، م. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر نوسازی فرهنگی و مکانیسم تأثیرگذاری آن بر ارزش‌های خانواده (مطالعه موردی: شهرستان نهاوند). فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، ۶(۲۰)، ۵۹-۸۸.
۲۸. حیدرنژاد، ع؛ قنبری، ق؛ و صفی‌پور، م. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی خانواده و بزهکاری نوجوانان (مطالعه موردی: شهر زاهدان). نشریه پلیس زن، ۱۰(۲۲)، ۶۵-۷۸.
۲۹. داودی، پ. (۱۳۹۱). شاخص خانواده مطلوب از دیدگاه اسلام. تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.

۳۰. دورکیم، ا. (۱۳۹۲). درباره تقسیم کار اجتماعی. (پرهام، پ، مترجم). تهران: نشر مرکز.
۳۱. راسخ، ک؛ و محمودی میمند، س. (۱۳۹۸). عوامل اجتماعی تاثیرگذار بر بزهکاری جوانان حاشیه نشین در شهر کرمان. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۸، (۵۲)، ۹-۲۸.
۳۲. راسخی، ا؛ شیبانی، م؛ و غفاری، غ. ل. (۱۳۹۶). مطالعه رابطه رفاه اجتماعی خانواده با تمایل به رفتارهای ناهنجار و جرم انگاری در بین جوانان (منطقه ۶ و ۱۷ تهران). پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی. دانشگاه تهران.
۳۳. راهب، غ. (۱۳۸۰). بررسی عوامل خانوادگی مؤثر در گرایش نوجوانان دختر ساکن شهر تهران به بزهکاری. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی تهران.
۳۴. رضازاده، ر؛ و جواهری، ز. (۱۳۹۳). نقش و کارکرد روانی خانواده در ساخت شخصیت نوجوانان بزهکار و عادی (مطالعه موردی: شهرستان ایلام). نشریه دانش انتظامی ایلام، ۱۱(۱)، ۶۳-۷۸.
۳۵. رفیع نژاد، م؛ جواهری پور، م؛ و قاسمی، ز. (۱۴۰۰). تبیین نقش کارکردهای دینی خانواده در پیشگیری از نفوذ ارزش های فرامادی در میان زنان قوم ترکمن. دو فصلنامه پژوهش های انتظامی زنان و خانواده، ۱۰(۱۸)، ۲۲۱-۲۴۸.
۳۶. زارع شاه آبادی، ا؛ و بلگوریان، م. (۱۳۹۲). بررسی رابطه طرد اجتماعی و بزهکاری در میان دانشجویان دختر دانشگاه یزد. نشریه بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۴(۲)، ۲۶۵-۲۸۶.
۳۷. زارعی، م. ح؛ ارسلان، ک؛ و عبدالحی، ا. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر بیکاری بر بزهکاری در شهرستان نورآباد ممسنی. کنفرانس بین المللی آینده پژوهی، علوم انسانی و توسعه، اهر.
- <https://civilica.com/doc/581139>
۳۸. زارعی، ی؛ معظمی، ش؛ و انصاری، و. ا. (۱۳۸۹). بررسی عوامل اجتماعی در بزهکاری نوجوانان شهر همدان با تأکید بر عامل خانواده اولیای مدرسه و گروه دوستان. پایان نامه کارشناسی ارشد، حقوق، دانشکده علوم انسانی پیام نور تهران.
۳۹. زحمت زادخوری، ص. (۱۳۹۸). رابطه سرمایه اجتماعی خانواده و میزان جرائم و بزهکاری کودکان و نوجوانان. پژوهشنامه اورمزد، ۴۷(۱۵)، ۸-۲۶.

۴۰. زمانی‌راد، ا؛ فرزانه، س؛ و ملانیاجلودار، ش. (۱۳۹۴). بررسی عوامل خانوادگی مؤثر در گرایش نوجوانان ۱۲-۱۸ ساله به بزهکاری در کانون اصلاح و تربیت شهرستان گرگان. *مجله مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، ۶(۱۸)، ۷۳-۸۹.
۴۱. ساکی، م؛ جاریانی، م؛ صفا، م؛ فرهادی، ع؛ قاسمی، ف؛ بدری‌زاده، ا؛ و کرباسی، ا. (۱۳۸۸). بررسی عوامل خانوادگی و شخصیتی مؤثر بر بزهکاری در نوجوانان بزهکار کانون اصلاح و تربیت شهر خرم‌آباد. *فصلنامه علوم پزشکی لرستان*، ۱۱(۲)، ۱۳-۲۱.
۴۲. سجودی، ع؛ صادقی‌ده‌چشمه، س؛ بابایی‌فرد، ا؛ و نیازی، م. (۱۴۰۴). تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر تمایل به بزهکاری در میان دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر رشت. *فصلنامه خانواده و پژوهش*، ۲۲(۱)، ۴۵-۶۴.
۴۳. سعادت، م. (۱۴۰۲). مطالعه جامعه‌شناختی رابطه احساس محرومیت نسبی و بزهکاری در بین نوجوانان شهر قدس. *نشریه پژوهش انحرافات و مسائل اجتماعی*، ۳(۴)، ۹۳-۱۱۸.
۴۴. سلطانی، ب؛ و محمدی، ف. (۱۴۰۱). عوامل مؤثر بر گرایش جوانان و زنان به اعتیاد و بزهکاری. *مجله پیشرفت نوین در علوم رفتاری*، ۵۵(۱)، ۴۴۹-۴۵۶.
۴۵. سلیمیان، ح. (۱۳۹۲). *مطالعه جامعه‌شناختی نقش خانواده بر گرایش کجروی نوجوانان با تأکید بر دانش‌آموزان مقطع متوسطه مناطق فقیرنشین، مرکزی و مرفه‌نشین تهران*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم اجتماعی.
۴۶. صابری، م. (۱۳۹۳). *تأثیر اختلال سلوک در بزهکاری اطفال و نوجوانان*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه آزادی اسلامی واحد تهران مرکزی.
۴۷. صادقی‌فرد، م. (۱۳۸۹). عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش نوجوانان و جوانان پسر به بزهکاری و راهکارهای پیشگیری از آن. *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*، ۴(۱۶)، ۷۱-۸۵.
۴۸. صحرایی، م. (۱۳۹۶). عوامل اجتماعی مؤثر بر ارتکاب جرم (مورد مطالعه: متهمین دستگیر شده در کلانتری‌های شهر پاکدشت در سه ماهه اول سال ۱۳۹۶). پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق، قیام‌دشت.

۴۹. عبدالحی، ا؛ حسینی، ف؛ و مطهری زاده. (۱۳۹۷). عوامل اجتماعی مؤثر در بزهکاری نوجوانان شهر کازرون و راه‌های پیشگیری از آن. نشریه تمدن حقوقی، ۵ (۱)، ۱۱۳-۱۳۰.
۵۰. عشایری، ط؛ و جسارتی، ع. (۱۳۹۳). تحلیل جامعه‌شناختی نقش خانواده در گرایش جوانان به بزهکاری اجتماعی (شهرستان مشکین‌شهر)، دانش/انتظامی/اربدیل، ۲ (۱۳)، ۱-۲۷.
۵۱. علوی، س؛ و حسینی، ز. (۱۳۹۳). تأثیر رابطه اجتماعی خانواده بر بزهکاری. فصلنامه دانش/انتظامی، ۵ (۱۰)، ۹۸-۱۱۳.
۵۲. علیوردی‌نیا، ا؛ و ستاره، س. (۱۳۹۲). بررسی نقش خانواده، مدرسه، گروه همسالان در بزهکاری دانش‌آموزان. مجله جامعه‌پژوهی فرهنگی، ۴ (۴)، ۷۹-۱۰۳.
۵۳. علیوردی‌نیا، ا؛ شارع‌پور، م؛ و ورمزیار، م. (۱۳۸۷). سرمایه اجتماعی خانواده و بزهکاری. پژوهش زنان، ۶ (۲)، ۱۰۷-۱۳۲.
۵۴. عمادی، ا. (۱۳۹۸). تأثیر سرمایه اجتماعی خانواده بر بزهکاری نوجوانان شهر ساری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی سبز، دانشکده علوم انسانی تهران.
۵۵. عیسی‌نژاد، ا؛ و ستوده‌زاد، م. (۱۳۹۶). بررسی نقش عملکردهای خانوادگی و هوش اخلاقی در گرایش به بزه نوجوانان. فصلنامه فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده، ۱۲ (۳۹)، ۶۵-۸۶.
۵۶. غفاری، د؛ و مرادی، ع. (۱۳۹۵). عوامل مرتبط به بزهکاری نوجوانان، مجله زن و مطالعات خانواده، ۹ (۳۲)، ۱۱۳-۱۳۹.
۵۷. غفاریان‌حسین‌آبادی، س. (۱۴۰۳). بررسی عوامل مؤثر بر گرایش نوجوانان به جرم در مناطق حاشیه شهر اصفهان. نشریه آسیب‌های اجتماعی کودک و نوجوان، ۷ (۴۶)، ۸۵-۱۰۴.
۵۸. فاطمی، د؛ رحیمی، ع؛ سعادت، م؛ و عباس‌زاده، م. (۱۳۹۵). بررسی نقش خانواده در بزهکاری فرزندان. پژوهش‌های راهبردی/امنیت و نظم/اجتماعی، ۵ (۴۱)، ۳۵-۵۰.
۵۹. فرزانه، س. ا؛ ملانیا جلوداز، ش؛ و زمانی‌راد، ا. (۱۳۹۴). بررسی عوامل خانوادگی مؤثر در گرایش نوجوانان ۱۲-۱۸ ساله بزهکاری (مورد مطالعه: کانون اصلاح تربیت). فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، ۶ (۱۸)، ۷۳-۹۸.

۶۰. قریشی، س. ا؛ کلهر، ل؛ مظلوم‌زاده، س؛ حسین‌طهرانی، م. ر؛ و اسکندری، ف. (۱۳۹۶). بررسی ارتباط اختلالات روان‌شناختی و عوامل اجتماعی-اقتصادی با بزهکاری نوجوانان. *مجله دانشکده پزشکی اصفهان*، ۴(۱۸)، ۷۷-۸۳.
۶۱. کیانی‌مقدم، ج. (۱۳۹۶). تبیین جامعه‌شناختی اثرات ساختاری خانواده در گرایش زنان و دختران به جرایم (مورد مطالعه زنان و دختران زندانی کرمانشاه سال ۹۶-۱۳۹۵). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی البرز تهران.
۶۲. گل‌خندان، س. (۱۴۰۱). رابطه ساختار خانواده با بزهکاری اطفال و نوجوانان (مطالعه میدانی در کانون اصلاح و تربیت استان اصفهان ۱۳۹۵). *نشریه پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*، ۳(۱۹)، ۲۰۷-۲۳۵.
۶۳. محسنی‌تبریزی، ع؛ و کریمی، ح. (۱۳۸۶). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر جرائم خشونت‌آمیز جوانان ذکور ۱۸ تا ۲۵ ساله همدانی. *نشریه پژوهش‌های مدیریت انتظامی*، ۲(۲)، ۲۳۳-۲۴۸.
۶۴. محمدخانی، ن. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر خانواده‌های چندهمسری بر گرایش به بزهکاری در دانش‌آموزان مقاطع راهنمایی و متوسطه شهر یاسوج. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، مرکز پیام نور تهران.
۶۵. محمدیان، ع؛ تقوی، ن؛ و نصیری، ح. (۱۳۹۸). عوامل اجتماعی مؤثر بر بزهکاری دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهرستان مهاباد. *نشریه تغییرات اجتماعی-فرهنگی*، ۱۶(۱)، ۱۱۳-۱۳۰.
۶۶. معظمی، ش؛ و مهدوی، م. (۱۳۸۸). اختلال در کارکرد رشدی خانواده و بزهکاری اطفال و نوجوانان. *مجله علمی-پژوهشی تحقیقات زنان*، ۳(۱)، بهار و تابستان، ۸۵-۱۱۱.
۶۷. مهدوی، م. ح؛ و صبوری‌خسروشاهی، ح. (۱۳۸۲). بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده. *مطالعات زنان*، ۲، ۶۷-۲۷.
۶۸. نوری، ز. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر خانواده نابسامان در گرایش فرزندان نوجوان به بزهکاری در شهر اهواز. *ماهنامه اصلاح و تربیت*، ۱۰(۹۶)، ۲۹-۳۶.
۶۹. نویدنیا، م؛ و عابدینی، م. (۱۳۹۱). عوامل مؤثر در پای‌بندی دینی جوانان (مطالعه موردی دانش‌آموزان مقطع پیش‌دانشگاهی شهرستان گرمسار). *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی ایران*، ۱(۲)، ۵۵-۶۹.

۷۰. ودیعه، س؛ امیرمظاهری، ا.م؛ و صابراسماعیل، ص. (۱۳۹۰). نقش خانواده در بزهکاری نوجوانان زیر ۱۸ سال لنگرود. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

۷۱. یعقوبی، م؛ و علمی، م. (۱۳۹۶). نقش عوامل خانوادگی و اجتماعی در بازگشت مجدد زندانیان به زندان. مطالعات جامعه‌شناسی، ۹(۳۵)، ۷-۲۳.

72. Comanor, W. S., & Llad, P. (2002). The Impact of Income and Family Structure on Delinquency. *Journal of Applied Economics*, 5(2), 209–232.
73. Hirschi, T. (1969). *Causes of delinquency*. University of California Press.
74. Hoeve, M., Dubas, JS., & Gerris, JR. (2009). The relationship between parenting and delinquency: a meta-analysis. *J Abnorm Child Psychol*, 37(6), 749-75. doi: 10.1007/s10802-009-9310-8. PMID: 19263213; PMCID: PMC2708328.
75. Icli, T., & Coban, S. (2012). A Study on the Effects of Family and Delinquent Peers on Juvenile Delinquency in Turkey. *Advances in Applied Sociology*, 2, 66-72. doi: 10.4236/aasoci.2012.21009.
76. Juby, H., & Farrington, D. P. (2001). Disentangling The Link Between Disrupted Families and Delinquency. *The British Journal of Criminology*, 41(1), 22–40.
77. KATHIRIYA, D. (2025), The Impact of Parents Child Attachment on Juvenile Delinquency. *International Journal of Current Science*, 12(2), 1-19.
78. McLaughlin, D. (2020). *The impact of family structure and poverty on juvenile crime from 1990–2020*. (Master's thesis, Department of Criminal Justice, Penn State University, University Park, PA, United States).
79. Rathinabalan, I., & Naaraayan, S. A. (2017). Effect of family factors on juvenile delinquency. *International Journal of Contemporary Pediatrics*, 4(6), 2079–2082. <https://doi.org/10.18203/2349-3291.ijcp20174735>
80. Sachin, k. (2024). Impact Of Family Dynamics on Juvenile Delinquency: A Case Study of Observation Homes InThe National Capital Region. *Educational Administration: Theory and Practice*, 30(6), 4723-4731. Doi: 10.53555/kuey.v30i6.7979
81. Wardle, L. D. (2007). The fall of marital family stability and the rise of juvenile delinquency. *Journal of Law & Family Studies*, 10(1), 83-110.

Sociological Explanation of the Relationship between Pluralism and Secularization among Teachers in Isfahan

Naser Nazarian

Assistant Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities,
Farhangian University of Isfahan, Isfahan, Iran

Ali Ghanbari Barzian¹

Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of Literature and Human Sciences,
University of Isfahan, Isfahan, Iran

Seyed Ali Hashemianfar

Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of Literature and Human Sciences,
University of Isfahan, Isfahan, Iran

Fatemeh Tabibi

Teacher, Shahinshahr Department of Education, Shahinshahr, Iran

Received: 27 July 2025 Revised: 10 October 2025 Accepted: 8 December 2025

Abstract

The present research explores the relationship between pluralism and secularization among teachers. The statistical population comprises all teachers employed in lower secondary school (first and second grades) in Isfahan city during the academic year 2023-2024. Using a survey method, we collected samples using quota sampling. In this cross-sectional study, the main data collection tool was a questionnaire. The findings of structural equation modeling (SEM) using Amos software suggest that the estimates about the overall model fit and the key parameters in all direct hypotheses concerning the effect of pluralism on teachers' secularization were supported by the model. Moreover, the mediating variables of trauma, quality of life, and international subculture in the relationship between pluralism and secularization reveal that the model is

1. Corresponding Author. Email: a.ghanbari@ltr.ui.ac.ir



©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license:

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

How to cite this article: Nazarian, N., Ghanbari Barzian, A., Hashemianfar, S. A. and Tabibi, F. (2025). Sociological Explanation of the Relationship between Pluralism and Secularization among Teachers in Isfahan. Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences, 22(3), 165-208. Doi: 10.22067/social.2025.93169.1635

supported by the data. The findings are statistically significant, exhibiting a direct and strong relationship. Therefore, the indirect effect coefficient of pluralism suggests a direct and partial mediation. Overall, the findings, while confirming the theories of Berger and Habermas and the religious beliefs of teachers along with their growing tendency towards secularization, demonstrate that the "Pareto residua" are maintained in the subject of religion and faithful adherence. However, it points to a new form of religiosity or "deconstruction" or "formless religiosity."

Keywords: Secularization, Pluralism, Trauma, Quality of life.

تبیین جامعه‌شناختی رابطه بین تکثرگرایی با عرفی‌شدن دبیران آموزش و پرورش شهر اصفهان

ناصر نظریان (استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فرهنگیان اصفهان، اصفهان، ایران)

nazarian.sociology@gmail.com

علی قنبری‌برزیان (دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، نویسنده مسئول)

a.ghanbari@ltr.ui.ac.ir

سیدعلی هاشمیان‌فر (دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران)

j.hashemian@ltr.ui.ac.ir

فاطمه طبیبی (آموزگار آموزش و پرورش شهرستان شاهین‌شهر، شاهین‌شهر، ایران)

rtf.tabibi@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی ارتباط بین تکثرگرایی با عرفی‌شدن دبیران آموزش و پرورش می‌پردازد. جامعه آماری کلیه دبیران مشغول به تدریس در مقطع متوسطه (اول و دوم) شهر اصفهان در سال تحصیلی ۱۴۰۲ است. روش پژوهش، پیمایشی است و نمونه‌ها با روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای انتخاب شده‌اند؛ ابزار گردآوری داده‌ها نیز، پرسشنامه و از نظر زمانی مقطعی است. یافته‌های مدل معادله ساختاری نرم‌افزار Amos نشان می‌دهد که برآوردهای مربوط به شاخص‌های برازش کلیت مدل و پارامترهای اصلی در تمام فرضیه‌های مستقیم اثر تکثرگرایی بر عرفی‌شدن دبیران معنادار است. همچنین متغیرهای میانجی (تروما، کیفیت زندگی و خرده‌فرهنگ بین‌المللی) در رابطه بین تکثرگرایی و عرفی‌شدن، بیانگر این است که مدل تدوین شده توسط داده‌های پژوهش حمایت می‌شوند که به لحاظ آماری معنادار بوده و رابطه مستقیم و قوی است. بنابراین با توجه به مقدار ضریب تأثیر غیرمستقیم متغیر تکثرگرایی، می‌توان گفت این میانجی‌ها مستقیم و از نوع جزئی

نشریه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، سال بیست و دوم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴، شماره پیاپی ۵۳، صص ۱۶۵-۲۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۶ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹ تاریخ تصویب: ۱۴۰۴/۰۹/۱۸

است. در مجموع، یافته‌های پژوهش هر چند حاکی از تأیید نظریات برگر و هابرماس و دین‌دار بودن و البته حرکت پرشتاب دبیران به سوی عرفی‌شدن است؛ بعضاً نشان دهنده حفظ ته‌نشست‌های پارتویی در بحث دین و پایبندی به آن دارد؛ ولی شکل جدیدی از دین‌ورزی یا همان «واسازی» یا «بی‌شکلی دین‌ورزی» را نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: عرفی‌شدن، پلورالیسم، روان‌زخم‌ها (تروما)، کیفیت زندگی.

۱. مقدمه

توجه به اهمیت آموزش برای توسعه و انتقال ارزش‌ها، هنجارها و رشد اخلاقیات جامعه و جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی موضوعی است که بسیاری از اندیشمندان به آن اذعان نموده‌اند. آموزش و پرورش کنونی در سراسر گیتی، آیینۀ تمام‌نمای مدرنیته و نوسازی است که به‌عنوان گسترده‌ترین نهاد آموزشی با همه نهادهای جامعه ارتباط و تعامل متقابل دارد.

درواقع مؤثرترین سازمانی که پایه، شالوده و زمینه رشد و شکوفایی قابلیت‌ها و توانایی‌های افراد جامعه در سنین کودکی و نوجوانی را فراهم می‌سازد، سازمان آموزش و پرورش است، پس راه نجات هر جامعه و ملتی، داشتن نظام تعلیم و تربیت توانمند و نیروی ماهری که محصول این نظام است، می‌باشد (ایزدی‌یزدان‌آبادی، ۱۳۹۳: ۳۴). نظام آموزش و پرورش نیز در کسب ارزش‌ها تأثیر بسزایی دارد؛ چراکه یکی از مهم‌ترین مسیرهای کسب ارزش‌ها از طریق آموزش‌های رسمی است که عموماً توسط نظام آموزش و پرورش صورت می‌گیرد (معیدفر، ۱۳۸۶: ۴۵). بنابراین، ترقی هر کشوری رابطه مستقیم با پیشرفت علم، دانش و تکنولوژی آن کشور دارد. پیشرفت علمی حاصل نمی‌شود مگر اینکه افراد متفکر و خلاق تربیت شده باشند (ستایش‌فر، ۱۳۹۷: ۴۸).

بخش دیگر و اصلی این پژوهش به مبحث عرفی‌شدن در درون نهاد آموزش و پرورش، به‌ویژه در بین مهم‌ترین ابزار آن یعنی دبیران مربوط می‌شود. در این راستا برخی ابعاد عرفی‌شدن مانند تکثرگرایی و خرده‌فرهنگ بین‌المللی و شاخص‌هایی مانند تروما و کیفیت زندگی که در عرفی‌شدن دبیران

می‌توانند مؤثر باشند مورد مطالعه میدانی قرار می‌گیرند. لازم به ذکر است که در این ارتباط برخی اندیشمندان و نظریه‌پردازان به‌ویژه جامعه‌شناسان به تعریف و تحلیل این مسئله پرداخته که با حال و هوای این روزهای ایران بالاخص معلمان سنخیت داشته و پربیراه نیست، بنابراین در این رابطه، یینگر^۱، عرفی‌شدن را روندی می‌داند «که طی آن نمادها و اشکال سستی دین، نیرو و جاذبه خود را از دست می‌دهند» (سراج‌زاده، ۱۳۸۳: ۲۲ به نقل از یینگر، ۱۹۵۷: ۱۱۹). با وجود عصر مدرن، که به‌زعم هانتینگتون عصر کم‌رنگ شدن ایدئولوژی‌ها است، برخی جامعه‌شناسان و نظریه‌پردازان این عصر را عصر بازگشت خدایان، آن‌هم متکثر، به عرصه‌های زندگی اجتماعی می‌دانند (زارعی، ۱۳۹۷: ۲۲). اندیشمندان رادیکالی چون اسلاوی ژیزک هم بر نقش دین در بازگرداندن منازعه به سیاست در عصر پسا سیاست تأکید کردند (زارعی، ۱۳۹۷: ۲۲ به نقل از ژیزک^۲، ۲۰۰۱). در تجربه غرب، سکولاریسم همزاد مدرنیته است. جامعه‌شناسان بر این باورند که مدرنیته در خصوصی شدن دین و عقب‌نشینی آن از حوزه عمومی در جوامع غربی سهم زیادی برعهده داشته و عاملی برای روشنگری در میان شهروندان بوده است. این استدلال جامعه‌شناختی که به نظریه سکولاریزاسیون مشهور شده، زمینه بسیاری از نظریه‌های سیاسی مهم را فراهم کرده است. نظریه‌هایی که پایه و بنیان تساهل، پلورالیسم دموکراتیک، بی‌طرفی مذهبی و جدایی سیاست و دین در مدرنیته سکولار بوده‌اند (کال^۳، ۲۰۱۰: ۲۶۵). از میان اصول مدرنیته، «سکولاریسم» اصلی متمایز بود و با عنوان روح مدرنیته قابل دقت و بررسی و تأمل است. مدرنیته به‌دلیل روح تمامیت‌طلب خود، به‌دنبال هماهنگی تمامی شئون حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها بر محور اصول خود بود و در این میان لازم بود که دین به‌عنوان یکی از مدعیان سرپرستی حیات بشریت از صحنه خارج شود (کرمی، ۱۳۸۸: ۹۷).

1. Yinger

2. Zizek

3. Kaul

از طرف دیگر تاریخ و ژئوپولتیک این سرزمین، گواهی بر ورود اندیشه‌های منتج از مدرنیته و مولفه‌های آن، از جمله تکثرگرایی، دارد که تأثیرات آن بر تمامی شئون فردی و اجتماعی جامعه به‌ویژه سازمان آموزش و پرورش غیرقابل انکار است. برر در تعریف متغیر تکثرگرایی بیان می‌کند که منظور ما [برگر] از «تکثر» موقعیتی است که در آن گروه‌های متنوع انسانی (قومی، مذهبی یا به هر حال متفاوت) در شرایط صلح مدنی و تعامل اجتماعی کنار هم زندگی می‌کنند. فرایندی را که منجر به چنین موقعیتی می‌شود «تکثرگرایی» می‌نامیم. بنابراین به‌نظر برگر «مدرنیته باعث تکثر می‌شود» (برگر و زایدروولد، ۱۳۹۳: ۲۵ - ۲۴) که این می‌تواند بینش عمیقی در ارتباط با دیدگاه دبیران یا جامعه فرهنگی که پرچمدار شکل دادن به نسل آینده و اندیشه‌های آنان که آینده‌سازان جامعه محسوب می‌شوند؛ نسبت به دین و عرفی شدن و روند آتی آن در جامعه بدهد.

در ذیل نمونه‌هایی از نظرات مسئولان آموزش و پرورش و پژوهش‌های اجتماعی که دال بر سندیت موارد فوق ذکر و همچنین اهمیت و ضرورت موضوع است؛ مطرح می‌گردد. آقای حجت‌الاسلام ذوعلم، مدیرکل دفتر تألیف و برنامه‌ریزی کتاب درسی، بیان می‌نماید که: «سکولاریسم تربیتی اساساً موجب جریان روشن‌فکری در ایران بوده است». نویدادهم، معاون سابق وزیر آموزش و پرورش، بیان می‌نماید: «من تردید دارم که روشن‌فکران نقشی در پیدایش این نظام [آموزش و پرورش] داشته باشند؛ بلکه مؤلفه‌های دیگری در ایجاد جریان سکولاریستی مؤثر بودند و باید ریشه را در جای دیگری جستجو کرد. شاید به بحث مدرنیته در جامعه برمی‌گردد و این تقابل را باید واکاوی کرد. آنچه در سده اخیر در کل کشور اتفاق افتاده در تمام عرصه‌ها به سکولاریسم، اومانیسم ... مربوط می‌شود» (هاشمی، ۱۳۸۶: ۱۶۹ - ۱۹۲). پژوهشگران اجتماعی چون آقای سراج‌زاده، نیز از مؤلفه‌های دین‌داری دانش‌آموزان دبیرستان‌های تهران تحت عنوان «تناقض و ناهمخوانی» یاد می‌کنند (سراج‌زاده، ۱۳۷۸: ۱۰۵ - ۱۱۸) و آزاد ارمکی نیز ضمن مطرح نمودن واژه‌ای تحت عنوان «بی‌شکلی دین‌ورزی» از «شکل‌های جدید دین‌ورزی» سخن می‌راند (آزاد ارمکی و غیاثوند، ۱۳۸۱: ۱۴۸ - ۱۱۷).

بنابراین در ارتباط با طرح مسئله از یک زاویه دیگر، باید گفت که از یک طرف، با توجه به اسناد بالادستی مانند برنامه درس ملی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که به دنبال حیات طیبه‌اند و راه مذهب و سنت را می‌پیمایند؛ و از طرف دیگر، ورود انواع اندیشه‌های عرفی شده و تکثرگرا به شکل‌های گوناگون و متنوع را داریم؛ حال سوال اینجاست که این تفکرات چه تأثیراتی بر اندیشه‌ها و رفتارهای معلم‌ها داشته است؟ علاوه بر مواردی که ذکر آن گذشت در ارتباط با مبحث ضرورت و اهمیت پژوهش باید افزود که با توجه به دخالت سیستم از طریق اسناد بالادستی و قانون‌گذاری و ... آیا این مسئله در کاهش اقبال دبیران به این سیستم آموزشی از طریق بی‌توجهی مدنی به بخشنامه‌ها، فراخوان‌ها، برنامه‌ها به‌ویژه فوق‌برنامه‌ها و ... و در نهایت عرفی شدن نگرش دبیران تأثیرگذار بوده است؟ در مجموع، آیا چارچوب نظری پژوهش، با وجود متغیر مستقل، میانجی و حتی تعدیل‌گر (تروما، خرده‌فرهنگ بین‌المللی و کیفیت زندگی)، متغیر وابسته عرفی شدن نگرش دبیران آموزش و پرورش را تبیین می‌نماید؟

افزون بر موارد فوق در ارتباط با اهمیت پرداختن به مسئله عرفی شدن دبیران آموزش و پرورش و اینکه چرا اصفهان و دبیران آن به‌عنوان جامعه آماری انتخاب شدند؛ این است که در مجموع یافته‌های برخی پژوهش‌های میدانی در ارتباط با اصفهان حکایت از آن دارد که به‌عنوان مثال در بررسی نمودهای عرفی شدن دین در سبک زندگی جوانان شهر اصفهان (با تأکید بر نظریه عرفی شدن) نتایج حاصل از آزمون چندمتغیره نشان داد که متغیرهای مستقل درصد قابل توجهی از واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند که براساس اولویت عبارتند از: تغایر نقش‌ها، فردگرایی و تغییر ارزش‌ها (هاشمیان‌فر و هاشمی، ۱۳۹۱).

بنابراین، هدف اصلی این پژوهش پیمایشی و میدانی، تلاشی برای بررسی تبیین جامعه‌شناختی تأثیر اندیشه‌های تکثرگرا در عرفی شدن نگرش دبیران مقاطع شش‌گانه متوسطه (اول و دوم) آموزش و پرورش شهر اصفهان است.

اهداف فرعی این پژوهش عبارتند از: الف) بررسی تأثیر متغیرهای میانجی (تروما، کیفیت زندگی و خرده فرهنگ بین المللی) با عرفی شدن نگرش های دبیران شهر اصفهان؛ ب) توصیف متغیر عرفی شدن و ابعاد آن با استفاده از شاخص های توصیفی؛ ج) توصیف متغیر جمعیت شناختی جنسیت با استفاده از شاخص های توصیفی.

۲. مبانی و چارچوب نظری پژوهش

در میان فیلسوفان پست سکولار میانه رو و رادیکال، فیلسوفان تجدیدنظرطلبی حضور دارند که نماینده برجسته آنها یورگن هابرماس^۱ است (زارعی، ۱۳۹۷: ۲۸۴). عامل اصلی توجه هابرماس به مسئله دین، چرخش در جامعه شناسی دین و دلایل بی شماری بود که در این چرخش برای تنزل نظریه سکولاریزاسیون مطرح شدند و اعتبار و درستی این نظریه را با تردید مواجه ساختند (زارعی، ۱۳۹۷: ۲۸۴-۲۸۵). هابرماس در آثار متأخر خود، دیگر دین را در حاشیه زندگی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی قرار نمی دهد و نقش دین را در دستیابی به اهداف مدرنیته برجسته می کند و مدعی است که باید دین به عرصه عمومی برگردد و تفاهم بین الاذهانی شهروندان دیندار و سکولار برقرار شود (محمودپناهی، ۱۳۹۸: ۲۳۵ - ۲۶۱). از نظر هابرماس آزادی دین براساس قانون، پاسخ سیاسی مناسبی برای چالش های تکثرگرایی دینی است. تنها به این طریق می توان پتانسیل کشمکش را در خطر سطح تعامل اجتماعی شهروندان محدود کرد. ویژگی عرفی بودن دولت می تواند یک ضرورت و نه شرط کافی برای تضمین آزادی دینی برابر برای همه باشد. از نظر هابرماس، در یک دولت سکولار فقط آن تصمیم های سیاسی را می توان مشروع قلمداد کرد که بتوان در پرتو دلایل همگان پذیر در نزد عموم و به شکلی منصفانه آنها را توجیه کرد (هابرماس و دالمایر، ۱۳۸۸: ۱۶۸-۱۶۹). از نظر هابرماس، شهروندان سکولار باید «به این درک دست یابند که عدم توافقتشان با مفاهیم دینی عدم توافقی است که انتظار آن منطقی و توجیه پذیر است» (هابرماس، ۲۰۰۸a: ۱۳۸-۱۳۹).

پیتروال.برگر یکی از پیش‌قراولان توسعه نظریه عرفی شدن بود که اندیشمندان زیادی به او پیوستند (برگر، ۱۹۶۷). به گمان او، دین ناپدید نخواهد شد بلکه به امری خصوصی بدل و از تأثیرش بر زندگی اجتماعی کاسته می‌شود (سیدمن^۱، ۱۳۸۸: ۱۱۰ - ۱۱۵). برگر، تأکید کرده است: «جهان امروز به شدت مذهبی و حتی برخی جاها بسیار مذهبی‌تر از هر زمان است» (برگر، ۱۹۹۹: ۲). به نظر برگر، نیچه فکر می‌کرد که در آستانه عصر الحاد ایستاده است. اما هم‌اکنون به نظر می‌رسد قرن بیست و یکم، عصر چندخدایی است. انگار خدایان بی‌شمار دوران باستان به قصد انتقام برگشته‌اند (برگر و زایدرولد، ۱۳۹۳: ۱۷). در جامعه‌شناسی دین که در قرن بیستم شکل گرفت، این پیوند مدرنیته با زوال دین به «نظریه سکولاریزاسیون» معروف شد. براساس این نظریه، مدرنیته، هم به‌خاطر گسترش شناخت علمی و هم به‌خاطر ویرانی پایه‌های اجتماعی ایمان دینی به دست نهادهای مدرن، الزاماً منجر به سکولاریزاسیون می‌شد (برگر و زایدرولد، ۱۳۹۳: ۱۹). سکولاریزاسیون نیز به‌عنوان یکی از نظریه‌های دیرپا در جامعه‌شناسی و تاریخ دین، به‌طور خلاصه به فرآیندی تأکید می‌کند که در پی آن، مدرنیزاسیون منجر به کاهش اهمیت اجتماعی دین می‌شود (بروس، ۲۰۰۲: ۱۱).

یکی از کلیدواژه‌های بنیانی برگر که آنرا در دنیای مدرن جستجو می‌کند، برخلاف نظریه‌پردازان پسامدرن که آنرا متعلق به دنیای پست‌مدرن می‌دانند، «تکثرگرایی و تکثرزایی» است. برگر، که برجسته‌ترین هوادار سنت دین رقابتی و پلورالیستی است، چنین تبیین می‌کند که تنوع ایمان‌ها، سایبان تقدس را ویران ساخته، خودپسندی همه ادیان را کاسته است (برگر، ۱۹۶۷). برگر در ارتباط با این سؤال که «چرا مدرنیته باعث تکثر می‌شود؟» بیان می‌کند: «مدرنیته با سرعت و دامنه‌ای روزافزون دیوارهای افتراق اجتماعی بسیار بلند [اجماع شناختی و هنجاری] را ویران کرد. این پدیده منجر به افزایش جمعیت شهرها شد. فرهنگ شهری/شهرنشینی که از طریق تکثر بارور می‌شود و به نوبه خود تکثر را گسترش می‌دهد، همچنین جابه‌جایی انبوه مردم در مناطقی وسیع هم متداول شده و

آموزش عمومی هم یعنی این که افراد هرچه بیشتری از نظرها، ارزش ها و شیوه های زندگی مختلف آگاه می شوند، نیز گسترش می دهد. اما مهم تر از همه، ابزارهای مدرن ارتباط جمعی - فیلم، رادیو، تلویزیون، تلفن و حالا انفجار اطلاعات از طریق انقلاب رایانه ای - باعث افزایش چشمگیر قدرت دسترسی مردم به رویکردهای مختلف نسبت به واقعیت شده است. در نتیجه این فرآیندها - که همگی ذاتی مدرنیته هستند - تکرر به سطحی بی سابقه در تاریخ رسیده است (برگر، ۱۳۸۰: ۲۸ - ۲۴). برگر به صراحت می گوید که یکی از عوامل مهم برای رشد سکولاریسم در مسیحیت، تکررگرایی حاصل از تساهل و مدارا است. به اعتقاد وی این امر نه فقط به گسترش عقلانی شدن یاری رساند، بلکه در روی گردانی مردم از دین تأثیر مستقیم تری گذاشت. این فرد اجازه داشت از میان تفسیرهای گوناگونی یک تفسیر را برای خود برگزیند، در کل به کاهش ارزش یا از دست رفتن اقتدار دیدگاه مذهبی انجامید. این تساهل حتی به افراد اجازه می داد هیچ مذهب یا دینی نداشته باشند (برگر و همکاران، ۱۹۷۳: ۱۷۹).

برگر معتقد است، بخش عمده ای از جهان توسعه یافته، هویت مدرن، انتخابی است. به نظر برگر: «مدرنیته تا حد زیادی [رفتار] پیش نما را به [رفتار] پس نما گسترش می دهد، [یعنی] گرایش مدرنیته اغلب به سمت نهادزدایی است. گسترش دایره انتخاب، به نوبه خود منجر به گسترش تفکر شده است. وقتی عملی از پیش نما به پس نما منتقل می شود، می توان از «نهادینه سازی» صحبت کرد؛ درحالی که فرایند برعکس آن را می توان «نهادزدایی» نامید؛ گلن این نهادزدایی را «ذهنی سازی» می نامد. به نظر برگر برای اینکه حل این معماها برای مردم راحت تر شود، نهادهای جدیدی شکل گرفته اند که مجموعه های کاملی از عقاید، هنجارها و هویت ها را در اختیار افراد قرار می دهند؛ گلن این ها را «نهادهای ثانوی» می نامد (والاس و آلیسون، ۱۹۹۹: ۳۲-۳۸). برگر معتقد است که دو عامل، یعنی گرد آمدن جوامع ناهمگون و ارتقاء سطح ارتباطات فرهنگی، علاقه مندی به تکررگرایی را تقویت می کنند و با ایجاد انحصارطلبی های دینی سازگاری ندارند (برگر و دیگران، ۱۳۸۰: ۲۰ - ۱۸).

متغیر مهم دیگری که برگر مطرح می‌کند و از آن با عنوان یکی از استثنائات در زمینه نظریه سکولارزدایی نام می‌برد، همانا وجود خرده‌فرهنگ بین‌المللی است که در آن افراد از نوعی آموزش عالی کاملاً سکولار، به سبک غرب، به‌ویژه ادبیات، علوم انسانی، علوم تجربی و علوم اجتماعی بهره‌مند هستند (برگر و دیگران، ۱۳۸۰: ۲۶ - ۲۳). این خرده‌فرهنگ حامل اصلی ارزش‌ها و اعتقادات مرفقی و اعتقادات عصر روشنگری است. با اینکه حاملان این خرده‌فرهنگ اندک‌اند [ولی] نسبتاً بانفوذاند (برگر، ۱۹۹۹: ۱۰). بنابراین این خرده‌فرهنگ‌های جهانی از نفوذ فراوانی برخوردارند و بر نهادهایی که تعریف «رسمی» پدیده‌هایی نظیر نظام آموزشی، وسایل ارتباط جمعی و حدود نظام حقوقی را ارائه می‌دهد، احاطه دارند. برگر بیان می‌کند که:

متأسفانه نمی‌دانم چرا افرادی که از چنین آموزش‌هایی بهره‌مند بوده‌اند به سکولاریسم روی می‌آورند. آنچه در این‌جا بدان اشاره می‌نمایم این است که ما از یک فرهنگ نخبه جهانی برخورداریم. لذا خیزش‌های دینی در کشورهای مختلف دارای ویژگی کثرت‌گرایانه هستند. این حرکت‌ها بیش از آن که از انگیزه‌های دینی صرف نشئت گرفته باشند، اعتراض و مقاومت در برابر نخبگان سکولار را نشان می‌دهند. جنگ به اصطلاح فرهنگی در ایالات متحده نیز از این ویژگی برخوردار است. می‌توانم به این نکته اشاره کنم که صحت و اعتبار نظریه سکولاریزم، به میزان فراوانی مدیون این خرده‌فرهنگ بین‌المللی است (برگر، ۱۳۸۰: ۲۶ - ۲۳).

پس از مروری تقریباً گسترده و نفس‌گیر در عرصه جهانی دین، در این‌جا به برخی سؤالات مطرح‌شده در مقالات گرد آمده می‌پردازیم. یکی از سؤالات این است: خاستگاه خیزش دینی در عرصه جهانی چیست؟ در جواب یک پاسخ احتمالی جایگاه اجتماعی دیدگاه‌های صرفاً سکولار در میان نخبگان فرهنگی است. بخش عمده‌ای از مردم که با این فرهنگ بیگانه بوده ولی نفوذ آن را احساس می‌کنند این دیدگاه‌ها را مردود می‌شمارند. بنابراین، حرکت‌های دینی که رنگ و بوی ضد سکولار دارند در میان مردم مقبولیت می‌یابند، هر چند افراد طرفدار این حرکت‌های دینی برخی

اوقات از خاستگاهی کاملاً غیردینی برخوردارند. از نظر برگر آموزش علم یا تحصیلات عالی نیز به منزله دیدگاهی سکولار درباره جهان می تواند منجر به سکولاریزاسیون افراد شود (نایی و آزاد ارمکی، ۱۳۸۵).

در ارتباط با متغیر کیفیت زندگی، اینگلهارت و ولزل معتقدند که در شرایط مساوی، سطوح بالای توسعه اقتصادی موجب تکوین افرادی می شوند که دارای تساهل بیشتری بوده و به دیگران اعتماد بالاتری دارند، دگرگونی از ارزش های سنتی و ارزش های سکولار - عقلانی با دگرگونی از جامعه روستایی به جامعه صنعتی مرتبط می شود. جوامع سنتی بر دین، ارزش های سنتی و احترام و اطاعت از ارزش های اقتدار تأکید می کنند؛ با رشد سطوح صنعتی شدن، این جوامع، سکولارتر و عقلانی تر می گردند. هر دو بعد تغییرات به شدت با توسعه اقتصادی مرتبط هستند. ملت هایی که بانک جهانی آن ها را به عنوان جوامع ثروتمند مشخص می کند، در هر دو بعد، یعنی تأکید شدید بر ارزش های ابراز وجود و ارزش های سکولار - عقلانی، رتبه نسبتاً بالایی کسب می کنند. تمام جوامع کم درآمد و متوسط رو به پایین، در هر دو بعد، رتبه نسبتاً پایینی کسب می کنند (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۱۶ - ۱۴). اینگلهارت در مقیاسی جهانی نشان داده است که در جوامع ثروتمند اعتماد میان اشخاص و تساهل در برابر تفاوت ها بیشتر است، رضایت از زندگی بالاتر است (ولزل و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۴ - ۱۳ به نقل از اینگلهارت، ۱۹۹۷). در نتیجه، بالا بودن ارزش های ابیان نفس با میزان نسبتاً بالای رضایت از زندگی پیوند دارد. کشورهایی که شهروندان شان تحمل بیشتری در مقابل تنوعات از خود نشان می دهند، همان کسانی هستند که تمایل بیشتری به شرکت در اعتراضات مدنی داشته و تمایلات آزادی خواهانه شان را بیشتر نشان داده، بیشتر به هم نوعان شان اعتماد می کنند - این افراد میزان نسبتاً بالایی از رضایت از زندگی و احساس خوشبختی را نشان می دهند (ولزل و همکاران، ۱۳۸۲: ۲۶ - ۲۵).

متغیر دیگری که می تواند روح سرزندگی و شادی را از معلمان گرفته و به صورت بالقوه آن ها را به سمت عرفی شدن سوق دهد، تروما (روان زخم) نام دارد. از نظر ژیتزک، حادثه آسیب زا زمانی روی

می‌دهد که «امر واقع حرکت ملایم امر نمادین را برهم زند» (مایرز، ۲۰۰۳: ۳۱). بر طبق تعریف ژیاک، چرخه روان‌زخم به این صورت است: «روان‌زخم عاملی است که موتور ملایم نمادینه‌سازی را از مسیر منحرف می‌کند و تعادل آن را برهم می‌زند و باعث عدم انسجام غیرقابل زدودنی در امر نمادین می‌شود، اما با همه این‌ها، روان‌زخم پیش از نمادینه‌سازی وجود ندارد و مقوله‌ای تغییر شکل‌دهنده باقی می‌ماند که تنها با عطف به ماسبق و وقتی که از مرحله نمادین به آن پرداخته شود، انسجام می‌یابد و انسجام و یکپارچگی خود را ضرورت ساختاری امر واقع دریافت می‌کند» (ژیاک، ۱۹۹۴: ۳۱). از نظر ژیاک روان‌زخم یعنی: «ورود وحشیانه چیزی کاملاً غیرمنتظره، چیزی که سوژه آمادگی‌اش را ندارد و نمی‌تواند آن را با خود به وحدت برساند» (ژیاک، ۱۹۹۴: ۱۰). طبق نظر ژیاک «اگر ردپای اتفاقی در گذشته ناگهان پیامدی به بار آورد به این دلیل است که دنیای نمادین فعلی سوژه، طوری شکل گرفته که به آن رویداد شک دارد» (ژیاک، ۱۹۹۱: ۲۰۲)؛ بنابراین «پیوندی مستقیم میان روان و خشونت بیرونی» فراهم می‌شود (کاروت^۱، ۱۹۹۶: ۴۹). ژیاک درگیر شکل خاصی از «واسازی» سه‌گانه واقعی - نمادین - خیالی شده است، آن‌هم به نحوی که هر یک از این سه وجه برحسب همین تقسیم‌بندی سه‌گانه درک شوند. بدین ترتیب، در مورد امر واقعی ما با امر واقعی واقعی، امر واقعی نمادین و امر واقعی خیالی سروکار داریم (ژیاک، ۲۰۰۱: ۸۲-۸۳). واقعیت همواره یک روایت یا برداشت «مجازی» از امر واقعی است؛ نوعی مجازی کردن که هرگز نمی‌تواند به‌طور کامل به امر واقعی غلبه کند یا به حالت تعادل برسد (ژیاک، ۱۳۸۴: ۲۳-۱۶، به نقل از: دیلی، ۲۰۰۳). از نظر ژیاک سوژه پساترومایی فردی بی تفاوت است که حس مشارکت عاطفی خویش را از دست داده است (ژیاک، ۱۹۹۴: ۵). این سوژه اشتیاق خود را از دست می‌دهد و به تدریج شروع به موجودی «عاری از زندگی فعال که صرفاً خور و خواب دارد افول می‌کند» (ژیاک، ۱۹۹۴: ۱۲). یکی از

ویژگی‌های این سوژه جدید بی تفاوتی و بی‌اشتیاقی است. سوژه‌های جدید انگیزه خود برای زندگی را از دست می‌دهند.

۱.۲. پیشینه پژوهش

از نظر کارل دابلر^۱ عرفی شدن سه بعد دارد:

بعد جامعه: به عرفی شدن در سطح اجتماعی توجه می‌کند، فرایندی که به تفکیک ساختاری و عملکردی نهادها و مؤسسه‌ها مربوط می‌شود. عرفی شدن درون خود دین: به تغییر و تحول دینی که به تحولات ایجاد شده در عوالم دینی به‌ویژه تمایل آن‌ها به دنیوی شدن مربوط می‌شود. بعد فردی: به تضمین و التزام دینی رفتار فردی شخص مربوط می‌شود و میزان همبستگی افراد یا گروه‌های دینی را نشان می‌دهد (وریج کاظمی و فرجی، ۱۳۸۲، به نقل از دابلر، ۱۹۹۱). بنابراین در پژوهش حاضر، پیشینه پژوهش در سه بعد یا سطح کلان، درون خود دین و خرد تقسیم‌بندی شده است که در زیر با توجه به سه سطح مذکور به صورت موضوعی براساس مفاهیم و متغیرهای اصلی و بنیانی پژوهش مطرح می‌گردد.

۱.۱.۲. سطح کلان

در پژوهشی که توسط کافی (۱۳۸۸) با عنوان «طرح سنجش تأثیر کثرت‌گرایی بر سکولار شدن افراد با تحصیلات عالیه» صورت گرفت؛ سوال اصلی پژوهش این بود که آیا کثرت‌گرایی نیز می‌تواند مسیری برای سکولار شدن آنان باشد؟ لازمه پذیرش قرائت‌های متعدد از دین، این است که کثرت‌گرایی اجتماعی و معرفتی می‌تواند مسیری برای سکولار شدن باشد. در این مورد، این تحقیق به دو نتیجه مشخص می‌رسد: یکی اینکه کثرت‌گرایی معرفتی، سبب سکولار شدن افراد با تحصیلات عالیه می‌شود و دوم اینکه در ایران به علت پیروی از دین واحد و یکدست و تشکیل حکومت دینی بر پایه آن و اینکه کشوری به لحاظ دینی، واحد است، کثرت‌گرایی اجتماعی در آن موردی ندارد.

1. Karl Dobler

لذا طبق نظریه طرح سنجش عنوان شده، در شرایط دینی ایران، امکان سکولارشدن قشر تحصیل کرده از مسیر کثرت‌گرایی مشکل است و به نظر محتمل نمی‌رسد؛ بنابراین از مسیر کثرت‌قرائت‌های دینی (کثرت‌گرایی معرفتی) اگرچه تا سکولار شدن راهی بس طولانی در پیش دارد، اما نسل جوان و قشر تحصیل کرده امروز، تحت تأثیر جریان‌های روشنفکری غربی هستند که احتمالاً در آینده، به سکولار شدن جامعه ایران خواهد انجامید.

پژوهشی توسط فاضلی (۱۳۹۵) با عنوان «آیا فرهنگ ایران امروز سکولار است؟» انجام شد. مبنای روش‌شناختی به کار رفته در این مقاله تحلیل مفهومی و نظری است که نگارنده بر مبنای تجربه زیسته رویکرد خودمردم‌نگارانه به کار برده است. نتیجه تحقیق حاکی از آن است که طرح‌واره بنیادین جامعه ایرانی، دینی است. اگرچه تحولات ساختاری در زمینه اجتماعی دین در ایران معاصر رخ داده است اما مدل‌های فرهنگی ایران همچنان دینی هستند و نمی‌توان از سکولار شدن مدل‌های فرهنگی دین نام برد. با در نظر گرفتن این ویژگی‌های جامعه ایرانی اکنون باید این سؤال را مطرح کنیم که آیا در فرایند معنادهی و طرح‌واره‌سازی انسان ایرانی، تغییری رخ داده است تا بتوان از جریان سکولارشدن در ایران یاد کرد؟ عمده مطالعات مورد بررسی، اشاره‌ای به تغییر مدل‌های فرهنگی و طرح‌واره‌های شناختی ما نداشته‌اند. البته ما با مجموعه عظیمی از تحولات اجتماعی مواجه بوده‌ایم. تحولاتی مانند رسانه‌ای شدن، شهری شدن، صنعتی شدن، فردی شدن، دموکراتیک شدن، مصرفی شدن، شبکه‌ای شدن، زنانه شدن، جهانی شدن. ولی این تحول تا این لحظه به قدری گسترده و عمیق نبوده‌اند که بتوان گفت فرهنگ ما با بنیاد هستی‌شناسانه دینی، تغییر کرده و یا از بین رفته است. از نظر آقای فاضلی سکولارشدن و مذهبی بودن به‌طور همزمان و موازی در ایران معاصر وجود داشته است. مدل فرهنگی در حال شکل‌گیری، دارای چند مؤلفه است؛ مانند: فردگرایی، لذت‌گرایی، مادی‌گرایی و ... که هر چند هنوز تثبیت نشده است ولی در سطوح مختلف قابل مشاهده است. مانند زنی که حجاب را رعایت نمی‌کند ولی نماز می‌خواند. یا بحث بهره بانکی که ممکن است توجیه شرعی نداشته باشد

ولی حاصل مواجهه با منطق بازار و دنیای جدید است که این مدل فرهنگی ترکیبی و در حال ظهور حاصل چند مدل فرهنگی دیگر است: شهرنشینی، علم مدرن، ارتباط تصویری (تکنولوژی). پژوهشی توسط ماسودا و هالی یودهیسترا (۲۰۲۰) در کشور مسلمان اندونزی با عنوان «آیا آموزش و پرورش جمعیت اسلامی را سکولار می کند؟» صورت گرفت. در این مطالعه به نظر نویسنده ژاپنی، تأثیر سال‌های تحصیل بر دین‌داری، رأی‌گیری و کثرت‌گرایی در اندونزی ارتباط بین مدرسه و باورهای مذهبی به‌طور گسترده در ادبیات علوم اجتماعی مستند شده است. با این حال، شواهد دال بر یک رابطه علی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه که مذهب هنوز نقش مهمی در سیاست و قانون‌گذاری دارد، محدود است. مطالعه حاضر از تغییرات هم‌گروهی در مواجهه با اصلاحات آموزشی در سال ۱۹۷۸ در اندونزی استفاده می‌کند تا تأثیر سال‌های تکمیل شده آموزش را بر دینداری فردی در زندگی بعدی بررسی کند. نتایج حاکی از آن است که رسیدن به یک سال تحصیلی دیگر، دینداری خودگزارش شده را چهار درصد کاهش می‌دهد. مطابق با این یافته، اعمال مذهبی انفرادی را نیز با کاهش تعداد دفعات نماز افراد و احتمال خوردن غذای حلال تغییر می‌دهد. با این حال، میزان تحصیلات تأثیر چندانی بر مشارکت در فعالیت‌های مذهبی اجتماعی یا نگرش نسبت به سایر ادیان ندارد، اگرچه تأثیر مذهبی بر رفتار رأی‌دهی را کاهش می‌دهد. این نتایج نشان می‌دهد که برنامه ارتقای سطح تحصیلات در کشورهای اسلامی ممکن است در درازمدت تأثیر مهمی بر دینداری افراد و اقتصاد سیاسی کشور داشته باشد.

پژوهشی در کشور همسایه و مسلمان ترکیه توسط ساعی و محمدزاده (۱۳۹۲) در ارتباط با مبحث سکولار صورت گرفت. در این مقاله نویسنده مطرح می‌نماید که از سال ۲۰۰۲ با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه، چرخش محسوسی در جهت‌گیری سیاست خارجی این کشور به وجود آمد. این چرخش، خاطر کمالیست‌ها و نظامیان سکولار و همچنین طرفداران غربی آنکارا را بیشتر تیره ساخت. شاید آنها همانند احزاب اسلام‌گرای قبلی با پشت کردن به اصول و آموزه‌های کمالیسم و رویگردانی از غرب، در پی تقویت اسلام‌گرایی و ایجاد ائتلاف مذهبی در منطقه بودند.

هر چند در این مقطع زمانی، اصول جدیدی برای سیاست خارجی و داخلی این کشور تعریف شد؛ اما کارکرد و خروجی یک دهه از سیاست خارجی این حزب و تطبیق آن با اصول اساسی سیاست خارجی کمالیستی نشان می‌دهد که آنها با در پیش گرفتن رویه اسلامی نوگرا، نه تنها با اسلام‌گراهای قبلی متفاوت می‌اندیشند، بلکه با رقبای سرسخت و دیرینه خود در داخل (کمالیست‌های سکولار)، بر سر اصول مهم کمالیسم به آشتی رسیده و به کارگیری رویکردهای جدید در سیاست خارجی فقط تغییر تاکتیک برای رسیدن به هدف‌های سنتی است که بیشتر در سیاست خارجی سکولارها اولویت اصلی بوده‌اند.

۲. ۱. ۲. سطح درون‌فردی

پژوهشی توسط غیاثوند (۱۳۹۵) با روش تحلیل ثانویه و طولی، تحت عنوان «رفتارها و باورهای ایرانیان: تحلیلی جامعه‌شناختی از مناسبات دین در بستر دولت» صورت گرفت. این مطالعه به روش تحلیل ثانویه انجام پذیرفته و سعی دارد یافته‌های حاصل از پیمایش‌های ملی مختلف طی سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۹۰ را مورد تحلیل قرار دهد. در این مطالعه برای تحلیل رفتار و باور مردم ایران از دو رویکرد سکولار شدن جامعه با تکیه بر نظرات «پیتر برگر» و نیز تعبیر کارکردی و عملکردی دین از نظریه «لوهمان»^۱ استفاده شده است. در مجموع یافته‌های حاصل نشان می‌دهد که چندان تفاوتی مبنی بر افزایش یا کاهش چشمگیر در رفتارها و احساسات دینی - فردی مردم ایران مشاهده نمی‌گردد. به عبارتی، جامعه دچار نوعی «تثبیت کارکردی» شده و از این حیث افراد جامعه همان‌قدر مذهبی‌اند که در گذشته بوده‌اند. بنابراین تلقی سکولارشدن جامعه، قضاوتی ناصحیح است. در سطح باورها و رفتارهای جمعی، علی‌رغم عدم وجود داده‌هایی مبنی بر مقایسه آن با دهه‌های گذشته، ولی در مقایسه با آنچه در اوایل انقلاب و دوران بعد از آن ملاحظه می‌گردد، نوعی «تغییر کارکردی در حوزه رفتارها و باورهای دینی - جمعی» را می‌توان استنباط کرد. درواقع کاهش در رفتارهای دینی جمعی آن‌هم از

1. Lohmann

نوع رسمی بیشتر بازتاب تغییرات دوران و کارکردهای خاص خود، به ویژه در زمان انقلاب و دوران جنگ است که نوعی نمونه آرمانی «دین دوران» را بر اذهان و آرمان‌های مذهبی به یاد می‌آورد. در نهایت مقایسه رفتارها و باورهای دینی سیاسی و اجتماعی نوعی «قطبی شدن عملکرد دین» را در دو حوزه سیاسی و اجتماعی نشان می‌دهد. به عبارتی نوعی «سیاست زدایی از دین» یا «سیاسی شدن دین» و نیز «اخلاق زدایی دینی» یا «اخلاقی کردن دین» را شاهدیم. از این رو، تعبیر سکولارشدن در این دو حوزه برداشتی دوگانه است.

پژوهشی دیگر توسط سیلانیان طوسی و سعیدی نامقی (۱۳۸۴) با موضوع «نگرش سکولار، نظریه‌های سکولاریزاسیون» جامعه ایران (شهر مشهد) را مورد بررسی قرار داده است. موضوعی که در این پژوهش حائز اهمیت است، بحث «وجود شکل‌های نوین دینداری» بود که در نوع خود آن هم در شهر مذهبی مشهد جالب توجه می‌نماید. سؤال و مسئله اصلی پژوهش این است که آیا التزام دینی در مردم رو به تنزل است؟ و یا شکل دینداری در جامعه آماری در حال تغییر است؟ برای پاسخ به این سؤالات، نظریه‌های گوناگون در زمینه سکولاریزاسیون را مورد بررسی قرار داده و سطوح سه گانه آن را مشخص نموده و سکولارشدن فردی و محصول آن، یعنی نگرش سکولار را تعریف و ابعاد و شاخص‌های آن را تعیین نموده است. میزان نگرش سکولار را مورد سنجش قرار داده و عوامل گوناگونی را که می‌تواند در واریانس نگرش سکولار نقش ایفا نماید، بررسی نموده است. عمده‌ترین روش‌های به کار گرفته شده، تحلیل رگرسیون چند متغیری، تحلیل واریانس، تحلیل روند و تحلیل مسیر است. نمونه آماری، ۴۲۰ نفر از جوانان و میان سالان طبقات مختلف مردم شهر مشهد، در تابستان ۱۳۸۴ هستند. یافته‌ها حضور قابل توجه نگرش سکولار، وجود شکل‌های نوین دینداری و عدم انسجام کافی در گروه‌های دینی را نشان می‌دهد.

۳. ۱. ۲. سطح خرد

پژوهشی دیگر به وسیله میرزایی و باباصفیری (۱۳۹۴) با عنوان «بررسی رابطه نوسازی و تکثرگرایی دینی» در بین جوانان شهر و روستاهای سمنان صورت گرفت؛ چارچوب نظری این

پژوهش نظریات برگر در زمینه تکثرگرایی دینی و نوع‌شناسی جان هیک^۱ در ارتباط با سبک‌های دین‌داری (تکثرگرایی، شمول‌گرایی و انحصارگرایی) بوده است. این پژوهش با روش پیمایش در سطح شهر و شش روستای سنندج گرفت. نمونه آماری شامل ۵۸۳ نفر از جوانان (۲۹-۱۸ سال) شهر و روستا بوده است که به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده بودند. یافته‌ها نشان می‌دهد که شمول‌گرایی رایج‌ترین نوع دین‌داری در بین پاسخگویان شهر و روستا است و نادرترین نوع دین‌داری مربوط به انحصارگرایی است. نتایج رگرسیون چندمتغیره حاکی از آن است که از مجموع ۱۷ مولفه وارد شده به برنامه رگرسیونی، تأثیرگذارترین عوامل بر تکثرگرایی به ترتیب گرایش جهانی، گرایش استقلال‌طلبانه، کیفیت زندگی و وضعیت اجتماعی-اقتصادی بوده‌اند.

ناییب و آزادارمکی (۱۳۸۵) پژوهشی با عنوان «سکولاریسم و رابطه آن با تحصیلات عالی» با روش پیمایش و ابزار پرسشنامه بین جوانان و دانشجویان در جامعه شهری تهران انجام دادند. متغیرها و فرضیه‌های مورد استفاده در این پژوهش که از نظریه برگر استخراج شده‌اند؛ عبارت‌اند از: اعتقاد بنیادین به دین، خرده‌فرهنگ سکولار و تکثرگرایی که از دیدگاه برگر با سکولاریزاسیون مرتبط هستند. نتایج جامعه آماری حاکی از آن است که در ایران، اعتقاد بنیادین به دین عمومیت گسترده‌ای در بین جوانان دارد و عمومیت اعمال دینی (ادای فرایض و مناسک دینی) کمتر از اعتقاد بنیادین به دین بوده و نسبت به گذشته نیز کمتر است. ضمن این‌که عمومیت ابعاد دین (اعتقادات بنیادی و اعمال دینی) در بین افراد تحصیل‌کرده تا حدی کمتر است. نتیجه اینکه تحصیلات عالی در سکولار کردن افراد نقش دارد، اما این نقش بسیار اندک است.

مطالعه‌ای توسط محمدپور، علیزاده، قادرزاده و قدرتی (۱۳۹۰) با عنوان «بررسی اعتقادات دینی و جهت‌گیری عرفی‌گرا - بنیادگرایانه دانشجویان دانشگاه پیام‌نور مرکز ساری» با استفاده از مدل پیشنهادی گلاک و استارک به سنجش چهار بعد دین‌داری دانشجویان پرداخته است. طبق نتایج

مطالعه، اگرچه اعتقادات دینی در نزد دانشجویان جایگاه بسیار بالایی ندارد، اما میانگین اینگونه اعتقادات از سطح متوسط بالاتر است. در راستای شناخت و سنجش جهت‌گیری دینی دانشجویان درباره ارتباط با متغیر دین و تکثرگرایی دینی با توجه به میانگین کل مقیاس به دست آمده (۸/۴۷)، می‌توان دریافت که تنها ۲۸/۶٪ دانشجویان دیدگاهی بنیادگرایانه داشته و به انحصارگرایی دینی معتقدند، در حالی که ۴۰/۳٪ آنها به تکثرگرایی دینی که از مؤلفه‌های عرفی‌گرایی است، اعتقاد دارند و بقیه نیز دیدگاهی بینابین داشته‌اند. همچنین نتایج به دست آمده نشان دادند که گرچه اعتقادات دینی در نزد دانشجویان جایگاه بسیار بالایی ندارد، اما میانگین اعتقادات دینی ۸۷/۴٪ دانشجویان در سطح متوسط بالاتر بوده است.

۲.۲. نقد و بررسی پیشینه پژوهش

پیشینه‌های پژوهشی مورد بررسی دارای نقاط قوتی در تکیه بر نظریه‌های برجسته، ارائه داده‌های تجربی اولیه و پوشش چندبعدی پدیده‌های مرتبط با دین‌ورزی و سکولاریزاسیون هستند، اما محدودیت‌هایی از نظر تعمیم نتایج به برخی گروه‌های خاص، عدم یکپارچگی و ناهماهنگی میان نظریه و فرضیات عملی و کاستی در بررسی نقش عوامل میانجی نیز مشاهده می‌شود. از این‌رو، پژوهش حاضر با تمرکز ویژه بر بررسی نقش دبیران، عامل کلیدی در انتقال ارزش‌ها و تشکیل نگرش‌های نسل آینده، تأکید بر ابعاد فرهنگی معاصر یعنی نقش خرده‌فرهنگ بین‌المللی، عاملی که در جامعه‌های معاصر نقش ویژه‌ای در تغییر نگرش‌ها دارد و در مطالعات پیشین کمتر به آن پرداخته شده است؛ این موضوع به پژوهش ابعادی جدید می‌بخشد و همسو با تغییرات فرهنگی جهانی در سطح میدانی در ایران است، همچنین استفاده از چارچوب نظری جامع و چندبعدی همراه با روش‌های آماری پیشرفته، تمایز و غنای قابل توجهی در زمینه تحلیل روند عرفی‌شدن نسبت به تحقیقات پیشین به ارمغان می‌آورد. این رویکرد جدید نه تنها به بیان دقیق‌تر روابط بین تکثرگرایی و عرفی‌شدن می‌پردازد، بلکه با شناسایی و آزمون اثر میانجی متغیرهایی همچون کیفیت زندگی و

خرده‌فرهنگ بین‌المللی، ابعاد نوینی از فرآیند تغییر نگرش دینی را در بستر آموزش و پرورش به تصویر می‌کشد.

۳. فرضیه‌های پژوهش

در این پژوهش فرضیات در دو بخش مستقیم و غیرمستقیم طراحی شده‌اند که این فرضیات از متن و بطن چارچوب نظری پژوهش استخراج شده‌اند. این فرضیه‌ها عبارتند از: عرفی‌شدن، تکثرگرایی، تروما، کیفیت زندگی و خرده‌فرهنگ بین‌المللی. لازم به ذکر است که متغیر وابسته عرفی‌شدن از دل نظریات پیتر برگر، هابرماس و اینگلهارت استخراج شده است، متغیرهای تکثرگرایی و خرده‌فرهنگ بین‌المللی از نظریات برگر و متغیر تروما نشأت گرفته از نظریات ژیزک و متغیر کیفیت زندگی برگرفته از نظریات اینگلهارت است. در ذیل فرضیه‌های پژوهش مطرح می‌شوند.

۱. فرضیه مستقیم

۱. تکثرگرایی بر عرفی‌شدن دبیران آموزش و پرورش تأثیر دارد.

۲. ۳. فرضیه‌های غیرمستقیم

۱. تروما (روان‌زخم‌ها) در رابطه بین تکثرگرایی و عرفی‌شدن نقش میانجی ایفا می‌کند.

۲. کیفیت زندگی در رابطه بین تکثرگرایی و عرفی‌شدن نقش میانجی ایفا می‌کند.

۳. خرده‌فرهنگ بین‌المللی در رابطه بین تکثرگرایی و عرفی‌شدن نقش میانجی ایفا می‌کند.

۴. روش‌شناسی پژوهش

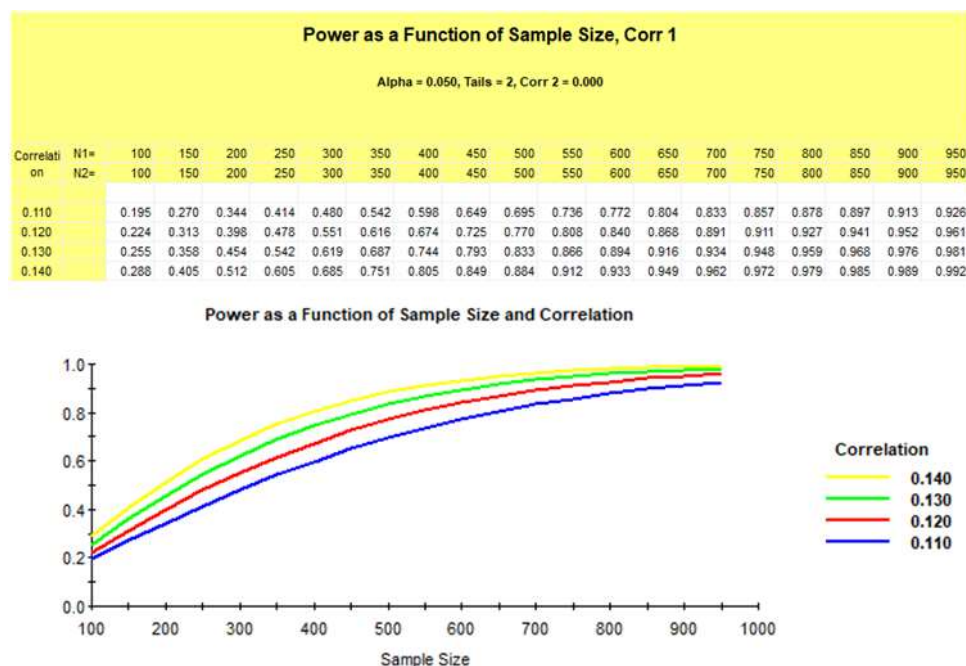
در فرایند تأسیس و استقرار یک رشته علمی، روش‌ها به مرجع بررسی تناسب افکار و موضوعات برای تحقیق تجربی بدل می‌شوند (فلیک، ۱۳۸۷: ۱۶). یکی از مهم‌ترین شرایطی که روش تحقیق را تعیین می‌کند، موضوع تحقیق است. با توجه به موضوع تحقیق یعنی بررسی تأثیر عرفی‌شدن بر اندیشه و کنش‌های دبیران آموزش و پرورش و پیش‌بینی پیامدهای احتمالی آن، روش کمی انتخاب شده است؛ زیرا اصولاً «چنین بررسی‌هایی، کم‌هزینه‌تر از بررسی‌های کیفی هستند و انجام آنها آسان‌تر

است و علاوه بر این، با این تحقیقات سریع تر می توان به نتیجه رسید» (احمدی، ۱۳۸۴). بنابراین در پژوهش حاضر با استفاده از تکنیک پیمایش و ابزار پرسشنامه به بررسی موضوع مورد مطالعه می پردازیم. افزون بر این، جامعه آماری این پژوهش کلیه دبیران (مقاطع متوسطه اول و دوم) مشغول به تدریس در نواحی شش گانه شهر اصفهان است که با توجه به تقسیم بندی مناطق شش گانه اصفهان و مشخص بودن آمار دبیران زن و مرد و مقاطع تدریس (متوسطه اول و دوم)، طبق اصول روش نمونه گیری سهمیه ای می توانند در این نمونه قرار گیرند. موضوع معرفی شدن به گونه ای که این پژوهش قصد انجام آن را دارد، تاکنون بر روی دبیران آموزش و پرورش که مهم ترین ابزار این نهاد عریض و طویل آموزشی هستند، کمتر کار شده است؛ بنابراین با توجه به این مسئله و همچنین با توجه به ناهمگن بودن جامعه آماری و حساس بودن موضوع مورد مطالعه، از نمونه گیری سهمیه ای استفاده شده است؛ زیرا طبق نظر اساتید کمیته رساله و پژوهش، حساس بودن موضوع مورد مطالعه، انتخاب نوع نمونه گیری را بیشتر توجیه می نماید.

آمار کلی تعداد دبیران رسمی و پیمانی شاغل در مناطق شش گانه شهر اصفهان در دوره اول متوسطه ۴۵۲۳ نفر است که در این میان تعداد دبیران شاغل در مناطق شش گانه شهر اصفهان در دوره اول متوسطه ۲۱۹۶ نفر و در دوره دوم متوسطه ۲۳۲۷ نفر است. همچنین تعداد دبیران زن در مجموع ۳۰۷۶ نفر و تعداد دبیران مرد در مجموع حدود ۱۴۴۷ نفر است (معاونت پژوهش برنامه ریزی و توسعه منابع اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان، ۱۴۰۲ - ۱۴۰۱). در پژوهش حاضر به منظور محاسبه حجم نمونه نرم افزار Spss Sample Power استفاده شد که در ذیل شکل آن نیز ضمیمه خواهد شد. در پژوهش حاضر تجزیه و تحلیل داده ها در سطح «آمار استنباطی» صورت گرفت. در این سطح با توجه به سطوح مختلف متغیرها از شیوه های تحلیل رگرسیون خطی ساده و چندمتغیره، تحلیل پراکنش (آنالیز واریانس)، نمودار مسیر و مدل معادله ساختاری با استفاده از نرم افزارهای Amos Graphics و SPSS استفاده شده است.

۴.۱. نمودار برآورد حجم نمونه پژوهش

همانگونه که در روش‌شناسی پژوهش نیز ذکر آن گذشت، در پژوهش حاضر برای محاسبه حجم نمونه از نرم‌افزار Spss Sample Power استفاده شده است. از آنجا که در مواردی که بیش از یک هدف، فرضیه یا سؤال برای مطالعه وجود دارد، توصیه می‌شود که تنها براساس هدف، فرضیه یا سؤال اصلی تحقیق، حداقل حجم نمونه تعیین گردد. این مطالعه نیز حجم نمونه را براساس سؤال اصلی تحقیق مطابق همبستگی و حجم اثر محاسبه نموده است. با توجه به اینکه حجم نمونه تابعی از آلفا، حجم اثر، توان آزمون و جهت فرضیه است، سناریوهای مختلف در نرم‌افزار تعریف شد که در جدول زیر خروجی آن ملاحظه می‌شود. لازم به ذکر است که آزمون‌های آماری کاملاً دقیق نیستند و ممکن است خطاهایی داشته باشند که شامل دو نوع خطای آلفا (نوع اول) و بتا (نوع دوم) است؛ ولی ارتکاب خطای نوع اول بسیار مهم‌تر است، یعنی زیان‌بخش‌تر از رخ دادن خطای نوع دوم است؛ بنابراین، برای انتخاب بهترین آزمون فرضیه آماری، قبل از شروع مطالعه باید احتمال خطای نوع اول را در سطح معین معمولاً یک، سه و پنج درصد ثابت در نظر گرفت که در این صورت، آزمونی بهترین خواهد بود که احتمال خطای نوع دوم در آن کوچکترین باشد. در این پژوهش نقطه برش توان براساس شاخص کوهن ۰.۸۰ تعریف شد، بنابراین برای تعیین حجم بهینه نمونه، با توجه به اهمیت موضوع و با نظر اساتید، آلفا ۰.۰۵ و حجم اثر آن ۰.۱۳ در نظر گرفته شد و براین اساس طبق جدول زیر حجم نمونه ۴۵۰ نمونه انتخاب گردید که با توجه به احتمال مخدوش بودن برخی از پرسشنامه‌ها ۴۶۰ نمونه در نهایت تعیین گردید. بنابراین با مدنظر قرار دادن پیش‌فرض‌های مربوط به محاسبه حجم نمونه (سطح اطمینان، توان آزمون، حجم اثر و آزمون مورد استفاده جهت تحلیل داده‌ها) حجم نمونه آماری ۴۶۰ نفر برآورد گردید.



شکل ۱. نمودار برآورد حجم نمونه پژوهش

منبع: پژوهش حاضر، ۱۴۰۳

۲.۴. روایی و پایایی پژوهش

در جدول زیر برآورد مقادیر مربوط به بارهای عاملی نشان‌دهنده اعتبار ابزار سنجش متغیر تکثرگرایی در سطح گویه‌ها و مقادیر شاخص متوسط واریانس استخراج شده دلالت بر اعتبار ابزار سنجش در سطح متغیر دارد. مقادیر ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی نیز نشان‌دهنده دقت ابزار اندازه‌گیری و به عبارت دیگر قابلیت اعتماد ابزار سنجش این متغیر است. لازم به توضیح است که هدف و فلسفه پایایی ترکیبی، سنجش سازگاری درونی یا بررسی میزان همبستگی و انسجام درونی بین مجموعه‌ای از گویه‌ها یا آیتم‌های یک سازه (مثلاً پرسش‌های یک پرسشنامه) است که در مقایسه با آلفای کرونباخ که اهمیت همه آیتم‌ها را یکسان فرض می‌کند، آیتم‌هایی با بار عاملی بالاتر وزن

بیشتری دارند، بنابراین نتایج دقیق‌تری ارائه می‌دهد و مبنای محاسبه آن نیز براساس بارهای عاملی و واریانس خطا در مدل معادلات ساختاری است. در اینجا ضریب پایایی ترکیبی ۰/۸۳ نشان دهنده همسازی درونی بالای همه گویه‌های متغیر خرده‌فرهنگ بین‌المللی است.

جدول ۱. برآورد مقادیر شاخص‌های روایی و پایایی - خرده‌فرهنگ بین‌المللی

منبع: پژوهش حاضر، ۱۴۰۳

گویه‌ها	بارعاملی	CR	Sig	AVE	ضریب آلفا	پایایی ترکیبی
Q_37	0/76	24/37	0/001	0/56	0/75	0/83
Q_38	0/82	41/33	0/001			
Q_39	0/77	28/19	0/001			
Q_40	0/66	15/05	0/001			

در جدول زیر برآورد مقادیر مربوط به بارهای عاملی نشان‌دهنده اعتبار ابزار سنجش متغیر عرفی شدن دبیران در سطح گویه‌ها و مقادیر شاخص متوسط واریانس استخراج شده دلالت بر اعتبار ابزار سنجش مربوط به این متغیر در سطح ابعاد دارد. مقادیر ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی نیز نشان‌دهنده دقت ابزار اندازه‌گیری و به عبارت دیگر قابلیت اعتماد ابزار سنجش این متغیر است. در اینجا ضریب پایایی ترکیبی ۰/۸۰ نشان دهنده همسازی درونی بالای همه گویه‌های متغیر تکثرگرایی است.

جدول ۲. برآورد مقادیر شاخص‌های روایی و پایایی - تکثرگرایی

منبع: پژوهش حاضر، ۱۴۰۳

گویه‌ها	بارعاملی	CR	Sig	AVE	ضریب آلفا	پایایی ترکیبی
Q_43	0/68	14/38	0/001	0/51	0/72	0/80
Q_44	0/71	15/43	0/001			
Q_45	0/64	12/62	0/001			
Q_46	0/57	12/98	0/001			
Q_47	0/75	23/74	0/001			

در جدول زیر برآورد مقادیر مربوط به بارهای عاملی نشان‌دهنده اعتبار ابزار سنجش متغیر عرفی شدن دبیران در سطح گویه‌ها و مقادیر شاخص متوسط واریانس استخراج‌شده دلالت بر اعتبار ابزار سنجش مربوط به این متغیر در سطح ابعاد دارد. مقادیر ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی نیز نشان‌دهنده دقت ابزار اندازه‌گیری و به عبارت دیگر قابلیت اعتماد ابزار سنجش این متغیر است. در ابعاد متغیر عرفی شدن ضریب پایایی ترکیبی آخرت‌گرایی (۰/۷۸) علائم روانی (۰/۸۲)، گرایش‌های اجتماعی (۰/۷۵)، عدم گرایش به عبودیت (۰/۸۳)، عدم تعبد به احکام (۰/۸۹) و تجمل‌گرایی (۰/۷۶) نشان‌دهنده همسازي درونی بالای همه گویه‌های ابعاد متغیر عرفی شدن دبیران است.

جدول ۳. برآورد مقادیر شاخص‌های روایی و پایایی - عرفی شدن دبیران

منبع: پژوهش حاضر، ۱۴۰۳

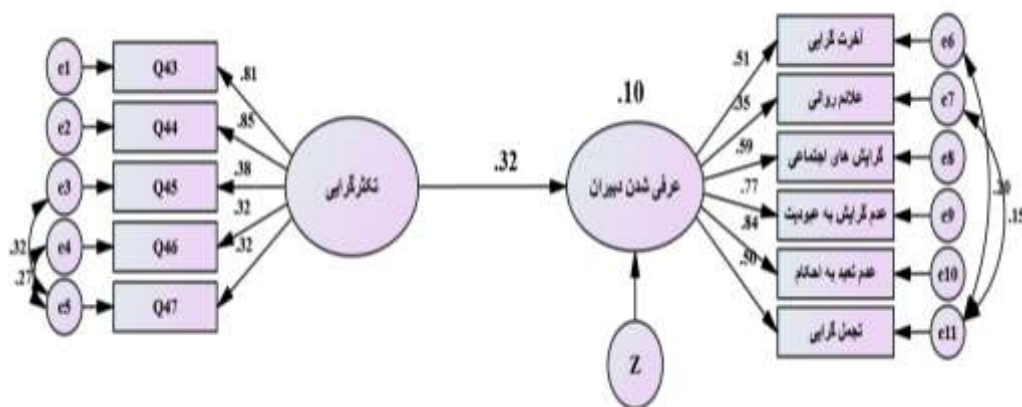
متغیر	ابعاد	گویه‌ها	بارعواملی	CR	Sig	AVI	ضریب آلفا	پایایی ترکیبی
عرفی شدن	آخرت‌گرایی	Q_73	0/32	3/79	0/001	0/52	0/70	0/78
		Q_74	0/40	4/82	0/001			
		Q_75	0/83	39/43	0/001			
		Q_76	0/85	47/42	0/001			
	علائم روانی	Q_77	0/83	36/41	0/001	0/60	0/74	0/82
		Q_78	0/80	29/55	0/001			
		Q_79	0/68	12/82	0/001			
	گرایش‌های اجتماعی	Q_80	0/46	7/08	0/001	0/53	0/72	0/75
		Q_81	0/67	16/17	0/001			
		Q_82	0/71	19/46	0/001			
	عدم گرایش به عبودیت	Q_83	0/75	29/19	0/001	0/61	0/76	0/83
		Q_84	0/79	37/60	0/001			
		Q_85	0/80	32/80	0/001			
	عدم تعبد به احکام	Q_86	0/77	31/17	0/001	0/73	0/85	0/89
		Q_87	0/85	52/06	0/001			
		Q_88	0/85	51/83	0/001			
	تجمل‌گرایی	Q_89	0/88	65/03	0/001	0/50	0/72	0/76
		Q_90	0/86	59/60	0/001			
		Q_91	0/64	14/14	0/001			
		Q_92	0/65	16/37	0/001			
		Q_93	0/83	46/57	0/001			
		Q_94	0/52	8/54	0/001			

۵. یافته‌های پژوهش

۱.۵. مدل معادله ساختاری: اثر مستقیم

فرضیه (۱): تکثرگرایی بر عرفی شدن دبیران تأثیر دارد.

برآوردهای مربوط به برازش کلیت مدل معادله ساختاری و پارامتر اصلی این مدل (اثر متغیر تکثرگرایی بر عرفی شدن دبیران) در شکل و جدول‌های زیر گزارش شده است:



شکل ۲. مدل معادله ساختاری اثر تکثرگرایی بر عرفی شدن دبیران

منبع: پژوهش حاضر، ۱۴۰۳

جدول ۴. برآورد مقادیر شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

منبع: پژوهش حاضر، ۱۴۰۳

شاخص	برآزش مطلق			برآزش تطبیقی			برآزش مقصد		هاتر
	GFI	TLI	CFI	PCFI	DF	CMIN/DF	RMSEA		
مقدار	0.90	0.88	0.89	0.59	40	4.01	0.08	118	

با توجه به شکل ۲ و برآوردهای ارائه شده در جداول ۴ و ۵، برآورد مقادیر مربوط به شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری بیانگر این است که مدل مفروض تدوین شده توسط داده‌های پژوهش حمایت می‌شود، درواقع برازش داده‌ها به مدل برقرار و اغلب شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند. نسبت کی دو به درجه آزادی (χ^2/DF) در این مدل برابر با ۴۰۱ است. این نسبت نشان می‌دهد که به ازای هر درجه آزادی، حدود ۴ واحد از χ^2 متراکم شده است. اگرچه برخی منابع توصیه می‌کنند که نسبت کی دو به درجه آزادی بهتر است کمتر از ۳ باشد. لازم به ذکر است که آزمون χ^2 به ویژه در نمونه‌های بزرگ و مدل‌های پیچیده از حساسیت بالایی برخوردار است؛ به همین دلیل در ارزیابی کلی مدل، سایر شاخص‌ها (مانند CFI، TLI، GFI و RMSEA) نیز مد نظر قرار می‌گیرند. این شاخص‌ها همگی در محدوده مطلوب قرار دارند که به تبیین کلی اعتبار مدل اضافه می‌کنند. در این مطالعه، سطح معناداری ضریب کی دو به صورت $p < 0.001$ اعلام شده است. این موضوع نشان می‌دهد که اختلاف بین ماتریس واریانس-کوواریانس مشاهده شده و ماتریس تئوری در مدل از نظر آماری معنادار است. به عبارت دیگر، اگرچه ضریب کی دو از نظر عددی ممکن است از مقادیر ایده آل (با در نظر گرفتن حساسیت آزمون χ^2) کمی بالاتر به نظر برسد، اما از منظر سطح معناداری، مدل به صورت قوی از داده‌های پژوهش حمایت می‌کند. به عنوان مثال، اگرچه نسبت χ^2/DF برابر با ۴۰۱ نشانگر اندکی افزایش نسبت به استانداردهای توصیه شده برای برخی از مدل‌های ساده تر باشد، در کنار سایر شاخص‌ها که نشانگر برازش نسبتاً خوب هستند، می‌توان نتیجه گرفت که مدل از منظر آماری مورد قبول بوده و سطح معنی داری بالایی ($p < 0.001$) دارد.

جدول ۵. برآورد مقادیر اثر تکثرگرایی بر عرفی شدن دبیران

منبع: پژوهش حاضر، ۱۴۰۳

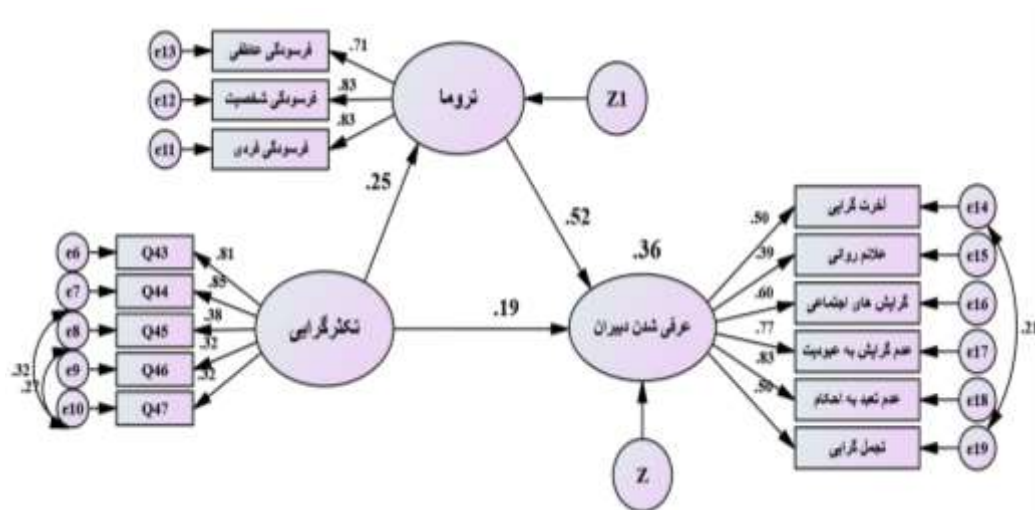
متغیر مستقل	مسیر	متغیر وابسته	ضریب تعیین	ضریب تأثیر	CR	P. Value
تکثرگرایی	>	عرفی شدن	10	0.32	5/30	0.001

با توجه به مقادیر برآورد شده در جدول بالا: الف. ضریب تعیین برابر با $(R^2 = 0/10)$ است. به عبارت دیگر ۱۰ درصد از تغییرات متغیر عرفی شدن دبیران براساس متغیر تکثرگرایی قابل تبیین است. با توجه به مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین این مقدار دلالت بر توان ضعیف متغیر تکثرگرایی در تبیین واریانس متغیر عرفی شدن دبیران دارد. ب. مقدار ضریب اثر این متغیر بر عرفی شدن دبیران برابر $(Beta = 0/32)$ و در سطح $(P < 0/05)$ یک صدم است که حاکی از معنادار بودن آن است. بنابراین، فرضیه پژوهش مبنی بر تأثیر متغیر تکثرگرایی بر عرفی شدن دبیران، تأیید می‌شود. مقدار ضریب تأثیر بیانگر اثر مستقیم و در حد ضعیف این متغیر بر عرفی شدن دبیران است؛ به این معنا که در بین بخش کوچکی از جامعه آماری پژوهش افزایش تکثرگرایی منجر به تقویت عرفی شدن می‌شود.

۲.۵. برآزش مدل اثرات غیرمستقیم

۲.۵.۱. میانجی‌گری - تروما

فرضیه (۲): متغیر تروما در رابطه بین متغیر تکثرگرایی با عرفی شدن دبیران نقش میانجی ایفا می‌کند. برآوردهای مربوط به برآزش کلیت مدل معادله ساختاری و پارامتر اصلی این مدل (اثر غیرمستقیم متغیر تکثرگرایی بر عرفی شدن دبیران با میانجی‌گری تروما) در شکل و جدول‌های زیر گزارش شده است:



شکل ۳. مدل معادله ساختاری اثر تکثرگرایی بر عرفی شدن دیران با میانجی نروما

منبع: پژوهش حاضر، ۱۴۰۳

جدول ۶. برآورد مقادیر شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

منبع: پژوهش حاضر، ۱۴۰۳

شاخص	برآزش مطلق			برآزش تطبیقی			برآزش مقتصد		همنتر
	CMIN	GFI	TLI	CFI	PCFI	DF	CMIN/DF	RMSEA	
مقدار	346.48	0.90	0.90	0.95	0.66	71	4.88	0.08	101

با توجه به شکل ۳ و برآوردهای ارائه شده در جداول ۶ و ۷، شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری با توجه به دامنه مطلوب این شاخص‌ها در مجموع بیانگر این است که مدل مفروض تدوین شده توسط داده‌های پژوهش حمایت می‌شوند، به عبارت دیگر برازش داده‌ها به مدل برقرار و شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند. مدل با χ^2 برابر با ۳۴۶.۴۸ و ۷۱ درجه آزادی، نسبت $\chi^2/DF \approx 4.88$ را به همراه دارد. به عبارت دیگر، آزمون χ^2 نشان می‌دهد که اختلاف

بین ماتریس واریانس-کوواریانس مشاهده‌شده (داده‌ها) و ماتریس تئوری (مدل) از نظر آماری معنادار است. سطح معناداری بسیار بالا ($p < 0.001$) نشان‌دهنده این است که اختلاف بین ساختار مدل تئوری و داده‌های واقعی از نظر آماری کاملاً معنادار است. اگرچه نسبت به درجه آزادی کمتر از ۳ ایده‌آل است، اما در زمینه مدل‌های پیچیده و با حجم نمونه‌های واقعی، این مقدار همراه با سایر شاخص‌های برازش (مانند CFI، GFI، TLI، و RMSEA) از اعتبار کلی مدل حمایت می‌کند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که مدل معادله ساختاری اثر تکثرگرایی بر عرفی‌شدن دبیران با میانجی‌گری تروما از نظر آماری دارای اعتبار بسیار قوی و معناداری بالایی است؛ به نحوی که اختلاف بین ماتریس‌های مشاهده‌شده و مدل تئوری به صورت معنادار ($p < 0.001$) گزارش شده و شاخص‌های کلی برازش مدل (از جمله نسبت χ^2/DF) به پذیرش نسبی مدل کمک می‌کنند.

جدول ۷. برآورد اثر غیرمستقیم تکثرگرایی بر عرفی‌شدن دبیران با میانجی تروما

منبع: پژوهش حاضر، ۱۴۰۳

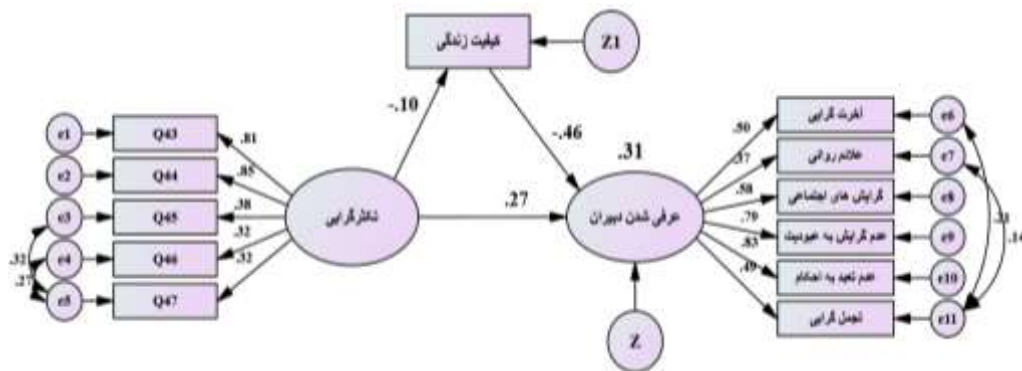
متغیر مستقل	میانجی	متغیر وابسته	ضریب تعیین	برآورد			
				مستقیم	غیرمستقیم	P	Beta
تکثرگرایی	تروما	عرفی‌شدن	0.36	0.19	0.001	0.13	0.007

برحسب مقادیر جدول بالا: الف. ضریب تعیین برابر با ($R^2 = 0.36$) است. به عبارت دیگر ۳۶ درصد از تغییرات متغیر عرفی‌شدن دبیران بر مبنای متغیرهای تکثرگرایی و تروما قابل تبیین است. با توجه به مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین این مقدار دلالت بر توان بالای این متغیرها برای تبیین واریانس متغیر عرفی‌شدن دبیران دارد. ب. اثر غیرمستقیم متغیر تکثرگرایی بر عرفی‌شدن دبیران برابر ($Beta = 0.13$) و در سطح ($P < 0.05$) معنادار است؛ بنابراین، فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه متغیر تروما در رابطه بین متغیر تکثرگرایی و عرفی‌شدن دبیران نقش میانجی ایفا می‌کند، تأیید

می‌شود. با توجه به مقدار ضریب تأثیر غیرمستقیم، میانجی‌گری این متغیر مستقیم، ضعیف و از نوع جزئی است.

۲.۲.۵. میانجی‌گری - کیفیت زندگی

فرضیه (۳): متغیر کیفیت زندگی در رابطه بین متغیر تکثرگرایی با عرفی‌شدن دبیران نقش میانجی ایفا می‌کند. برآوردهای مربوط به برازش کلیت مدل معادله ساختاری و پارامتر اصلی این مدل (اثر غیرمستقیم متغیر تکثرگرایی بر عرفی‌شدن دبیران با میانجی کیفیت زندگی) در شکل و جدول‌های زیر گزارش شده است:



شکل ۴. مدل معادله ساختاری اثر تکثرگرایی بر عرفی‌شدن دبیران با میانجی کیفیت زندگی

منبع: پژوهش حاضر، ۱۴۰۳

جدول ۸. برآورد مقادیر شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

منبع: پژوهش حاضر، ۱۴۰۳

شاخص	برآزش مطلق			برآزش تطبیقی			برآزش مقتصد		حالت
	CMIN	GFI	TLI	CFI	PCFI	DF	CMIN/DF	RMSEA	
مقدار	237/65	0/90	0/73	0/80	0/59	49	4/85	0/08	118

با توجه به شکل ۲ و برآوردهای ارائه‌شده در جداول ۸ و ۹، شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری با توجه به دامنه مطلوب این شاخص‌ها درمجموع بیانگر این است که مدل مفروض تدوین‌شده توسط داده‌های پژوهش حمایت می‌شوند، به عبارت دیگر برازش داده‌ها به مدل برقرار و همگی شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند. بنابراین، می‌توان گفت که اگرچه نسبت χ^2/DF برابر با ۴.۸۵ به نظر بالاتر از مقدار ایده‌آل (معمولاً کمتر از ۳) می‌رسد، ولی باید در نظر داشت که آزمون χ^2 به شدت نسبت به حجم نمونه و پیچیدگی مدل حساس است. در زمینه مدل‌های چندمتغیره پیچیده، مقادیر بالاتر این نسبت با سایر شاخص‌های برازش همراه که در محدوده‌های مجاز و مطلوب قرار دارند، قابل قبول است. سطح معناداری این شاخص به صورت $p > 0.001$ گزارش شده است که بیانگر معناداری آماری بسیار بالای اختلاف میان ماتریس‌های مشاهده‌شده و مدل تئوری است. این نتایج از نظر آماری نشان می‌دهند که علی‌رغم حساسیت آزمون χ^2 به پیچیدگی مدل و میزان حجم نمونه، مدل معادله ساختاری (اثر تکثرگرایی بر عرفی‌شدن دبیران با میانجی‌گری کیفیت زندگی) از نظر برازش کلی و سطح معناداری از اعتبار علمی بالایی برخوردار است. این رقم به همراه سایر شاخص‌های برازش ارائه‌شده، تأیید می‌کند که ساختار تبیین شده در مدل به شکل معناداری توانسته رابطه میان متغیرهای کلیدی پژوهش را توضیح دهد.

جدول ۹. برآورد اثر غیرمستقیم تکثرگرایی بر عرفی‌شدن دبیران با میانجی کیفیت زندگی

منبع: پژوهش حاضر، ۱۴۰۳

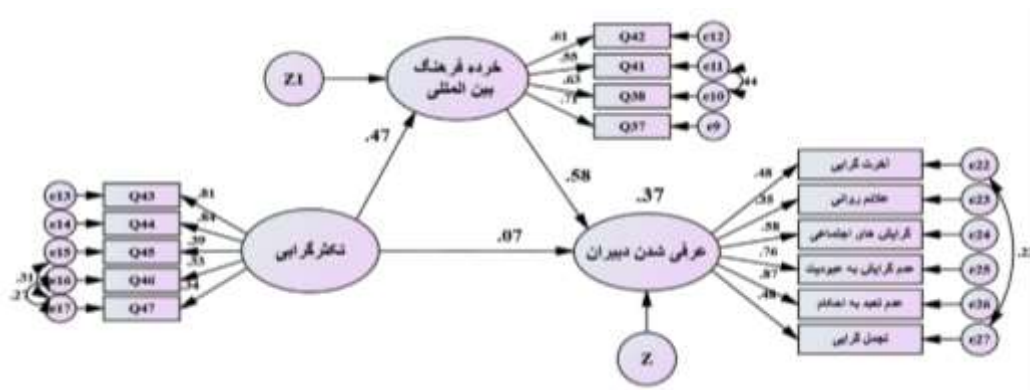
برآورد				ضریب تعیین	متغیر وابسته	میانجی	متغیر مستقل
P	Beta	P	Beta				
0.040	0.05	0.001	0.27	0.31	عرفی‌شدن	کیفیت زندگی	تکثرگرایی

برحسب مقادیر جدول بالا: الف. ضریب تعیین برابر با $(R^2 = 0.31)$ است. به عبارت دیگر ۳۱ درصد از تغییرات متغیر عرفی‌شدن دبیران براساس متغیرهای تکثرگرایی و کیفیت زندگی قابل تبیین

است. با توجه به مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین این مقدار دلالت بر توان بالای این متغیرها برای تبیین واریانس متغیر عرفی شدن دبیران دارد. ب. اثر غیرمستقیم متغیر تکثرگرایی بر عرفی شدن دبیران برابر ($Beta = 0/05$) و در سطح ($P < 0/05$) معنادار است؛ بنابراین، فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه متغیر کیفیت زندگی در رابطه بین متغیر تکثرگرایی و عرفی شدن دبیران نقش میانجی ایفا می‌کند، تأیید می‌شود. با توجه به مقدار ضریب تأثیر غیرمستقیم، میانجی‌گری این متغیر مستقیم، ضعیف و از نوع جزئی است.

۳.۲.۵. میانجی‌گری - خرده فرهنگ بین‌المللی

فرضیه (۴): متغیر خرده فرهنگ بین‌المللی در رابطه بین متغیر تکثرگرایی با عرفی شدن دبیران نقش میانجی ایفا می‌کند. برآوردهای مربوط به برازش کلیت مدل معادله ساختاری و پارامتر اصلی این مدل (اثر غیرمستقیم متغیر تکثرگرایی بر عرفی شدن دبیران با میانجی خرده فرهنگ بین‌المللی) در شکل و جدول‌های زیر گزارش شده است:



شکل ۵. مدل معادله ساختاری اثر تکثرگرایی بر عرفی شدن با میانجی خرده فرهنگ بین‌المللی

منبع: پژوهش حاضر، ۱۴۰۳

جدول ۱۰. برآورد مقادیر شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

منبع: پژوهش حاضر، ۱۴۰۳

شاخص	برآزش مطلق			برآزش تطبیقی			برآزش مقصد		مقیاس
	CMIN	GFI	TLI	CFI	PCFI	DF	CMIN/DF	RMSEA	
مقدار	366/03	0/89	0/79	0/83	0/66	83	4/41	0/08	108

با توجه به شکل ۵ و برآوردهای ارائه شده در جداول ۱۰ و ۱۱، شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری با توجه به دامنه مطلوب این شاخص‌ها در مجموع بیانگر این است که مدل مفروض تدوین شده توسط داده‌های پژوهش حمایت می‌شوند، به عبارت دیگر برازش داده‌ها به مدل برقرار و اغلب شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند. ضریب کی دو مدل برای مسیرهای درون ساختاری (شامل اثر مستقیم تکثرگرایی و مسیرهای میانجی از طریق خرده فرهنگ بین‌المللی) تقریباً برابر با ۳۶۶/۰۳ گزارش شده است. مدل دارای ۸۳ درجه آزادی است. با تقسیم ۳۶۶/۰۳ بر ۸۳، نسبت به دست می‌آید که تقریباً ۴/۴۱ است. بنابراین، نسبت ۴/۴۱ در چنین مواردی همچنان می‌تواند مورد قبول قرار گیرد، به‌ویژه اگر سایر شاخص‌های برازش (مانند CFI، TLI، GFI، RMSEA) در محدوده‌های مجاز گزارش شده باشند. اگرچه نسبت χ^2/DF برابر با ۴/۴۱ ممکن است از دیدگاه برخی نظریه‌پردازان ایده‌آل نباشد، اما در زمینه‌های پژوهشی پیچیده و مطالعات واقعی، این مقدار همراه با سطح معناداری بسیار پایین ($p < 0.001$) نشان می‌دهد که مدل مورد نظر از نظر آماری دارای اعتبار و پایداری است. همچنین، گزارش سایر شاخص‌های برازش به‌وضوح نشان می‌دهد که مدل توانسته ساختار پیچیده روابط میان تکثرگرایی، خرده فرهنگ بین‌المللی و عرفی شدن دبیران را به‌خوبی منعکس کند. این نتایج به‌طور علمی بیان می‌کنند که علی‌رغم حساسیت آزمون χ^2 در مدل‌های پیچیده، ارزیابی‌های متعدد و سطح معنی‌داری بسیار بالا، مدل معادله ساختاری ارائه شده از نظر آماری تثبیت شده و یافته‌های مسیرهای ارائه شده (هم اثر مستقیم و هم اثر میانجی‌ای) برای تبیین تغییرات در عرفی شدن دبیران قابل اعتماد و معنادار هستند.

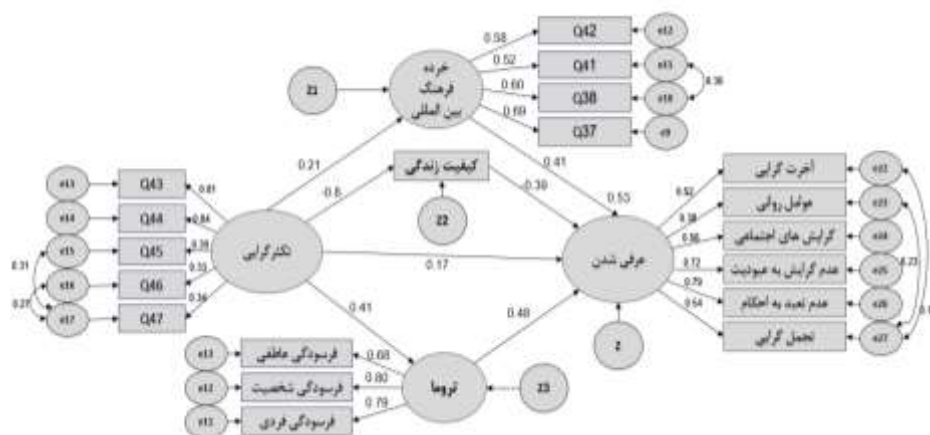
جدول ۱۱. برآورد اثر غیرمستقیم تکثرگرایی بر عرفی شدن دبیران با میانجی خرده فرهنگ بین المللی

منبع: پژوهش حاضر، ۱۴۰۳

برآورد				ضرب تعیین	متغیر وابسته	میانجی	متغیر مستقل
غیر مستقیم		مستقیم					
P	Beta	P	Beta				
0/004	0/27	0/291	0/07	0/37	عرفی شدن	خرده فرهنگ بین المللی	تکثر گرایی

برحسب مقادیر جدول بالا: الف. ضریب تعیین برابر با $(R^2 = 0.37)$ است. به عبارت دیگر ۳۷ درصد از تغییرات متغیر عرفی شدن دبیران براساس متغیرهای تکثرگرایی و خرده فرهنگ بین المللی قابل تبیین است. با توجه به مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین این مقدار دلالت بر توان بالای این متغیرها برای تبیین واریانس متغیر عرفی شدن دبیران دارد. ب. اثر غیرمستقیم متغیر تکثرگرایی بر عرفی شدن دبیران برابر $(Beta = 0.27)$ و در سطح $(P < 0.05)$ معنادار است؛ بنابراین، فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه متغیر خرده فرهنگ بین المللی در رابطه بین متغیر تکثرگرایی و عرفی شدن دبیران نقش میانجی ایفا می کند، تأیید می شود. با توجه به مقدار ضریب تأثیر غیرمستقیم، میانجی گری این متغیر مستقیم، در حد متوسط و از نوع کامل است.

۴. ۲. ۵. میانجی گری - مجموع متغیرها (تروما، کیفیت زندگی و خرده فرهنگ بین المللی)



بين المللى

منبع: پژوهش حاضر، ۱۴۰۳

منبع: پژوهش حاضر، ۱۴۰۳

شاخص	برآزش مطلق			برآزش تطبیقی			برآزش مقتصد		مبشر
	GFI	CMIN	TLI	CFI	PCFI	DF	CMIN/DF	RMSEA	
مقدار	0.91	237.65	0.90	0.93	0.64	49	4.85	0.08	121

در مجموع با توجه به شکل ۶ و برآوردهای ارائه شده در جداول ۱۲ و ۱۳، شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری با توجه به دامنه مطلوب این شاخص‌ها بیانگر این است که مدل مفروض تدوین شده توسط داده‌های پژوهش حمایت می‌شوند، به عبارت دیگر برازش داده‌ها به مدل برقرار و اغلب شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند. ضریب کی دو برای مسیرهای درون ساختاری (شامل اثر مستقیم تکرنگرایی و مسیرهای میانجی از طریق خرده فرهنگ بین‌المللی) تقریباً برابر با ۲۳۷.۶۵ گزارش شده است. مدل دارای ۴۹ درجه آزادی است. با تقسیم ۲۳۷.۶۵ بر

عرفی شدن دبیران براساس متغیرهای تکثرگرایی و متغیرهای میانجی قابل تبیین است. با توجه به مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین این مقدار دلالت بر توان بالای این متغیرها برای تبیین واریانس متغیر عرفی شدن دبیران دارد. اثرهای میانجی نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از تأثیر «تکثرگرایی» بر «عرفی شدن» از طریق مسیری غیرمستقیم - یعنی از طریق تروما، کاهش کیفیت زندگی و تأثیرات خرده‌فرهنگ بین‌المللی - منتقل می‌شود. ب. اثر مستقیم متغیر تکثرگرایی بر عرفی شدن دبیران برابر $(Beta = 0/32)$ و در سطح $(P < 0/001)$ معنادار است. ج. اثر غیرمستقیم متغیر تکثرگرایی بر عرفی شدن دبیران برابر $(Beta = 0/24)$ و در سطح $(P < 0/003)$ معنادار است؛ بنابراین، فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه متغیر خرده‌فرهنگ بین‌المللی در رابطه بین متغیر تکثرگرایی و عرفی شدن دبیران نقش میانجی ایفا می‌کند، تأیید می‌شود. با توجه به مقدار ضریب تأثیر غیرمستقیم، میانجی‌گری این متغیر مستقیم، در حد متوسط و از نوع کامل است. افزون بر آن، تکثرگرایی به‌تنهایی تأثیر محدودی در تغییر نگرش [عرفی شدن] دارد؛ اما هنگامی که اثرهای میانجی از قبیل تروما، کیفیت زندگی و خرده‌فرهنگ بین‌المللی وارد معادله شوند، تأثیر کلی چند برابر شده و قوی‌تر می‌شود. به عبارت دیگر، فرآیند عرفی شدن دبیران نه تنها ناشی از وجود یک بازار رقابتی دینی و تنوع دینی است، بلکه تأثیرات روانی و فرهنگی ناشی از شرایط معیشتی و فرهنگی مدرن، به‌شدت این روند را تسریع می‌کنند. مدل ارائه‌شده با شاخص‌های برآورد شده و معناداری آماری پشتیبانی می‌شود و از نظر تبیین واریانس، توانسته است بخش قابل توجهی از تغییرات نگرشی را توضیح دهد.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

مقاله حاضر با بهره‌گیری از دیدگاه‌های جامعه‌شناسانی همچون پیتز برگر، یورگن هابرماس و اسلاوی ژیزک، به بررسی تأثیر تکثرگرایی بر روند عرفی شدن دبیران آموزش و پرورش اصفهان می‌پردازد. این روند در زمینه‌ای قرار دارد که مدرنیته، با ایجاد فضای رقابتی و آزاد در حوزه‌های دینی، موجب تضعیف سایبان تقدس و گسترش دیدگاه‌های عرفی شده است. از سوی دیگر، عوامل

محیطی و روانی مانند فشارهای شغلی (تروما)، کیفیت زندگی و تأثیرات فرهنگی بخصوص از سمت خرده فرهنگ بین المللی، به عنوان متغیرهای میانجی، نقش اساسی در این تغییر نگرش دارند. براساس جداول ارائه شده در بالا، شاخص هایی شامل RMSEA و CFI, TLI, GFI, CMIN/DF نشان می دهند که مدل مفروض از لحاظ آماری دارای برازش مطلوب است. این شاخص ها اعتبار روش گردآوری داده ها و تحلیل معادله ساختاری را تأیید می کنند و نشان می دهند که داده های پژوهش به خوبی از مدل پیشنهادی حمایت می کنند.

برازش مدل و بالطبع مقادیر برآورد شده و ضریب اثر نشان می دهد که اثر مستقیم فرضیه تکثرگرایی بر عرفی شدن دبیران تأیید می شود؛ هر چند این اثر در حد ضعیف برآورد می شود؛ به این معنا که در بین بخش کوچکی از جامعه آماری پژوهش افزایش تکثرگرایی منجر به تقویت عرفی شدن می شود که با یافته های محمدپور و همکاران (۱۳۹۰)، کثرت گرایی معرفتی نه اجتماعی آقای کافی (۱۳۸۸)، ناییبی و آزادارمکی (۱۳۸۵) و محمدپور و دیگران (۱۳۹۰) همسو است.

برازش مدل اثرات غیرمستقیم (متغیرهای میانجی) حکایت از آن دارد که متغیر تروما، کیفیت زندگی و خرده فرهنگ بین المللی در رابطه بین متغیر تکثرگرایی با عرفی شدن دبیران نقش میانجی ایفا می کند. بنابراین در مجموع، شاخص های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری بیانگر این است که مدل مفروض تدوین شده توسط داده های پژوهش حمایت می شوند و برازش داده ها به مدل برقرار و شاخص ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند. به بیان دیگر، اگرچه تکثرگرایی پایه ای برای تغییر نگرش فراهم می آورد، اما در عمل تجربیات زندگی (تروما) و تأثیرات فرهنگی معاصر (کیفیت زندگی و خرده فرهنگ) نقش واسطه ای حیاتی در شکل گیری نگرش های عرفی دارند و میزان توضیح واریانس در متغیر وابسته (عرفی شدن) را افزایش داده اند که این نتایج در مورد ارتباط بین متغیر کیفیت زندگی و عرفی شدن با یافته های میرزایی و باباصفری (۱۳۹۴) همسو است؛ ولی نتایج رابطه بین متغیر خرده فرهنگ بین المللی و عرفی شدن با نتایج ناییبی و آزادارمکی (۱۳۸۵) و تا حدودی با نتایج کافی (۱۳۸۸) که بیان می کند نسل جوان و روشنفکر امروزی احتمالاً در آینده سکولار شده

و به سکولارشدن جامعه ایران کمک خواهند نمود، همچنین با نتایج ماسودا و هالی یود هیسترا (۲۰۲۰) و غیاثوند (۱۳۹۵) که به نوعی بر قشر جوان تحصیل کرده تأکید می‌کنند تا حدودی همسو است. در مجموع متغیر عرفی‌شدن در جامعه ایران و برخی کشورهای اسلامی مانند اندونزی و ترکیه نفوذ یافته است که این نتیجه، یعنی بحث نفوذ اندیشه‌های عرفی‌شده، به نوعی با نتایج استخراج شده در پژوهش‌های ساعی و محمدزاده (۱۳۹۲) در ترکیه و ماسودا و هالی یود هیسترا (۲۰۲۰) در اندونزی و پژوهش‌های فاضلی (۱۳۹۵)، کافی (۱۳۸۸)، غیاثوند (۱۳۹۵)، میرزایی و باباصفیری (۱۳۹۴)، سیلانیان‌طوسی و سعیدی‌وامقی (۱۳۸۴)، ناییبی و آزادارمکی (۱۳۸۵) و محمدپور و همکاران (۱۳۹۰) در ایران همسو است.

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که روند عرفی‌شدن دبیران آموزش و پرورش اصفهان، نتیجه تعامل چندبعدی است؛ از یک‌سو تکثرگرایی که موجب ورود دیدگاه‌های چندگانه می‌شود و از سوی دیگر عوامل میانجی‌ای نظیر تروما، کیفیت زندگی و خرده‌فرهنگ بین‌المللی که به‌عنوان واسطه‌های مهم در تغییر نگرش عمل می‌کنند.

نتیجه اینکه دبیران در مواجهه با فشارهای روزمره و تغییرات فرهنگی، اگرچه برخی از هنجارهای دینی سنتی را حفظ می‌کنند، اما تغییرات در محیط کاری، فشارهای روانی و تأثیرات فرهنگی مدرن موجب تغییر نگرش آن‌ها به سمت عرفی‌شدن شده است. توصیه می‌شود سیاست‌گذاران آموزشی با اتخاذ رویکردی چندجانبه (اقتصادی، فرهنگی و روانشناختی) اقدام به ایجاد شرایط مساعد برای کاهش تغییرات افراطی در نگرش‌ها نمایند. به‌طور کلی، این پژوهش با ارائه مدلی جامع از اثرات مستقیم و غیرمستقیم تکثرگرایی بر عرفی‌شدن دبیران، چشم‌اندازی جدید ارائه کرده و نشان می‌دهد که برای مقابله با روندهای اجتماعی نوین، نیاز به بازنگری و همسو کردن استراتژی‌های آموزشی با شرایط متغیر اجتماعی است. یافته‌های ارائه‌شده در تحلیل مسیرهای میانجی حاکی از آن است که فشارها و استرس‌های شغلی و روانی (تروما، کیفیت زندگی و خرده‌فرهنگ بین‌المللی) به‌عنوان یک

میانجی، نقشی مهم در انتقال تأثیر تکثرگرایی به عرفی شدن دارند. به عبارت دیگر، وضعیت روانی بحرانی یا فشارهای ناشی از محیط کار می‌تواند احساس ناپایداری یا تغییر نگرش دینی را تقویت کند؛ کاهش کیفیت زندگی (یا تغییر الگوهای معیشتی) به‌طور غیرمستقیم، اثر تکثرگرایی را در جهت ایجاد نگرش‌های عرفی تقویت می‌کند و حضور و نفوذ خرده‌فرهنگ‌ها در فضای فرهنگی معاصر، به‌ویژه از طریق رسانه‌ها و ارتباطات جهانی، نقشی واسطه‌ای در بازتعریف ارزش‌ها و نگرش‌های دینی ایفا می‌کند. این متغیر در مدل نشان می‌دهد که تبادل فرهنگی و تأثیرات جهانی، زمینه‌ساز تغییر و تحول در نگرش‌های رسمی دینی و گرایش به سمت عرفی شدن هستند.

در مجموع یافته‌های پژوهش حکایت از تأیید هر چهار فرضیه دارد؛ بنابراین با توجه به نتایج به‌دست آمده که در بالا ذکر آن گذشت، برگر با طرح نگرش کثرت‌گرایانه مبنی بر ظهور یک بازار رقابتی و آزاد دینی در جامعه مدرن مدعی شد که این بازار رقابتی موجب ظهور کیش‌های جدیدی می‌شود که فاقد هرگونه اهمیت دینی‌اند. هابرماس و دیگر اندیشمندان هم‌فکر او استدلال می‌کنند که برخلاف باور سکولارها، در اکثر مناطق جهان دین اقتدار نهادی خود را در مورد امر سیاسی از دست نداده، بلکه در عوض پس از چندین سده عقب‌نشینی و انزوای اهمیت سیاسی خود را دوباره بازیافته است. از نظر هابرماس آزادی دین براساس قانون، پاسخ سیاسی مناسبی برای چالش‌های تکثرگرایی دینی است. این مورد نیز در این پژوهش مشهود بود؛ یعنی معلمان ضمن اینکه تاحدودی خود را به برخی از شالوده‌های دینی پایبند نشان می‌دادند؛ ولی به‌خاطر کیفیت زندگی و معیشت سخت و تروماهایی که از آن نشئت می‌گرفت، یعنی واکنش‌های تروماتیک تاحدودی با تکثر و عرفی شدن و شاخص‌های آن، موافق بودند. از نظر برگر هر قدر این بازار دینی رقابتی و کثرت‌گرا باشد، میزان مشارکت دینی و حق انتخاب دین افزایش خواهد یافت که در آن «مدرنیته تا حد زیادی [رفتار] پیش‌نما را به [رفتار] پس‌نما گسترش می‌دهد»، این در این‌جا می‌تواند به این معنا باشد که معلمانی که در ذیل جامعه دینی زندگی و امرار معاش می‌کنند، رفتارهایی که به رفتار پس‌نما معروف است یعنی رفتاری که به‌صورت خودکار و بدون تفکر زیاد انجام می‌گیرد را به رفتار پیش‌نما که مستلزم

تفکر است منتقل نموده که به نوعی می‌تواند واکنشی به کیفیت و شرایط دشوار زندگی کنونی آنان باشد. البته این ضمن همراه شدن با بحران انعکاسی یا پساتروماهای ژیکتی ناشی از آن، می‌تواند تحت تأثیر خرده‌فرهنگ بین‌المللی سکولاری باشد که روشنفکران غرب‌گرا هم در شیپور آن دمیده و از این آب گل‌آلود در کارخانه آدم‌سازی (آموزش و پرورش) ماهی می‌گیرند.

بنابراین در مجموع، یافته‌های پژوهش هر چند حاکی از دین‌دار بودن و البته تکثرگرایی معلمان آموزش و پرورش است و بعضاً نشان‌دهنده حفظ تهنشست‌های مد نظر پارتو، جامعه‌شناس کلاسیک ایتالیایی، در بحث دین و پایبندی به آن است.

کتابنامه

۱. آزادارمکی، ت؛ و غیاثوند، ا. (۱۳۸۱). تحلیل جامعه‌شناختی وضعیت دین داری جوانان با رویکرد بی‌شکلی دین‌ورزی. *پژوهشنامه علوم انسانی*، ۱(۳۵)، ۱۱۷ - ۱۴۸.
۲. احمدی، ح. (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی انحرافات*. تهران: سمت.
۳. ایزدی‌یزدان‌آبادی، ا. (۱۳۹۳). *آسیب‌شناسی مدیریت آموزش و پرورش کشور و ارائه راهبردها و راهکارهای مطلوب*. تهران: دبیرخانه‌ی شورای انقلاب فرهنگی.
۴. اینگلهارت، ر؛ و ولزل، ک. (۱۳۸۹). *نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی*. (احمدی، ی، مترجم). تهران: کویر.
۵. برگر، پ. ا؛ و زاید رولد، آ. (۱۳۹۳). *اعتقاد بدون تعصب*. (حبیبی، م، مترجم). تهران: نشر گمان.
۶. برگر، پ. ا. (۱۳۸۰). *افول سکولاریسم: دین خیزش‌گر و سیاست جهانی*. (امیری، ا، مترجم). تهران: نشر پنگان.
۷. زارعی، آ. (۱۳۹۷). *پست سکولاریسم دین، دولت و حوزه عمومی در غرب*. تهران: نشر نی.
۸. ژیک، ا. (۱۳۹۲). *خسونت: پنج نگاه زیرچشمی*. (پاکنهاد، ع، مترجم). تهران: نشر نی.
۹. ستایش‌فر، م. (۱۳۹۷). *بررسی نقش معلم و آموزش و پرورش در ایجاد روحیه و نشاط معلمی*. *فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی*، ۴(۴)، ۴۳ - ۵۱.

۱۰. سراج‌زاده، س. (۱۳۷۸). نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان و دلالت‌های آن بر سکولار شدن تهران. فصلنامه نمایه پژوهش، ۹ و ۱۰ (۹)، ۱۰۵-۱۱۸.
۱۱. سیدمن، ا. (۱۳۸۸). کشاکش آرا در جامعه‌شناسی. (جلیلی. ه، مترجم). تهران: نشرنی.
۱۲. سیلانیان‌طوسی، ع.؛ و سعیدی‌نامقی، م. م. (۱۳۸۴). نگرش سکولار، نظریه‌های سکولاریزاسیون و جامعه ما، ۲ (۲- شماره پیاپی ۶)، ۸۷-۱۰۸.
۱۳. غیاثوند، ا. (۱۳۹۵). رفتارها و باورهای ایرانیان: تحلیلی جامعه‌شناختی از مناسبات دین در بستر دولت. فصلنامه علوم اجتماعی، ۲۵ (۷۳)، ۲۱۱-۲۵۱.
۱۴. فاضلی، ن. (۱۳۹۵). آیا فرهنگ ایران امروز سکولار است؟ منظر انسان‌شناسی شناختی. فصلنامه علمی - ترویجی جامعه، فرهنگ و رسانه، ۵ (۲۰)، ۱۱-۲۸.
۱۵. فلیک، ا. (۱۳۸۷). درآمدی بر تحقیق کیفی. (جلیلی. ه، مترجم). تهران: نشرنی.
۱۶. کافی، م. (۱۳۸۸). طرح سنجش تأثیر کثرت‌گرایی بر سکولار شدن افراد با تحصیلات عالیه. اسلام و علوم اجتماعی، ۱ (۲)، ۴۹-۸۰.
۱۷. کرمی، س. (۱۳۸۸). سکولاریسم (خاستگاه، مبانی و مؤلفه‌ها). تهران: امیرکبیر.
۱۸. مایرز، ت. (۱۳۸۵). اسلاوی ژیتک. (نوروزی. ا، مترجم). تهران: نشر مرکز.
۱۹. محمدپور، ا؛ علیزاده، م؛ قادرزاده، ا؛ و قدرتی، ح. (۱۳۹۰). بررسی اعتقادات دینی و جهت‌گیری عرفی‌گرا - بنیادگرایانه دانشجویان؛ مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه پیام‌نور مرکز ساری. مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۲ (۵ و ۶)، ۶۹-۹۸.
۲۰. محمودپناهی، س. م. (۱۳۹۸). سکولاریسم یا پساسکولاریسم؛ بررسی نسبت دین و سیاست از دیدگاه هابرماس و مطهری. تهران: پژوهش علم و دین، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - دو فصلنامه علمی، سال دهم، ۲ (۲۰)، ۲۳۷-۲۶۱.
۲۱. معاونت پژوهش برنامه‌ریزی و توسعه منابع اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان. (۱۴۰۱-۱۴۰۲). سالنامه آماری آموزش و پرورش استان اصفهان. بازیابی در ۱۴۰۱، از isf.medu.ir.
۲۲. معیدفر، س. (۱۳۸۶). دانشگاه و دگرگونی ارزش‌ها. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

۲۳. میرزایی، ح؛ و باباصفری، ن. (۱۳۹۴). بررسی رابطه نوسازی و تکثرگرایی دینی در بین جوانان شهر روستاهای سنندج. *مجله مطالعات جامعه‌شناختی*، ۲۲(۱)، ۱۰۳ - ۱۲۹.
۲۴. نایی، ه؛ و آزادارمکی، ت. (۱۳۸۵). سکولاریسم و رابطه آن با تحصیلات عالی. *جامعه‌شناسی ایران*، ۱۷(۳)، ۷۶ - ۹۳.
۲۵. وریج کاظمی، ع؛ و فرجی، م. (۱۳۸۲). عرفی شدن و زندگی روزمره. *مطالعات جامعه‌شناختی*، ۲۱، ۲۴۳ - ۲۷۰.
۲۶. ولزل، ک؛ اینگلهارت، ر؛ و کلینگمان، ه. د. (۱۳۸۲). *توسعه انسانی نظریه‌ای درباره تغییر اجتماعی*. (جلیلی، ه، مترجم). تهران: طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد.
۲۷. هاشمیان فر، س. ع؛ و هاشمی، م. (۱۳۹۲). بررسی نمودهای عرفی شدن دین در سبک زندگی جوانان شهر اصفهان (با تأکید بر نظریه عرفی شدن). *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۴ (۱)، ۲۴۳ - ۲۶۹.
۲۸. هاشمی، ش. (۱۳۸۶). میزگرد بررسی و نقد کتاب نقش جریان روشنفکری در سکولاریسم تربیتی ایران اثر جمیله علم‌الهدی، تهیه و تنظیم توسط شهناز هاشمی. *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، ۶(۳۳)، ۱۶۹ - ۱۹۴.
۲۹. هابرماس، ی؛ و دالمایر، ف. (۱۳۸۸). *دین و روابط بین‌الملل*. (قهرمانپور بناب، ع، مترجم). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

30. Berger. P. L. (1967). *The Sacred Canopy: Elements of a Sociological Theory of Religion*. Garden City. New York: Doubleday.
31. Berger, P. L (1999). *The De Secularization of the word: Resurgent Religion and Word Politics*. Washington, D.C: Ethic and Public Policy Center.
32. Berger, P. L., Berger, B., & Kellner, H. (1973). *The Homeless Mind: Modernization and Consciousness*. Random House.
33. Bruce, S. (2002). *God is Dead: Secularization in the West*. Oxford: Blackwell Publishing.
34. Daly, G. (2003). *Introduction: Risking the Impossible*. in Conversations with Zizek. Glyn Daly, Polity Press.
35. Caruth, C. (1996). *Unclaimed experience: Trauma, narrative, and history*. Johns Hopkins University Press

36. Dobbelaerc, K. (1999). Towards an Integrated Perspective of the Processes Related to the Descriptive Concept of Secularization", *Sociology of Religion*, 60, (3), 229–247.
37. Habermas, J. (2008a). *Between Naturalism and Religion: Philosophical Essays*, Cambridge, UK: Polity Press.
38. Inghart, R. (1997). *Modernization and Postmodernization*. Princeton: Princeton University Press.
39. Masuda, K., & Yudhistira, M. H. (2020). *Does education secularize the Islamic population? The effect of years of schooling on religiosity, voting, and pluralism in Indonesia*. CEI Working Paper Series 2019-11, Center for Economic Institutions, Institute of Economic Research, Hitotsubashi University.
40. Wallace, R.T., & Wolf, A. (1999). *Contemporary Sociological Theory: Expanding the Classical Tradition*. New Jersey: Prentice Hall.
41. Yinger, J. M. (1957). *Religion, society and the individual; an introduction to the sociology of religion*. Macmillan.
42. Zizek, S. (2001). *On Belief*. London: Routledge.
43. Zizek, S. (1994). *Mapping Ideology*. London: Verso Books.

A Sociological Study of Factors Underpinning Social Hope Among Citizens of Ilam City: A Structural Equation Modeling Approach¹

Mahin Hosseinitabar

Ph.D. Student of Sociology, Kashan University, Kashan, Iran

Mohsen Niazi

Professor of Sociology, Faculty of Humanities, Kashan University, Kashan, Iran

Received: 5 August 2025 Revised: 21 December 2025 Accepted: 22 December 2025

Abstract

Social hope is a key factor underpinning the sustainability of social cohesion and civic participation. The present study aims to identify factors affecting social hope in Ilam and presents a conceptual model for its explanation. The research method was descriptive-correlational, and the data were collected using a researcher-made questionnaire, which included five components: economic, political, social, environmental, and family, from 259 people in Ilam who were selected using a convenience sampling method. The data were analyzed using structural equation modelling (SEM) and PLS software. The results suggested that the conceptual model of study displayed adequate statistical fit (RMSEA=0.04, GFI=0.93), and that all independent variables had a positive and significant effect on social hope, although the intensity of these effects varied. Path analysis showed that social factors, having the highest effect coefficient ($\gamma=0.28$), are the most significant predictors of social hope, followed by the economic ($\gamma=0.22$), family ($\gamma=0.21$), environmental ($\gamma=0.19$) and political ($\gamma=0.15$) factors, respectively. These factors were all significant at the level of 0.001. The findings suggest that social hope in the study population is primarily driven by social networks, family relationships, and lived economic experiences rather than by

1. This paper is extracted from the first author's doctoral dissertation submitted to Kashan University.

2. Corresponding Author. Email: niazim@kashanu.ac.ir



©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license:

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

How to cite this article: Hosseinitabar, M. and Niazi, M. (2025). A Sociological Study of Factors Underpinning Social Hope Among Citizens of Ilam City: A Structural Equation Modeling Approach. Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences, 22(3), 209-241. Doi: 10.22067/social.2025.94282.1658

political trust or formal institutions. The results indicate that social hope is a multidimensional factor arising from the interaction of micro, meso, and macro factors, and that the deterioration of formal institutions can move sources of hope to non-institutional domains. Therefore, rebuilding social hope requires multi-layered policies in the economic, social, environmental, and institutional spheres, as well as the strengthening social capital, distributive justice, and public trust.

Keywords: Social Hope, Ilam, Economic Factors, Political Factors, Environmental Factors, Family Factors.

مطالعه جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر امید اجتماعی شهروندان شهر ایلام با استفاده از

رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری^۱

مهین حسینی تبار (دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران)

mahinhosseinitabar@gmail.com

محسن نیازی (استاد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران، نویسنده مسئول)

niazim@kashanu.ac.ir

چکیده

امید اجتماعی از جمله مؤلفه‌های کلیدی در پایداری انسجام اجتماعی و مشارکت مدنی به‌شمار می‌رود. پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر امید اجتماعی در شهر ایلام و ارائه مدلی مفهومی برای تبیین آن انجام شد. روش تحقیق توصیفی-همبستگی بود و داده‌ها با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته مبتنی بر پنج مؤلفه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، زیست‌محیطی و خانوادگی از ۲۵۹ نفر از شهروندان ایلامی که به‌صورت در دسترس انتخاب شدند، گردآوری شد. تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از مدل‌یابی معادلات ساختاری و نرم‌افزار PLS انجام گرفت. نتایج نشان داد که مدل مفهومی پژوهش از برازش آماری مناسبی برخوردار است (RMSEA=0.04)، (GFI=0.93) و همه متغیرهای مستقل تأثیر مثبت و معناداری بر امید اجتماعی دارند، هرچند شدت این تأثیرها متفاوت است. تحلیل مسیر نشان داد عوامل اجتماعی با بیشترین ضریب اثر ($\gamma=0.28$) مهم‌ترین تبیین‌کننده امید اجتماعی هستند و پس از آن به‌ترتیب عوامل اقتصادی ($\gamma=0.22$)، خانوادگی ($\gamma=0.21$)، زیست‌محیطی ($\gamma=0.19$) و سیاسی ($\gamma=0.15$) قرار دارند که همگی در سطح ۰.۰۰۱ معنادار بودند. یافته‌ها بیانگر آن است که امید اجتماعی در جامعه مورد مطالعه بیش از آنکه مبتنی بر اعتماد سیاسی یا نهادهای رسمی باشد، از شبکه‌های اجتماعی، روابط خانوادگی و تجربه‌های زیسته اقتصادی تغذیه

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول در دانشگاه کاشان است.

نشریه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، سال بیست و دوم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴، شماره پیاپی ۵۳، صص ۲۴۱-۲۰۹

تاریخ تصویب: ۱۴۰۴/۱۰/۰۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۵

می‌شود. این نتایج نشان می‌دهد که امید اجتماعی پدیده‌ای چندبعدی و برآمده از تعامل عوامل خرد، میانه و کلان است و تضعیف نهادهای رسمی می‌تواند به انتقال منابع امید به حوزه‌های غیرنهادی منجر شود؛ از این رو بازسازی امید اجتماعی مستلزم سیاست‌گذاری‌های چندلایه در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و نهادی و تقویت سرمایه اجتماعی، عدالت توزیعی و اعتماد عمومی است. **واژگان کلیدی:** امید اجتماعی، ایلام، عوامل اقتصادی، عوامل سیاسی، عوامل زیست‌محیطی، عوامل خانوادگی.

۱. مقدمه

امید اجتماعی یکی از مؤلفه‌های بنیادین در حفظ پویایی، انسجام و تاب‌آوری جوامع انسانی است. این مفهوم، ناظر بر میزان باوری است که اعضای جامعه نسبت به امکان بهبود شرایط، تحقق آینده‌ای بهتر و اثربخشی کنش جمعی دارند. امید اجتماعی برخلاف امید فردی، یک پدیده بین‌الذهانی و ساختاری است که هم به بُعد ادراکی فرد و هم به بُعد کنشی جمعی جامعه مرتبط می‌شود. به عبارت دیگر، امید اجتماعی هنگامی پدید می‌آید که افراد نه تنها به بهبود وضعیت شخصی خود، بلکه به بهبود شرایط کلان جامعه و توانایی جمعی برای تحقق آن باور دارند. در جوامعی که امید اجتماعی در سطح بالایی قرار دارد، شهروندان نه تنها خود را در برابر مسائل ناتوان نمی‌بینند، بلکه در فرآیند اصلاح، توسعه و پیشرفت مشارکت فعال دارند. مشارکت سیاسی، کنشگری مدنی، اعتماد به نهادهای رسمی و افزایش سرمایه اجتماعی از جمله پیامدهای مثبت افزایش امید اجتماعی در یک جامعه‌اند. در مقابل، افت امید اجتماعی با بی‌تفاوتی، احساس بی‌قدرتی، کاهش تعلق اجتماعی، فرسایش سرمایه اجتماعی، رشد تمایلات مهاجرتی، گسترش خشونت اجتماعی و در نهایت، تضعیف انسجام و امنیت ملی همراه است (مختار و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۷).

در بستر کنونی جامعه ایران، نشانه‌های متعددی از کاهش امید اجتماعی در میان اقشار مختلف قابل مشاهده است. افزایش مهاجرت نخبگان، فرار سرمایه انسانی، رشد نرخ افسردگی و اختلالات روانی، بی‌اعتمادی نسبت به آینده، کاهش مشارکت سیاسی، افزایش اعتراضات خاموش و بی‌تفاوتی

اجتماعی نسبت به امور عمومی، همگی از نشانه‌های بارز بحران امید اجتماعی در شرایط کنونی‌اند. این وضعیت، به‌ویژه در میان نسل‌های جوان و تحصیل‌کرده، شدت بیشتری یافته و نوعی «احساس افق‌بسته» را در ذهن جمعی تقویت کرده است. در سال‌های اخیر، بسیاری از پژوهش‌ها و گزارش‌های نهادی از کاهش سطح امید اجتماعی در جامعه ایران حکایت دارند (کلانتری و همکاران، ۱۴۰۱؛ مختار و همکاران، ۱۴۰۲). این کاهش، در سایه بروز بحران‌های چندوجهی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و زیست‌محیطی، از سطح فردی فراتر رفته و به یک مسئله جمعی بدل شده است. نارضایتی عمومی، عدم شفافیت سیاست‌گذاری‌ها، فساد سیستماتیک، کاهش مشروعیت نهادها، اختلال در چرخه توزیع فرصت و احساس تبعیض گسترده، از جمله عواملی هستند که در این روند مؤثر بوده‌اند. علاوه بر بحران‌های اقتصادی، گسست نسلی، ناامیدی نسبت به تغییر، احساس ناتوانی در کنش جمعی، از هم‌گسیختگی فرهنگی و کاهش سرمایه اجتماعی، فضای ذهنی جامعه را با نوعی بی‌افقی، انزوا و بی‌تفاوتی فراگرفته‌اند. در سطح کلان نیز عدم ثبات سیاسی، انسداد ساختاری در گفت‌وگو بین دولت و ملت و بی‌ثباتی محیط‌زیستی (مانند بحران آب و ریزگردها) احساس آینده‌پذیری را تضعیف کرده‌اند. این شرایط، باعث شده بسیاری از شهروندان آینده‌ای روشن را برای خود و فرزندان‌شان متصور نباشند، یا امکان تأثیرگذاری بر وضعیت موجود را منتفی بدانند (رفیعی و همکاران، ۱۴۰۱).

عوامل متعددی در شکل‌گیری یا فرسایش امید اجتماعی نقش دارند. پژوهش‌های نظری و تجربی متعددی به این نتیجه رسیده‌اند که متغیرهای اقتصادی، نظیر بیکاری، تورم، نابرابری و فساد، مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده امید به آینده‌اند (رورتی^۱: ۲۰۰۰؛ اینگلهارت^۲: ۱۹۹۷). در کنار آن، سرمایه اجتماعی و اعتماد نهادی، شفافیت و پاسخ‌گویی حکومت، مشارکت شهروندان، عدالت اجتماعی و سلامت

1. Richard Rorty

2. Ronald Inglehart

روانی جامعه نیز از عوامل زمینه‌ساز افزایش یا کاهش امید اجتماعی‌اند (نورتون و بلیک^۱، ۲۰۱۹؛ پاتنام^۲، ۲۰۰۱). در ادبیات داخلی نیز پژوهش‌هایی همچون فاضلی (۱۳۹۸)، طاهری‌دمنه و کاظمی (۱۳۹۹) و مختار و همکاران (۱۴۰۲) بر تأثیر متقابل ساختارهای سیاسی، رسانه‌ای، فرهنگی و خانوادگی بر ادراک امید اجتماعی تأکید داشته‌اند. در چنین شرایطی، مطالعه نظام‌مند امید اجتماعی، نه به مثابه یک مؤلفه احساسی صرف، بلکه به عنوان یک شاخص کلیدی برای سنجش کیفیت حکمرانی، عدالت توزیعی و انسجام ملی، از اهمیت راهبردی برخوردار است. از این رو، نیاز است پژوهشی میان‌رشته‌ای و تحلیلی، ابعاد مختلف مؤثر بر امید اجتماعی را در سطح کلان بررسی کند و سازوکارهای علی این پدیده را در قالب مدل مفهومی دقیق تبیین نماید.

شهر ایلام به عنوان مرکز استان ایلام، با جمعیتی بالغ بر ۱۹۵ هزار نفر (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰)، یکی از مناطق مرزی غرب کشور است که از ویژگی‌های قومیتی، جغرافیایی و تاریخی خاصی برخوردار است. این منطقه با چالش‌های متعددی از جمله نرخ بالای بیکاری، فقر ساختاری، مهاجرت نخبگان، ضعف زیرساخت‌های توسعه‌ای و احساس تبعیض ساختاری مواجه است (فرخ‌نژاد کشکی و همکاران، ۱۳۹۷؛ عبدالمهی، ۱۳۹۹). براساس آمارهای رسمی، نرخ بیکاری در استان ایلام در سال‌های اخیر همواره بالاتر از میانگین کشوری بوده و فرصت‌های اقتصادی پایدار، به‌ویژه برای جوانان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، بسیار محدود بوده است (امیدی، ۱۴۰۰). علاوه بر بحران‌های اقتصادی، ایلام با بحران‌های زیست‌محیطی نظیر خشکسالی، فرسایش منابع آبی و گسترش پدیده ریزگردها روبه‌رو است. گزارش‌های محیط‌زیستی سازمان حفاظت محیط زیست نشان می‌دهند که این استان در زمره آسیب‌پذیرترین مناطق کشور از حیث شاخص‌های تاب‌آوری زیست‌محیطی قرار دارد (مکوندی و بهزادی، ۱۴۰۰). این شرایط نه تنها کیفیت زندگی روزمره را مختل کرده، بلکه حس کنترل‌پذیری و آینده‌نگری را نیز در میان شهروندان تضعیف کرده است؛ عاملی که در ادبیات

1. Norton & Blake

2. Putnam

تاب‌آوری اجتماعی به‌عنوان یکی از بنیان‌های اصلی امید اجتماعی تلقی می‌شود (نوریس^۱ و همکاران، ۲۰۰۸). همچنین، تجربه تاریخی جنگ تحمیلی، نزدیکی به مرز و ساختار تمرکزگرایانه تصمیم‌گیری در کشور، نوعی احساس حاشیه‌نشینی سیاسی و مدنی در میان شهروندان این منطقه ایجاد کرده است. برخی مطالعات نشان می‌دهند که احساس نادیده‌انگاشته شدن از سوی نظام تصمیم‌گیری مرکزی، با کاهش مشارکت مدنی و ضعف در اعتماد نهادی همراه بوده است (مختار و همکاران، ۱۴۰۲؛ کلانتری و همکاران، ۱۴۰۱). با در نظر گرفتن این زمینه‌های ساختاری و ذهنی، مطالعه امید اجتماعی در شهر ایلام که همواره بالاترین آمار خودکشی و دگرکشی را داشته است، ضرورتی دوجندان می‌یابد. درواقع، ایلام را می‌توان نمونه‌ای عینی از وضعیت «انباشتی از بحران‌ها» دانست که در آن، عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و زیست‌محیطی به‌صورت متقاطع، بر شکل‌گیری یا فرسایش امید اجتماعی اثرگذارند. این پژوهش، با تمرکز بر این بستر خاص، می‌کوشد تصویری روشن از ابعاد گوناگون مسئله امید اجتماعی در جامعه‌ای به‌نسبت حاشیه‌ای و کمتر مطالعه‌شده ارائه دهد.

پرسش اساسی این پژوهش آن است که چه عواملی بر امید اجتماعی در میان شهروندان شهر ایلام مؤثرند؟ پاسخ به این پرسش، مستلزم رویکردی تحلیلی و چندمتغیره است؛ زیرا امید اجتماعی، یک متغیر روانی ساده نیست، بلکه حاصل تعامل پیچیده‌ی مؤلفه‌های ساختاری، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و محیط‌زیستی است. در ادبیات داخلی، غالب پژوهش‌ها یا توصیفی و مقطعی‌اند یا فاقد رویکرد نظری منسجم. بسیاری از آن‌ها از چارچوب‌های آماری ساده استفاده کرده‌اند و توانایی تبیین روابط پیچیده بین متغیرهای پنهان را ندارند. بنابراین، یک پژوهش تحلیلی مبتنی بر مدل‌سازی معادلات ساختاری می‌تواند خلأ روش‌شناختی موجود را پر کرده و به فهم دقیق‌تر این پدیده یاری رساند. براین‌اساس، پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد معادلات ساختاری و چارچوب نظری تلفیقی از رورتنی، پاتنام و اینگلهارت، می‌کوشد تأثیر مجموعه‌ای از متغیرهای اقتصادی (مانند تورم،

بیکاری و فساد)، اجتماعی (مانند سرمایه اجتماعی، شادی و دینداری)، سیاسی (مانند مردم سالاری، پارتی بازی، بی ثباتی) و زیست محیطی (مانند بحران آب و ریزگردها) را بر میزان امید اجتماعی تحلیل کرده و سازوکارهای میانجی و زمینه‌ای آن را تبیین کند.

۲. مبانی نظری تحقیق

پیشینه پژوهش در زمینه امید اجتماعی، به‌ویژه در بافت ایران، طیف متنوعی از دیدگاه‌های نظری و یافته‌های تجربی را در بر می‌گیرد. فاضلی (۱۳۹۸) در تحلیل خود از مفهوم امید اجتماعی، آن را با ظرفیت‌های ساختاری جامعه برای حرکت پیوند می‌زند. او بر این باور است که بسیاری از تعاریف ارائه شده در ادبیات داخلی، دچار نوعی فروکاهش گرایی روان‌شناختی شده‌اند و از تحلیل قابلیت‌های ساختاری و اجتماعی ناتوان مانده‌اند. برخی از نویسندگان دیگر نیز با تکیه بر عامل محوری صرف، از نقش شرایط نهادی و ساختار قدرت در شکل‌گیری یا تضعیف امید اجتماعی غافل مانده‌اند.

در مقاله‌ای با عنوان «پروبلماتیک امید اجتماعی در ایران»، طاهری‌دمنه و کاظمی (۱۳۹۹) با استفاده از روش تحلیل محتوای عرفی، آثار متفکران ایرانی را در زمینه امید اجتماعی بررسی کرده‌اند. آنان پنج مقوله اصلی شامل «عاملیت»، «افسون‌زدایی از امید»، «مشارکت شهروندی»، «امید به‌مثابه امر مشترک» و «نسبت امید با ساختار حاکمیت» را از میان متون تحلیل شده استخراج کردند. این پژوهش بر اهمیت بازتعریف امید اجتماعی از سطح نخبگان به سطح عامه مردم و نهادهای مدنی تأکید دارد. کلانتری و همکاران (۱۴۰۳) نیز با رویکردی داده‌بنیاد، به بازنمایی امید اجتماعی در رسانه‌ها پرداخته‌اند. آن‌ها نشان دادند که مفاهیمی چون «شادی»، «آینده‌نگری»، «توسعه مشارکتی» و «حمایت نهادی» در ساخت معنایی امید اجتماعی رسانه‌محور نقش ایفا می‌کنند. آنان الگویی تعاملی از تعامل میان نهادهای سیاست‌گذار و رسانه‌ها برای تولید گفتمان امید ارائه کردند.

همچنین، مختار و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با رویکرد میدانی، به تحلیل دوگانه «یأس و امید» در دولت دوازدهم پرداختند. این پژوهش، شکاف موجود میان مفاهیمی چون «بیگانگی

اجتماعی»، «نارضایتی» و «بحران فرصت» در برابر «پویایی»، «پیشرفت» و «کارآمدی» را شناسایی و بررسی کرده است. این دوگانه معنایی، از یک سو بازتابی از شرایط اجتماعی و روانی جامعه است و از سوی دیگر بر سیاست‌گذاری و مشروعیت ساختار قدرت تأثیرگذار است.

مورگان^۱ (۲۰۱۶) با تحلیل سیاست‌های اجتماعی دولت‌ها نشان داد که کاهش اعتماد سیاسی و ناکارآمدی حکمرانی، موجب افت محسوس سطح امید اجتماعی در کشورهای توسعه‌نیافته می‌شود. در دیدگاه او، نهادهای سیاسی اگر از شفافیت، پاسخ‌گویی و توزیع منصفانه فرصت‌ها فاصله بگیرند، مردم احساس عاملیت خود را از دست می‌دهند و امید به آینده در آن‌ها فرومی‌ریزد. همچنین، ماسیوک^۲ (۲۰۱۹) در مقاله‌ای با عنوان «امید به مثابه ابزار شکل‌گیری هویت اجتماعی»، به نقش امید در انسجام گروه‌های مهاجر و تقویت پیوندهای اجتماعی پرداخت. او نشان داد که گروه‌های در حاشیه‌مانده، در صورت بهره‌مندی از روایت‌های امیدوارانه جمعی، توان بیشتری در مواجهه با محرومیت‌ها و بازسازی سرمایه روانی دارند. از این منظر، امید اجتماعی به عنوان سازوکاری برای تاب‌آوری فرهنگی و بازسازی هویت جمعی در شرایط بحران عمل می‌کند.

پژوهش حاضر از جهات متعددی دارای نوآوری نظری و روش‌شناختی نسبت به مطالعات پیشین در حوزه امید اجتماعی است. نخست آنکه، برخلاف اغلب مطالعات انجام‌شده در ایران که امید اجتماعی را عمدتاً در چارچوب‌های روان‌شناختی یا به صورت مقطعی و توصیفی بررسی کرده‌اند (امیری‌اسفرجانی و همکاران، ۱۳۹۸؛ خانیکی، ۱۳۹۸). این پژوهش با اتکا به نظریه‌های میان‌رشته‌ای و تلفیق دیدگاه‌های فلسفی، جامعه‌شناختی، محیط‌زیستی و روانی، مدلی تحلیلی، ترکیبی و چندبعدی از امید اجتماعی ارائه می‌دهد. چارچوب نظری پژوهش با بهره‌گیری هم‌زمان از نظریه‌های ریچارد رورتنی (امید به مثابه پروژه‌ای دموکراتیک)، پاتنام و بوردیو (سرمایه اجتماعی)، اینگلههارت (تحول ارزش‌ها) و نظریه تاب‌آوری اجتماعی طراحی شده است که در کمتر پژوهشی در این حوزه دیده

1. Morgan

2. Masiuk

می‌شود. دوم آنکه، این مطالعه در سطح روش‌شناسی نیز نوآوری قابل توجهی دارد؛ چراکه به جای استفاده از آزمون‌های آماری ساده، از مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) برای تحلیل روابط بین متغیرهای پنهان بهره گرفته است. این روش نه تنها امکان بررسی هم‌زمان چندین متغیر را فراهم می‌سازد، بلکه به محقق اجازه می‌دهد تا مدل مفهومی خود را با داده‌های تجربی به طور دقیق آزمون کرده و برازش آن را به صورت کمی ارزیابی کند (هیر^۱ و همکاران، ۲۰۲۱). استفاده از نرم‌افزار PLS در این پژوهش، روشی پیشرفته و معتبر در علوم اجتماعی محسوب می‌شود که دقت و تعمیم‌پذیری نتایج را افزایش می‌دهد. سوم آنکه، جامعه مورد مطالعه یعنی شهر ایلام، تاکنون کمتر به عنوان بستر پژوهش در حوزه امید اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. این در حالی است که ایلام از نظر اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی دارای ویژگی‌های خاص و چالش‌برانگیزی است که آن را به نمونه‌ای مهم برای تحلیل امید در بافت‌های حاشیه‌ای ایران تبدیل می‌کند. از این رو، می‌توان ادعا کرد که پژوهش حاضر ضمن پاسخ‌گویی به یک نیاز نظری در ادبیات علمی، خلأهای تجربی موجود را نیز تا حدی پوشش داده است. در مجموع، پژوهش پیش‌رو با طراحی مدلی مفهومی مبتنی بر نظریه‌های بنیادین، بهره‌گیری از روش تحلیل پیشرفته و تمرکز بر یک بافت اجتماعی خاص، گامی نوآورانه در مسیر فهم جامعه‌شناختی امید اجتماعی در ایران برداشته است. در مجموع، پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که علی‌رغم غنای نسبی مطالعات کیفی در حوزه امید اجتماعی، همچنان خلأهایی در زمینه تبیین علی، ساختارمندی نظری و مدل‌سازی تحلیلی در ادبیات داخلی به چشم می‌خورد. پژوهش حاضر، با هدف پر کردن این خلأ، درصدد ارائه مدلی مفهومی و تجربی برای تحلیل عوامل مؤثر بر امید اجتماعی در بستر جامعه ایران است.

امید اجتماعی مفهومی چندلایه و میان‌رشته‌ای است که از زوایای فلسفی، جامعه‌شناختی و روان‌شناسی اجتماعی قابل تبیین است. این مفهوم به باور جمعی افراد درباره امکان بهبود شرایط،

کنش‌پذیری در برابر مشکلات و چشم‌انداز آینده‌ای بهتر اشاره دارد. در پژوهش حاضر، تلاش شده است تا با اتکا به نظریه‌های بنیادین در حوزه علوم اجتماعی، تبیینی نظری از عوامل مؤثر بر امید اجتماعی ارائه شود. ریچارد رورتی، فیلسوف پراگماتیست آمریکایی، در آثار خود به‌ویژه کتاب «*Social Hope*»، امید اجتماعی را پروژه‌ای فرهنگی و سیاسی می‌داند. از نگاه او، امید اجتماعی زمانی معنا می‌یابد که مردم به آینده‌ای بهتر باور داشته و خود را در ساخت آن شریک بدانند. رورتی میان امید فردی (مذهبی، اخلاقی) و امید اجتماعی (مدرن، دموکراتیک) تفاوت قائل است. او بر ساخت روایت‌های مشترک، مشارکت دموکراتیک، زبان همدلی و عاملیت انسانی به‌عنوان عوامل بنیادین شکل‌گیری امید اجتماعی تأکید دارد. جامعه‌ای که گفت‌وگو را سرکوب کرده، روایت آینده را از دست داده و کنش شهروندی را بی‌اثر می‌داند، دچار فرسایش امید خواهد شد (رورتی، ۱۹۹۹: ۵۲-۴۵).

در تبیین روابط اجتماعی به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی امید اجتماعی، نظریه سرمایه اجتماعی در دیدگاه‌های رابرت پاتنام و پیر بوردیو نقش کلیدی ایفا می‌کند. پاتنام سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از روابط اجتماعی مبتنی بر اعتماد، هنجارهای متقابل و شبکه‌های مدنی می‌داند. در جوامعی که سرمایه اجتماعی بالاست، افراد به همکاری، مشارکت و آینده‌سازی تمایل بیشتری دارند و سطح امید بالاتر است. در مقابل، بوردیو سرمایه اجتماعی را منبعی نابرابر می‌داند که از طریق عضویت در شبکه‌های معتبر اجتماعی به دست می‌آید. از دیدگاه او، عدم دسترسی گروه‌های فرودست به این شبکه‌ها موجب تضعیف حس کنش‌گری و در نتیجه کاهش امید اجتماعی می‌شود. در ترکیب این دو دیدگاه می‌توان گفت: سرمایه اجتماعی، چه به‌عنوان منبع قدرت (بوردیو) و چه به‌عنوان عامل مشارکت (پاتنام)، زیربنای حیاتی برای شکل‌گیری یا فرسایش امید اجتماعی است (پاتنام، ۲۰۰۰ و بوردیو، ۱۹۸۶).

رونالد اینگلهارت، با استفاده از داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی، نشان داد که تحول ارزش‌ها از مادی به فرامادی، وابسته به سطح توسعه اقتصادی، امنیت وجودی و ثبات سیاسی است. او بیان می‌کند که در جوامع امن و توسعه‌یافته، شهروندان از نیازهای زیستی عبور کرده و به سمت ارزش‌هایی چون خودابرازی، مشارکت، دموکراسی و اعتماد حرکت می‌کنند. در نگاه اینگلهارت، امید اجتماعی حاصل امنیت اقتصادی، آزادی مدنی، فرصت برابر و اعتماد به نهادهاست. در جوامعی که بی‌ثباتی، تبعیض و انسداد مشارکت حاکم باشد، ارزش‌های بقا جای ارزش‌های تعالی را می‌گیرد و امید اجتماعی کاهش می‌یابد (ارغندی و خضری، ۱۳۹۵).

یورگن هابرماس^۱ در نظریه کنش ارتباطی خود، بر نقش ارتباط بین‌الذهانی، گفت‌وگو و فضای عمومی در شکل‌گیری نظم اجتماعی تأکید دارد. او معتقد است که جامعه زمانی از امید برخوردار است که شهروندان بتوانند به‌طور برابر و آزاد در فرآیندهای تصمیم‌گیری مشارکت کنند و با یکدیگر به تفاهم برسند. در این چارچوب، امید اجتماعی از دل مشارکت دموکراتیک، شفافیت، اعتماد بین‌فردی و امکان گفتگو در فضای عمومی زاده می‌شود. در نقطه مقابل، وقتی جامعه دچار انسداد گفت‌وگویی و بحران مشروعیت می‌شود، امید اجتماعی فرومی‌ریزد. درواقع، به‌زعم هابرماس، «افق آینده» محصول تعامل جمعی و زبان عقلانی مشترک است (هابرماس، ۱۳۸۳: ۳۰-۶۰).

ریچارد رورتی (۲۰۰۰) فیلسوف عمل‌گرای معاصر، امید اجتماعی را به‌مثابه پروژه‌ای جمعی می‌داند که تنها در بستر دموکراسی، مشارکت شهروندی، و گفت‌وگوی آزاد تحقق می‌یابد (رورتی، ۲۰۰۰: ۱۳). زورنازی (۲۰۰۲) نیز تأکید دارد که امید اجتماعی نه یک حس فردی، بلکه سازوکاری برای سازمان‌دهی کنش جمعی در جهت تغییر اجتماعی است (زورنازی، ۲۰۰۲: ۴۹). امید در دل بحران نظریه تاب‌آوری اجتماعی که در دهه‌های اخیر توسط پژوهشگرانی مانند نوریس^۲، واکر^۳ و

1. Jurgen Habermas

2. Norris

3. Walker

آدگر^۱ توسعه یافته، بر توانایی جامعه در بازسازی خود در برابر بحران‌ها تأکید دارد. تاب‌آوری نه به معنای بازگشت صرف، بلکه به معنای یادگیری، سازگاری و بهبود پس از فشارهای مزمن یا ناگهانی است. در این دیدگاه، جامعه‌ای که دارای پیوندهای قوی اجتماعی، اعتماد به نهادها و روایت‌های هویتی پایدار باشد، می‌تواند در دل بحران نیز امید را حفظ کند. به‌ویژه در مواجهه با تهدیدات زیست‌محیطی، فقر یا بحران‌های سیاسی، توانایی جامعه در بازیابی حس کنترل، پیش‌بینی‌پذیری و کنش‌گری، شرط بقای امید اجتماعی است. تطبیق نظری مؤلفه‌های پژوهش با نظریه‌های بنیادین در این پژوهش، پنج مؤلفه اصلی به‌عنوان پایه‌های سنجش امید اجتماعی در پرسشنامه در نظر گرفته شده‌اند. این مؤلفه‌ها با تکیه بر نظریه‌های پیش‌گفته، به شرح زیر تبیین می‌شوند:

۱- وضعیت اقتصادی: براساس نظریه اینگلهارت، امنیت اقتصادی و ثبات معیشتی شرط اولیه شکل‌گیری امید به آینده است. توسعه پایدار و فرصت‌های شغلی، به ایجاد ارزش‌های فرامادی از جمله امید و مشارکت منجر می‌شود.

۲- عوامل سیاسی: با تکیه بر نظریه رورتنی و هابرماس، مشارکت دموکراتیک، آزادی بیان، امکان نقد و شفافیت نهادی از ارکان تولید امید سیاسی‌اند. سرکوب مشارکت یا انسداد گفت‌وگویی، موجب بی‌افقی و یأس اجتماعی می‌شود.

۳- روابط اجتماعی: نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام و بوردیو، این مؤلفه را به‌خوبی تبیین می‌کند. پیوندهای اجتماعی افقی و عمودی، حس تعلق، اعتماد و حمایت متقابل را تقویت می‌کنند که همه عناصر حیاتی امید اجتماعی‌اند.

۴- عوامل زیست‌محیطی: نظریه تاب‌آوری اجتماعی این مؤلفه را توضیح می‌دهد. در جامعه‌ای که نسبت به محیط طبیعی احساس تهدید و بی‌پناهی وجود دارد، امید کاهش می‌یابد، اما اگر مردم احساس کنترل و واکنش‌پذیری داشته باشند، امید حفظ می‌شود.

۵- روابط خانوادگی: این مؤلفه بر مبنای سرمایه اجتماعی درون گروهی^۱ و نظریه تاب‌آوری، قابل تبیین است. خانواده به عنوان منبع اولیه امنیت عاطفی، انگیزش روانی و انسجام، در تقویت تاب‌آوری و در نتیجه امید فردی و جمعی نقش کلیدی دارد. جمع‌بندی مبانی نظری پژوهش حاضر، ترکیبی از رویکردهای فلسفی (رورتنی، هابرماس)، جامعه‌شناختی (پاتنام، بوردیو، اینگلهارت) و اجتماعی-کاربردی (تاب‌آوری اجتماعی) است. این ترکیب، تصویری چندبعدی و واقع‌گرا از امید اجتماعی در بستر ایران ارائه می‌دهد. به این ترتیب، پژوهش بر پایه چارچوب نظری منسجم و با رعایت پیوندهای دقیق نظری با مؤلفه‌های تجربی طراحی شده است.

اکثر تعاریف و نظریات در حوزه امید از سوی روانشناسان ارائه شده است. آنچه از امید در حوزه روانشناسی دریافت شد کم‌تر در دستیابی به اهداف پژوهش پیش‌رو کاربرد دارد. نهایتاً این مباحث می‌تواند مقدمه‌ای برای ورود به بحث امید اجتماعی باشد. از سوی دیگر بخش‌های مهمی از آموزه‌های دینی را مبحث امید تشکیل داده است که به دلیل ناکارآمدی در تحلیل و تفسیر جامعه‌شناختی به آن پرداخته نشده است، چراکه کار دین را باید به اصحابش سپرد.

مقوله امید از نظر فیلسوفان دور نمانده است. اصلی‌ترین نظریه‌پردازی که این مفهوم را مورد بررسی قرار داده است و مفهوم نوین امید اجتماعی را ساخته و پرداخته کرده است، ریچارد رورتنی فیلسوف عمل‌گرای آمریکایی بود. آنچه نظر پژوهشگر را به این مفهوم جلب کرد پسوند اجتماعی آن بود که بعد از مطالعه مقدماتی روشن شد که امید اجتماعی به شدت فلسفی است، اما تدقیق بیشتر این مفهوم و مطالعات بیشتر نشان داد که می‌توان با الهام از نظرات فلسفی رورتنی تفسیری جامعه‌شناختی از آن ارائه کرد.

هر چند اوایل این کار آسان به نظر رسید اما در عمل با چالش‌های جدی روبه‌رو شد. از جمله اینکه هیچ کار تجربی در این زمینه انجام نشده بود و هیچ شاخصی یا مقوله‌ای که نشان‌دهنده امید

اجتماعی باشد به دست نیامد. بنابراین پژوهشگر ناچار به استفاده از نظریه زمینه‌ای برای واکاوی دقیق این مفهوم شد تا بتواند نظریه‌ای زمینه‌ای ارائه کند. نظرات رورتی و دیگر نویسندگانی که در مورد امید اجتماعی به نگارش مقاله یا کتاب دست زده بودند (حتی برخی منتقدان) می‌توانست به عنوان لنز نظری تحقیق مورد استفاده قرار گیرد. براین اساس نظرات آنان به کرات مورد مطالعه قرار گرفت و در نهایت مطالبی از لابه‌لای متون آنها بیرون کشیده شد که دقیقاً به امید اجتماعی پرداخته بودند و می‌توانست به عنوان پیش‌زمینه مطالعه نظریه زمینه‌ای قرار گیرد. نویسندگان داخلی نیز به مقوله امید اجتماعی پرداخته‌اند اما اکثر آنها تنها به تعریف امید اجتماعی پرداخته‌اند و نظریه‌ای در مورد آن ارائه نکرده‌اند. تعاریفی هم که از سوی نویسندگان داخلی ارائه شده است کم‌تر جامعیت مفهوم امید اجتماعی را در بر گرفته است. با اینکه بیشتر نویسندگان نظرات رورتی را به عنوان مبنا قرار داده‌اند اما تعاریف آنها کم‌تر به آنچه مد نظر رورتی است نزدیک شده است. اکثر این نویسندگان مفهوم امید اجتماعی را در سطح روان‌شناختی و فردی در نظر داشته‌اند و نه امید اجتماعی و برخی که مستقیماً به امید اجتماعی اشاره کرده‌اند، کم‌تر از نظر محتوا درکی از نظرات رورتی داشته‌اند.

باین حال به دلیل اینکه برخی از موارد مورد اشاره آنها یک یا دو مقوله از امید اجتماعی را به صورت آشکار یا ضمنی در خود داشته‌اند نگارنده تلاش دارد تا چکیده‌ای از کلیه نظرات فوق‌الذکر را البته با در نظر داشتن کارکرد آن برای این تحقیق به نگارش درآورد.

به اعتقاد براون^۱ (۲۰۰۳) مقوله امید آنچنان رونقی در میان مباحث اجتماعی یافته است که برخی با عنوان گفتمان امید از آن یاد کرده‌اند. گوریانیچ^۲ (۲۰۰۲) امید را فلسفه جدید برای تغییر اجتماعی دانسته است. هیچ^۳ (۲۰۰۳) یکی از ویژگی‌های امید را ظرفیتی برای تقویت کردن، دانسته است.

1. Brown

2. Goryanich

3. hage

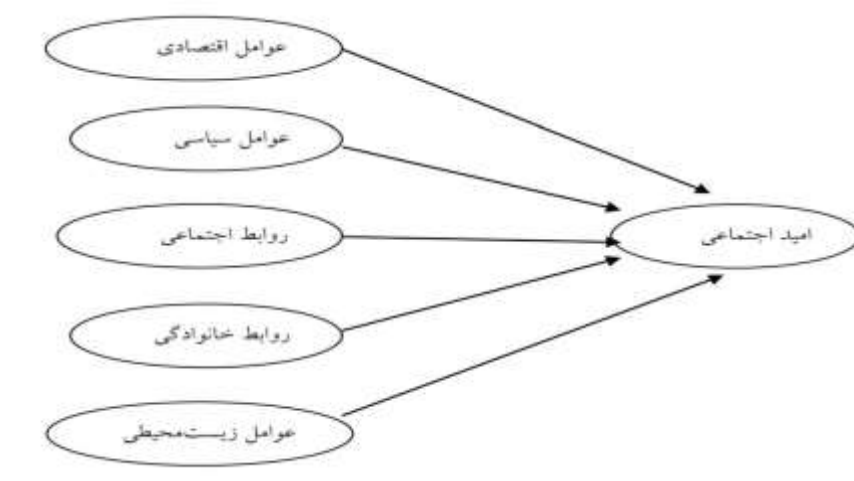
همانگونه که در سطور پیشین ذکر آن رفت امید اجتماعی مفهومی فلسفی است که اولین بار توسط ریچارد رورتی فیلسوف عملگرا در کتاب *فلسفه و امید/ اجتماعی* مطرح شد.

امید اجتماعی یکی از بنیان‌های مهم پویایی و انسجام اجتماعی در جوامع معاصر است. این مفهوم، ترکیبی از باور به امکان تغییر، اعتماد به ظرفیت کنش جمعی و چشم‌انداز مثبت نسبت به آینده‌ای بهتر است. امید اجتماعی برخلاف امید فردی، صرفاً متکی بر ویژگی‌های روان‌شناختی یا هیجانی فرد نیست؛ بلکه مبتنی بر ارزیابی ذهنی افراد از وضعیت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، زیست‌محیطی و خانوادگی جامعه است. از نظر ریچارد رورتی، امید اجتماعی پروژه‌ای فرهنگی و جمعی برای ساختن آینده‌ای بهتر است. رورتی بر کنش‌پذیری انسان، مشارکت در طراحی مسیر آینده، و خلق روایت‌های دموکراتیک از آینده تأکید دارد. در این معنا، امید اجتماعی به مثابه یک ظرفیت اجتماعی برای تخیل جمعی، گفت‌وگوی عمومی و اقدام مشترک عمل می‌کند.

در این پژوهش، امید اجتماعی متغیر وابسته‌ای است که از پنج متغیر مستقل اصلی تأثیر می‌پذیرد. این پنج متغیر براساس یافته‌های میدانی پژوهش و همچنین اتکای نظری به نظریه‌های جامعه‌شناختی و فلسفی معتبر شناسایی شده‌اند: متغیر مستقل تبیین نظری وضعیت اقتصادی نظریه تحول ارزش‌ها (اینگلهارت) عوامل سیاسی نظریه رورتی و کنش ارتباطی هابرماس روابط اجتماعی نظریه سرمایه اجتماعی (پاتنام و بوردیو) عوامل زیست‌محیطی نظریه تاب‌آوری اجتماعی روابط خانوادگی سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و تاب‌آوری روانی هر یک از این متغیرها، نقش واسطه‌ای یا زمینه‌ای در شکل‌گیری یا فرسایش امید اجتماعی دارند.

مدل نظری پژوهش بر مبنای رویکرد ساختاری شکل گرفته است. در این مدل، امید اجتماعی به‌عنوان متغیر نهایی تحت تأثیر پنج حوزه اصلی تحلیل قرار می‌گیرد: وضعیت اقتصادی؛ درآمد، اشتغال، رفاه نسبی، امنیت معیشتی. عوامل سیاسی؛ اعتماد نهادی، احساس مشارکت، درک از دموکراسی. روابط اجتماعی؛ کیفیت تعاملات اجتماعی، حمایت شبکه‌ای، احساس تعلق. عوامل زیست‌محیطی؛ کیفیت محیط زندگی، تهدیدات محیطی، احساس امنیت زیستی. روابط خانوادگی؛

انسجام خانوادگی، حمایت عاطفی، تعامل بین‌نسلی. این مدل، چارچوبی است که می‌تواند در قالب مدل‌یابی معادلات ساختاری نیز آزمون شود. داده‌های اولیه نیز برازش مناسب مدل را تأیید کرده‌اند. براساس نظریه‌ها، می‌توان مسیر تأثیرگذاری متغیرها را چنین تحلیل کرد: نظریه اینگلهارت به ما می‌گوید که وقتی امنیت اقتصادی بالا می‌رود، شهروندان از ارزش‌های بقا به سمت ارزش‌های تعالی (از جمله امید) حرکت می‌کنند. در نظریه رورتی، احساس مشارکت در روایت جمعی و امکان تأثیرگذاری سیاسی از منابع اصلی ایجاد امید اجتماعی‌اند. هابرماس با تمرکز بر کنش ارتباطی، بر نقش فضای عمومی و گفت‌وگوی دموکراتیک در تقویت احساس عاملیت تأکید می‌کند. پاتنام و بورديو نشان می‌دهند که پیوندهای اجتماعی و سرمایه ارتباطی، بستر روانی و فرهنگی امید را می‌سازند. نظریه تاب‌آوری اجتماعی خاطرنشان می‌کند که حتی در شرایط بحران، جامعه‌ای که اعتماد، پیوند و توان بازسازی داشته باشد، همچنان می‌تواند امید را حفظ کند. براساس آنچه گفته شد مدل نظری و فرضیه‌های پژوهش حاضر به شرح زیر است:



شکل ۱. مدل نظری پژوهش

منبع: نگارندگان (۱۴۰۴)

۱.۲. فرضیات پژوهش

- ساختارهای کلان سیاسی، اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، زیست محیطی و خانواده بر سطح امید اجتماعی شهروندان تأثیر مستقیم و معنادار دارند.
- به نظر می‌رسد بین ساختار سیاسی ادراک شده کارآمدتر (با ابعادی مانند مردم‌سالاری، شفافیت-پاسخگویی، مبارزه با پارتی‌بازی-رانت، قانون‌مندی-حاکمیت قانون و...) و امید اجتماعی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین بهبود ساختار اقتصادی (با مؤلفه‌هایی نظیر رشد پایدار-ثبات، اشتغال-بیکاری پایین‌تر، کنترل تورم، پیش‌بینی‌پذیری و امنیت اقتصادی خانوارها) و امید اجتماعی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین تقویت ساختار اجتماعی/فرهنگی (با مؤلفه‌هایی چون سرمایه اجتماعی، اعتماد و مشارکت اجتماعی/مدنی، انسجام و پذیرش اجتماعی) و امید اجتماعی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین بهبود شرایط زیست محیطی (کاهش بحران‌هایی مانند کم‌آبی، ریزگردها، آلودگی و مخاطرات محیطی و ارتقای حکمرانی محیط زیست) و امید اجتماعی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین کارکرد حمایتی و توانمندساز خانواده (کارکردهای عاطفی/ارتباطی، حمایت مادی/معنوی، جامعه‌پذیری/انتقال ارزش‌های مشارکت و امید) و امید اجتماعی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

۳. روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی - همبستگی است. این پژوهش با رویکرد کمی انجام شده و از مدل‌سازی معادلات ساختاری برای تحلیل روابط میان متغیرهای

پژوهش استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شهروندان بالای ۲۰ سال ساکن شهر ایلام در سال ۱۴۰۴ با جمعیتی بالغ بر ۱۹۵ هزار نفر (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰)، است. از این جامعه، تعداد ۲۵۹ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. جامعه آماری این پژوهش شامل ۲۵۹ نفر از شهروندان شهر ایلام بود که از نظر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، تنوع نسبتاً مناسبی را نشان می‌دادند. از نظر جنسیت، ۱۳۷ نفر (۵۲.۹ درصد) زن و ۱۲۲ نفر (۴۷.۱ درصد) مرد بودند. با توجه به استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری، نیاز است که تعداد نمونه‌ها حداقل ۵ تا ۱۰ برابر تعداد شاخص‌های مدل باشد. در این پژوهش، با توجه به تعداد متغیرها و پیچیدگی روابط بین آن‌ها، انتخاب ۲۵۹ نفر نه تنها از نظر آماری معتبر است، بلکه با اصول روش‌شناختی تحلیل مدل‌های ساختاری نیز همخوانی دارد (هیر و همکاران، ۲۰۲۱؛ کرجسی^۱ و مورگان^۲، ۱۹۷۱).

انتخاب نمونه‌ها با رعایت تنوع در سن، جنسیت و سطح تحصیلات انجام گرفت تا حداکثر تنوع جمعیت‌شناختی در داده‌ها رعایت شود. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش، پرسشنامه محقق‌ساخته بوده که براساس مبانی نظری و مطالعات پیشین طراحی شده است. این پرسشنامه شامل گویه‌هایی برای سنجش وضعیت اقتصادی، عوامل سیاسی، روابط اجتماعی، عوامل زیست‌محیطی و روابط خانوادگی است. سؤالات با استفاده از طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای تنظیم شده‌اند. اعتبار (روایی) ابزار برای بررسی روایی محتوایی پرسشنامه، از نظر خبرگان و اساتید دانشگاهی در حوزه علوم اجتماعی استفاده شد. اصلاحات لازم پس از دریافت بازخوردهای تخصصی در فرم نهایی پرسشنامه اعمال گردید. برای بررسی روایی محتوایی، پرسشنامه در اختیار پنج نفر از اساتید حوزه علوم اجتماعی قرار گرفت و اصلاحات لازم در گویه‌ها اعمال شد. برای بررسی روایی سازه‌ای، از تحلیل عاملی تأییدی (CFA) در نرم‌افزار PLS استفاده شد. نتایج نشان داد که تمام بارهای عاملی بیش از ۰.۵۰ و همه t -value‌های مرتبط بیش از ۱.۹۶ بودند که نشان‌دهنده روایی سازه‌ای مطلوب ابزار است.

1. Robert V. Krejcie

2. D. W. Morgan

برای ارزیابی روایی همگرا، شاخص میانگین واریانس استخراج شده (AVE) محاسبه شد که برای تمام سازه‌ها بالاتر از ۰.۵ به دست آمد. همچنین، برای بررسی روایی واگرا از معیار فورنل-لارکر استفاده شد و نتایج نشان داد که جذر AVE هر سازه بزرگ‌تر از همبستگی آن با سایر سازه‌هاست؛ بنابراین روایی واگرا تأیید شد. برای سنجش پایایی ابزار، علاوه بر آلفای کرونباخ، از پایایی ترکیبی (CR) نیز استفاده شد. نتایج نشان داد که آلفای کرونباخ سازه‌ها بین ۰.۷۲ تا ۰.۸۲ پایایی ترکیبی تمامی سازه‌ها بالاتر از ۰.۷ بوده است؛ بنابراین ابزار پژوهش از پایایی مناسب برخوردار است.

۴. یافته‌های پژوهش

در این بخش، یافته‌های توصیفی پژوهش و سپس نتایج تحلیل‌های آماری ارائه می‌شود. در خصوص توزیع سنی، بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۲۱ تا ۳۰ سال با ۱۰۹ نفر (۴۲.۱ درصد) بوده است؛ پس از آن، گروه زیر ۲۰ سال با ۶۲ نفر (۲۳.۹ درصد)، گروه ۳۱ تا ۴۰ سال با ۵۳ نفر (۲۰.۵ درصد) و در نهایت گروه ۴۱ تا ۵۰ سال با ۳۵ نفر (۱۳.۵ درصد) قرار داشتند. این داده‌ها نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از پاسخ‌گویان را جمعیت جوان تشکیل داده‌اند. از نظر سطح تحصیلات، بیش از نیمی از نمونه، یعنی ۱۴۷ نفر (۵۶.۸ درصد) دارای مدرک کارشناسی بودند؛ همچنین ۷۲ نفر (۲۷.۸ درصد) دارای مدرک کارشناسی‌ارشد، ۲۸ نفر (۱۰.۸ درصد) دارای دیپلم یا کمتر، و ۱۲ نفر (۴.۶ درصد) دارای مدرک دکتری یا بالاتر بوده‌اند. این ترکیب تحصیلی نشان‌دهنده غلبه افراد دارای تحصیلات دانشگاهی در نمونه پژوهش است.

جدول ۱. داده‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

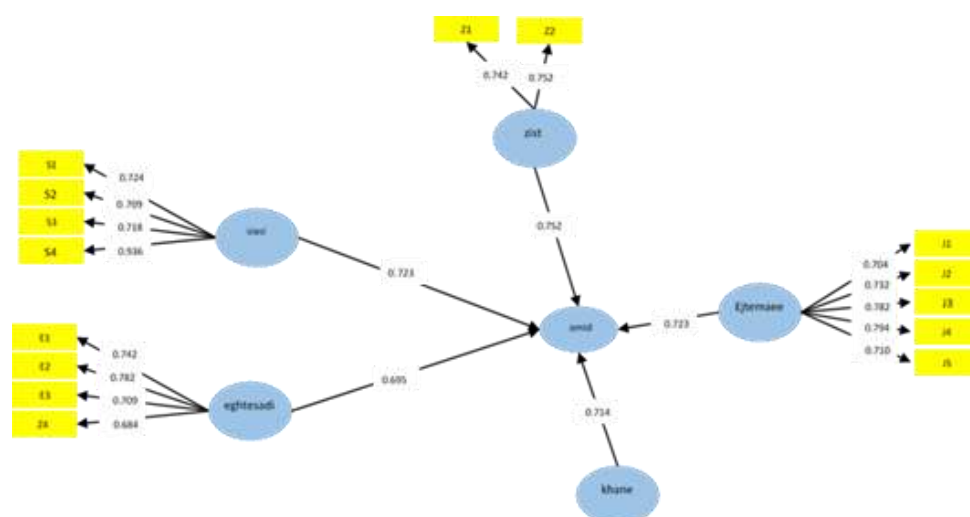
منبع: یافته‌های پژوهش (۱۴۰۴)

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
سیاسی	۲/۷۲	۰/۵۳۳
اقتصادی	۳/۸۳	۰/۴۲۸

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
اجتماعی	۳/۱۸	۰/۴۳۶
زیست محیطی	۳/۵۸	۰/۵۰۸
خانواده	۳/۹۲	۰/۵۷۰
مردم سالاری	۲/۳۴	۱/۱۱
پارتنری بازی	۲/۳۲	۰/۷۱۱
استبداد سیاسی	۲/۶۰	۱/۰۴
ناپایداری سیاسی	۲/۶۴	۰/۶۹۴
بیکاری	۳/۹۲	۰/۷۷۷
تورم	۴/۲۲	۰/۷۲۷
رشد اقتصادی پایدار	۳/۰۳	۰/۷۱۵
فساد اقتصادی	۴/۲۱	۰/۶۹۲
هنگامهای اجتماعی	۳/۴۹	۰/۵۷۳
سرمایه اجتماعی	۳/۸۰	۰/۸۲۳
انحراف اجتماعی	۳/۷۷	۰/۷۵۵
خشونت	۴/۰۲	۰/۷۲۲
دینداری	۲/۶۴	۰/۶۹۲
شادی	۱/۷۶	۰/۹۳۶
مسئله آب	۱/۸۳	۰/۹۵۶
ریزگردها	۳/۰۸	۰/۸۱۶
بحران های زیست محیطی	۳/۵۱	۰/۵۰۵

در جدول فوق میانگین و انحراف استاندارد به دست آمده برای هریک از مؤلفه‌ها و متغیرهایی که نشان از امید اجتماعی و بالا یا پایین بودن آن در بین افراد جامعه بوده است، بیان شده است. همانطور که از نتایج پیداست، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و خانواده بالاتر از میانگین فرضی قرار دارد که نشان از اهمیت بالای آنها در میزان

امید اجتماعی در بین افراد را دارد. از بین مؤلفه‌ها نیز آن‌طور که پیداست با توجه به میانگین به دست آمده برای بیکاری، تورم، انحرافات اجتماعی، خشونت، رشد اقتصادی، ریزگردها و بحران‌های زیست‌محیطی باید بیان نمود که این مؤلفه‌ها از عوامل مهم و زیربنایی برای مسئله امید اجتماعی در بین جامعه به شمار می‌روند که نشان داده‌اند که این مسائل در سطح جامعه ایران تا چه میزان در موارد منفی بالا و در موارد مثبت پایین بوده است.



شکل ۲. مدل ساختاری امید اجتماعی و مؤلفه‌های آن

منبع: یافته‌های پژوهش (۱۴۰۴)

برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد. براساس جدول ۳ مقاله، سطح معناداری برای همه متغیرها بیشتر از ۰.۰۵ به دست آمد. این نشان‌دهنده آن است که داده‌های پژوهش دارای توزیع نرمال هستند و بنابراین می‌توان از روش‌های آماری پارامتریک مانند تحلیل مسیر در مدل معادلات ساختاری استفاده کرد.

درخصوص شاخص‌های برازش الگو نیز این نتایج به‌دست آمده است: پس از حذف خطاهای کوواریانس، بررسی شاخص‌های برازندگی نشان می‌دهند که مدل از برازش خوبی برخوردار است. نسبت خی دو به درجه آزادی ۲/۲۵ است. مقدار جذر میانگین مجذورات خطای تقریب (RMSEA) برابر با ۰/۰۴ است. سایر شاخص‌های برازندگی مانند شاخص نیکویی برازش (GFI) و شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته (AGFA) نیز به ترتیب ۰/۹۳ و ۰/۹۱ به‌دست آمد که بعد جذب را تأیید می‌کنند.

جدول ۲. شاخص‌های نیکویی برازش مدل ساختاری

منبع: یافته‌های پژوهش (۱۴۰۴)

شاخص برازندگی	دامنه قابل پذیرش	میزان بدست آمده
خی دو	-	۱/۲۴
سطح معنی داری	کمتر از ۰/۰۵	۰/۰۰۱
نسبت خی دو به درجه آزادی	کمتر از ۳	۲/۲۵
RMSEA	کمتر از ۰/۰۸	۰/۰۴
GFI	بزرگتر از ۰/۹	۰/۹۳
AGFA	بزرگتر از ۰/۹	۰/۹۱

جدول ۳. آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

منبع: یافته‌های پژوهش (۱۴۰۴)

متغیر	آلفای کرونباخ
سیاسی	۰/۷۵
اقتصادی	۰/۸۲
اجتماعی	۰/۸۰
زیست محیطی	۰/۷۹
خانواده	۰/۷۲

جدول ۴. روایی همگرا (AVE) و پایایی ترکیبی (CR) متغیرهای پژوهش

منبع: یافته‌های پژوهش (۱۴۰۴)

متغیر	AVE	CR
سیاسی	۰.۸۵	۰.۷۳
اقتصادی	۰.۸۱	۰.۷۸
اجتماعی	۰.۹۰	۰.۷۵
زیست محیطی	۰.۸۴	۰.۷۷
خانواده	۰.۶۰	۰.۸۸

به منظور بررسی روایی سازه‌ای پرسشنامه، تحلیل عاملی تأییدی برای هر یک از ابعاد اصلی (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، زیست محیطی و خانوادگی) انجام شد. نتایج نشان داد که تمامی گویه‌ها بار عاملی بالاتر از ۰.۵۰ دارند و مقادیر t-value نیز همگی بیشتر از ۱.۹۶ هستند؛ بنابراین گویه‌ها توانایی تبیین سازه‌های مربوطه را دارند.

شاخص‌های AVE برای تمام سازه‌ها بزرگ‌تر از ۰.۵ و مقادیر پایایی ترکیبی (CR) نیز بزرگ‌تر از ۰.۷ بودند که روایی همگرا و پایایی سازه‌ها را تأیید می‌کنند. همچنین، مطابق معیار فورنل-لارکر، مقدار جذر AVE هر سازه از همبستگی آن سازه با سایر سازه‌ها بیشتر بود و روایی واگرا به طور کامل مورد تأیید قرار گرفت.

شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری نشان‌دهنده این است که مدل مفروض تدوین شده توسط داده‌های پژوهش حمایت می‌شوند. به عبارت دیگر برازش داده‌ها به مدل برقرار و شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند.

۴.۱. تحلیل مسیر و آزمون فرضیه‌ها

برای آزمون روابط میان متغیرهای مستقل و متغیر وابسته «امید اجتماعی»، از مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) در نرم‌افزار PLS استفاده شد. براساس یافته‌های حاصل از تحلیل مسیر و جدول ضرایب استاندارد، پنج متغیر مستقل شامل عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، زیست محیطی و

خانوادگی به‌طور معناداری بر امید اجتماعی تأثیر داشته‌اند. ضریب تأثیر عوامل اقتصادی برابر با $\gamma = 0.22$ سطح معناداری آن کمتر از 0.001 به‌دست آمد. این رابطه مثبت و معنادار بیانگر آن است که ادراک مثبت‌تر از وضعیت اقتصادی (درآمد، اشتغال و رفاه نسبی) با سطح بالاتری از امید اجتماعی همراه است. این یافته با نظریه تحول ارزش‌های اینگلهارت، مبنی بر پیوند میان امنیت اقتصادی و ارزش‌های تعالی، هم‌راستا است. عوامل سیاسی نیز با ضریب $\gamma = 0.15$ و سطح معناداری کمتر از 0.001 تأثیر معناداری بر امید اجتماعی داشتند، هرچند این تأثیر در مقایسه با سایر متغیرها ضعیف‌تر بود. این یافته نشان می‌دهد که احساس مشارکت، اعتماد به نهادها و ادراک عدالت سیاسی نقشی مؤثر ولی محدود در تبیین امید اجتماعی ایفا می‌کنند که با نظریه‌های رورتی و هابرماس در خصوص اهمیت مشارکت سیاسی و فضای عمومی گفت‌وگومحور مطابقت دارد. در مقابل، عوامل اجتماعی با ضریب $\gamma = 0.28$ بیشترین تأثیر را بر امید اجتماعی نشان دادند. این امر تأکید می‌کند که کیفیت پیوندهای اجتماعی، میزان اعتماد متقابل، احساس تعلق و مشارکت مدنی مهم‌ترین عوامل در ساختار امید اجتماعی هستند؛ یافته‌ای که به‌طور کامل با نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام و بورديو قابل تبیین است. از سوی دیگر، عوامل زیست‌محیطی نیز با ضریب $\gamma = 0.19$ و سطح معناداری کمتر از 0.001 تأثیر مثبت و معناداری بر امید اجتماعی داشتند. به‌بیان دیگر، ارزیابی شهروندان از کیفیت زیست‌محیطی، نظیر هوا، منابع طبیعی و تهدیدات اقلیمی، بر نگرش آن‌ها نسبت به آینده مؤثر است و از این منظر، نظریه تاب‌آوری اجتماعی چارچوب مناسبی برای تفسیر این یافته فراهم می‌سازد. نهایتاً، عوامل خانوادگی نیز با ضریب $\gamma = 0.21$ و سطح معناداری کمتر از 0.001 تأثیر معناداری بر امید اجتماعی داشتند. این رابطه نشان می‌دهد که حمایت‌های عاطفی، انسجام خانوادگی و تعاملات بین‌نسلی می‌توانند به‌عنوان منابع تاب‌آور روانی، نقش کلیدی در تقویت امید اجتماعی ایفا کنند. این یافته در چهارچوب نظریه سرمایه اجتماعی درون‌گروهي و ادبیات مربوط به تاب‌آوری فردی و خانوادگی قابل تحلیل است. به‌طور کلی، تحلیل مسیر نشان می‌دهد که همه متغیرهای مستقل مورد

بررسی، براساس مدل نظری پژوهش، رابطه‌ای مثبت و معنادار با امید اجتماعی دارند، هرچند شدت این اثر در میان عوامل مختلف متفاوت است.

۲.۴. آزمون فرضیه‌ها

جدول ۵. آزمون فرضیه‌ها

منبع: یافته‌های پژوهش (۱۴۰۴)

قدرت تأثیر نسبی	نتیجه آزمون	سطح معناداری (p)	ضریب مسیر (β)	متغیر مستقل
متوسط	تأیید شد	۰۰۱.۰<	۲۲.۰	عوامل اقتصادی
ضعیف	تأیید شد	۰۰۱.۰<	۱۵.۰	عوامل سیاسی
قوی	تأیید شد	۰۰۱.۰<	۲۸.۰	عوامل اجتماعی
نسبتاً متوسط	تأیید شد	۰۰۱.۰<	۱۹.۰	عوامل زیست‌محیطی
متوسط	تأیید شد	۰۰۱.۰<	۲۱.۰	عوامل خانوادگی

یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که همه متغیرهای در نظر گرفته شده در مدل مفهومی، به صورت معناداری بر امید اجتماعی تأثیر دارند. در این میان، عوامل اجتماعی بیشترین اثر را داشته‌اند که نشان‌دهنده اهمیت نقش شبکه‌های اجتماعی، مشارکت مدنی، اعتماد بین فردی و پیوندهای اجتماعی در تقویت روحیه امید در جامعه است. عوامل اقتصادی و روابط خانوادگی نیز به عنوان عوامل کلیدی مؤثر بر امید اجتماعی ظاهر شده‌اند. این مسئله نشان می‌دهد که امنیت معیشتی و حمایت روانی و عاطفی خانواده دو ستون مهم در بازتولید امید در شرایط بحرانی هستند. تأثیر مثبت عوامل زیست‌محیطی نیز حائز اهمیت است؛ یعنی شهروندان نسبت به بحران‌های زیستی حساس‌اند و آن‌ها را مرتبط با آینده زندگی خود می‌دانند. در نهایت، اگرچه عوامل سیاسی ضعیف‌ترین تأثیر را در میان متغیرها داشته‌اند، اما اثر آن‌ها معنادار است. این نشان می‌دهد که مشروعیت نهادها، شفافیت سیاسی و حس مشارکت شهروندی، اگرچه کم‌رنگ‌تر از سایر عوامل، اما همچنان نقش دارند و

بی‌توجهی به آنها موجب فرسایش امید خواهد شد. یافته‌ها به‌خوبی با چارچوب نظری پژوهش هماهنگ‌اند. با نظریه پاتنام و بوردیو در تأکید بر سرمایه اجتماعی با اینگلهارت در رابطه بین رفاه اقتصادی و ارزش‌های تعالی، با رورتی و هابرماس درباره نقش سیاست و مشارکت و با نظریه تاب‌آوری اجتماعی در تبیین تأثیر محیط و خانواده، بر امید اجتماعی مطابقت دارند و به طراحی مداخلات اجتماعی، فرهنگی و سیاست‌گذارانه برای تقویت امید اجتماعی در بستر شهری ایران، به‌ویژه در شهر ایلام، کمک می‌کند.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی و تبیین عوامل مؤثر بر امید اجتماعی در جامعه ایرانی، با تمرکز بر شهر ایلام، انجام گرفت. نتایج این مطالعه نشان داد که امید اجتماعی در میان افراد مورد بررسی، در سطحی کمتر از انتظار قرار دارد. این مسئله نه پدیده‌ای دفعی، بلکه حاصل روندی انباشته از فرسایش اعتماد عمومی، ضعف در کارآمدی نهادهای رسمی، تنزل سرمایه اجتماعی و بروز ناپایداری‌های اقتصادی و زیست‌محیطی است. در چنین شرایطی، امید اجتماعی دیگر تنها یک سازه روان‌شناختی یا فردی محسوب نمی‌شود، بلکه به مسئله‌ای بنیادین در ساحت جامعه‌شناختی، سیاسی و حتی امنیت اجتماعی بدل شده است. کاهش امید می‌تواند پیامدهایی همچون کناره‌گیری مدنی، تمایل به مهاجرت، بی‌تفاوتی سیاسی، فرار نخبگان، و گسترش اضطراب جمعی را در پی داشته باشد. این پیامدها نیازمند توجه فوری و علمی در سطوح مختلف برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری هستند. از منظر نظری، تحلیل یافته‌ها نشان داد که امید اجتماعی در جامعه ایران ترکیبی از سازوکارهای ساختاری و ادراکات فردی است. همان‌طور که در مبانی نظری اشاره شد، نظریه‌های پاتنام و بوردیو در خصوص سرمایه اجتماعی، نظریه تغییر ارزش‌های اینگلهارت، دیدگاه رورتی درباره امید لیبرال، نظریه گفت‌وگوی هابرماس و همچنین نظریه تاب‌آوری اجتماعی، همگی اجزائی از این سازوکار چندبعدی را توضیح می‌دهند. داده‌های به‌دست‌آمده از تحلیل مدل معادلات ساختاری در این تحقیق،

به‌خوبی با این مبانی نظری مطابقت دارد و اعتبار نظری مدل پیشنهادی را تأیید می‌کند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که همه متغیرهای در نظر گرفته‌شده (عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، خانوادگی و زیست‌محیطی) تأثیر مثبت و معناداری بر امید اجتماعی دارند. این نتایج در چند سطح با مطالعات پیشین قابل مقایسه و تأیید هستند. از میان پنج متغیر بررسی‌شده، عوامل اجتماعی با ضریب تأثیر بالا، بیشترین نقش را در تبیین امید اجتماعی ایفا می‌کنند. این متغیر شامل مؤلفه‌هایی چون پیوندهای میان‌فردی، مشارکت مدنی، احساس تعلق به جامعه و اعتماد اجتماعی بود. نقش محوری روابط اجتماعی در شکل‌گیری امید اجتماعی که در این پژوهش با ضریب تأثیر بالاتر از سایر عوامل تأیید شد، به‌روشنی با نظریه سرمایه اجتماعی رابرت پاتنام (۲۰۰۱) و تفسیر بوردیو از نابرابری در دسترسی به شبکه‌های حمایتی هم‌راستا است؛ جایی که جامعه‌ای با سطح بالای مشارکت مدنی و ارتباطات اجتماعی منسجم، بستر مساعدتری برای شکل‌گیری چشم‌انداز جمعی و امید به آینده دارد. این یافته همچنین با نتایج پژوهش‌های داخلی همچون فاضلی (۱۳۹۸) و مختار و همکاران (۱۴۰۲) که بر اهمیت پیوندهای اجتماعی و احساس تعلق در بازتولید امید تأکید داشتند، سازگاری دارد. در بافت شهری مانند ایلام که بخشی از آن هنوز از انسجام قومی، محلی و فرهنگی برخوردار است، ظرفیت سرمایه اجتماعی سنتی هنوز حفظ شده و می‌تواند عاملی برای احیای امید تلقی شود. در رتبه دوم، عوامل اقتصادی قرار دارند. یافته‌ها نشان دادند که ادراک مثبت از وضعیت معیشتی، احساس ثبات شغلی، و امکان بهبود درآمد، تأثیر مستقیم بر سطح امید اجتماعی دارند. نقش عوامل اقتصادی به‌ویژه اشتغال، رفاه نسبی و ادراک از آینده اقتصادی، در پژوهش حاضر تأثیر قابل توجهی بر امید اجتماعی داشته است. این یافته در هماهنگی کامل با نظریه تغییر ارزش‌های اینگلهارت (۱۹۹۷)، در مورد پیوند بین امنیت اقتصادی و ارزش‌های فرامادی مانند امید و مشارکت همخوان است که پیوند توسعه اقتصادی با خودابرازی، ارزش‌های انسانی و مشارکت اجتماعی را تبیین می‌کند. همچنین، یافته‌های پژوهش عبدالهی (۱۳۹۹) درباره رابطه بین وضعیت اقتصادی و امید به آینده، تأییدی بر همین مسیر علی هستند. در شرایطی که جامعه با بی‌ثباتی اقتصادی، تورم، بیکاری، و نبود

فرصت‌های عادلانه اقتصادی مواجه است، احساس بی‌افقی آینده و ناامیدی، امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. بنابراین، سیاست‌گذاری اقتصادی باید نه فقط به دنبال بهبود شاخص‌های کلان، بلکه به دنبال ترمیم حس امید در میان گروه‌های متوسط و فرودست نیز باشد. در رتبه سوم، عوامل خانوادگی تأثیر قابل توجهی نشان دادند. این عامل، مشتمل بر انسجام خانوادگی، روابط بین‌نسلی، احساس حمایت روانی و امنیت عاطفی بود. یافته‌ها حاکی از آن بودند که خانواده نقش جبرانی مهمی در برابر بی‌ثباتی‌های بیرونی ایفا می‌کند. این مؤلفه با نظریه‌های تاب‌آوری فردی و درون‌گروهی و همچنین نظریه سرمایه اجتماعی خانگی بورديو، مطابقت دارد. تأثیر عوامل خانوادگی که در این مطالعه نسبتاً قوی ارزیابی شده است که با دیدگاه‌های موجود درباره نقش خانواده به‌عنوان منبع سرمایه روانی و عاطفی در دوره‌های بحران اجتماعی منطبق است. مطالعاتی مانند امیری اسفراجانی و همکاران (۱۳۹۸) نیز تأکید داشته‌اند که انسجام خانوادگی در شرایط بی‌ثباتی اجتماعی، نقش مهمی در حفظ امید ایفا می‌کند. در جامعه‌ای که نهادهای رسمی به‌درستی عمل نمی‌کنند، خانواده به‌عنوان پناهگاه روانی و اخلاقی، می‌تواند نقش مهمی در بازتولید امید فردی و اجتماعی داشته باشد. چهارمین عاملی که در تحلیل معادلات ساختاری تأثیر معنادار و مثبتی بر امید اجتماعی داشت، عوامل زیست‌محیطی بود. این متغیر شامل ادراک شهروندان از کیفیت هوا، منابع طبیعی، بحران‌های اقلیمی و امنیت زیستی است. یافته‌ها نشان دادند که احساس ناامنی زیست‌محیطی، به‌ویژه در مناطق مستعد بحران مانند ایلام که با پدیده‌هایی چون خشکسالی، کم‌آبی، فرسایش خاک و ریزگردها مواجه است، می‌تواند تأثیر منفی جدی بر افق روانی شهروندان داشته باشد. درواقع، رابطه‌ای مستقیم میان زیست‌پذیری محیط و چشم‌انداز جمعی مردم وجود دارد. این یافته را می‌توان در پرتو نظریه تاب‌آوری اجتماعی تبیین کرد: جوامعی که در برابر تهدیدات محیطی تاب‌آور نیستند، نه تنها از نظر فیزیکی آسیب‌پذیرتر می‌شوند، بلکه در سطح روانی نیز حس کنترل و عاملیت خود را از دست می‌دهند که این امر خود یکی از بنیان‌های اصلی فرسایش امید است. نقش عوامل زیست‌محیطی در

امید اجتماعی که در این پژوهش با ضریب معنادار گزارش شده، یافته‌ای نسبتاً نو در ادبیات داخلی است، اما با چارچوب نظری تاب‌آوری اجتماعی (نوریس و همکاران، ۲۰۰۸) هم‌خوانی دارد. پژوهش مکوندی و بهزادی (۱۴۰۰) نیز به‌طور خاص نشان داده بود که احساس ناامنی محیط‌زیستی می‌تواند بر کیفیت زندگی روانی و نگرش مردم نسبت به آینده اثر منفی بگذارد. در نهایت، عوامل سیاسی نیز اگرچه از نظر آماری معنادار شناخته شدند، اما ضریب تأثیر آن‌ها از سایر متغیرها پایین‌تر بود. این مسئله، به‌وضوح بیانگر نوعی شکاف میان مردم و نظام‌های حکمرانی در ایران است. مؤلفه‌هایی مانند اعتماد به نهادهای رسمی، احساس مشارکت سیاسی، عدالت ادراک‌شده و امکان تأثیرگذاری بر فرآیندهای تصمیم‌گیری، در پژوهش حاضر نتوانستند تأثیری برابر با متغیرهای اجتماعی یا اقتصادی بر امید اجتماعی برجای گذارند. این نتیجه با مبانی نظری هابرماس دربارهٔ گفت‌وگوی عمومی و کش ارتباطی و همچنین دیدگاه رورتی دربارهٔ ضرورت وجود روایت‌های جمعی از آینده بهتر، در تضاد قرار دارد؛ چراکه اگر نهادهای سیاسی قادر به تولید زبان مشترک با مردم نباشند، مشروعیت آن‌ها به تدریج کاهش یافته و قدرتشان برای ساخت افق مشترک آینده تضعیف می‌شود. تأثیر عوامل سیاسی گرچه ضعیف‌تر از سایر متغیرها بوده، اما همچنان معنادار گزارش شده است. این یافته با دیدگاه‌های رورتی (۲۰۰۰) و هابرماس دربارهٔ اهمیت مشارکت سیاسی و گفت‌وگوی عمومی در ایجاد امید اجتماعی مطابقت دارد. با این حال، همان‌طور که پژوهش‌های طاهری‌دمنه و کاظمی (۱۳۹۹) نیز نشان داده‌اند، احساس ناتوانی در مشارکت سیاسی و نبود زبان مشترک میان مردم و نهادهای حاکمیتی، منجر به تضعیف امید سیاسی در جامعه می‌شود. در تحلیل انتقادی این یافته، می‌توان گفت که امید اجتماعی در جامعه مورد بررسی، بیش از آنکه بر نهادهای رسمی یا ساختار سیاسی تکیه داشته باشد، از مسیرهای غیردولتی و غیرنهادی مانند روابط میان‌فردی، ساختار خانواده و تجربه‌های زیسته اقتصادی بازتولید می‌شود. این نوع از «امید انفرادی» یا «امید غیررسمی» اگرچه در کوتاه‌مدت می‌تواند به بقای اجتماعی کمک کند، اما در بلندمدت، اگر با احیای سرمایه سیاسی و مشروعیت نهادی همراه نشود، نمی‌تواند انسجام اجتماعی پایدار را تضمین کند.

بر پایه تحلیل‌های صورت گرفته، می‌توان گفت که امید اجتماعی در جامعه‌ای مانند ایران، ترکیبی پیچیده از عوامل خرد، میانه و کلان است؛ یعنی از یک سو با تجربه‌های روزمره افراد در خانه، محل کار و محله گره خورده و از سوی دیگر، به تصمیمات کلان سیاسی، وضعیت اقتصادی و ساختارهای کلان اجتماعی وابسته است. پژوهش حاضر نشان داد که در شرایط تضعیف نهادهای رسمی و فرسایش مشروعیت سیاسی، جامعه برای بقای روانی و انگیزشی خود به منابع غیررسمی متوسل می‌شود؛ منابعی مانند خانواده، دوستان، شبکه‌های اجتماعی محلی یا حتی باورهای فرهنگی و مذهبی. اما چنین وضعیتی در بلندمدت پایدار نیست. امید اجتماعی، برخلاف تصور برخی که آن را صرفاً نگرشی فردی یا روانی می‌دانند، عمیقاً وابسته به ساختارهای عینی و نهادهای میانجی جامعه است. اگر مردم احساس کنند که آینده به کلی از اختیار آن‌ها خارج است، مشارکت خود را در ساختن آن از دست می‌دهند. در چنین شرایطی، ناامیدی نه فقط به افسردگی فردی، بلکه به سستی در سرمایه اجتماعی، کاهش مشارکت سیاسی و در نهایت، تهدیدی برای پایداری اجتماعی و امنیت ملی بدل می‌شود. در نتیجه، یافته‌های این تحقیق می‌تواند مبنایی برای تدوین برنامه‌های سیاستی و طراحی مداخلات چندلایه قرار گیرد. برای مثال در سطح فردی و خانوادگی، باید از نهادهایی چون آموزش و پرورش و رسانه‌های عمومی برای آموزش مهارت‌های تاب‌آوری، ارتقاء سواد روانی و تقویت ارتباطات مثبت بهره برد. در سطح اجتماعی، نهادهای مدنی، سمن‌ها و انجمن‌های محلی باید تقویت شوند تا امکان مشارکت شهروندان در امور جامعه افزایش یابد و حس عاملیت اجتماعی بازسازی شود. در سطح سیاسی و نهادی، مهم‌ترین گام، بازسازی اعتماد عمومی از طریق شفافیت، پاسخ‌گویی، عدالت در سیاست‌گذاری و گشودن فضاهای گفت‌وگو با مردم است. بدون بازگشت به مردم، نمی‌توان آینده‌ای امیدبخش ساخت.

نتایج این پژوهش نشان داد که امید اجتماعی در جامعه امروز ایران، به‌ویژه در بافت شهری مانند ایلام، نه یک متغیر صرفاً روانی یا فرهنگی، بلکه یک شاخص چندوجهی از سلامت اجتماعی،

مشروعیت نهادی، تاب‌آوری زیستی و پیوندهای انسانی است. امید اجتماعی در چنین بستری، هم از ساختارهای کلان اقتصادی و سیاسی تأثیر می‌پذیرد و هم از تجربه‌های روزمره در خانواده، محله، شغل و محیط زیست. ترکیب این عوامل در قالب یک مدل تحلیلی، نشان داد که اگرچه همه متغیرهای پنج‌گانه بر امید اجتماعی تأثیرگذارند، اما شدت این تأثیرات متفاوت و دربردارنده پیامدهایی نظری، کاربردی و سیاست‌گذارانه است. پژوهش حاضر از این جهت دارای اهمیت نظری است که توانسته با بهره‌گیری از چندین نظریه بنیادین، از جمله سرمایه اجتماعی بورديو و پاتنام، تحول ارزش‌های اینگلهارت، امید اجتماعی رورتی، کنش ارتباطی هابرماس و نظریه تاب‌آوری، مدلی مفهومی و بومی برای تحلیل امید اجتماعی در بستر ایران طراحی و آزمون کند. ترکیب این نظریات در یک الگوی تحلیلی، نه تنها انسجام تئوریک تحقیق را تقویت می‌کند، بلکه نشان می‌دهد که امید در ایران امروز، همچون یک سیستم، از تعامل عناصر خرد و کلان و رسمی و غیررسمی ساخته می‌شود. این تحلیل نظری می‌تواند مبنایی برای بازاندیشی در مباحث مربوط به سرمایه اجتماعی، پایداری زیست‌محیطی، عدالت اجتماعی و کارآمدی سیاسی باشد. از منظر کاربردی نیز نتایج پژوهش می‌تواند راهنمایی برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان باشد. براساس یافته‌ها، برنامه‌های بازسازی امید اجتماعی باید چندلایه و بین‌رشته‌ای باشند؛ از تقویت روابط خانوادگی، آموزش مهارت‌های ارتباطی و احساسی در مدارس، بازآفرینی فضاهای شهری برای تعامل اجتماعی تا اصلاح سیاست‌های اقتصادی، بهبود عدالت توزیعی، بازسازی اعتماد سیاسی و حکمرانی مشارکتی. نهادهای واسطه مانند رسانه‌ها، سمن‌ها، شوراهای شهری و حتی مراکز مذهبی می‌توانند با طراحی مداخلات کوچک اما مؤثر، نقش فعالی در برانگیختن امید ایفا کنند. در مجموع، یافته‌های این پژوهش از نظر نظری با مدل‌های کلاسیک سرمایه اجتماعی، تحول ارزش‌ها، تاب‌آوری و مشارکت دموکراتیک، از نظر تجربی با اغلب مطالعات داخلی در دهه اخیر همخوانی دارند، اما با افزودن متغیرهای زیست‌محیطی و استفاده از مدل‌سازی ساختاری، گامی فراتر در تحلیل علی امید اجتماعی برداشته‌اند. در نهایت، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده با استفاده از روش‌های ترکیبی (کمی و کیفی)، و در مقیاس‌های مختلف (محلی، منطقه‌ای، ملی) انجام

شوند. به‌ویژه تحلیل روایت‌های زیسته افراد درباره آینده، مطالعات تطبیقی میان اقوام یا گروه‌های سنی، و تحلیل روندهای بلندمدت تحول امید اجتماعی، می‌تواند تصویر عمیق‌تری از پویایی این مفهوم ارائه دهد. همچنین بررسی نقش رسانه‌های دیجیتال، فناوری‌های نوین و تحولات فرهنگی نوظهور در بازسازی یا فرسایش امید اجتماعی در ایران، از موضوعات مهمی است که نیازمند پژوهش‌های جدی‌تر و آینده‌پژوهانه است.

کتابنامه

۱. ارغندی، ع؛ و خضری، م. (۱۳۹۵). بررسی میزان سازگاری الگوی تحول فرهنگی اینگلهارت در ایران (براساس شاخص‌های مادی/فرامادی). *مجله پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۷ (۲۸)، ۲۷-۱.
۲. امیدی، م. (۱۴۰۰). سیاست‌گذاری اجتماعی و مسئله امید؛ مطالعه ارزیابی جامعه از آینده در پیمایش‌های ملی دهه ۱۳۹۰. *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*، ۱ (۲۷)، ۶۴-۲۹.
۳. امیری‌اسفرجانی، ز؛ هاشمیان‌فر، س. ع؛ و قاسمی، و. (۱۳۹۸). کاوش در امید اجتماعی: نظریه‌ای داده‌بنیاد. *فصلنامه مسائل اجتماعی ایران*، ۱۰ (۱)، ۵۱-۲۷.
۴. خانیکی، ه. (۱۳۹۸). *امید اجتماعی (چیستی، وضعیت و سبب‌شناسی)*. چاپ دوم. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۵. رورتنی، ر. (۱۴۰۰). *فلسفه و امید اجتماعی*. (آذرننگ. ع؛ و نادری. ن، مترجمان). چاپ ششم. تهران: نشر نی.
۶. رفیعی، ح؛ ستاره‌فروزان، آ؛ و احمدی، س. (۱۴۰۱). مشکلات اجتماعی تهدیدکننده سلامت اجتماعی و دارای اولویت در ایران. *فصلنامه پژوهش انحرافات و مسائل اجتماعی*، ۲ (۳)، ۱۹۵-۱۷۱.
۷. صادقی، ر؛ غفاری، غ؛ و رضایی، م. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر تمایل به مهاجرت از ایران. *دوفصلنامه مطالعات جمعیتی*، ۴ (۲)، ۱۰۸-۸۳.
۸. طاهری‌دمنه، م. (۱۳۹۹). خوانشی آینده‌پژوهانه از پروبلماتیک امید اجتماعی در ایران. *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، ۹ (۳)، شماره پیاپی ۳۰، ۴۹-۸۰.

۹. عبدالحی، ع. (۱۳۹۹). بررسی عوامل جمعیتی و اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر امید به آینده در شهر تهران. *دوفصلنامه مطالعات جمعیتی*، ۶(۱)، ۳۱۵-۳۴۲.
۱۰. فاضلی، م. (۱۳۹۸). *امید اجتماعی، دولت فروتن و موفقیت‌های کوچک. در امید اجتماعی: چیستی، وضعیت و سبب‌شناسی (۵۵۷-۵۶۲)*. خانیکی، ه. و همکاران (ویراستاران). چاپ دوم. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۱. فرخ‌نژادکشی، د؛ محمدی، ا؛ و حقیقتیان، م. (۱۳۹۷). بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در امید به آینده حاشیه‌نشینان تبریز. *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ۹(۲۹)، ۷۹-۱۰۲.
۱۲. کلانتری، ح؛ افشانی، س. ع؛ اسلامی، ح؛ و اسلامی، س. (۱۴۰۳). طراحی الگوی مطلوب نقش رسانه ملی در ایجاد امید اجتماعی. *مجله مطالعات میان‌رشته‌ای ارتباطات و رسانه*، ۷(۳)، ۱۷۹-۲۰۶.
۱۳. مختار، ج؛ حقیقتیان، م؛ و چیت‌ساز، م. (۱۴۰۲). دوگانه امید و یأس اجتماعی در دولت دوازدهم: بررسی عوامل، زمینه و پیامدها. *فصلنامه تغییرات اجتماعی-فرهنگی*، ۲۰(۷۶)، ۲۹-۵۳.
۱۴. مرادی، ع؛ و صفاریان، م. (۱۳۹۸). بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با بی‌تفاوتی: مورد مطالعه شهر کرمانشاه. *دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، ۸(۱)، ۱۵۹-۱۸۹.
۱۵. مکنونی، ف؛ و بهزادی، ع. (۱۴۰۰). بازآفرینی امید اجتماعی با بهره‌گیری از الگوی حکمرانی جامع. *فصلنامه تعالی منابع انسانی*، ۲(۲)، ۱۸-۴۰.
۱۶. هابرماس، ی. (۱۳۸۳). *نظریه کنش ارتباطی*. (پولادی، ک، مترجم). تهران: مؤسسه انتشاراتی روزنامه ایران.

17. Andrew, J. (2007). Political culture and regime support in Asia. *Paper for the on prospects for political reform at the conference the future of U.S.-China panel relations*. U.S.-China Institute.
18. Blake, J., & Norton, C. L. (2019). Examining the relationship between hope and attachment: A meta-analysis. *Psychology*, 5, 556-505.
19. Brown, G. (2015). The revolt of aspirations: Contesting neoliberal social hope. *An International Journal for Critical Geographies*, 12(3), 419-430.
<https://doi.org/10.14288/acme.v12i3.970>

20. Bourdieu, P. (1986). The forms of capital. In J. G. Richardson (Ed.), *Handbook of theory and research for the sociology of education*. New York: Greenwood, 241–258.
21. Goryanich, M. Y. (2017). *Futurology: The philosophy of the future*. Ivano-Frankivsk: Lilia-NW, 540 p.
22. Hair, J. F., Hult, G. T. M., Ringle, C. M., & Sarstedt, M. (2021). *A primer on partial least squares structural equation modeling (PLS-SEM)* (3rd ed.). Sage Publications.
23. Inglehart, R. (1997). Modernization and postmodernization: Cultural, economic, and political change in 43 societies. Princeton University Press.
24. Knutsen, C. (2020). Investigating the Lee thesis: How bad is democracy for Asian economies? *European Political Science Review*, 2(3), 451–473
25. Krejcie, R. V., & Morgan, D. W. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational and Psychological Measurement*, 30(3), 607–610.
<https://doi.org/10.1177/001316447003000308>
26. Marek, K. (2003). Agents, spectators, and social hope: Richard Rorty and American intellectuals. *A Journal of Social and Political Theory*, No. 101, 25–48.
<https://www.jstor.org/stable/4180222>
27. Masiuk, O. (2019). Hope as a means of social identity. *Grani*, 22, 16–22.
<https://doi.org/10.15421/171917>
28. McClement, S., & Chochinov, H. M. (2018). Hope in advanced cancer patients. *European Journal of Cancer*, 44, 1169–1174.
29. Morgan, M. (2016). The responsibility for social hope. *Thesis Eleven*, 136(1), 107–123. <https://doi.org/10.1177/0725513616647574>
30. Norris, F. H., Stevens, S. P., Pfefferbaum, B., Wyche, K. F., & Pfefferbaum, R. L. (2008). Community resilience as a metaphor, theory, set of capacities, and strategy for disaster readiness. *American Journal of Community Psychology*, 41(1–2), 127–150. <https://doi.org/10.1007/s10464-007-9156-6>
31. Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. Simon & Schuster.
32. Rorty, R. (1999). *Social hope*. Cambridge: Cambridge University Press.
33. Rorty, R. (2000). *Philosophy and social hope*. Penguin Books.
34. Schneiderhan, E. (2013). Rorty, Addams, and social hope. *Humanities*, 2(3), 421–438.
35. Slaughter, R. A. (2008). Integral futures methodologies. *Futures*, 40(2), 36–47.
36. Zournazi, M. (2002). *Hope: New philosophies for change*. London Routledge.

An Analysis of Bureaucracy Studies in Iran: A Systematic Review¹

Mohammad Shamsi

PhD Student of Economic and Development Sociology, Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Reza Hemati²

Associate Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Mahdi Malmir

Assistant Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Received: 8 October 2025

Revised: 30 November 2025

Accepted: 14 December 2025

Abstract

Over two centuries from the introduction of bureaucracy in the modern world, it appears that this concept is represented not only by statesmen but also by scholars and experts across diverse scientific fields. In Iran, bureaucracy has managed to gain a distinct position in academic research over the past two decades. Accordingly, the present study, aimed at exploring and evaluating Persian studies on bureaucracy, employs a systematic review to explore 30 Iranian articles on this subject published over the past two decades (2006–2021). The findings reveal the multidimensional nature of bureaucracy and methodological diversity, reflecting the structural and functional complexities of the Iranian administrative system. Four key dimensions—structural and procedural, cultural and social, economic and political, and analytical and historical—were identified, each explaining a distinct aspect of bureaucracy. Results also suggest that bureaucracy in Iran, rather than a fixed institutional structure, is shaped by

1. This article is based on the first author's doctoral dissertation submitted to the Department of Social Sciences, University of Isfahan.

2. Corresponding author. Email: r.hemati@ltr.ui.ac.ir



©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license:

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

How to cite this article: Shamsi, M., Hemati, R. and Malmir, M. (2025). An Analysis of Bureaucracy Studies in Iran: A Systematic Review. Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences, 22(3), 243-280. Doi: 10.22067/social.2025.95877.1696

managerial interactions, employees' behaviors, and sociopolitical transformations. Institutional, organizational, economic, and technological factors also play a prominent role in shaping administrative developments. Furthermore, the review exhibits that a large portion of the studies critically address existing inefficiencies and underscore the necessity of institutional reforms and enhanced administrative transparency. Finally, this research highlights the need to move beyond traditional approaches and employs empirical and field-based studies to reform bureaucratic structures and improve the efficiency of the administrative system. Policymakers can gain more profound insights into the dimensions of bureaucracy and formulate more flexible and effective executive models. Further, by integrating theoretical knowledge with empirical evidence, they can create new pathways for improving governance quality, administrative accountability, and public trust.

Keywords: Bureaucracy, Administrative System, Research, Systematic Review.

واکاوی مطالعات بوروکراسی در ایران: یک مرور نظام‌مند^۱

محمد شمسی (دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی،

دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران)

v.shamsi@ltr.ui.ac.ir

رضا همتی (دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، نویسنده

مسئول)

r.hemati@ltr.ui.ac.ir

مهدی الممیر (استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران)

m_malmir@sbu.ac.ir

چکیده

گذشت بیش از دو قرن از طرح مباحث بوروکراسی در جهان مدرن نشان می‌دهد که این مفهوم را علاوه بر دولتمردان، محققان و صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف علم نیز نمایندگی می‌کنند. در ایران نیز از دو دهه گذشته به این طرف، بوروکراسی جایگاه مشخصی در میان پژوهش‌ها به خود اختصاص داده است. بر همین مبنا پژوهش حاضر با هدف واکاوی و ارزیابی مطالعات فارسی بوروکراسی و با بهره‌گیری از روش مرور نظام‌مند، به تحلیل ۳۰ مقاله داخلی مرتبط با این موضوع در حدود دو دهه اخیر (۱۴۰۰-۱۳۸۵) پرداخته است. نتایج نشان‌دهنده چندوجهی بودن این مفهوم و تنوع روش‌شناختی در مطالعه آن است که بیانگر پیچیدگی‌های ساختاری و عملکردی نظام اداری کشور است. چهار بعد کلیدی شامل ساختاری و فرایندی، فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و تحلیلی و تاریخی شناسایی شده‌اند که هرکدام جنبه‌ای متفاوت از بوروکراسی را تبیین می‌کنند. همچنین دیگر نتایج پژوهش نشان داد که بوروکراسی در ایران نه تنها یک ساختار نهادی ثابت نیست، بلکه تحت تأثیر تعاملات مدیریتی، رفتارهای فردی کارکنان و تحولات سیاسی و اجتماعی

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول در گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان است.

نشریه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، سال بیست و دوم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴، شماره پیاپی ۵۳، صص ۲۴۳-۲۸۰

تاریخ تصویب: ۱۴۰۴/۰۹/۲۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۹/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۷

قرار دارد. نقش عوامل نهادی، سازمانی، اقتصادی و فناورانه نیز در تحول نظام اداری برجسته است. افزون بر این، بررسی مقالات نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از پژوهش‌ها به نقد ناکارآمدی‌های موجود پرداخته و بر ضرورت اصلاحات نهادی و ارتقای شفافیت اداری تأکید دارند. در نهایت، پژوهش حاضر ضرورت گذر از رویکردهای سنتی و بهره‌گیری از مطالعات تجربی و میدانی را برای اصلاح ساختارهای بوروکراتیک و افزایش کارآمدی نظام اداری مطرح می‌کند تا بر مبنای آن سیاست‌گذاران بتوانند با شناخت دقیق‌تر ابعاد بوروکراسی، مدل‌های اجرایی منعطف‌تر و کارآمدتری طراحی کنند و از طریق تلفیق دانش نظری با شواهد تجربی، مسیرهای نوینی برای ارتقای کیفیت حکمرانی، پاسخگویی اداری و افزایش اعتماد عمومی فراهم آورند.

واژگان کلیدی: بوروکراسی، نظام اداری، پژوهش، مرور نظام‌مند.

۱. مقدمه و بیان مسئله

هرچند نقش و وظایف دولت‌ها در جهان کنونی از بسیاری جهات دگرگونی در عرصه نظر و عمل را تجربه می‌کند؛ اما عملکرد آن‌ها می‌تواند در تحقق و یا مانع‌تراشی در امر توسعه و همچنین دیگر سیاست‌های ترقی‌خواهانه تأثیرگذار باشد و حتی رویکردهای جدید به توسعه نظیر توسعه جایگزین و توسعه انسانی نیز نمی‌توانند نقش دولت را نادیده بگیرند (پیترز^۱، ۱۴۰۰: ۱۵۶)؛ چراکه در عمل به اهداف و ایده‌های خود ناگزیر از مدد رسانی دولت‌ها هستند.

در طول دهه‌های گذشته، دولت‌های مدرن شاهد افزایش فوق‌العاده‌ای در تعداد و پیچیدگی سیاست‌های عمومی بوده‌اند (فرناندز^۲ و همکاران، ۲۰۲۴). طرفداران مداخله دولت به‌طور سنتی ایجاد یک دولت توانمند و حرفه‌ای را شرط لازم برای رسیدن به توسعه می‌دانند. آن‌ها به ظهور تاریخی قدرت‌های بزرگ و وابستگی آنها به کادری از بوروکرات‌های حرفه‌ای در هسته خود اشاره

1. Pieterse

2. Fernandes

کرده‌اند. با این حال به تعبیر ماکس وبر^۱ «جهتی که بوروکراسی^۲ در پیش می‌گیرد و دلایلی که پیدایش آن را موجب می‌شوند، بسیار متفاوت‌اند» (وبر، ۱۳۸۲: ۲۴۲).

عملکرد بوروکراسی به عنوان یکی از بازوهای اجرایی دولت زمانی اهمیت پیدا می‌کند که به آن اجازه می‌دهد کم و بیش در اخذ مالیات، تنظیم‌گری، اجرای قوانین، سازماندهی و تأمین زیرساخت‌ها، و ارائه کالاها و خدمات عمومی به شهروندان، شرکت‌ها و سایر سازمان‌های غیردولتی مؤثر باشد. نظریه‌های معاصر اقتصاد سیاسی توسعه، اثربخشی دولت را در کانون توجه قرار داده و نقش‌آفرینی نهادهای سیاسی را به عنوان یک عنصر کلیدی در نظر گرفته‌اند: به عنوان مثال عجم‌اوغلو و رابینسون^۳ در کتاب مشهور خود با عنوان *چرا ملت‌ها شکست می‌خورند؟* بر محدودیت‌های قدرت و انتخابات در دولت‌هایی که فراگیرتر هستند تأکید می‌کنند (عجم‌اوغلو و رابینسون، ۱۳۹۳: ۵۹). در مقابل، کسانی که به نقش‌آفرینی دولت‌های بزرگ بدگمان هستند، اغلب بوروکراسی را به عنوان یک مانع برای حکومت‌داری مؤثر و توسعه اقتصادی می‌بینند و از اصطلاح بوروکراسی با برچسبی تحقیرآمیز استفاده می‌کنند (استیگلر^۴، ۱۹۷۱؛ دی‌جانکوف^۵ و همکاران، ۲۰۰۲).

ایران نیز اگرچه سالیان درازی است که تأسیس نهادهای سیاسی مدرن را تجربه می‌کند اما کماکان در نیل به اهداف توسعه‌ای با چالش‌هایی مواجه است که بخش مهمی از آن‌ها در ارتباط با کیفیت بوروکراسی موضوعیت پیدا می‌کند. بوروکراسی در ایران به دلیل وجود ساختارهای اداری پیچیده و فرایندهای طولانی به تأخیر در ارائه خدمات دولتی و کاهش کارایی دولتی دچار شده است. در کنار این‌ها، فساد در بخش‌های مختلف دولتی به عنوان یکی از مشکلات بوروکراسی در ایران مطرح است که باعث کاهش اعتماد عمومی به دولت و نظام اداری شده است. آخرین آمارهای موجود در تأیید

1. Max Weber

2. Bureaucracy

3. Acemoğlu & Rabbinson

4. Stigler

5. Djankov

این مدعا نشان می‌دهد نمره ایران در شاخص مسئولیت‌پذیری از صفر (پایین‌ترین مرتبه) تا صد (بالا‌ترین مرتبه) ۹ بوده است. در معیارهای دیگر مانند پایداری سیاسی بدون خشونت، اثربخشی حاکمیت، کیفیت سازماندهی و کنترل فساد نیز به ترتیب نمره‌های ۷، ۱۸، ۴ و ۱۳ را به خود اختصاص داده است (پایگاه بانک جهانی^۱، ۲۰۲۲).

بوروکراسی به عنوان یک پدیده سازمانی و اجتماعی، نقش تعیین‌کننده‌ای در ساختار قدرت، تخصیص منابع و ارائه خدمات در جوامع مختلف ایفا می‌کند. در ایران، بوروکراسی همواره موضوعی بحث‌برانگیز بوده و به دلیل تأثیرات گسترده‌اش بر جنبه‌های گوناگون زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، مورد توجه پژوهشگران و سیاست‌گذاران قرار داشته است. با وجود مطالعات متعدد انجام‌شده در این زمینه، هنوز یک درک جامع و یکپارچه از وضعیت بوروکراسی در ایران، چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی آن وجود ندارد. در کنار این‌ها مسائل متعدد مربوط به ناکارآمدی، فساد اداری، عدم شفافیت و ... همگی نشان‌دهنده ضرورت بازنگری و ارزیابی دقیق تحقیقات و مطالعات انجام‌شده در این حوزه است. با در نظر داشتن این موارد، پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا با شناسایی روندها، الگوها و شکاف‌های موجود در میان پژوهش‌های داخلی مرتبط با این موضوع، به درک عمیق‌تری از وضعیت بوروکراسی در کشور دست یابد. بر مبنای هدف پژوهش در پی پاسخگویی به پرسش‌های ذیل هستیم:

۱. چه ابعاد و جنبه‌هایی از بوروکراسی در ایران بیشتر مورد توجه پژوهش‌گران قرار گرفته است؟
۲. مهمترین علل و عوامل اثرگذار بر بوروکراسی در ایران بر مبنای مطالعات مرتبط کدام‌اند؟
۳. مطالعات داخلی بوروکراسی از نظر روش‌شناسی چه ویژگی‌هایی دارند؟
۴. مرور نظام‌مند این مطالعات چه سیاست‌هایی را پیش روی اصلاح نظام بوروکراسی در ایران قرار می‌دهد؟

۲. واکاوی ادبیات نظری پژوهش

۲.۱. پیشینه پژوهش

علی‌رغم حجم وسیع مطالعات صورت گرفته طی چنددهه اخیر پیرامون بوروکراسی و مفاهیم متناظر با آن در میان تحقیقات داخلی و خارجی، تعداد پژوهش‌هایی که به تحلیل همه‌جانبه و مبسوط از مطالعات این حوزه پرداخته باشد بسیار اندک است. بررسی‌ها نیز نشان داد اگرچه در میان تحقیقات داخلی موضوعات متنوعی از قبیل «حاشیه‌نشینی» (بهمنی و همکاران، ۱۳۹۷)؛ «حکمرانی خوب» (شمسی و همتی، ۱۴۰۳)؛ «تعارض کار-خانواده» (شمسی و همکاران، ۱۴۰۱)؛ «هویت دینی» (قنبری برزیان و همتی، ۱۳۹۴) و ... با استفاده از این روش صورت گرفته است، اما تا کنون پژوهش‌های مشخصی مرور نظام‌مند یا تحلیل جامع از مطالعات مرتبط با این موضوع را در دستور کار قرار نداده است.

با وجود جای خالی مرور نظام‌مند بوروکراسی در میان تحقیقات داخل ایران، برخی از محققان خارجی در آثار خود با رهیافت مرور نظام‌مند به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم به مسئله بوروکراسی پرداخته‌اند که در اینجا برخی از آن‌ها را به‌طور مختصر مرور می‌کنیم:

چانگ و برور^۱ (۲۰۲۲) طی یک پژوهش جامع با مرور نظام‌مند تحقیقات مرتبط با بوروکراسی، موضوع بوروکراسی خیابانی^۲ را، به‌عنوان یک موضوع کمتر شناخته‌شده در میان اجتماع علمی مدنظر قرار داده‌اند. نتایج به دست آمده از این تحقیق بوروکراسی خیابانی را به‌عنوان موضوعی پراهمیت و محبوب در مدیریت عمومی مفروض می‌گیرد، اما از نظر محققان این موضوع بیشتر به‌عنوان زمینه‌ای برای تحقیقات دیگر شناخته می‌شود و نه به‌عنوان موضوع اصلی تحقیق.

اینگاگیا^۳ و همکاران (۲۰۲۴) در یک پژوهش مفصل به تحلیل بوروکراسی و پسابوروکراسی بر مبنای مرور نظام‌مند تحقیقات این حوزه‌ها پرداختند. هدف از پژوهش آنان ارائه یک دیدگاه

1. Chang & Brewer

2. Street-Level bureaucracy

3. Ingaggiati.

یکپارچه‌تر درباره رابطه بین بوروکراسی و پسابوروکراسی در مدیریت عمومی است. نویسندگان این مقاله به بررسی پارادوکس‌هایی می‌پردازند که ناشی از تنش میان ویژگی‌های بوروکراتیک و پسابوروکراتیک هستند و از این طریق می‌خواهند فهم بهتری از این مفاهیم ارائه دهند.

نوگروهو^۱ و همکاران (۲۰۲۴) در تحقیق خود با استفاده از روش مرور ادبیات نظام‌مند موضوع اصلاحات بوروکراسی را مورد بررسی قرار دادند. هدف آنان تحلیل چالش‌ها و استراتژی‌های اصلاحات بوروکراتیک در کشورهای در حال توسعه بوده است. نتایج تحلیل ۱۶ مقاله بین‌المللی مرتبط نشان داد که مشکلات اصلی بوروکراسی شامل ناکارآمدی، فساد و سیاسی‌کاری است و استراتژی‌های کشورهای در حال توسعه عمدتاً بر تمرکز بر انتخاب‌های شفاف و بهبود استانداردهای اداری استوار است.

مطالعات اخیر در حوزه بوروکراسی نشان می‌دهد که در میان محققان موضوعاتی همچون بوروکراسی خیابانی، بوروکراسی و پسابوروکراسی و اصلاحات بوروکراتیک از جنبه‌های مهم و متنوع این حوزه هستند. به‌طور کلی، این مطالعات نشان‌دهنده نیاز به توجه بیشتر به ابعاد مختلف بوروکراسی، از جمله روش‌های نوین مدیریت، چالش‌های موجود و نقاط قوت و ضعف سیستم‌های بوروکراتیک هستند و گویای این نکته مهم هستند که مدیریت عمومی نیازمند راهکارهایی یکپارچه و چندبُعدی برای مواجهه با چالش‌های بوروکراسی در زمانه کنونی است.

۲.۲. چارچوب مفهومی

پژوهش مرور نظام‌مند، همانند تمامی پژوهش‌های کاربردی، به تدقیق در مهم‌ترین دیدگاه‌ها و نظریات پیرامون موضوع پژوهش نیازمند است؛ زیرا چنین چارچوبی به تعریف مفاهیم، جهت‌دهی سؤالات پژوهشی و مقایسه نتایج پژوهش با تحقیقات پیشین کمک می‌کند. برای موضوعاتی همانند بوروکراسی، استفاده از بینش‌های نظری معتبر باعث درک بهتر پویایی‌ها و پیچیدگی‌های این حوزه

1. Nugroho.

می‌شود. این چارچوب فضای مفهومی بوروکراسی را تبیین کرده، ارتباط آن را با سایر موضوعات مرتبط مشخص می‌کند و به انتخاب مسیرهای تحلیلی دقیق‌تر کمک می‌نماید. در همین زمینه، دیدگاه‌های مرتبط با «ظرفیت دولت» از جمله مهم‌ترین رویکردهایی است که امکان تحلیل جامع و ساختاری از بوروکراسی را فراهم می‌آورد. بر همین اساس در اینجا پس از نگاهی مختصر به مفهوم بوروکراسی و تاریخچه نظری آن، ظرفیت دولت و بینش‌های ناظر بر آن را مرور خواهیم کرد:

بوروکراسی مفهومی است که از قرن هجدهم تاکنون مورد بحث و بررسی قرار گرفته و نقش مهمی در شکل‌دهی به ساختارهای دولتی و سازمانی ایفا کرده است. این مفهوم به مرور زمان همراه با تحولات اجتماعی و سیاسی تکامل یافته و دیدگاه‌های مختلفی درباره آن شکل گرفته‌اند. واژه بوروکراسی نخستین بار در سال ۱۷۴۵ توسط گورنای^۱ به کار رفت و به معنای حکومت ادارات و مقامات رسمی است. در قرن نوزدهم این مفهوم در آلمان متداول شد و در ابتدا به عنوان افزایش اختیارات دولت و رشد ساختارهای اداری، با انتقادات زیادی روبه‌رو بود و بعدها به شکل یک مجادله و مباحثه متداول علیه بوروکراسی درآمد (آلبرو، ۱۳۵۹: ۴؛ صبوری، ۱۳۹۱: ۶۸).

در اندیشه کلاسیک بوروکراسی، ماکس وبر، گائئاتو موسکا^۲ و رابرت میشلز^۳ از نظریه‌پردازان مهم در این حوزه هستند. موسکا مفهوم بوروکراسی را در چارچوب طبقه حاکم^۴ بررسی کرده و آن را به عنوان بخشی از ساختار دولت بوروکراتیک معرفی کرده است (صادقپور، ۱۳۶۹: ۹). میشلز نیز نقش بوروکراسی را در احزاب سیاسی تحلیل کرده و معتقد است که سازمان‌های دموکراتیک به تدریج به الیگارشی تبدیل می‌شوند. نظریه میشلز درک عمیق‌تری از بوروکراسی و فرآیندهای درونی سازمان‌ها ارائه می‌دهد (کلگ^۵، ۱۹۹۰: ۴۳). در کنار این دو نظریه‌پرداز، همواره سهم ماکس وبر در

1. Gournay

2. Gaetano Mosca

3. Robert Michels

4. The Ruling Class

5. Clegg

بسط ایده بوروکراسی و ترسیم فضای مفهومی برای آن نسبت به سایر اندیشمندان پررنگ تر تلقی می شود. وبر به تأثیر عقلانی سازی بر بوروکراسی پرداخت و آن را به عنوان عنصری اجتناب ناپذیر در اداره جوامع مدرن توصیف کرد. علاوه بر این ماکس وبر مفهوم بوروکراسی را در شرایطی مطرح می کند که در آن عقلانی شدن جامعه را اجتناب ناپذیر می داند و معتقد است که این فرایند باعث عام گرایی فزاینده در روابط اجتماعی و افسون زدگی جهان می شود (آرون^۱، ۱۹۹۴؛ گیدنز^۲، ۱۹۹۷).

۱.۲.۲. ظرفیت دولت و بوروکراسی

ظرفیت و توان دولت ها در عرصه های گوناگون می تواند از بسیاری جهات در تبیین بوروکراسی کمک کننده باشد. توانمندی دولت ها در دستیابی به اهداف ملی و بین المللی در زمینه های سیاسی و اجتماعی بیش از چیز در ظرفیت دولت نمود پیدا می کند؛ درعین حال عدم ظرفیت کافی برای دولت مشکل ساز خواهد بود و بر سر راه سیاست گذاری ها و اجرای آن ها موانعی را ایجاد خواهد کرد (شمسی و همتی، ۱۴۰۳). مفهوم ظرفیت دولت شروع به پیوستگی با مجموعه بزرگتری از ویژگی های مرتبط با چارچوب اداری و بوروکراسی ویری کرد که در تلاش بود برخی تحولات ساختاری اقتصاد را توضیح دهد (راش و ایوانز^۳، ۲۰۰۰؛ اسکاچپل^۴، ۱۹۸۵). امروزه ویژگی های این مفهوم در تحلیل سیاست های عمومی خاص به کار گرفته می شود.

اگرچه کارهای تجربی در مورد عوامل تعیین کننده و پیامدهای ظرفیت دولت به ویژه در سال های اخیر شکوفا شده است (نگاه کنید به: رابسون^۵، ۲۰۲۴؛ دین سسو و پرادو^۶، ۲۰۱۲؛ هام و کینگ^۷،

1. Aron

2. Giddens

3. Rauch & Evans

4. Skocpol

5. Robson

6. Dincecco & Prado

7. Hamm & King

۲۰۱۰؛ فیرون^۱، ۲۰۰۵؛ ویس^۲، ۱۹۹۸)، پرسش‌هایی در مورد اینکه ظرفیت دولت واقعاً چیست، چگونه باید از آن استفاده کرد و چندین چالش مفهومی و کاربردی مرتبط با آن، بسیار کمتر حل شده است. بنابراین فهم مفهوم‌پردازی‌های گوناگون از ظرفیت دولت به ادراک دقیق‌تر از دایره عمل دولت‌ها و توانایی‌های آنان برای ایجاد تعبیرات مثبت در بوروکراسی یاری می‌رساند. در ادامه چارچوب مفهومی برای تبیین بوروکراسی بر مبنای اندیشه‌های ظرفیت دولت با تأکید بر نظریات «جوئل میگدال^۳»، «گای پیترز^۴» و «فرانسیس فوکویاما^۵» ارائه خواهد شد:

از نگاه میگدال ظرفیت دولت را باید در چارچوب تعاملات میان دولت و جامعه بررسی کنیم. از دیدگاه او، توانمندی دولت در مدیریت منافع عمومی و پیوند با جامعه از شاخص‌های اساسی ظرفیت‌سازی است. او در کتاب *جامعه‌های قوی و دولت‌های ضعیف*^۶ نشان می‌دهد که ظرفیت دولت متأثر از ساختارهای اجتماعی و چگونگی سازماندهی آن‌هاست. برخلاف دیدگاه‌های دولت‌گرا، میگدال تأکید دارد که دولت‌های قوی توانایی بازیابی منافع عمومی را دارند، درحالی که دولت‌های ضعیف در کشورهای در حال توسعه در اجرای سیاست‌های مؤثر ناکام مانده‌اند (میگدال، ۱۹۸۸: ۴۱). به عقیده او، بوروکراسی از طریق کاهش تعارض میان دولت و جامعه، موجب افزایش ظرفیت دولت می‌شود. در این چارچوب، رابطه متقابل دولت با جامعه، از طریق عناصر بوروکراتیک، به‌عنوان فرآیند کلیدی در تثبیت ظرفیت دولت و اصلاح رویه‌های حاکم بر آن شناخته می‌شود.

پیترز هم در بررسی ظرفیت دولت، نقش نهادی بازیگران دولتی و بوروکراتیک را برجسته می‌کند. او معتقد است که همکاری میان دولت و بوروکراسی می‌تواند موجب ارتقای کارآمدی حکومت شود و بهبود کیفیت حکمرانی را تسهیل کند (پیترز، ۱۹۸۷: ۶۴). برخلاف تصور سنتی که سیاستمداران

1. Fearon

2. Weiss

3. Joel S. Migdal

4. Guy Peters

5. Francis Fukuyama

6. Strong Societies & Weak States

را سیاست‌گذار و بوروکرات‌ها را مجری می‌داند، تحقیقات نشان داده‌اند که این دو گروه از هم جدا نیستند، بلکه در فرآیند تصمیم‌گیری‌های حکمرانی همکاری دارند (آبرباخ^۱ و همکاران، ۱۹۸۱: ۳۴؛ هود و لژ^۲، ۲۰۰۶). بر همین مبنا پیترز بر اصلاحات ساختاری تأکید می‌کند و آن را برای افزایش کیفیت عملکرد دولت و بوروکراسی ضروری می‌داند (پیترز و پیر، ۲۰۰۲: ۶۵). او همچنین اشاره می‌کند که شهروندان در تماس مستقیم با اعضای بوروکراسی عمومی قرار دارند، بنابراین اصلاحات بوروکراتیک تأثیر مستقیم بر تجربه عمومی از حکمرانی دارد (مایر و ورسانگر^۳، ۲۰۰۳: ۳۰).

فوکویاما به‌عنوان یک از شناخته‌شده‌ترین صاحب‌نظران حوزه ظرفیت دولت، این مفهوم را در ارتباط با حکمرانی و کیفیت دستگاه اجرایی بررسی می‌کند. او بیان می‌کند که مطالعات علمی بیشتر بر محدودسازی قدرت دولت تمرکز کرده‌اند تا نحوه به‌کارگیری آن، درحالی که ظرفیت دولت توانایی آن در تحقق اهداف عمومی را مشخص می‌کند (فوکویاما، ۲۰۱۳). او مفهوم بوروکراسی ویر را بازیابی کرده و آن را با حرفه‌ای‌سازی و خوداتکایی بوروکراتیک مرتبط می‌داند. از دیدگاه او، تفکیک میان حکمرانی و دموکراسی ضروری است، زیرا ظرفیت دولت به عواملی فراتر از نهادهای دموکراتیک بستگی دارد. او تأکید می‌کند که خوداتکایی بوروکراتیک نه تنها نباید موجب جدایی آن از جامعه شود، بلکه باید از طریق تعاملات میان دولت، بخش خصوصی و سازمان‌های جامعه مدنی تقویت گردد. از نگاه فوکویاما با توجه به پیچیدگی دولت مدرن، اختیارات قابل توجهی باید به بوروکراسی‌هایی که وظیفه اجرای سیاست‌های تفویض‌شده توسط مقامات سیاسی را دارند، واگذار شود (متزگر^۴، ۲۰۱۷؛ هامبورگر^۵، ۲۰۱۴).

1. Aberbach.

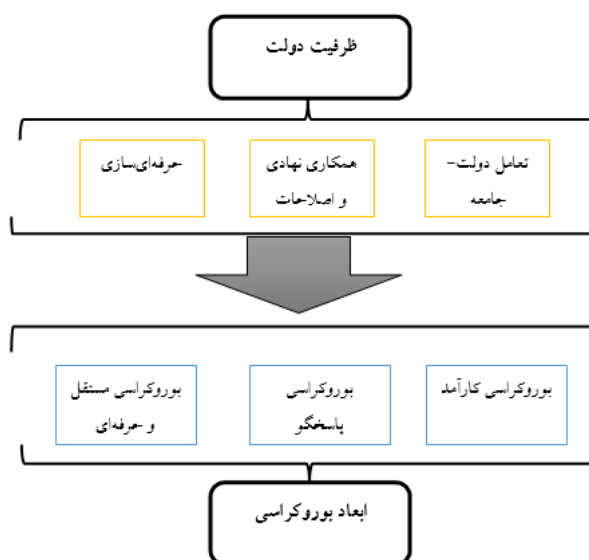
2. Hood & Lodge

3. Meyers & Vorsanger

4. Metzger

5. Hamburger

مدل زیر مکانیسم ارتباط میان چارچوب مفهومی ظرفیت دولت با ابعاد بوروکراسی در ایران را نشان می‌دهد این مدل نظریه ظرفیت دولت (براساس اندیشه‌های جوئل میگدال، گای پیترز و فرانسیس فوکویاما) را به ابعاد کلیدی بوروکراسی (با تأکید بر الگوی وبری) پیوند می‌زند:



شکل ۱-مدل مفهومی برای تبیین رابطه ظرفیت دولت و ابعاد مختلف بوروکراسی
(مأخذ: یافته‌های پژوهش)

۳. روش پژوهش

این پژوهش با هدف تحلیل و جمع‌بندی برجسته‌ترین یافته‌های مطالعات داخلی مرتبط با موضوع بوروکراسی انجام شده است. برای تحقق این هدف، از تکنیک مرور نظام‌مند^۱ بهره گرفته شده که یکی از معتبرترین روش‌ها برای انجام بررسی‌های جامع و تجمیعی بر مقالات و پژوهش‌های پیشین به‌شمار می‌آید. یک مرور نظام‌مند با استفاده از روش‌های دقیق به یک پرسش تحقیقاتی مشخص

پاسخ می‌دهد. این کار با جستجوی جامع در منابع موجود، ارزیابی دقیق کمیت و کیفیت شواهد تحقیقاتی و سپس تجزیه و تحلیل آن‌ها برای ارائه یک پاسخ به پرسش تحقیق صورت می‌گیرد (ستالوف^۱ و همکاران، ۲۰۲۱). بر این مبنا از دستورالعمل پیشنهادی تمپلیر و پیر^۲ (۲۰۱۵) به منظور دستیابی به اهداف کلی پژوهش استفاده شده است. از نظر آنان شش مرحله کلی برای انجام یک مرور نظام‌مند وجود دارد که عبارتند از: ۱) فرمول‌بندی سؤالات و اهداف تحقیق، ۲) جستجو در ادبیات موجود، ۳) غربال‌گری برای ورود، ۴) ارزیابی کیفیت مطالعات اولیه، ۵) استخراج داده‌ها و ۶) تجزیه و تحلیل داده‌ها. اگرچه این مراحل در اینجا به ترتیب متوالی ارائه شده‌اند، باید در نظر داشت که فرآیند بررسی می‌تواند تکراری باشد و بسیاری از فعالیت‌ها را می‌توان در مرحله ابتدایی آغاز کرد و بعداً در مراحل آتی اصلاح کرد.

۱.۳. معیارهای ورود و خروج مطالعات

در این پژوهش، جامعه آماری شامل تمام مقالاتی است که با محوریت موضوع «بوروکراسی» و مفاهیم متناظر با آن (مانند ساختار بوروکراتیک و مدیریت عمومی) به زبان فارسی نگاشته شده‌اند. برای انتخاب مقالات، معیارهای نظیر مقالات علمی-پژوهشی منتشرشده در نشریات معتبر داخلی، محوریت اصلی مقاله بر موضوع بوروکراسی یا واژگان مشابه آن، زبان نگارش فارسی و بازه زمانی انتشار از سال ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۰ شمسی انتخاب شدند. براین اساس معیارهای خروج نیز عبارت بودند از مقالات غیرعلمی-پژوهشی (مانند ترویجی، مروری یا کنفرانسی)، مقالات منتشرشده خارج از بازه زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۰، مقالات تکراری یا فاقد دسترسی کامل به متن و مقالات با محوریت غیرمرتبط یا زبان غیرفارسی.

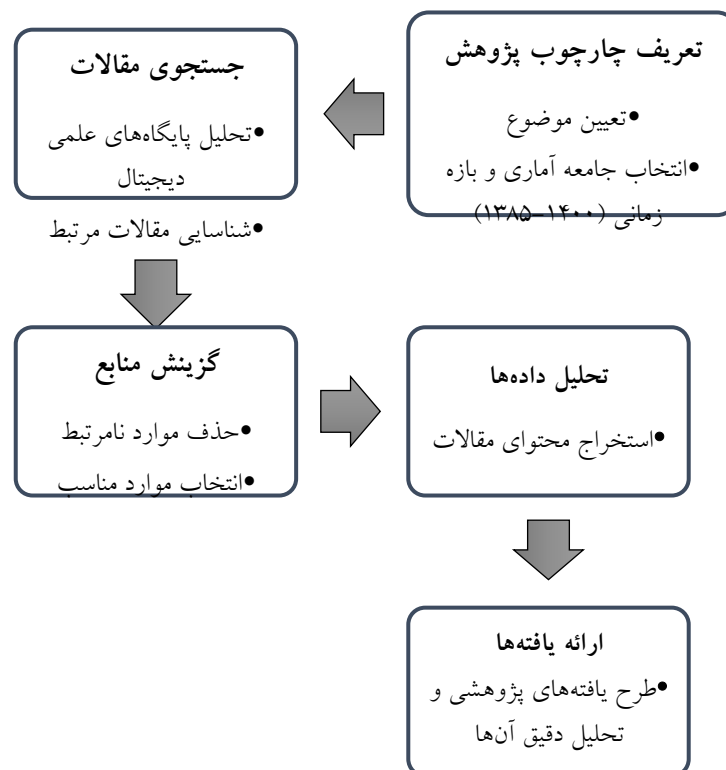
1. Sataloff

2. Templier & Paré

در ابتدا، فرآیند جستجو در پایگاه‌های معتبر علمی (مانند جهاد دانشگاهی^۱، نورمگز^۲ و پرتال جامع علوم انسانی^۳) با استفاده از کلیدواژه‌هایی نظیر «بوروکراسی»، «ساختار بوروکراتیک» و «مدیریت عمومی» آغاز شد. ابتدا دامنه زمانی مشخصی لحاظ نشد، اما پس از ارزیابی روندها، دوره ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۰ به عنوان چارچوب اصلی تعیین گردید. جستجوی جامع در منابع اطلاعاتی مختلف شامل پایگاه‌های داده علمی و کتابخانه‌های دیجیتال انجام شد و بیش از ۲۰۰ مقاله شناسایی گردید. در مرحله غربالگری، با اعمال معیارهای کیفی مذکور و حذف موارد تکراری، تعداد ۳۰ مقاله نهایی انتخاب شدند. در نهایت، برای تجزیه و تحلیل، داده‌هایی نظیر نام پژوهشگران، سال نگارش، روش‌شناسی، ابزارهای استفاده‌شده، حوزه‌های تحقیقاتی و نتایج برجسته از این مقالات استخراج گردید. این رویکرد نه تنها تحلیل دقیقی ارائه داد، بلکه زمینه‌های جدیدی برای بررسی موضوع بوروکراسی در پژوهش‌های آتی فراهم کرد.

خلاصه‌ای از مراحل فوق در قالب نمودار گام‌نمای زیر آمده است:

-
1. <https://www.sid.ir>
 2. <https://www.noormags.ir>
 3. <https://www.ensani.ir>

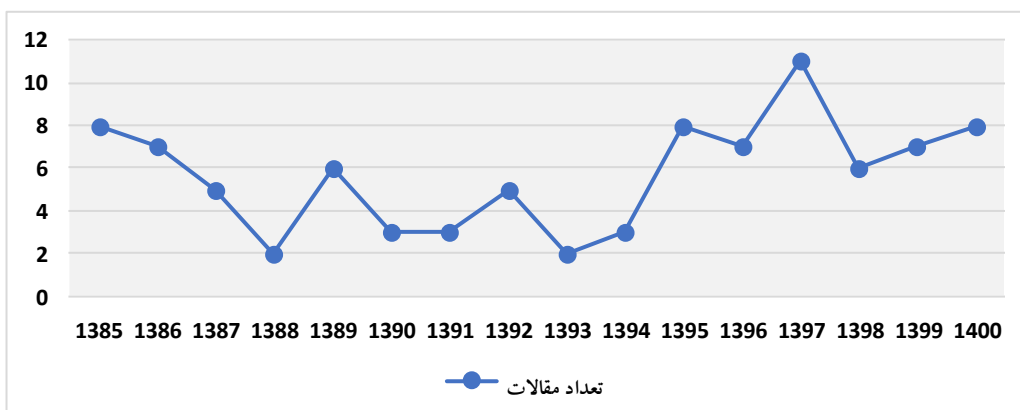


شکل ۲- گام‌نمای انجام پژوهش

(مأخذ: یافته‌های پژوهش)

۲.۳. روند انتشار مطالعات

مبدأ زمانی در نظر گرفته شده برای گزینش مقالات (سال ۱۳۸۵) نقطه‌ای است که مطالعات فارسی در حوزهٔ بوروکراسی از آن زمان به بعد به خوبی در دسترس جامعه علمی ایران قرار گرفته‌اند و به نوعی شاهد افزایش توجه محققان و صاحب نظران به این موضوع و مفاهیم همبسته با آن بوده‌ایم. این امر امکان مقایسهٔ روند گذر زمان را با شروعی مستدل و از یک نقطهٔ ثابت فراهم می‌کند. روند انتشار مقالات در فاصلهٔ زمانی مذکور در شکل ۲ قابل مشاهده است:



شکل ۳- روند انتشار مقاله‌های فارسی با موضوع بوروکراسی در دو دهه اخیر

مأخذ: (یافته‌های پژوهش) (۱۴۰۰-۱۳۸۵)

بر مبنای اطلاعات نمودار فوق می‌توان گفت سیر انتشار مقالات داخلی با موضوع بوروکراسی طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۰ نوسانات قابل توجهی داشته است. در برخی سال‌ها، انتشار مقالات افزایش یافته که می‌تواند نشان‌دهنده افزایش توجه پژوهشگران به این موضوع باشد، درحالی‌که در برخی سال‌ها کاهش چشمگیری دیده می‌شود. اوج انتشار مقالات در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ قابل توجه است که احتمالاً ناشی از افزایش تحقیقات در حوزه بوروکراسی و تأثیرات آن بر سیستم‌های مدیریتی بوده است. در مقابل، سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۹۹ کمترین تعداد مقاله منتشر شده را داشته‌اند که می‌تواند به کاهش توجه به این حوزه یا تغییر رویکردهای پژوهشی مرتبط باشد.

۳.۳. معیارهای ارزیابی کیفیت مطالعات

در بررسی‌های نظام‌مند، توجه به سنجش اعتبار^۱ و قابلیت اعتماد^۲ یافته‌های تحقیق نقش بسزایی در کیفیت نتایج پژوهش ایفا می‌کند. این فرآیند، علاوه بر شناسایی منابع سوگیری احتمالی یا

1. Validity

2. Reliability

محدودیت‌های موجود در بررسی، به جهت‌دهی مسیر پژوهش‌های آتی کمک کند (پیچ^۱ و همکاران، ۲۰۲۱: ۳۲). در راستای برآورد اعتبار این پژوهش، دیدگاه‌های متخصصان در حوزه مطالعات بوروکراسی مدنظر قرار گرفت. در این فرآیند، دو داور مستقل کاربرگ‌های استخراج‌شده را با محتوای اصلی مقایسه کردند تا اطمینان حاصل شود که داده‌های استخراج‌شده به‌طور دقیق محتوای مطالعات را بازنمایی می‌کنند. علاوه بر این، انسجام محتوای کاربرگ‌ها از طریق بررسی کنارهم‌گذاری آن‌ها ارزیابی شد تا هماهنگی مطالب آن‌ها تضمین شود.

علاوه بر این، برای اطمینان از قابلیت اعتماد نتایج، از ابزار «برنامه مهارت‌های ارزیابی نقدانه»^۲ استفاده شد که یکی از پرکاربردترین روش‌ها برای برآورد پایایی در مرورهای نظام‌مند به‌شمار می‌آید. این ابزار که در محافل علمی انگلستان توسعه یافته است، رویکردی ساختاریافته و مبتنی بر مجموعه‌ای از پرسش‌ها و معیارهای استاندارد ارائه می‌دهد تا دقت و کیفیت روش‌های تحقیق ارزیابی شود (شاهین^۳ و همکاران، ۲۰۲۳). بر مبنای الزامات این روش، هر ابزار به‌طور سیستماتیک محققان را از طریق پرسش در سه بخش اصلی راهنمایی می‌کند که عبارتند از: الف) آیا مطالعه معتبر است؟ ب) نتایج چیست؟ ج) آیا نتایج بدست آمده قابل تعمیم به محیطی که پژوهشگر آن را بررسی می‌کند است یا خیر (لانگ^۴ و همکاران، ۲۰۲۰).

خلاصه‌ای از اطلاعات نمونه پژوهش در جدول ۱ آمده است:

1. Page.

2. Critical Appraisal Skills Programme (CASP)

3. Shaheen

4. Long

جدول ۱- مشخصات مقالات نمونه با موضوع بوروکراسی (۱۴۰۰-۱۳۸۵)

(مأخذ: یافته‌های پژوهش)

ردیف	عنوان مقاله	نام نویسنده(گان)	سال انتشار
۱	بازخوانی تئوری اداره: مطالعه هرمنوتیکی بوروکراسی	سید حامد وارث	۱۳۸۵
۲	هیدروکراسی یا بوروکراسی	آرین قلی‌پور	۱۳۸۵
۳	رابطه الگوی بوروکراسی و میزان سلامت سازمانی دانشگاه‌ها	کرم‌اله دانش‌فرد	۱۳۸۶
۴	بررسی ارتباط بین درک پرستاران از رفتارهای توانمندکننده سرپرستاران و درک آنان از اثربخشی کار خود	مینو اسدزندی، عباس عبادی و علی‌اکبر کریمی زارچی	۱۳۸۶
۵	بررسی و ارزیابی آگاهی سازمانی (سیستم معانی) کارکنان ادارات دولتی شیراز	محمدتقی ایمان و مینا صفا	۱۳۸۷
۶	بازاندیشی تأثیرات متقابل نظام سیاسی و دیوانسالاری در جهان در حال توسعه	حمیدرضا ملک‌محمدی و حسین قلجی	۱۳۸۷
۷	بررسی اثر عوامل نهادی بر رشد اقتصادی با تأکید بر نهادهای حاکمیتی (مطالعه موردی بین‌کشوری ۱۹۹۶-۲۰۰۵)	سعید عیسی‌زاده و اکبر احمدزاده	۱۳۸۸
۸	شناسایی عوامل مؤثر بر فساد مالی در بین کارکنان دستگاه‌های اجرایی	فرج‌اله رهنورد، حبیب‌اله طاهرپور کلاتری و اعظم رشیدی	۱۳۸۹
۹	افول بوروکراسی در سازمان‌های دانش‌محور	اصغر محمدی فاتح و پیمان جهان بیگلری	۱۳۸۹
۱۰	بررسی وضعیت اعتماد دبیران و ارتباط آن با بوروکراسی توانمند در مدارس مقطع متوسطه شهر سمنان	محمد امجد زبردست، ناصر شیربگی و زهر قلاوند	۱۳۹۰
۱۱	در جستجوی بوروکراسی ایرانی	مجتبی امیری، علی‌اصغر پور عزت، داود دانش جعفری و سید ضیا هاشمی	۱۳۹۰

ردیف	عنوان مقاله	نام نویسنده(گان)	سال انتشار
۱۲	فساد و بار مقرراتی بخش عمومی	حسین مرزبان و حمیدرضا حسین پور	۱۳۹۱
۱۳	نقش ارتباطات الکترونیک بر فرایند ارتباطات سازمانی	نازنین ملکیان و رضا علی پور	۱۳۹۱
۱۴	بوروکراسی دانشگاهی: مسائل و چالش‌ها	محمد رضا آهنچیان	۱۳۹۲
۱۵	بررسی رابطه گرایش به بوروکراسی و فرسودگی شغلی کارکنان سازمان آموزش و پرورش خراسان جنوبی	سید فخرالدین احمدی، هاشم عسکرزاده، حسینعلی بهرامزاده و سید جعفر اصفهانی	۱۳۹۲
۱۶	بررسی نقش دولت الکترونیک در کاهش بوروکراسی و ارتقای سلامت اداری در سازمان بازرگانی شیراز	زهیر حیاتی و زهرا درخشنده دشتی	۱۳۹۳
۱۷	واکاوی و تحلیل تبعات سیاست‌زدگی بوروکراسی در نظام‌های سیاسی	حسن دانایی فرد، محمد رضا صادقی و معصومه مصطفی زاده	۱۳۹۴
۱۸	بوروکراسی دولتی و خروج برخی نیروهای متخصص از ایران	مسعود غفاری و فریبا ترجیان	۱۳۹۴
۱۹	مطالعه کیفی مناسبات بوروکراسی آموزشی با تجربه آموزشی معلمان	فردین محمدی و کمال خالق پناه	۱۳۹۵
۲۰	کانال‌های تأثیر بوروکراسی بر عملکرد اقتصاد ایران	سید احسان خان‌دوزی و زهرا کاویانی	۱۳۹۵
۲۱	فهم سیاست‌زدگی بوروکراسی: مطالعه تطبیقی کیفیت، فرایندها و پیامدهای آن در مدیریت دولتی	محمد رضا صادقی، حسن دانایی فرد و معصومه مصطفی زاده	۱۳۹۶
۲۲	بوروکراسی هراسی: نگاه دوگانه شهروندان به خدمات عمومی	زینب مولوی، زهرا طهماسبی، حسن دانایی فرد و علی حمیدی زاده	۱۳۹۶
۲۳	سنجش تأثیر بوروکراسی اداری بر روند حکمرانی خوب شهری نمونه موردی: کلانشهر شیراز	محمد رضا رضایی	۱۳۹۷
۲۴	رویکردهای نظری در مطالعه بوروکراسی دولتی و ارائه مدلی برای بررسی آن	محمد هدایتی	۱۳۹۷

ردیف	عنوان مقاله	نام نویسنده(گان)	سال انتشار
۲۵	ارائه نظریه زمینه‌ای از رویارویی نخبگان جوان با بوروکراسی بنیاد ملی نخبگان	علی روحانی، سعید کشاورزی و مسعود انبارلو	۱۳۹۸
۲۶	مطالعه‌ی تطبیقی-کمی رابطه‌ی بوروکراسی و توسعه‌ی صنعتی (یک رویکرد نهادی)	محمد مبارکی، منوچهر علی‌نژاد و زهرا مرادی کمالی	۱۳۹۸
۲۷	الگوی ساختاری تفسیری عوامل موثر بر بوروکراسی‌هراسی: مطالعه موردی	مهنازخاتم، علی یعقوبی پر، محمدمنتظری، عباس شول و یوسف احمدی	۱۳۹۹
۲۸	مطالعه مقایسه‌ای نظم سیاسی، بوروکراسی و توسعه ایران (دوره قاجاریه و پهلوی) با ژاپن (دوره میجی)	سعید حاجی‌ناصری و محمدحسن جبّاری	۱۳۹۹
۲۹	واکاوی و تحلیل تبعات بوروکراسی در نظام آزادسازی اقتصادی ایران	سید حسین رحیمی‌مقدم، علی‌اکبر گرجی ازندریانی و مرتضی نجابت‌خواه	۱۴۰۰
۳۰	تحلیل نقش تعدیل‌گر کیفیت بوروکراسی در رابطه بین اندازه دولت و فساد مالی در کشورهای در حال توسعه	حبیب ابراهیم‌پور و زهرا پورامینی	۱۴۰۰

۴. یافته‌های پژوهش

هدف این بخش، ارائه یافته‌های اصلی حاصل از تحلیل مطالعات پیشین، شناسایی الگوهای رایج، نقاط قوت و ضعف موجود و تبیین روندهای نوظهور در حوزه تحقیقات بوروکراسی در ایران است. با تحلیل دقیق داده‌ها، علاوه بر پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش، تلاش شده است تا شکاف‌های پژوهشی، جهت‌گیری‌های آتی و فرصت‌های تحقیقاتی پیش‌رو مشخص گردد.

۴.۱. نوع‌شناسی مطالعات

دقت نظر در نوع‌شناسی مقالات در مطالعات علمی اهمیت زیادی دارد، زیرا به پژوهشگران اجازه می‌دهد رویکردها، روش‌ها و چارچوب‌های تحلیلی متفاوت را دسته‌بندی کرده و با دقت بیشتری

مقایسه کنند. این کار ضمن آنکه کمک می‌کند تا روندهای علمی مشخص شده، نقاط ضعف و قوت روش‌های تحقیق شناسایی را نیز مورد شناسایی قرار می‌دهد. به‌منظور دسته‌بندی مقالات منتشر شده در حد فاصل سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۰ با موضوع بوروکراسی براساس روش تحقیق یا نوع رویکرد، می‌توان آن‌ها را به چند دسته کلی تقسیم کرد که در قالب جدول ۲ آمده است. با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان گفت روش‌های کمی و کیفی بیشترین سهم را در میان مقالات داشته‌اند، درحالی که روش‌های ترکیبی و نظری نیز سهم قابل توجهی دارند. مطالعات تاریخی و تطبیقی کمترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۲- نوع‌شناسی مطالعات بوروکراسی

مأخذ: (یافته‌های پژوهش)

نوع روش	فراوانی	درصد
روش‌های کمی	۸	۲۶/۷
روش‌های کیفی	۷	۲۳/۳
روش‌های ترکیبی	۵	۱۶/۷
مطالعات نظری	۶	۲۰
مطالعات تاریخی و تطبیقی	۴	۱۳/۳

۲.۴. سطح‌بندی مطالعات

شناسایی سطوح مختلف تحلیل در تحقیقات بوروکراسی از این مزیت مهم برخوردار است که اجازه می‌دهد با تکیه بر سطوح تحلیل مختلف ابعاد مختلف ساختارها و فرآیندهای اداری را به‌طور دقیق از یکدیگر تفکیک کنیم. این رویکرد به ما کمک می‌کند تا تأثیرات بر رفتار فردی، ظرفیت‌های سازمانی و چالش‌های نهادی را به‌دقت شناسایی و بررسی کنیم (دینگ^۱ و همکاران، ۲۰۲۱). با توجه به اطلاعات جدول ۳ می‌توان گفت بیشترین تمرکز پژوهشی (۴۳/۳٪) بر ابعاد نهادی و

1. Ding

سیاسی بوده است که نشان از اهمیت تأثیر بوروکراسی بر سیاست‌گذاری، فساد و توسعه اقتصادی دارد. در ادامه ویژگی‌های هر یک از این سطوح به اختصار توضیح داده می‌شود:

جدول ۳- مهمترین سطوح شناسایی شده در مطالعات

مأخذ: (یافته‌های پژوهش)

سطح تحلیل	فراوانی	درصد
سطح فردی و رفتاری	۵	۱۶/۷
سطح سازمانی و مدیریتی	۱۰	۳۳/۳
سطح نهادی	۳	۴۳/۳
سطح فناورانه و دیجیتال	۲	۶/۷

الف) سطح فردی و رفتاری: این سطح تمرکز خود را بر تجربیات و واکنش‌های فردی افراد نسبت به ساختارهای بوروکراتیک قرار می‌دهد. تحلیل‌های فردی به پژوهشگران این امکان را می‌دهد که نقاط ضعف و قوت بوروکراسی از منظر انسانی را شناسایی کرده و از این طریق راهکارهایی جهت بهبود تعاملات و کاهش اثرات منفی ساختارهای اداری ارائه دهند.

ب) سطح سازمانی و مدیریتی: مطالعات این سطح عمدتاً تأکید بر تحلیل ساختار سازمانی، فرهنگ اداری و فرآیندهای مدیریتی دارد. از جمله موضوعات موردعلاقه محققان در این سطح می‌توان به این موارد اشاره کرد: تحلیل ساختاربندی و فرآیندهای درونی سازمان‌ها؛ بررسی تأثیر بوروکراسی بر سلامت اداری، فرهنگ سازمانی و روندهای مدیریتی در بهره‌وری سازمان‌ها.

ج) سطح نهادی: این سطح به ابعاد کلان ساختارهای بوروکراتیک متمایل است که در مقیاس ملی و بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌گیرند. تحلیل‌های نهادی و سیاسی نشان می‌دهند که ساختار بوروکراتیک نه تنها بر تصمیم‌گیری‌های کلان دولتی تأثیرگذار است، بلکه در تعاملات میان نظام سیاسی و اقتصادی، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد که نیازمند اصلاحات و بهبودهای اساسی است.

د) سطح فناوریانه و دیجیتال: مطالعات این سطح در چند دهه اخیر جای خود را در میان تحقیقات بوروکراسی به خوبی باز کرده‌اند. این سطح بر تأثیر تکنولوژی‌ها و راهکارهای نوین در کاهش پیچیدگی‌ها و کاغذبازی‌های بوروکراتیک تأکید می‌کند. تحول دیجیتال، به عنوان یک رویکرد نوآورانه، به اصلاح و بهبود ساختارهای سنتی بوروکراسی کمک کرده و چالش‌های ناشی از پیچیدگی‌های اداری را به نحو مؤثری کاهش می‌دهد (ناگل^۱، ۲۰۲۴).

۳.۴. تمرکز بر ابعاد بوروکراسی

بوروکراسی نیز همانند اغلب مفاهیم و پدیده‌ها در علوم اجتماعی واجد ابعاد گوناگونی است که تمایز در اهداف و روش‌های پژوهش پیرامون این موضوع را موجب شده است. ویژگی‌هایی که اغلب با بوروکراسی وبری مرتبط هستند، نه از نظر تئوری و نه به لحاظ تجربی نمی‌توانند تنها در یک بُعد واحد خلاصه شوند (دال استروم^۲ و همکاران، ۲۰۱۰). واکاوی محتوای مقالات نشان داد که ۴ بعد در میان این تحقیقات، بیش از همه مورد توجه قرار گرفته است. در اینجا هر کدام از این ابعاد را به اختصار توضیح می‌دهیم:

الف) ساختاری و فرآیندی: بررسی‌ها نشان داد بیش از نیمی از مطالعات مرتبط با بوروکراسی به این بعد تعلق داشته‌اند. بعد ساختاری و فرآیندی بوروکراسی به چگونگی سازماندهی و مدیریت فرآیندها در نهادها می‌پردازد. ویژگی‌هایی مانند سلسله‌مراتب، تقسیم وظایف و استانداردسازی رویه‌ها از نکات کلیدی این بُعد هستند. برای مثال، مقاله "رابطه الگوی بوروکراسی و میزان سلامت سازمانی دانشگاه‌ها" به بررسی تأثیر ساختار بوروکراتیک بر سلامت سازمانی در دانشگاه‌ها پرداخته و نشان می‌دهد که چطور یک ساختار سازمانی مناسب می‌تواند به بهبود کارایی منجر شود.

ب) فرهنگی و اجتماعی: تمرکز بر این بعد نیز به طور قابل توجهی در آثار منتشرشده به چشم می‌خورد. این بعد بیش از هرچیز نظام ارزشی حاکم بر هر جامعه را تبیین می‌کند. بعد اجتماعی و

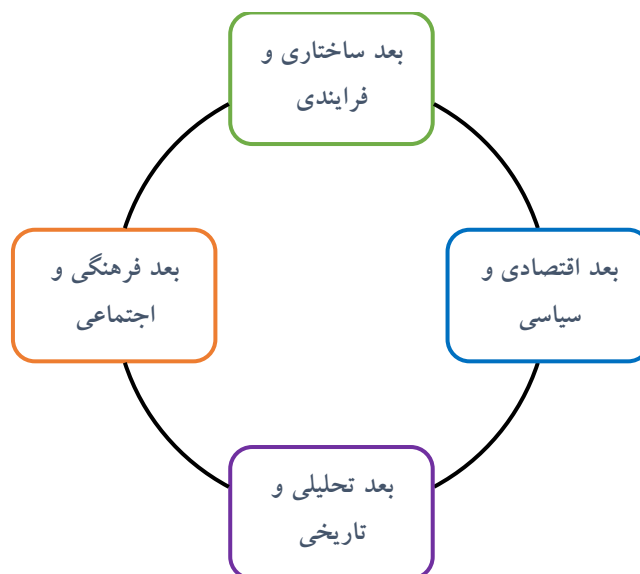
1. Nagel

2. Dahlstrom

فرهنگی بوروکراسی به نحوه تأثیرگذاری ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی بر عملکرد این سیستم می‌پردازد. به عنوان مثال، مقاله "بوروکراسی‌هراسی: نگاه دوگانه شهروندان به خدمات عمومی" به بررسی نگرش‌های اجتماعی نسبت به بوروکراسی و اثرات آن بر کیفیت خدمات عمومی می‌پردازد. این مقاله نشان می‌دهد که چگونه شکاف‌های موجود در اعتماد عمومی می‌تواند کارایی سیستم‌های بوروکراتیک را تحت تأثیر قرار دهد.

ج) اقتصادی و سیاسی: عمده تمرکز مطالعاتی که این بعد را مدنظر قرار داده‌اند به تحلیل تأثیرات ساختار بوروکراتیک بر اقتصاد و سیاست‌ها در سطوح ملی و بین‌المللی اختصاص دارد. این بُعد بررسی می‌کند که چگونه بوروکراسی می‌تواند بر رشد اقتصادی و کیفیت حکمرانی تأثیر بگذارد. برای نمونه، مقاله "بررسی اثر عوامل نهادی بر رشد اقتصادی با تأکید بر نهادهای حاکمیتی (مطالعه موردی بین‌کشوری ۲۰۰۵-۱۹۹۶)" به تجزیه و تحلیل تأثیر بوروکراسی بر رشد اقتصادی می‌پردازد و نشان می‌دهد که نهادهای بوروکراتیک چگونه می‌توانند به تسهیل یا مانع از رشد اقتصادی تبدیل شوند.

د) تحلیلی و تاریخی: بُعد تحلیلی و تاریخی بوروکراسی به بررسی تطبیقی و تاریخی این سیستم در کشورهای مختلف پرداخته و تکوین و تحول آن را در زمینه‌های تاریخی متفاوت تحلیل می‌کند. این بُعد دارای اهمیت ویژه‌ای است؛ زیرا فهم تحولات تاریخی بوروکراسی می‌تواند به درک بهتری از چالش‌ها و موقعیت‌های کنونی کمک کند. به عنوان مثال، مقاله "مطالعه مقایسه‌ای نظم سیاسی، بوروکراسی و توسعه ایران (دوره قاجاریه و پهلوی) با ژاپن (دوره میجی)" به تحلیل تحول بوروکراسی در مقایسه با دو کشور مختلف می‌پردازد و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری سیستم‌های بوروکراتیک را بررسی می‌کند. نمای کلی از ابعاد مختلف بوروکراسی بر مبنای مطالعات صورت گرفته در قالب شکل ۴ آمده است:



شکل ۴- ابعاد مختلف بوروکراسی در ایران بر مبنای مطالعات وابسته
مأخذ: (یافته‌های پژوهش)

۴.۴. علل و عوامل اثرگذار بر بوروکراسی

در جوامعی همچون ایران، بوروکراسی به شدت تحت تأثیر شرایط پیچیده اجتماعی، سیاسی و اقتصادی قرار دارد (دانایی فر، ۱۳۹۵: ۴۶). تشکیل بوروکراسی در ایران به تاریخ و فرهنگ خاص این سرزمین وابسته است و به مرور زمان تحت تأثیر تغییرات عمده‌ای چون تحولات سیاسی، نوسانات اقتصادی و پیشرفت‌های تکنولوژیکی قرار گرفته است. بر مبنای تحقیقات صورت گرفته در ایران چهار گروه عمده از علل و عوامل اثرگذار بر بوروکراسی از محتوای مقالات استخراج شد. در ادامه هر کدام از این عوامل به اختصار توضیح داده می‌شود:

۴.۴.۱. عوامل نهادی و قانونی

مطالعات نشان داد که این دسته از عوامل جایگاه ویژه‌ای در نزد محققان علاقه‌مند به بوروکراسی در ایران داشته است. این عوامل شامل ساختارهای حقوقی و نهادهایی می‌شوند که به تنظیم و نظارت

بر فعالیتهای بوروکراتیک می‌پردازند. قوانین و مقررات نه تنها باید وجود داشته باشند، بلکه باید قابلیت اجرایی و تعامل مؤثر با دیگر نهادها را نیز داشته باشند. همچنین، ایجاد چارچوب‌های قانونی دقیق و جامع می‌تواند از بروز فساد جلوگیری کند و به ایجاد اعتماد عمومی نسبت به نظام بوروکراتیک کمک کند.

۲.۴.۴. عوامل سازمانی

بخش مهمی از دغدغه‌های پژوهشی محققان به عوامل و متغیرهای مختلف سازمانی اختصاص است که بوروکراسی در ایران را تحت تأثیر قرار داده‌اند. عوامل سازمانی به ساختار داخلی و روابط بین واحدهای مختلف بوروکراسی اشاره دارد. سازمان‌ها باید دارای ساختار مناسبی باشند که وظایف را به درستی تقسیم و به هم متصل کند. این ساختار باید بتواند بهینه‌سازی فرآیندهای داخلی را تسهیل کند و از بروز ناکارآمدی‌های سازمانی جلوگیری کند.

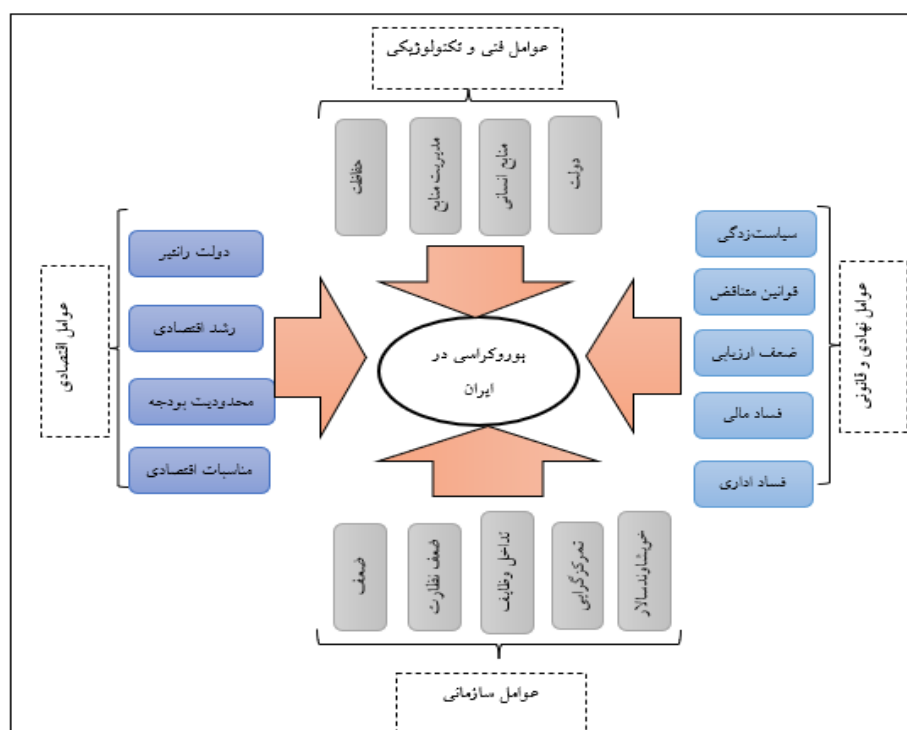
۳.۴.۴. عوامل اقتصادی

تجزیه و تحلیل مقالات نشان داد که این عوامل بیش از هر چیز به چارچوب‌های از پیش تعیین شده قواعد، وضعیت اقتصادی و تأثیر آن بر بوروکراسی مربوط می‌شوند. همواره سیاست‌های مالی و اقتصادی نقش مهمی در جهت‌دهی به فرآیندهای اداری و تصمیم‌گیری‌های سازمانی دارند. مشکلات اقتصادی می‌توانند به عدم تأمین منابع مالی لازم برای مدیریت عملکرد بوروکراسی بینجامند. در شرایط اقتصادی دشوار، بوروکراسی ممکن است دچار فساد و ناکارآمدی شده و نتواند وظایف خود را به درستی انجام دهد.

۴.۴.۴. عوامل فنی و تکنولوژیکی

توجه به عوامل تکنولوژیکی در چند دهه اخیر سهم مهمی در مطالعات پیرامون بوروکراسی به خود اختصاص داده است. توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند ساختار و عملکرد بوروکراسی را به طور قابل توجهی تغییر دهد. تحقیقات صورت گرفته نشان می‌دهد که استفاده از فناوری‌های نوین مانند دولت الکترونیک و سیستم‌های اتوماسیون اداری می‌تواند موجب افزایش

کارایی و کاهش هزینه‌های اجرایی شود. در کنار این موارد، مبحث حفاظت از اطلاعات از نظر محققان نیز به یکی از دغدغه‌های مهم در به‌کارگیری فناوری در بوروکراسی تبدیل شده است. شکل ۵ سازوکار اثرگذاری این عوامل را در قالب یک مدل نشان می‌دهد:



شکل ۵- برخی از مهمترین علل و عوامل اثرگذار بر بوروکراسی در ایران بر مبنای مطالعات وابسته (مأخذ: یافته‌های پژوهش)

۴.۵. ارزیابی انتقادی رویکردهای نظری و روش‌شناختی مطالعات

با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان گفت رویکردهای نظری در مقالات فارسی با موضوع بوروکراسی عمدتاً بر پایه مدل کلاسیک وبری (سلسله‌مراتب، تقسیم وظایف و استانداردسازی)

استوار است و بیش از نیمی از مطالعات را بعد ساختاری-فرآیندی تشکیل می‌دهد. این امر نشان‌دهنده تکیه بیش از حد بر چارچوب‌های سنتی و عدم نوآوری نظری است. تمرکز ۴۳/۳ درصدی بر سطح نهادی و سیاسی، همراه با ابعاد اقتصادی-سیاسی، حاکی از گرایش به تحلیل‌های کلان و تأثیر بوروکراسی بر سیاست‌گذاری، فساد و رشد اقتصادی است، اما این رویکردها اغلب فاقد ادغام نظریه‌های نوین مانند تحول دیجیتال (که تنها در سطح فناورانه نوظهور ظاهر شده) یا دیدگاه‌های پسابوروکراتیک هستند. نقاط قوت این مطالعات در استخراج عوامل نهادی-قانونی، سازمانی، اقتصادی و فنی-تکنولوژیکی نهفته است که علل پیچیده بوروکراسی در ایران را با استناد به زمینه تاریخی و فرهنگی تبیین می‌کند؛ با این حال، ضعف عمده در غیاب رویکردهای تطبیقی و تاریخی (با کمترین سهم) است که مانع از درک تحولات تکوینی بوروکراسی می‌شود و پژوهش‌ها را به تحلیل‌های ایستا محدود می‌کند.

تجزیه و تحلیل مطالعات از حیث روش‌شناختی نیز گویای آن است که روش‌های غالب بر پژوهش‌ها عمدتاً کمی و کیفی است، با این حال روش‌های ترکیبی و نظری سهم قابل توجهی دارند، اما مطالعات تاریخی و تطبیقی کمترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند. این امر نشان‌دهنده ضعف در تنوع روشی و گرایش به رویکردهای توصیفی-تحلیلی بدون آزمون‌های تجربی عمیق است. سطوح تحلیل فردی-رفتاری و سازمانی-مدیریتی، همراه با تمرکز بر ابعاد فرهنگی-اجتماعی، امکان بررسی دقیق تعاملات انسانی و فرآیندهای داخلی را فراهم می‌کند، اما غیاب روش‌های ترکیبی پیشرفته (مانند مدل‌سازی ساختاری یا تحلیل شبکه‌ای) و تکیه بر داده‌های ثانویه از پایگاه‌های داخلی، منجر به تکرار الگوها و عدم شناسایی شکاف‌های نوظهور مانند تأثیر فناوری بر کاهش کاغذبازی در بوروکراسی می‌شود. نقاط قوت در غربالگری کیفی و استخراج داده‌های ساختاریافته (مانند روش‌شناسی، ابزارها و نتایج) است، لیکن ضعف در روش‌های تطبیقی بین‌کشوری و تاریخی، پژوهش‌ها را از مقایسه‌های پویا محروم کرده و فرصت‌های جهت‌گیری آتی مانند ادغام هوش

مصنوعی در بوروکراسی را نادیده می‌گیرد که این امر نیاز به روش‌های میان‌رشته‌ای را برجسته می‌سازد.

۴. ۶. تحلیل الگوها و مضامین مشترک

دقت نظر یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که تسلط رویکرد ساختاری-فرآیندی (بیش از ۵۰٪) و تمرکز نهادی-سیاسی (۴۳.۳٪) نه تنها بازتابی از میراث نظری ماکس وبر در ادبیات مدیریت دولتی ایران است، بلکه بیانگر گرایش غالب پژوهشگران به تحلیل بوروکراسی به عنوان یک «نهاد سیاسی-اداری» است تا یک سیستم پویا و تعاملی. این الگو، همراه با کمبود مطالعات تاریخی و تطبیقی، حاکی از آن است که بوروکراسی در ایران بیش از آنکه به مثابه یک پدیدهٔ تکوینی و زمینه‌مند بررسی شود، به عنوان یک ساختار ایستا و مشکل‌ساز صورت‌بندی شده است. این جهت‌گیری، ضمن تقویت تحلیل‌های انتقادی در حوزهٔ فساد و ناکارآمدی، از درک تحولات تاریخی و امکان‌پذیری اصلاحات تدریجی غفلت ورزیده و شکاف معرفتی عمیقی در فهم «چگونگی شکل‌گیری» بوروکراسی ایرانی ایجاد کرده است.

از سوی دیگر فقدان تحلیل‌های میان‌رشته‌ای (مانند جامعه‌شناسی سازمانی یا مطالعات علم و فناوری)، منجر به تکرار مضامین آشنا (مانند سلسله‌مراتب، کاغذبازی، فساد) بدون تولید دانش جدید شده است. در مقابل، ظهور محدود سطح فناوریانه و دیجیتال و تأکید بر عوامل فنی و تکنولوژیکی، نشانه‌ای از گرایش نوظهور به سمت پارادایم پسابوروکراتیک است، اما این مضمون هنوز در حاشیه قرار دارد و فاقد چارچوب نظری منسجم است. این شکاف‌ها نشان می‌دهد که پژوهش‌های بوروکراسی در ایران، علی‌رغم تنوع موضوعی، در چرخه‌ای از توصیف مسائل شناخته‌شده گرفتار شده‌اند و نیازمند گذار به تحلیل‌های تطبیقی، تاریخی و میان‌رشته‌ای هستند تا از سطح «تشخیص مشکل» به «ارائهٔ راه‌حل‌های زمینه‌مند» ارتقا یابند.

۵. نتیجه‌گیری

با گذشت بیش از دو سده از ظهور بوروکراسی مدرن، این پدیده همچنان در کانون توجه محققان و اندیشمندان حوزه‌های مختلف علوم انسانی قرار دارد. به سبب همین افزایش توجه، دستگاه بوروکراتیک و مدیریت عمومی از سوی اجتماع علمی تحت فشار فزاینده‌ای است تا بیش از پیش کارآمدتر شود، بهتر با خواسته‌ها و نظرات شهروندان هماهنگ شود، بیشتر پذیرای تعامل با دیگر نهادهای هم‌جهت باشد و نیز بیشتر به ایده‌های سیاست‌گذاران منتخب پاسخگو باشد (پیر^۱، ۱۹۹۵: ۶). از سوی دیگر بوروکراسی در ایران و چالش‌ها و فرصت‌های آن نیز همواره یکی از دغدغه‌های سیاست‌گذاران و محققان ایرانی، به‌ویژه در چند دهه اخیر بوده است. این افزایش تمرکز بر موضوع در میان محققان داخلی و مناقشات پیرامون این مفهوم در تایخ تحول دولت و سیاست در ایران از جمله محرک‌های اصلی برای شکل‌گیری پژوهش حاضر بوده است.

تجزیه و تحلیل محتوای مقالات مؤید تنوع روش‌شناختی در میان پژوهش‌ها بود. به نظر می‌رسد این گوناگونی در روش انجام پژوهش نشانگر چندوجهی بودن مفهوم بوروکراسی در فضای سیاسی و اجتماعی ایران است. علاوه بر این فرض الزام بر اخذ رویکردهای نهادی و کلان‌نگر به بوروکراسی را نیز تا حدی باطل می‌کند. ناهمگونی روش‌شناختی بیانگر آن است که بوروکراسی در ایران نه تنها یک مفهوم ثابت و یکپارچه نیست، بلکه تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد که پژوهشگران را به اتخاذ رویکردهای متفاوت سوق می‌دهد. این تفاوت‌ها موجب شده است که برخی مطالعات به جنبه‌های ساختاری و سازمانی بوروکراسی پرداخته، درحالی‌که برخی دیگر تأثیرات آن را بر روندهای سیاسی و اجتماعی بررسی کنند. این یافته تا اندازه‌ای با دیدگاه میگدال پیرامون رابطه دولت و بوروکراسی هم‌خوانی دارد؛ زیرا او ظرفیت دولت را در پیوندی چندگانه با جامعه بررسی کرده و نقش بوروکراسی را در کاهش تعارض میان دولت و مردم برجسته می‌کند. از این منظر ناهمگونی

روش‌شناختی در مطالعات بوروکراسی، بیانگر همان پیچیدگی‌های اجتماعی است که میگردال بر آن تأکید دارد.

بوروکراسی با اینکه عمدتاً موضوعی نهادی و کلان تلقی می‌شود، اما دامنه اثرگذاری در دنیای امروزی آن به نحوی است که دیگر سطوح تحلیل را نیز در بر می‌گیرد. پژوهش حاضر به‌خوبی ردپای این نکته را در میان تحقیقات داخلی بوروکراسی شناسایی کرد. بررسی رویکردهای حاکم بر مقالات گویای توجه خاص محققان به این موضوع در سطح سازمانی و مدیریتی بوده است. به همین ترتیب پژوهش‌های صورت گرفته در سطوح فردی و رفتاری در رده‌های بعدی قرار گرفتند. این دو سطح از دو چشم‌انداز متمایز، نشان‌دهنده تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بوروکراسی بر رفتارهای فردی کارکنان و الگوهای مدیریتی در سازمان‌ها هستند. این موضوع تا حد زیادی با تأکید پیترز بر همکاری میان دولت و بوروکراسی هم‌سو است؛ او اشاره دارد که تعاملات میان سیاست‌مداران و بوروکرات‌ها نه جدا از هم، بلکه در یک روند مشترک حکمرانی شکل می‌گیرند.

درک ابعاد مختلف بوروکراسی برای تحلیل دقیق‌تر کارکردهای آن و ارائه راهکارهای بهینه جهت بهبود عملکرد نظام‌های اداری و اجرایی ضروری است. از سوی دیگر شناخت ابعاد مختلف بوروکراسی ضرورت تفکیک میان حوزه‌های گوناگون نهادی را برای درک بهتر از خواص بوروکراسی و راهبردهای ارتقاء سطح عملکرد آن را برجسته می‌سازد. حضور ابعاد مختلف بوروکراسی در میان تحقیقات داخلی بیش از هرچیز این نکته را یادآوری می‌کند که خصلت مفاهیمی همچون بوروکراسی در آمیختگی با جهان اجتماعی رفته‌رفته از یک صورت واحد خارج می‌شود و خواص گوناگونی را با توجه به انتظارات جامعه و نیت حکمرانان پیدا می‌کند. این نتایج تا حدودی با تحلیل فوکویاما پیرامون خوداتکایی بوروکراتیک هم‌خوانی دارد، زیرا وی بر ضرورت تفکیک میان نهادهای حکمرانی و سازوکارهای اجرایی تأکید داشته است. پژوهش حاضر تأیید می‌کند که بوروکراسی کارآمد می‌بایست در ابعاد گوناگون خود فهم شود و از طریق تعاملات میان دولت، بخش خصوصی

و نهادهای جامعه مدنی تقویت شود. در چنین موقعیتی اصلاحات ساختاری در نظام اداری می‌تواند در بهبود عملکرد بوروکراسی و افزایش ظرفیت دولت نقش کلیدی ایفا کند.

در تحلیل بوروکراسی در ایران، نقش عوامل متعددی که در ساختار و عملکرد نظام اداری تأثیرگذارند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به تبعیت از ابعاد و سطوح تحلیل گوناگون برای هر کدام از علاقه‌مندان به تحلیل بوروکراسی در ایران، علل و عواملی که توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده بودند نیز از تنوع برخوردار بوده است. هر کدام از این عوامل، تأثیرات منحصر به فرد و قابل ملاحظه‌ای بر فرآیندهای برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، و انجام فعالیت‌های اداری دارند. براساس یافته‌های تحقیق چهار دسته عوامل مؤثر بر بوروکراسی در ایران از دل مقالات استخراج شد. هر یک از این عوامل با تأثیرپذیری‌ها و تعاملات متقابل خود، مسایل و فرصت‌هایی را در فرآیندهای اداری و مدیریت دولت ایجاد می‌کنند که شناخت و تحلیل صحیح آن‌ها برای بهبود و توسعه نظام بوروکراسی کشور ضروری است. در مجموع، تداخل و تعامل مؤثر این عوامل، کلید بهبود ساختارهای بوروکراسی و کاهش مشکلات آن در ایران است.

با عنایت به نتایج پژوهش و تحلیل‌های صورت گرفته، چندین مسیر پژوهشی مهم برای محققان علاقه‌مند به بررسی بوروکراسی قابل پیشنهاد است: نخست، با توجه به کمبود مطالعات تطبیقی در این حوزه و اهمیت کسب شناخت از تجارب تاریخی و سیاسی بوروکراسی در دیگر کشورها، بررسی تطبیقی نظام‌های اداری ایران با جوامع دارای تجربه‌های مشابه، می‌تواند به شناخت بهتر نقاط قوت و ضعف ساختارهای اجرایی کمک کند. دوم، با توجه به ضرورت‌های غیرقابل انکار جهان کنونی و جایگاه مهم فناوری در امر سیاست‌گذاری عمومی، تحلیل نقش فناوری‌های نوین و دیجیتالی شدن در بهبود کارآمدی اداری و کاهش پیچیدگی‌های بوروکراتیک حیاتی است؛ چراکه یافته‌ها نشان می‌دهند فناوری یکی از عوامل کلیدی تحول در ساختارهای مدیریتی است. سوم، پژوهش‌های کیفی و میدانی پیرامون تأثیر بوروکراسی بر رفتار کارکنان و تعاملات مدیریتی در سازمان‌ها، می‌تواند درک

جامع تری از چالش‌های اجرایی ارائه دهند. همچنین، تحلیل تاریخی روند تحول بوروکراسی در ایران و بررسی ارتباط آن با تحولات سیاسی و اجتماعی، بستری برای شناخت بهتر مسیرهای اصلاحی فراهم می‌آورد. در نهایت، توجه به نقش بوروکراسی در تعامل با جامعه مدنی و میزان پاسخگویی آن به مطالبات عمومی، می‌تواند به سیاست‌گذاران در طراحی ساختارهای اجرایی انعطاف‌پذیرتر کمک کند. این مسیرهای پژوهشی نه تنها بر غنای نظری مطالعات بوروکراسی می‌افزایند، بلکه زمینه‌ساز اصلاحات عملی و تحول در نظام اداری خواهند بود.

به‌منظور بهبود کارآمدی بوروکراسی در ایران نیز می‌توان چند اقدام کلیدی را به صورت هم‌زمان دنبال کرد. نخست، دیجیتالی‌سازی فرآیندهای اداری از طریق توسعه دولت الکترونیک و یکپارچه‌سازی سامانه‌های اطلاعاتی می‌تواند مراجعه حضوری شهروندان را کاهش داده و سرعت خدمات را افزایش دهد. دوم، تمرکززدایی اداری و واگذاری بخشی از اختیارات به استان‌ها و شهرداری‌ها باعث می‌شود تصمیم‌گیری‌ها متناسب‌تر با نیازهای محلی انجام گیرد و پاسخگویی به مردم تقویت شود. سوم، ایجاد نظام ارزیابی عملکرد شفاف برای دستگاه‌های اجرایی و انتشار عمومی نتایج، زمینه‌ساز افزایش اعتماد عمومی و ارتقای کیفیت خدمات خواهد بود. در کنار این‌ها، آموزش و توانمندسازی کارکنان و طراحی نظام انگیزشی مبتنی بر نوآوری و کارآمدی می‌تواند فرهنگ سازمانی را به سمت پاسخگویی و بهره‌وری بیشتر سوق دهد.

کتابنامه

۱. آهنگیان، م. (۱۳۹۲). بوروکراسی دانشگاهی: مسائل و چالش‌ها. نشریه آموزش عالی ایران، ۵(۴)، ۳-۲۲.
۲. ابراهیم‌پور، ح؛ و پورامینی، ز. (۱۴۰۰). تحلیل نقش تعدیل‌گر کیفیت بوروکراسی در رابطه بین اندازه دولت و فساد مالی در کشورهای در حال توسعه. مطالعات مدیریت دولتی ایران، ۴(۳)، ۱۳۷-۱۶۷.

۳. اسدزندی، م؛ عبادی، ع؛ کریمی زارچی، ع؛ غلامی، م؛ و فارسی، ز. (۱۳۸۶). بررسی ارتباط بین درک پرستاران از رفتارهای توانمندکننده سرپرستاران و درک آنان از اثر بخشی کار خود. *مجله دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران*، ۵(۱)، ۱۱۳۳-۱۱۳۹.
۴. احمدی، س. ف؛ عسکرزاده، ه؛ بهرامزاده، ح؛ و اصفهانی، س. ج. (۱۳۹۲). بررسی رابطه گرایش به بوروکراسی و فرسودگی شغلی کارکنان سازمان آموزش و پرورش خراسان جنوبی. *مجله مهندسی مدیریت نوین*، ۲(۱)، ۱۱۹-۱۴۰.
۵. امیری، م؛ پورعزت، ع. ا؛ دانش جعفری، د؛ و هاشمی، س. ض. (۱۳۹۰). در جستجوی بوروکراسی ایرانی. *ماهنامه سوره*، ۵(۵۴)، ۱۲۴-۱۳۰.
۶. ایمان، م. ت؛ و صفا، م. (۱۳۸۷). بررسی و ارزیابی آگاهی سازمانی (سیستم معانی) کارکنان ادارات دولتی شیراز. *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ۲۷(۵۴)، ۱۱-۳۶.
۷. بهمنی، س؛ همتی، ر؛ ملتفت، ح؛ و ایزدی جیران، ا. (۱۳۹۷). مرور نظام مند مطالعات انجام شده در زمینه حاشیه نشینی (۱۳۷۵ تا ۱۳۹۶). *رفاه اجتماعی*، ۱۸(۷۱)، ۸۵-۱۳۳.
۸. پیترز، ج. ن. (۱۴۰۰). *نظریه توسعه؛ شالوده شکنی ها و بازسازی ها*. (همتی، ر؛ و لعل فام، ب، مترجمان). اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
۹. جمالی نسب، ز؛ سطانی، ا؛ پورحقیقی، م؛ و جمالی نسب، ا. (۱۳۹۸). بررسی بوروکراسی و چالش های آن در ایران. *چهارمین کنفرانس ملی در مدیریت، حسابداری و اقتصاد با تأکید بر بازاریابی منطقه ای و جهانی*، تهران.
۱۰. حاجی ناصری، س؛ و جباری، م. ح. (۱۳۹۹). مطالعه مقایسه ای نظم سیاسی، بوروکراسی و توسعه ایران (دوره قاجاریه و پهلوی) با ژاپن (دوره میجی). *ماهنامه جامعه شناسی سیاسی ایران*، ۳(۲)، ۶۹-۱۰۲.
۱۱. حیاتی، ز؛ و درخشنده دشتی، ز. (۱۳۹۳). بررسی نقش دولت الکترونیک در کاهش بوروکراسی و ارتقای سلامت اداری در سازمان بازرگانی شیراز. *نشریه دانش حسابرسی*، ۱۴(۵۶)، ۴۲-۱۲۱.
۱۲. خاتم، م؛ یعقوبی پور، ع؛ منتظری، م؛ شول، ع؛ و احمدی، ی. (۱۳۹۹). الگوی ساختار تفسیری عوامل مؤثر بر بوروکراسی هراسی: مطالعه موردی. *فصلنامه مدیریت سلامت*، ۲۳(۳)، ۸۵-۹۷.

۱۳. خاندوزی، س. ا؛ و کاویانی، ز. (۱۳۹۵). کانال‌های تأثیر بوروکراسی بر عملکرد اقتصاد ایران. *مجلس و راهبرد*، ۲۳ (۸۷)، ۴۲-۵.
۱۴. دانایی‌فرد، ح؛ صادقی، م؛ و مصطفی‌زاده، م. (۱۳۹۴). واکاوی و تحلیل تبعات سیاست‌زدگی بوروکراسی در نظام‌های سیاسی. *اندیشه مدیریت راهبردی*، ۹ (۲)، ۸۶-۵۷.
۱۵. دانایی‌فرد، ح. (۱۳۹۵). *بوروکراسی و توسعه در ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۱۶. دانش‌فرد، ک. (۱۳۸۶). رابطه الگوی بوروکراسی و میزان سلامت سازمانی دانشگاه‌ها. *نوآوری‌های مدیریت آموزشی (اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی)*، ۲ (۴)، ۵۴-۴۱.
۱۷. رحیمی‌مقدم، س. ح؛ گرجی‌ازندریانی، ع. ا؛ و نجابت‌خواه، م. (۱۴۰۰). واکاوی و تحلیل تبعات بوروکراسی در نظام آزادسازی اقتصادی ایران. *فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری*، ۳ (۸)، ۱۶۲-۱۳۵.
۱۸. رضایی، م. (۱۳۹۷). سنجش تأثیر بوروکراسی اداری بر روند حکمرانی خوب شهری نمونه موردی: کلان‌شهر شیراز. *فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، ۹ (۳۲)، ۴۰-۳۱.
۱۹. روحانی، ع؛ کشاورزی، س؛ و انبارلو، م. (۱۳۹۸). ارائه نظریه زمینه‌ای از رویارویی نخبگان جوان با بوروکراسی بنیاد ملی نخبگان. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۸ (۴)، ۷۷۲-۷۴۵.
۲۰. رهنورد، ف؛ طاهرپورکلانتری، ح؛ و رشیدی، ع. (۱۳۸۹). شناسایی عوامل مؤثر بر فساد مالی در بین کارکنان دستگاه‌های اجرایی. *پژوهشنامه مدیریت اجرایی*، ۲ (۳۸)، ۵۲-۳۵.
۲۱. زبردست، م. ا؛ شیربگی، ن؛ و قلاوند، ز. (۱۳۹۰). بررسی وضعیت اعتماد دبیران و ارتباط آن با بوروکراسی توانمند در مدارس مقطع متوسطه شهر سنندج. *علوم تربیتی*، ۱۸ (۱)، ۲۰۶-۱۸۷.
۲۲. شمسی، و؛ همتی، م؛ و عنایت، ح. (۱۴۰۱). مرور نظام‌مند مطالعات تعارض کار-خانواده در ایران. *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۹ (۱۹)، ۸۴-۵۹.
۲۳. شمسی، م؛ و همتی، ر. (۱۴۰۳). حکمرانی خوب: مرور نظام‌مند مطالعات صورت‌گرفته در ایران. *توسعه اجتماعی*، ۴ (۱۹)، ۱۰۷-۱۵۰.
۲۴. صادق‌پور، ا. (۱۳۶۹). *نظریه بوروکراسی*. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.

۲۵. صادقی، م؛ دانایی فرد، ح؛ و مصطفی زاده، م. (۱۳۹۶). فهم سیاست زدگی بوروکراسی: مطالعه تطبیقی کیفیت، فرایندها و پیامدهای آن در مدیریت دولتی. *پژوهش های راهبردی سیاست*، ۶(۲۲)، ۹۸-۱۱۵.
۲۶. عجم اوغلو، د؛ و رایبسون، ج. ا. (۱۳۹۳). چرا ملت ها شکست می خورند؟ (میردامادی. م؛ و نعیمی پور. م. ح، مترجمان). تهران: انتشارات روزنه.
۲۷. عیسی زاده، س؛ و احمدزاده، ا. (۱۳۸۸). بررسی اثر عوامل نهادی بر رشد اقتصادی با تأکید بر نهادهای حاکمیتی. *پژوهش های اقتصادی ایران*، ۱۳(۴۰)، ۱-۲۸.
۲۸. غفاری، م؛ و ترجمان، ف. (۱۳۹۴). بوروکراسی دولتی و خروج برخی نیروهای متخصص از ایران: درآمدی مقایسه ای. *دولت پژوهی*، ۱(۲)، ۱۶۷-۱۹۸.
۲۹. قلی پور، آ. (۱۳۸۵). هیدروکراسی یا بوروکراسی. *دانش مدیریت*، ۱۹(۷۵)، ۱۰۳-۱۲۳.
۳۰. قنبری برزبان، ع؛ و همتی، ر. (۱۳۹۴). هویت دینی در جامعه ایرانی: مرور نظام مند مطالعات انجام شده (۱۳۸۰-۱۳۹۲). *جامعه شناسی کاربردی*، ۲۶(۳)، ۱۱۷-۱۳۸.
۳۱. مبارکی، م؛ علی نژاد، م؛ و مرادی کمالی، ز. (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی-کمی رابطه بوروکراسی و توسعه صنعتی (یک رویکرد نهادی). *علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۱۶(۱)، ۲۵۹-۲۸۷.
۳۲. محمدی، ح. م؛ و قلجی، ح. (۱۳۸۷). بازانديشی تأثیرات متقابل نظام سیاسی و دیوانسالاری در جهان در حال توسعه. *فصلنامه سیاست*، ۳۸(۱)، ۶-۲۱.
۳۳. محمدی فاتح، ا؛ و جهان بیگلری، پ. (۱۳۸۹). افول بوروکراسی در سازمان های دانش محور. *فصلنامه مدیریت نظامی*، ۱۰(۳۷)، ۵۵-۸۴.
۳۴. محمدی، ف؛ و خالق پناه، ک. (۱۳۹۵). مطالعه کیفی مناسبات بوروکراسی آموزشی با تجربه آموزشی معلمان. *مطالعات برنامه ریزی آموزشی*، ۵(۹)، ۹۵-۱۱۲.
۳۵. مرزبان، ح، و حسین پور، ح. ر. (۱۳۹۱). فساد و بار مقرراتی بخش عمومی. *فصلنامه تحقیقات اقتصادی*، ۴۷(۲)، ۱۳۷-۱۵۸.
۳۶. ملکیان، ن؛ و علی پور، ر. (۱۳۹۱). نقش ارتباطات الکترونیک بر فرآیند ارتباطات سازمانی. *فصلنامه مطالعات رسانه ای*، ۷(۱۸)، ۱۰۹-۱۲۰.

۳۷. مولوی، ز؛ طهماسبی، ر؛ دانایی فرد، ح؛ و حمیدی زاده، ع. (۱۳۹۶). بوروکراسی هراسی: نگاه دوگانه شهروندان به خدمات عمومی. مدیریت دولتی، ۹(۲)، ۲۱۳-۲۳۴.
۳۸. وارث، س. ح. (۱۳۸۵). بازخوانی تئوری اداره: مطالعه هرمنوتیکی بوروکراسی. علوم مدیریت ایران، ۱(۴)، ۱۱۳-۱۳۵.
۳۹. وبر، م. (۱۳۸۲). دین، قدرت، جامعه. (تدین، ا، مترجم). تهران: انتشارات هرمس.
۴۰. هدایتی، م. (۱۳۹۷). رویکردهای نظری در مطالعه بوروکراسی دولتی و ارائه مدلی برای بررسی آن. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱۹(۲)، ۳-۳۵.

41. Aberbach, J. D., Putnam, R. D., & Rockman, B. A. (1981). *Bureaucrats and Politicians in Western Democracies*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
42. Aron, R. (1994). *The stages of sociological thinking*. Lisboa: Publicações Dom Quixote.
43. Chang, A., & Brewer, Gene. A. (2022). Street-Level bureaucracy in public administration: A systematic literature review. *Public Management Review*, 25(11), 2191–2211.
44. Clegg, S. R. (1990). *Modern Organizations: Organization Studies in the Postmodern World*. London: SAGE Publications.
45. Dahlstrom, C., Lapuente, V., & Teorell, J. (2010). Dimensions of bureaucracy. a cross-national dataset on the structure and behavior of public administration. *QoG Working Paper Series*, 13(2), 55-69.
46. Dincecco, M., & Prado, M. (2012). Warfare, fiscal capacity, and performance. *Journal of Economic Growth*, 17(3), 171–203.
47. Ding, F., Lu, J., & Riccucci, N. M. (2021). How bureaucratic representation affects public organizational performance: A meta-analysis. *Public Administration Review*, 81(6), 1003-1018.
48. Djankov, S., Rafael, L. P., Florencio, L., & Andrei, S. (2002). The Regulation of Entry. *The Quarterly Journal of Economics*, 117(1), 1–37.
49. Fearon, J. D. (2005). Primary commodity exports and civil war. *Journal of Conflict Resolution*, 49(4), 483–507.
50. Fernández, X., Knill, C., Steinbacher, C., & Steinebach, Y. (2024). Bureaucratic quality and the gap between implementation burden and administrative capacities. *American Political Science Review*, 118(3), 1240–1260.
51. Fukuyama, F. (2013). What is governance?. *Governance*, 26(3), 347- 368.

52. Hamburger, P. (2014). *Is administrative law unlawful?*. University of Chicago Press.
53. Hamm, P. & King, L. (2010). *Post-manichean economics: Foreign investment, state capacity and economic development in transition economies*. Technical report.
54. Hood, C., & Lodge, M. (2006). *The Politics of Public Service Bargains: Reward, Competency, Loyalty and Blame*. Oxford: Oxford University Press.
55. Ingaggiati, M., Barbato, G., Guerci, M., & Ruffini, R. (2024). Reimagining the bureaucracy and post-bureaucracy debate: a systematic literature review on paradoxes in public administration. *Public Management Review*, 5(9), 1–30.
56. Long, H. A., French, D. P., & Brooks, J. M. (2020). Optimising the value of the Critical Appraisal Skills Programme (CASP) tool for quality appraisal in qualitative evidence synthesis. *Research Methods in Medicine & Health Sciences*, 1(1), 31–42.
57. Metzger, G. E. (2017). The Administrative State under Siege. *Harvard Law Review*, 131(1), 1-95.
58. Meyers, M. K., & Vorsanger, S. (2003). *Street-Level Bureaucrats and the Implementation of Public Policies*, in B. G. Peters and J. Pierre, eds. *Handbook of Public Administration*. London: Sage.
59. Migdal, J. S. (1988). *Strong Societies and Weak States: State-Society Relations and State Capabilities in the Third World*. Princeton University Press.
60. Nagel, M. L. (2024). The Challenge of Balancing Innovation and Tradition in the Public Sector: The Role of Street-Level Bureaucrats in Digital Transformation. *Administration & Society*, 57(1), 154-181.
61. Nugroho, A. A., Haryono, B. S., Putera, F., & Noor, I. (2024). A systematic literature review: Challenges and strategy of bureaucratic reform in developing countries. *Journal of Law and Sustainable Development*, 12(2), e3186-e3186.
62. Page, M. J., McKenzie, J. E., Bossuyt, P. M., Boutron, I., Hoffmann, T. C., Mulrow, C. D., ... & Moher, D. (2021). The PRISMA 2020 statement: an updated guideline for reporting systematic reviews. *bmj*, 372 .
63. Peters, B. G. (1987). *Bureaucrats and Politicians in the Politics of Policymaking*." In J. E. Lane (ed.). *Bureaucracy and Public Choice*. London: Sage.
64. Peters, B. G., & J. Pierre. (2002). *Politicians, Bureaucrats and Administrative Reform*. London: Routledge.
65. Pierre, J. (1995). *Bureaucracy in the Modern State: An Introduction to Comparative Public Administration*. Edward Elgar Publishing.
66. Robson, J. (2024). *State Capacity and Administrative Burdens on Citizens: Time for Export Controls and Transparency*. Canadian Public Administration Press.
67. Rauch, J. E., & Evans, P. B. (2000). Bureaucratic structure and Bureaucratic performance in less developed countries. *Journal of public economics*, 75(1), 49-71.

-
68. Sataloff, R. T., Bush, M. L., & Chandra. (2021). Systematic and other reviews: criteria and complexities. *Journal of otolaryngology - head & neck surgery*, 50(1), 41-56.
69. Stigler, J. (1971). The Theory of Economic Regulation. *The Bell Journal of Economics and Management Science*, 2(1), 3-21.
70. Shaheen, N., Shaheen, A., Ramadan, A., Hefnawy, M. T., Ramadan, A., Ibrahim, I. A., ... & Flouty, O. (2023). Appraising systematic reviews: a comprehensive guide to ensuring validity and reliability. *Frontiers in research metrics and analytics*, 8, 1268045.
71. Skocpol, T. (1985). *Bringing the State Back In: Strategies of Analysis in Current Research*. In P. B. Evans, D. Rueschemeyer, & T. Skocpol (Eds.), *Bringing the State Back* chapter, Cambridge: Cambridge University Press.
72. Templier, M., & Paré, G. (2015). A framework for guiding and evaluating literature reviews. *Communications of the Association for Information Systems*, 37(6), 112-137.
73. Weiss, L. (1998). *The myth of the powerless state*. Cornell University Press.
74. World Bank. (2022). *WGI 2022 Interactive*. Retrieved by:
<https://www.worldbank.org/en/publication/worldwide-governance-indicators/interactive-data-access>

Table of Contents

▪ Love Experience Construct Within the Context of the Iranian Family Atefeh Bagheriyan Ziarat, Ali Akbar Majdi, Gholamreza Sedigh Ourae	1
▪ Reflection on the Signs of Commodification of the Sacred Affairs with Emphasis on Pilgrimage Zahra Bostan, Ali Yousefi, Sepideh Parsapajouh	2
▪ Fear of Divorce and Attitude towards Marriage: A Study of Single Women in Tehran Marjan Rashvand Sorkh Kuleh, Fatemeh Vojdani	3
▪ Analysis of Indicators of a Child-Friendly City with Emphasis on Educational Spaces (Case Study: Secondary High Schools in Islamabad Gharb City) Jamal Najafi, Safiyeh Damanbagh, Mahnaz Hoseini Siahgoli	4
▪ A Study of Family Factors Underpinning Tendency Toward Social Deviance: A Review of Secondary Data from 2001 to 2025 Taha Ashayeri, Solmaz Avarideh	5
▪ Sociological Explanation of the Relationship between Pluralism and Secularization among Teachers in Isfahan Naser Nazarian, Ali Ghanbari Barzian, Seyed Ali Hashemianfar, Fatemeh Tabibi	6
▪ A Sociological Study of Factors Underpinning Social Hope Among Citizens of Ilam City: A Structural Equation Modeling Approach Mahin Hosseinitabar, Mohsen Niazi	7
▪ An Analysis of Bureaucracy Studies in Iran: A Systematic Review Mohammad Shamsi, Reza Hemati, Mahdi Malmir	8



Ferdowsi University of Mashhad

Ferdowsi University of Mashhad
Journal of Social Sciences
Quarterly, research-based journal
Vol. 22, No. 3, Autumn 2025, Serial
Number 53

License Holder

Ferdowsi University of Mashhad

General Director

Dr. Mohsen Noghani Dokht Bahmani
Ferdowsi University of Mashhad

Editor-in-Chief

Dr. Hossein Behravan
Ferdowsi University of Mashhad

Editorial Board

Dr. Taghi Azad armaki
University of Tehran

Dr. Hossein Behravan
Ferdowsi University of Mashhad

Dr. Gholamreza Jamshidiha
University of Tehran

Dr. Mohsen Noghani Dokht Bahmani
Ferdowsi University of Mashhad

Dr. Seyed Mohammad Seyed Mirzaie
Shahid Beheshtie University

Dr. Ali Asghar Seylanian Toosi
Ferdowsi University of Mashhad

Dr. Mohammad Taghi Sheikhi
Alzahra University

Dr. Rampoor Sadr Nabavi
Ferdowsi University of Mashhad

Dr. Abdolali Lahsaeizadeh
Shiraz University

Dr. Mansoor Vosooghi
University of Tehran

Dr. Ali Yousofi
Ferdowsi University of Mashhad

Dr. Fatemeh Golabi
University of Tabriz

Dr. Yaghoob Foroutan
University of Mazandaran

Dr. Mahmoud Sadri
Texas Woman's University

Dr. Rafal Smoczynski
Institute of Philosophy and Sociology

Internal Manger:
Dr. Hossein Mirzaei
Ferdowsi University of Mashhad

English Language Editor:
Dr. Vahid Mardani Kalate Gheshtlagh

Executive Coordinator:
Zahra Baniasad

Persian Editor:
Raheleh Kamali

Typesetting:
Mahboubeh Iranpak

Printing & Binding:
Ferdowsi University of Mashhad
Press

Circulation: 30

Subscription: 25 USD (USA)
20 USD (other)

Address:
Faculty of Letters and Humanities
Ferdowsi University Campus
Azadi Sq.
Mashhad-Iran

Post Code: 9177948883
Tel: (+98 51) 38806724
Fax: (+98 51) 38807060

E-mail : JSS@ferdowsi.um.ac.ir
Website: <https://social.um.ac.ir>

In the Name of God

- **Love Experience Construct Within the Context of the Iranian Family** 1
Atefeh Bagheriyan Ziarat; Ali Akbar Majdi; Gholamreza Sedigh Ouraee
- **Reflection on the Signs of Commodification of the Sacred Affairs with Emphasis on Pilgrimage** 2
Zahra Bostan; Ali Yousefi; Sepideh Parsapajouh
- **Fear of Divorce and Attitude towards Marriage: A Study of Single Women in Tehran** 3
Marjan Rashvand Sorkh Kuleh; Fatemeh Vojdani
- **Analysis of Indicators of a Child-Friendly City with Emphasis on Educational Spaces (Case Study: Secondary High Schools in Islamabad Gharb City)** 4
Jamal Najafi; Safiyeh Damanbagh; Mahnaz Hoseini Siahgoli
- **A Study of Family Factors Underpinning Tendency Toward Social Deviance: A Review of Secondary Data from 2001 to 2025** 5
Taha Ashayeri; Solmaz Avarideh
- **Sociological Explanation of the Relationship between Pluralism and Secularization among Teachers in Isfahan** 6
Naser Nazarian; Ali Ghanbari Barzian; Seyed Ali Hashemianfar; Fatemeh Tabibi
- **A Sociological Study of Factors Underpinning Social Hope Among Citizens of Ilam City: A Structural Equation Modeling Approach** 7
Mahin Hosseinitabar; Mohsen Niazi
- **An Analysis of Bureaucracy Studies in Iran: A Systematic Review** 8
Mohammad Shamsi; Reza Hemati; Mahdi Malmir